اطلاعات

چهارشنبه ۱۲ خرداد ۱۳۹۵ – ۲۵ شعبان ۱۴۳۷ – یکم ژوئن ۲۰۱۶ – سال نودم – شماره ۲۶۴۵۳ – ۱۶ صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه – استان های تهران و البرز ۵۰۰ تومان – سایر استان ها ۳۰۰ تومان

سراج: سالانه ۶۳۰۰ میلیارد ریال فرار مالیاتی درکشور داریم

* رئیس سازمان بازرسی کل کشور: فردی که ۲۰۰ شرکت صوری ثبت کرده ۵۰۰۰ میلیارد ریال فرار مالیاتی دارد
* ۱۰ سازمان در موضوع آلودگی هوای تهران کوتاهی کرده‌اند

صفحه ۱۳

صالحی: اروپا متقاضی خرید ۲۰ تن آب سنگین ایران شد

* فروش ۳۲ تن آب سنگین به آمریکا به دلیل توقیف ۲ میلیارد دلار ایران متوقف شد
* قرارداد ساخت ۲ رآکتور تولید برق با روس‌ها منعقد شده است

صفحه ۱۳

رئیس جمهوری در جمع مردم مهاباد:

پیروان اقوام و مذاهب هیچ امتیازی نسبت به هم ندارند

* پیشرفت کشور در برقراری ارتباط دوستانه و سازنده با دنیاست
* باید متناسب با شایستگی زمینه فعالیت و بالندگی، برای هر فرد مهیا شود
* امنیت واقعی و پایدار در سایه محبت و پیشرفت ایجاد می‌شود
* همگان موظف به اجرای اقتصاد مقاومتی و به حداقل رساندن تأثیر فشارها بر کشور هستند
* مجتمع پتروشیمی مهاباد با حضور رئیس جمهوری گشایش یافت
* روحانی در جلسه توسعه و سرمایه‌گذاری استان آذربایجان غربی: دولت حرکت خود را با کمک و نظر فعالان اقتصادی تسریع و تصحیح می‌کند
* یکی از دستاوردهای بسیار مهم دولت یازدهم این است که صادرات غیرنفتی بر واردات پیشی گرفت

رئیس جمهوری دیروز در جمع مردم صمیمی و سربلند مهاباد با تاکید بر این که در جمهوری‌اسلامی‌ایران میان پیروان مذاهب و اقوام امتیاز و برتری وجود ندارد و همه گل‌های رنگارنگ ایرانند ، اظهارداشت: یک قانون‌اساسی، یک رهبری مقتدر و یک دولت داریم و پیشرفت در سایه اتحاد ممکن است.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی ریاست‌جمهوری ، حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی افزود: بدخواهان ببینند که ایران برای صنعتی کردن مناطق غربی و کردنشین مصمم است و افتتاح پروژه بزرگ

بقیه در صفحه ۲



برگزیدگان جشنواره فیلم مدافعان حرم معرفی شدند

صفحه ۳



یادگار گرامی امام در دیدار با وزیر ارشاد و جمعی از هنرمندان:

تعالی فرهنگی با «اجبار» ایجاد نمی شود

* پیام انقلاب برای آیندگان فرهنگی است
* شرط تعالی روحی یک جامعه، اختیار است
* تعالی فرهنگی محتاج «اختیار» و «شجاعت» است
* شرط تعالی فرهنگی شجاعت و بیان عقیده است

صفحه ۲

انتقاد شورای شهر از اجرا نشدن برنامه کاهش مخاطرات در پایتخت

* احمد مسجدجامعی عضو کمیسیون سلامت: شهرداری از برنامه‌های کاهش مخاطرات عقب است
* محمد سالاری رئیس کمیسیون شهرسازی: پروژه‌های بزرگ مقیاس تهران روی گسل‌های زلزله اجرا شده‌اند
* محمدتقی کره‌ای، رئیس سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور: تهران رکورددار نشست زمین در جهان است
* هنگام وقوع سیلاب در تهران، آب از کانال‌هایی که طراحی شده است عبور نخواهد کرد و پایتخت با خطرات جبران‌ناپذیری مواجه می‌شود

صفحه ۱۴

فانی: ۱۰۰ هزار کلاس درس با مشارکت خیران ساخته شد

* وزیر آموزش و پرورش: در مدارس خیرساز کشور بیش از ۲/۵ میلیون دانش‌آموز در حال تحصیل هستند

صفحه ۱۴

محک

خوش بود گر محک تجربه آید بمیان

ابوالقاسم قاسم‌زاده

جنگ آزادسازی «فلوجه»

عراق همچنان در جنگ با داعش بسر می‌برد که در کنار آن مشکلات و بحران سیاسی را نیز بهمراه دارد. «داعش» آغاز یورش طوفانی خود را از «فلوجه» آغاز کرد و شهر در همان ساعت اولیه حملات داعش سقوط کرد و مقر فرماندهی کل آنها شد. شهر «فلوجه» شهری کهن و تاریخی در عراق است که در استان انبار و در فاصله ۶۹ کیلومتری بغداد قرار دارد.

در شرح تاریخ این شهر آمده است، فلوجه شهری است در استان انبار عراق در ۶۹ کیلومتری باختر بغداد و در کرانه رود فرات. شهر فلوجه با جمعیت ۳۲۶ هزار نفر در جاده بغداد به اردن قرار گرفته است.

در عراق این شهر به «شهر مسجدها» شهرت دارد زیرا در فلوجه و روستاهای پیرامونش در حدود ۲۰۰ مسجد وجود دارد. فلوجه از قدیم از مراکز مهم سنی در عراق بوده است. تاریخ این شهر به زمان بابلی‌ها باز می‌گردد و دانشوران یهودی مهمی در این شهر زندگی می‌کرده‌اند.

الدلیم یا الدیلم قبیله‌ای در عراق است که اصل آن فارسی بوده و از الدیلم است. این قبیله ساکن استان انبار هستند.

منطقه فلوجه از هزاران سال پیش مسکونی بوده است. نام این شهر از واژه آرامی پلگوثه گرفته شده که برخی منابع معنی آن را «تنظیم‌کننده کانال‌های آب» دانسته‌اند و محل این شهر نیز در جای تقسیم آب فرات به سوی کانال‌های مختلف قرار دارد.

شکل عربی شده این نام یعنی فلوجه معنای «زمین قابل کشت» می‌دهد.

منطقه فلوجه در زمان ساسانیان جزء استان انبار شد. شهر انبار یا پیروز شاپور، یکی از شهرهای باستانی ایران زمان ساسانیان، شهر اصلی این منطقه بود. و امروزه ویرانه‌های آن در فاصله کمی از شمال فلوجه قرار گرفته است. شهر انبار در زمان فرمانروایی شاپور یکم ساسانی مورد تجدید بنا و بازسازی قرار گرفت و به نام شاپور نامگذاری شد. در این شهر مخازن بزرگ اسلحه و موادغذائی برای سپاهیان ساسانی ایجاد گردید، بدین سبب آنجا را شهر انبار نیز می‌نامیدند که نامی است فارسی.

در دوران معاصر، در زمان حکومت صدام حسین، فلوجه از مناطق اصلی پشتیبان رژیم او بود. در این دوران، بسیاری از افراد ارشد حزب بعث از اهالی فلوجه بودند و صدام به صنعتی کردن منطقه اقدام کرد و کارخانه‌های زیادی را در اطراف فلوجه بنا کرد.

مسیر بزرگ راهی که صدام حسین برای گذر از این شهر درنظر گرفته بود در جریان جنگ آمریکا با عراق تغییر کرد و باعث افول اهمیت آن شد.

از زمان حملات آمریکاییان به عراق این شهر از مراکز عمده نبرد با آمریکایی‌ها بوده است و درگیری افراد مسلح این شهر با نیروهای نظامی آمریکایی با سرکوب شدید آمریکاییان روبه‌رو شده است.

فرماندهان نظامی آمریکا ابتدا معتقد بودند که به‌جای حمله نظامی به فلوجه، باید شهر بزرگ موصل را آزاد کرد. اما اکنون تمرکز ارتش عراق و نیروهای ائتلاف، بر جنگ برای آزادسازی «فلوجه» قرار گرفته است. بر اساس گزارش‌های خبری نزدیک به ۵ هزار نفر از شهروندان فلوجه را داعش به‌صورت گروگان و سپر انسانی در جنگ به اسارت دارد و همین امر باعث شده است تا محاسبه حملات نظامی ارتش عراق تغییر کند، به‌خصوص که سراسر شهر مین‌گذاری شده است.

همین گزارش‌های خبری اطلاع می‌دهند که شهر در محاصره کامل ارتش و نیروهای مردمی عراق است و نزدیک به ۲۰۰۰ نفر از نیروهای داعش در محاصره‌اند و راه فراری ندارند. به همین علت نبرد سختی در جریان است و اگرچه نخست‌وزیر عراق خبر از آزادسازی کامل فلوجه تا دو روز دیگر را داده است، اما همچنان خطر تهاجمی داعش برقرار است تا مگر معادله جنگ و آزادسازی کامل شهر را بهم ریزد. اگر ارتش عراق پیروزی کامل در جنگ برای آزادسازی «فلوجه» را به دست آورد، این پیروزی بزرگترین موفقیت برای دولت و ارتش عراق و شکست بزرگ داعش خوانده می‌شود. برخی از کارشناسان نظامی گفته‌اند با آزادسازی «فلوجه» آزادسازی موصل تسهیل می گردد و منحنی فروپاشی داعش سرعت می‌یابد.

در این جنگ علاوه بر ارتش عراق، نیروهای مردمی، همچنین نیروهای نظامی کُرد شرکت دارند. جنگ در «فلوجه» فضای ملتهب سیاسی و اختلاف‌های داخلی در بغداد را تعدیل کرده است و در سراسر عراق و حتی در منطقه همه در انتظار نتایج نهایی این جنگ هستند. «فلوجه» به نقطه عطف بزرگ برای پاک‌سازی عراق از حضور داعش شده است. همزمان تهدیدهای تروریستی داعش در عملیات انتحاری افزایش پیدا کرده است و بسیاری از کارشناسان نظامی و سیاسی معتقدند، تشدید عملیات انتحاری در بغداد و در دیگر مناطق عراق، خود نشانه افول این گروه تروریستی است. واقعیت این است که داعش به مرحله فروپاشی رسیده است و دیگر قدرت حفظ مناطق اشغالی را ندارد. اگر فلوجه آزاد گردد؛ بغداد از امنیت نسبی بالاتری برخوردار خواهد شد و مسیر بیرون راندن داعش از عراق هموارتر خواهد گردید. اما همانگونه که در آغاز نوشته یاد شد، عراق امروز جبهه بحرانی دیگر در حفظ دولت مرکزی و مشکلات سیاسی دارد که بخشی از این بحران سیاسی از خارج از مرزهای عراق هدایت می‌گردد. آینده‌نگری درباره عراق به‌لحاظ دخالت‌های خارجی و نفوذ قدرت‌های بیگانه در این کشور، دو چندان شده است تا آنجا که وحدت ملی عراق در معرض تهدید قرار گرفته و با پیروزی بر داعش، مشکلات سیاسی داخلی عراق آشکارتر خواهد شد.

چشم‌های معطوف به عراق در انتظار نبرد نهایی در «فلوجه» است تا پس از پاک‌سازی شهر از داعش، واکنش‌های مثبت آن در مدیریت سیاسی کلان عراق دیده شود.

همایش بین‌المللی گفتمان سیاسی امام خمینی (ره) و جهان معاصر امروز برگزار می‌شود

همایش بین‌المللی گفتمان سیاسی امام خمینی(ره) و جهان معاصربا هدف تبیین مولفه‌های اساسی اسلام سیاسی امام خمینی(ره) درمقایسه با اسلام‌های سیاسی معاصرخصوصا درمقایسه با اسلام طالبان و داعش برگزارمی‌شود.

مهدی فیض دبیرهمایش با اعلام این خبرافزود: این همایش یک روزه ازصبح امروز در محل سالن همایش‌های بین‌المللی سازمان اسناد وکتابخانه ملی برگزارمی‌شود. درمراسم افتتاحیه این همایش، حجت‌الاسلام والمسلمین سید حسن خمینی سخنرانی می‌کند و پیام ویدئویی آیت‌الله العظمی جوادی‌آملی پخش می‌شود. وی درادامه خاطرنشان کرد: سپس درسه پنل، ۱۵مقاله ارائه می‌شود. درهر پنل یک استاد خارجی، یک نفر ازاقلیت‌های مذهبی و سه نفرازصاحبنظران داخلی به ارائه مقاله می‌پردازند. دبیرهمایش درپایان با بیان این که علاوه براساتید خارجی و اقلیت‌های مذهبی، ۲۰۰ نفر از مهمانان خارجی مراسم سالگرد ارتحال امام دراین همایش حضور دارند گفت: ما ازعموم علاقه‌مندان به اندیشه‌های حضرت امام (ره) دعوت می‌کنیم که دراین همایش حضور یابند.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی: باید با تحقیقات جامع، معضل بحران آب را حل کرد

آیت‌الله‌هاشمی رفسنجانی، دردیداراعضای گروه سرمایه‌گذاری آل‌طه ، با اشاره به اهداف تأسیس و دستاوردهای جهاد سازندگی درکشور، گفت: هیچکس نمی‌تواند منکراخلاص نیروهای جهاد سازندگی باشد؛ چرا که درجنگ به عنوان سنگرسازان بی‌سنگر، حامی رزمندگان درخطوط مقدم بودند و پس از جنگ، دردوران سازندگی طرح‌های بسیارمهمی را به انجام رساندند.

به گزارش روابط عمومی مجمع تشخیص مصلحت نظام،هاشمی رفسنجانی، با اشاره به ظرفیت‌ها و قابلیت‌های ایران ازلحاظ منابع طبیعی، نیروی انسانی مستعد، مردمی وفاداربه نظام ومکتب اهل بیت(ع)، گفت: باید با توجه به همه‌این زمینه‌ها و ظرفیت‌ها برای پیشرفت ایران گام‌های اساسی برداریم و زیبنده نظام نیست جوانان تحصیلکرده‌اش از بی‌اشتغالی گلایه کنند.

وی با اشاره به مشکلات آب درگذشته، امروزوآینده آن درکشور، گفت: باید با تحقیقات جامع، معضلی را که بحران آینده جهان خواهد بود، حل کرد و دراین راه تجربیات جهاد سازندگی درآبخوانداری وآبخیزداری‌ها و نوآوری‌های شرکت‌های جهادی، بسیارسودمند خواهد بود.

وی با تأکید برجایگاه مردم ایران دردنیا، گفت: شهردار وین که اخیراً به ایران آمد ، دردیداربا من به صراحت اعتراف کرد که بحث جدی بین دولت‌های اروپایی مطرح شده که چگونه ایران در منطقه‌ای که کاملاً نا امن است، امنیتی پایداروستودنی دارد؛ درحالی‌که همه ما می‌دانیم این امنیت مرهون قدرت نظامی، امنیتی، اطلاعاتی و مهمترازهمه وفاداری مردم، به نظام و آرمان‌های امام(ره) و شهداست. هاشمی رفسنجانی، با ابراز تأسف ازمنفی‌بافی‌های عده‌ای محدود درماجرای مذاکرات هسته‌ای، گفت: عضویت درباشگاه هسته‌ای جهان، به فعالیت‌های صلح‌آمیزهسته‌ای ایران رسمیتی بین‌المللی بخشیده است وآژانس موظف و مکلف است که نیازهای علمی و تجهیزاتی ایران را در این زمینه فراهم کند.

رئیس جمهوری: پیروان اقوام و مذاهب هیچ امتیازی نسبت به هم ندارند

بقیه از صفحه اول

پتروشیمی مهاباد گام نخست است و صنایع پایین دستی هم باید در منطقه توسعه یابد.

رئیس‌جمهوری، امنیت واقعی و پایدار را در سایه محبت و پیشرفت دانست و با بیان این که با آموزش و پرورش مشغول تمهید اجرایی‌شدن اصل ۱۵قانون اساسی هستیم ، گفت: تبعیض قومیتی را نمی‌پسندم. اصل در استخدام باید شایستگی باشد و زبان مادری اقوام به ویژه کردی باید محترم باشد و البته مراکز زبان اقوام در حال توسعه است. روحانی ابراز امیدواری کرد ثمره همکاری بیشتر دولت و مجلس آبادترشدن ایران باشد. وی گفت: به صراحت اعلام می‌کنم به عنوان رئیس جمهوری اسلامی ایران و رئیس شورای عالی امنیت ملی، در ایران اسلامی هیچ کسی حق ندارد، میان مسلمان و پیرو یک مذهب با مذهبی دیگر امتیازی قایل شود.

روحانی تأکید کرد: تمامی مردم مسلمان چه شیعه و چه سنی در حقوق شهروندی، مساوی هستند و اصل در مسئولیت و شایستگی است و باید متناسب با شایستگی زمینه فعالیت و بالندگی، برای هر فرد مهیا شود.

رئیس دولت تدبیر و امید افزود: برای من کافی نیست یکی از سفرای کشور یا یکی از معاونان در وزارتخانه‌ها اهل سنت و اهل کردستان باشد. نباید میان اقوام تفاوتی وجود داشته باشد. روحانی با بیان این که قبل از بحث قومیت همه ایرانی هستیم و در این دیار به مسلمانی خود افتخار می‌کنیم، اظهار داشت: افتخار به قومیت در مرحله سوم و بعد از ایران و اسلام وجود دارد. رئیس جمهوری با اشاره به این که قومیت‌های مختلف مانند گل‌های رنگارنگ در باغی بزرگ تجلی می‌یابند، ادامه داد: نخست به فکر حفظ باغ باشیم، آنگاه گل‌های رنگارنگ را حراست کنیم.

روحانی افزود: امروز خوشحالیم که در آذربایجان غربی یک همزیستی مسالمت‌آمیز میان مسلمان و غیرمسلمان، شیعه و سنی و اقوام مختلف از جمله کرد، ترک و فارس وجود دارد. رئیس دولت یازدهم با تاکید بر این که همه یک آرزو بیشتر ندارند و آن آبادانی ایران اسلامی است،گفت: آنهایی که امروز در منطقه و در عراق و سوریه، فتنه، تروریسم و کشتار را شایع می‌کنند، مردم بی‌گناه را می‌کشند و به ناروا لقب مسلمان به خود می‌دهند، نسبتی با اسلام، قرآن و انسانیت ندارند.

رئیس‌جمهوری تصریح کرد: ما تابع قرآنی هستیم که می‌گوید، انسان‌ها دارای کرامت، عظمت، عزت و جایگاه بلند هستند. هیچ تفاوتی میان انسان‌ها وجود ندارد و همه مخلوق خداوند هستیم به ویژه ما مسلمانان که برادر یکدیگریم.

روحانی با اشاره به این که با همسایگان ارتباط دوستانه وسازنده می‌خواهیم، تأکید کرد: باید با تمامی کشورهای همسایه رقابت سالم و همچنین ارتباط دوستانه، صمیمانه و سازنده داشته باشیم. رئیس جمهوری با اشاره به موقعیت جغرافیایی استان آذربایجان غربی و همسایگی با سه کشور منطقه، اظهار داشت: این فرصتی بزرگ برای مردم این سرزمین است و دولت وظیفه خود می‌داند که با تمامی کشورهای جهان که قصد خصومت با ایران ندارند، ارتباطی دوستانه و سازنده برقرار کند.

روحانی ادامه داد: با کمک، حمایت و رأی شما در انتخابات ۹۲ کاری کردیم تا دیوارهای منحوس تحریم که میان ملت ایران و ملت‌های دیگر فاصله افکنده بود، تخریب شود.

وی با اشاره به این که امنیت واقعی و پایدار در سایه محبت و پیشرفت ایجاد می‌شود، تأکید کرد: به منطقه اعلام می‌کنیم که برای برقراری امنیت، راهی جز اعتدال و توسعه ندارد و در دنیای امروز هیچ کشوری به پیشرفت نخواهد رسید، مگر آن که با کشورهای دنیا، به ویژه همسایگان ارتباط دوستانه و سازنده برقرار کرده باشد.

روحانی با بیان این که یکی از وظایف مهم دولت آماده کردن شرایط اشتغال برای جوانان عزیز این مرز و بوم است، افزود: خوشحالم که امروز بزرگترین واحد صنعتی در تاریخ این منطقه با ۳۰۰ هزار تن محصول سالانه افتتاح شد و این پروژه، دروازه‌ای برای صنعتی‌شدن منطقه خواهد بود. گاز از طریق یک خط لوله ۱۶۹۰ کیلومتری به این مناطق انتقال داده شد که این کاری بزرگ، کم‌نظیر و بی‌نظیر است.

رئیس‌جمهوری تأکید کرد: آنهایی که به دروغ می گفتند دولت ایران می‌خواهد در مناطق کردنشین فقط کشاورزی باشد و هیچ گاه صنعت وارد نشود، با چشم باز ببینند که واقعیت را نگفتند. روحانی تصریح کرد: همه تلاش خود را برای رشد، تکامل به ویژه صنعتی‌کردن مناطق غربی و کردنشین به کار خواهیم بست. رئیس‌جمهوری ادامه داد: این طرح پتروشیمی گام نخست است و صنایع پایین‌دستی مربوط به همین پتروشیمی است که در منطقه ایجاد اشتغال می‌کند.

روحانی با اشاره به این که دولت توان خود را به کار می‌گیرد تا راه برای فعالیت صنایع پایین‌دستی در کشور گشوده شود،گفت: باید همه مردم بومی منطقه در شرایطی مساوی از یک پروژه عظیم صنعتی استفاده کنند اما در عین حال یک صنعت پیچیده در زمان ساخت و تجهیز به متخصصانی از سراسر کشور نیاز دارد . روحانی افزود: اگر متخصصی میهمان شهر مهاباد شد، به نفع رونق اقتصادی این شهر است.

نظم و امنیت در کشور

وی با قدردانی از نیروهای مسلح و نهادهای امنیتی برای برقراری نظم و امنیت در کشور، اظهار داشت: باید امنیت و نظم برای نخبگان جامعه فراهم شودو امنیت واقعی در سایه محبت، دوستی و توسعه به وجود خواهد آمد .

رئیس جمهوری با ا شاره به این که بیکاری، نبودن دانشگاه، فرهنگ و توسعه، ناامنی به بار خواهد آورد،تأکید کرد: تبعیض قومیتی را محکوم می‌کنم، اصل در استخدام و جذب باید علم، دانش، تعهد و شایستگی باشد.

رئیس جمهوری با اشاره به اهمیت احترام به تنوع قومی و زبان مادری در ایران اسلامی، ادامه داد: دستور تأسیس مرکزی در کردستان برای آموزش زبان کردی داده شد و برای اجرای اصل پانزدهم قانون اساسی در وزارت آموزش و پرورش بحث و بررسی‌های لازم انجام شده است. روحانی با بیان این که بعد از برجام فضای بهتری برای رونق اقتصادی در ایران از جمله آذربایجان‌غربی مهیا می‌شود، گفت: انشاءالله شاهد توسعه و پیشرفت روزافزون در سرزمین ایران اسلامی خواهیم بود . رئیس‌جمهوری اظهار امیدواری کرد ثمره همکاری بیشتر دولت و مجلس، آبادترشدن ایران اسلامی باشد.

روحانی ادامه داد: جمهوری‌اسلامی‌ایران یعنی نظام برگزیده همه اقوام و بخش‌های کشور، نه فقط به فکر منافع مردم و سرزمین خود، بلکه به عنوان وظیفه اصلی، در اندیشه حمایت از مردم منطقه است. رئیس‌جمهوری بابیان این که وقتی اربیل، بغداد و دمشق در خطر سقوط بود، ملت ایران به ندای مظلومان منطقه جواب مثبت داد اظهار داشت: باید به امنیت، بالندگی، سرزندگی و نشاط در ایران اسلامی که بدون در نظر گرفتن مذهب و قومیت ایجاد شده است، افتخار کنیم.



افتتاح مجتمع پتروشیمی مهاباد

مجتمع پتروشیمی مهاباد با واحدهای تولیدی پلی اتیلن سنگین و سبک خطی با ظرفیت تولید ۳۰۰ هزار تن در سال و بوتن -۱ با ظرفیت تولید ۳۰ هزارتن در سال با حضور و فرمان رئیس جمهوری افتتاح شد. روحانی دیروز پس از دیدار با مردم شهرستان مهاباد و افتتاح این طرح پتروشیمی از بخش‌های مختلف این مجموعه صنعتی بازدید کرد و با توضیح متخصصان و مسئو لان در جریان روند فعالیت‌ها و محصولات مجتمع پتروشیمی مهاباد قرار گرفت .

مجتمع پتروشیمی مهاباد برای توسعه تولیدات پتروشیمیایی در کشور و ایجاد اشتغال و تولید مولد و همچنین توسعه صادرات پترو شیمیایی ، استفاده بهینه از منابع گازی کشور و ایجاد ارزش افزوده بر روی سرمایه‌های ملی با مشارکت پتروشیمی ایران و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی شکل گرفته است. بهره‌برداری رسمی از این مجتمع پتروشیمی تحول بزرگی در رفع محرومیت‌ها وهمچنین اشتغالزایی در این منطقه ایجاد خواهد کرد، به گونه‌ای که در آینده نزدیک می‌توان شاهد توسعه صنایع پایین دستی پتروشیمی در غرب کشور و ایجاد زیرساخت‌های توسعه‌ای در نقاط کمتر توسعه یافته این منطقه بود .

مجتمع پتروشیمی مهاباد یکی از طرح‌های پتروشیمی ۱۲ گانه در امتداد خط لوله اتیلن غرب است و این طرح از دی پارسال تولید خود را آغاز کرد و تاکنون چند محموله از محصولات این مجتمع به خارج از ایران صادر شده است.

رئیس جمهوری در آیین گشایش مجتمع پتروشیمی مهاباد، تبلور توانمندی صنعتی در مناطق کشور را نماد تحقق اقتصاد مقاومتی دانست و تصریح کرد: همگان موظف به اجرای اقتصاد مقاومتی و به حداقل رساندن تاثیر فشارها بر کشور هستند و باید به تلاش‌های خود برای تحقق سیاست‌ها و اهداف اقتصاد مقاومتی بیفزایند. روحانی در جمع مدیران و کارکنان این مجتمع پتروشیمی ،اظهارداشت: آبادانی سریعتر کشور نیازمند اقدامات جبرانی است و باید برای ایجاد تعادل صنعتی و اقتصادی در مناطق کشور تلاش کنیم. رئیس‌جمهوری با بیان این که تقویت ارتباط با همسایگان و جهان به ارتقای اقتصاد و امنیت کمک می‌کند، گفت: ارتباط فرهنگی با همسایگان و تعادل صنعتی در مناطق، اقتصاد مکمل را شکل می‌دهد.

وی ابراز امیدواری کرد صنایع پایین‌دستی در پتروشیمی مهاباد راه توسعه اقتصادی منطقه را زمینه‌سازی کند.

جلسه شورای اداری استان آذربایجان غربی

رئیس جمهوری همچنین در جلسه شورای اداری استان آذربایجان غربی در ارومیه تاکید کرد: دولت به همه بندهای سیاست اقتصاد مقاومتی باور دارد و برای اجرای آنها حرکت می‌کند. روحانی با بیان این که تحول و رشد مطلوب نیازمند جذب سرمایه است ، گفت: باوجود محدودیت شدید منابع، تلاش دولت حفظ شاخص‌های کلان اقتصادی در وضع مثبت است .

روحانی، هماهنگی و همدلی میان قوا را در مسیر رفع مشکلات کشور بسیار حائز اهمیت خواند و اظهار داشت: رسیدن به توسعه، پیشرفت، سرمایه‌گذاری و فعالیت نیاز به هماهنگی میان قوا دارد و در دولت یازدهم تلاش ما همواره در افزایش همکاری، تعامل و همدلی با قوای دیگر بوده است.

رئیس‌جمهوری اظهار امیدواری کرد با همکاری بیشتر دولت و مجلس دهم بتوان در مسیر رفع مشکلات مردم و توسعه کشور بیش از پیش تلاش کرد.

وی با اشاره به این که بر خلاف اهداف سند چشم‌انداز، متوسط نرخ رشد ۱۰ سال گذشته زیر ۳درصد بود، اظهارداشت: دولت در مجموع حدود ۳ سال فعالیت خود اقدامات خوبی انجام داد که البته در حد توان بود و بی‌عیب و نقص نبوده است. روحانی با اشاره به برخی اقدامات دولت برای عبور از مشکلات در کشور، خاطر نشان کرد: دولت پارسال با وجود افت شدید قیمت نفت توانست بدون استقراض کشور را اداره کند و این در حالی است که بسیاری از کشورها در منطقه با مشکلات عدیده‌ای مواجه بودند.

رئیس‌جمهوری با اشاره به این که باید در حیات اقتصادی جامعه شاخص‌های اقتصادی مدنظر قرار گیرد، گفت: تلاش دولت این بود که با برنامه‌ریزی، شاخص‌های اقتصادی از جمله کاهش تورم و رشد اقتصادی مثبت شود.

روحانی توسعه روابط با کشورهای خارجی، تقویت انسجام و وحدت در کشور و جذب سرمایه داخلی و خارجی را از ضروریات رسیدن به تحول و رشد در کشور برشمرد و افزود: باید با بهره‌گیری از سرمایه‌ها و منابع غیردولتی داخلی و خارجی و انجام پروژه‌های مشترک بتوانیم تحول خوب و مطلوبی در مسیر رسیدن به رشد و توسعه ایجاد کنیم.

بقیه در صفحه ۱۴

یادگار گرامی امام: تعالی فرهنگی با «اجبار» ایجاد نمی‌شود

یادگارگرامی امام با تأکید بر دو عنصر «اختیار» و «شجاعت» برای تعالی فرهنگی، به مسئولان فرهنگی کشور توصیه کرد ازدشنام، تهدید و ضربه‌نترسند.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی و خبری جماران، حجت‌الاسلام والمسلمین سید حسن خمینی در دیدار وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، معاونان و مدیران این وزارتخانه و جمعی از هنرمندان کشور با تشکر از وزیر«ارزشمند»، «خدوم» و«فرهنگ شناس» کشور، اظهار داشت: گزافه نیست اگرکسی ادعا کند انقلاب اسلامی، انقلابی دارای ریشه‌های فرهنگی است، بدین معنا که هم شعارهای اصلی آن فرهنگی است و هم طبقه رهبران انقلاب متشکل از افراد اندیشمند و فرهنگی هستند و هم پیام انقلاب برای آیندگان فرهنگی است .

یادگار امام با اشاره به صبغه فرهنگی سردمداران انقلاب از رهبرکبیر آن گرفته تا سایر مبارزین این مسیر، یادآور شد: خاستگاه همه این شخصیت‌ها در حوزه اندیشه، علم و خرد بود ،درحالی که درسایرانقلاب‌ها این گونه نیست و بعضا سران انقلاب ریشه‌های کارگری، اقتصادی یا سیاسی داشتند.

سید حسن خمینی با اشاره به تعریف دشوار فرهنگ و کژتابی‌های این اصطلاح، گفت: فرهنگ از زمره مسائلی است که تعالی آن جزبه «اختیار» نیست. ما می‌توانیم جلو هجمه فرهنگی را با «بستن»ها بگیریم، اما تعالی فرهنگی را با «اجبار» نمی‌توان ایجاد کرد و انسان‌ها باید خودشان بخواهند تا متعالی شوند. کسی می‌تواند جلو دسترسی دیگران به شرب خمر را بگیرد اما نمی‌تواند کسی را وادار به نیت‌کردن برای نماز کند؛ چرا که درصورت اجبار انسان نماز بدون نیت می‌خواند که با عدم خواندن آن تفاوتی نمی‌کند، لذا شرط تعالی روحی یک جامعه، اختیاراست.

یادگار امام با بیان این که تعالی فرهنگی محتاج«اختیار»و«شجاعت» است، تصریح کرد: کسانی که مسئول امور فرهنگی می‌شوند، با هرعقیده‌ای که هستند، باید برای عقیده خودشان آن قدر ارزش قائل باشند که قادر باشند شجاعانه آن را ترویج کنند وگرنه به دروغ می گویند بدان معتقدند.

وی گفت: اگرکسی بداند وقتی سه جمله می‌گوید آقای جنتی کوتاه می‌آید، به سخنان خود ادامه می‌دهد. همیشه کسانی هستند که هرچیزی می‌گویند وهیچ شخصیت بزرگی درتاریخ بشریت بی‌فحش‌خوردن بزرگ نشده است، همان‌گونه که امام در روزگار خود فحش‌ها و طعن‌های زیادی شنید.

وی با اشاره به داستان «منطق ماشین دودی» که شهید مطهری آن را نقل کرده است، یادآور شد: براساس این داستان وقتی قطاردرایستگاه ایستاده است، همه با عظمت به آن نگاه می‌کنند، اما هنگام حرکت‌کردن به آن سنگ می‌زنند؛ اگر دیدید به شما سنگ نمی زنند بدانید اشکالی در کار شماست و ایستایی دارید؛ اگر این‌گونه بودید باید به خود تردید کنید. شرط تعالی فرهنگی شجاعت و بیان عقیده است؛ این بیان می‌تواند در قالب موسیقی، شعر، ادبیات و... باشد.

سید حسن خمینی خطاب به مسئولان وزارت ارشاد گفت: از دشنام، تهدید و ضربه نترسید؛ گرچه ترس یکی از لوازم انسانیت است و وقتی می گوییم نترسید، یعنی ترس خود را کم کنید. زیرا هرکس بگوید نمی ترسم دروغ می گوید و انسان‌هایی که دچاراین حالت نمی‌شوند بسیاراندک هستند؛ مانند علی(ع) که فرمودند «نمی‌ترسم»؛ اما این که ترس در وجود ما هست، دلیل آن نیست که درامور بترسیم. انسان آمیخته‌ای ازخیروشراست وانسان باید دائما تلاش کند خیر را گسترش دهد و شر را کم کند. درابتدای این دیدار، وزیرفرهنگ و ارشاد اسلامی سخنانی ایراد کرد. همچنین محمدعلیزاده و حجت اشراف زاده ازهنرمندان کشورمان قطعاتی را اجرا کردند.

بیمه زائران مراسم ارتحال امام خمینی(ره)

معاون خدمات شهری شهرداری تهران با اشاره به آمادگی شهرداری تهران برای ارائه خدمات در پهنه‌ای به وسعت دو هزار هکتار برای شرکت‌کنندگان مراسم بیست و هفتمین سالگرد ارتحال امام خمینی(ره)، از بیمه‌شدن تمامی زائران خبر داد.

مجتبی عبداللهی در جمع خبرنگاران گفت: بیش از ۱۰۰ دستگاه چادر اسکان برای زائرانی که از استان‌های مختلف و از شب قبل برای شرکت در مراسم ارتحال امام راحل به مجموعه مرقد مطهر می‌آیند، درنظر گرفته شده است.

وی گفت: ۳۸۰۰ نفر نظافت و رفت و روب حرم و اطراف آن را بر عهده دارند. همچنین بیش از هفت هزار تن کیسه زباله تهیه شد تا در اختیار کاروان‌ها قرار گیرد. مخازن پسماند هم در اطراف حرم و پارکینگ‌ها جانمایی شده است و در مجموع ۹۴۰ نوع خودرو سبک و سنگین نظافت محوطه حرم مطهر را انجام خواهند داد.

وی تاکید کرد: در بخش بهداشت و درمان هم شرکت شهرسالم شهرداری تهران با بیش از ۷۰ نفر کادر پزشکی در مرقد مطهر مستقر می‌شود و با ایجاد درمانگاهی با ۲۰ تخت به زائران خدمات‌رسانی می‌کند.

معاون خدمات شهری شهرداری تهران در تشریح اقدامات حمل و نقلی شهرداری تهران برای برگزاری بیست و هفتمین سالگرد ارتحال امام راحل، گفت: خط یک مترو در روز ۱۴ خرداد ماه رایگان خواهد بود و روز ۱۳ خرداد هم از ساعت ۸ شب به طور رایگان به مردم ارائه خدمات خواهد کرد.

همچنین چهار هزار دستگاه اتوبوس از ساعت ۶ صبح تا ۱۴ در میادین شهر تهران برای انتقال شهروندان مستقر می‌شوند. وی افزود: همه زائران حرم مطهر امام‌راحل در ایام برگزاری این مراسم بیمه خواهند بود و زائرانی که از استان‌های دیگر می‌آیند هم از لحظه سوار شدن به اتوبوس‌ها زیر پوشش بیمه قرار می‌گیرند.

شخص‌محوری و کم‌شدن ایثار از آفات دوره ماست

براساس این گزارش، حجت‌الاسلام والمسلمین سید حسن خمینی همچنین در دیدار رئیس و اعضای سازمان جوانان هلال احمر با تأکید بر ضرورت خارج‌شدن انسان از افق فردی، یکی از آفات دوره ما را شخص محوری و کم‌شدن ایثار و فداکاری دانست و اظهار داشت: اگر بنا باشد هرکس بر اسب خودش نهیب بزند جامعه انسانی مشکل پیدا می‌کند.

یادگارگرامی امام با اشاره به این که اگر می‌خواهیم بدانیم یک انسان چقدر بزرگ است باید ببینیم او چه مقدار بر جامعه تأثیرگذاشته و محدوده و بازده زمانی این تأثیرچقدراست؟ افزود: این میزان تأثیر در درون خودش کسری دارد؛ گاهی یک جمع تأثیری را ایجاد می‌کنند که باید سهم هریک از افراد و اجزاء آن را معین کرد. به طور مثال کامپیوتر که زندگی همه را تحت‌تأثیر خودش قرار داده است، یک نفر ابداع نکرده است و انسان‌های متعدد در این کار به همدیگر کمک کردند.

وی امام خمینی(ره) را یکی از انسان‌های بزرگ دانست و گفت: میزان گرایش به معنویت و بازگشت معنویت به عرصه حیات اجتماعی در قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، حتی در میان مسیحیان، هندوها و کسانی که با ما هم دین نیستند قابل مقایسه نیست و می‌توان گفت انقلاب اسلامی آخرین فریادهایی است که از درون آن فروپاشی امپراطوری شوروی بیرون می‌آید؛ آن هم در زمانی که شوروی عظمت داشت و نصف دنیا تحت تأثیر این حکومت مارکسیستی بود، اما امروز درحد یک امپراطوری فروپاشیده است.

یادگارامام با تأکید برمتفاوت بودن بزرگی انسان‌ها، اظهارداشت: یکی از عوامل «بزرگی» این است که انسان‌ها سعی کنند از افق فردی خارج شوند.

وی مقوله هلال احمر را کار برای خدا و احساس مسئولیت نسبت به همنوع دانست و افزود: این که انسان از پوسته خودش بیرون می‌آید و به جایی می‌رسد که ممکن است خود را فدا کند اوج ایثاراست.

به عنوان مثال درجنگ تحمیلی آدم‌ها ازجان خودشان برای دفاع از چیزی که فراتراز شخص بود می‌گذشتند، البته ممکن است کسانی به آن مرحله نرسند و فقط پول، آبرو یا حتی وقت خود را بگذارند که دراین میان، وقت گذاشتن حداقل کاری است که می‌توانیم انجام دهیم.

وی در پایان گفت: کار هلال احمر و کار جمعی، کمک‌رسانی و دستگیری از خلق کارهایی است که ارزش انسانی انسان‌ها را بالا می‌برد؛ جدای از آثار بزرگی که از ناحیه خداوند دستگیر انسان می‌شود.

سخنان وزیر ارشاد

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با بیان اینکه آموزه های امام مشعل فروزانی بر سر راه همه ما است، تأکید کرد: امروز به برکت آموزه‌های امام خمینی (س) ملت ما دارای اقتدار، عظمت و سربلندی در میان همه ملت های دنیا است و علی رغم همه فعالیت هایی که علیه ایران و برای ایران هراسی صورت می گیرد، دنیا به ملت ایران با دیده عظمت و احترام نگاه می‌کند.

به گزارش خبرنگار پایگاه اطلاع رسانی و خبری جماران، علی جنتی در دیدار با یادگار امام در حسینیه جماران، گفت: این انقلاب که با رهبری امام خمینی(س) و حمایت مردم و تأییدات خداوند به پیروزی رسید و تداوم یافت از فراز و نشیب های بسیاری عبور کرده است.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با تأکید بر اینکه امام خمینی (س) با انفاس قدسیه خود روح تازه ای در کالبد ملت ایران دمید، افزود: امام جوانان و حوزه های علمیه را متحول کرد و فضائل اخلاقی را در جامعه گسترش داد. امام به ما خودباوری را آموخت.

وی ضمن بیان اینکه اقتصاد مقاومتی دور نمای توسعه و رشد مادی و معنوی کشور را نوید می‌دهد، گفت: امام روحیه استکبار ستیزی، ظلم ستیزی و استقلال طلبی را در جامعه ما تقویت کرد و بر عدالت اجتماعی، فقرزدایی و رهایی جامعه از اختلافات طبقاتی تأکید می کرد. امام اجتهاد پویا و اسلام سیاسی را مطرح کرد و آنچه ما به عنوان جمهوری اسلامی شاهد هستیم ثمره تفکری بود که امام بنیانگذار آن است.

جنتی افزود: امام خمینی (س) به ما ساده زیستی، تهذیب نفس، وحدت گرایی و مقابله با هواهای نفسانی را آموخت. همواره امام ما را به وحدت، یک پارچگی و انسجام دعوت می کرد. امام همه به خصوص مسئولین را به تهذیب نفس و خودسازی قبل از تصدی هر امری دعوت می کرد.

وی رهنمودهای امام را مشعل فروزانی بر سر راه همه ما دانست و گفت: امروز به برکت این رهنمودها و با هدایت مقام معظم رهبری ملت ما توانسته با عبور از کوره راه ها به استقلال و آزادی دست یابد. امام مردم سالاری دینی را بنیان نهاد و ملت ما در طول نزدیک به ۴ دهه بارها پای صندوق های رأی رفته و سرنوشت خودش را تعیین کرده است.

وی با ابراز خوشحالی از اینکه آرمان های امام خمینی (س) در جهان انتشار پیدا کرده است، گفت: میلیون ها نفر از ملت ها برای نجات خود از زیر بار سلطه حکومت های استکباری از ایده‌های امام الهام می‌گیرند. حزب‌الله لبنان با الهام از آموزه های امام به وجود آمد، رشد کرد و توانست در برابر رژیم صهیونیستی بزرگترین حماسه ها را بیافرینند.

جنتی در پایان اظهار داشت: جمع حاضر در طول سال های گذشته همراه با ملت ایران همواره از آرمان های امام دفاع کردند و اکنون نیز آمدیم با یادگار امام پیمان ببندیم که همواره پیرو امام و مروج اندیشه های بلند او هستیم و با قلم، بیان و تولیدات هنری خود تلاش می کنیم که نسل جوان را با آرمان‌های امام بیشتر آشنا کنیم.

همچنین محمدعلیزاده و حجت اشرافزاده از هنرمندان کشورمان قطعاتی را اجرا کردند

ریاست یکساله لاریجانی بر مجلس دهم

سرویس سیاسی– اجتماعی: اعضای هیات‌رئیسه یکساله مجلس دهم مشخص شدند .

به گزارش خانه ملت، در جلسه علنی روز گذشته، علی لاریجانی با ۲۳۷رای موافق به عنوان رئیس مجلس در دوره دهم انتخاب شد.

مسعود پزشکیان با کسب ۱۵۸رأی و علی مطهری با کسب ۱۳۳رأی از مجموع ۲۷۳رأی به عنوان نواب اول و دوم انتخاب شدند.

بر این اساس محمد آشوری تازیانی با ۱۶۵رأی، بهروز نعمتی با ۱۵۴رأی و محمد قسیم عثمانی با ۱۳۸رأی از مجموع ۲۷۸رأی ماخوذه، توانستند اکثریت آرا را برای جایگاه ناظران به دست آورند.

علاوه بر این غلامرضا کاتب با ۱۴۶ رای، سیدامیرحسین قاضی‌زاده‌هاشمی با ۱۴۶رای، اکبر رنجبرزاده با ۱۴۰ رای، علی‌اصغر یوسف‌نژاد با ۱۳۵ رای، احمد امیرآبادی فراهانی با ۱۲۵رای و محمد علی وکیلی با ۱۲۴رای از مجموع ۲۷۵ رای توانستند با اکثریت آرا به عنوان دبیران هیات‌رئیسه مجلس انتخاب شوند.

درجلسه علنی روز گذشته، منتخبین دهمین دوره مجلس همه اعتبارنامه‌های ارجاعی به صحن علنی مجلس را مصوب کردند. اعتبارنامه‌های منتخبان مردم در روزهای یکشنبه و دوشنبه در شعب ۱۵گانه به تصویب نمایندگان رسید و سخنگوهای شعب ۱۵گانه اسامی منتخبین تصویب شده در شعب را قرائت کردند.

بنابراین گزارش جلسه بعدی مجلس یکشنبه، ۱۶ خردادماه رأس ساعت ۸ صبح برگزار می‌شود.

دستور جهانگیری به وزیر نفت برای اصلاح مدل قراردادهای نفتی

معاون اول رئیس جمهوری نسبت به اصلاح مدل قراردادهای نفتی جدید به وزیر نفت دستور تهیه پیشنهادهای اصلاحی داد.

پس از انتشار نامه احمد توکلی، نماینده دوره نهم مجلس و رئیس سازمان دیدبان شفافیت و عدالت به معاون اول رئیس‌جمهوری که در آن استفاده از مدل جدید قراردادهای نفتی را برخلاف مصالح ملی و منافع استراتژیک نظام اعلام کرده و خواستار تغییر استراتژیک راهبرد دولت در جذب سرمایه و فناوری خارجی در صنعت نفت و گاز شده بود، دیروز دکتر اسحاق جهانگیری با تقدیر از تهیه نامه و در پاسخ به آن، به وزیر نفت دستور تهیه پیشنهادهای اصلاحی برای تصویب در هیات دولت را داد.

متن نامه دفترمعاون اول رئیس جمهوری به مهندس زنگنه و دکتر محمدی به این شرح است:

نامه شماره ۳/۷۱۶ الف مورخ ۹۵/۱/۳ جناب دکتر توکلی نماینده دوره نهم مجلس و ضمیمه آن درباره گزارش مباحثات جمعی از منتقدان با مقامات وزارت نفت باعنوان چرا دولت در جذب سرمایه خارجی باید به طور استراتژیک تغییر رویکرد دهد؟ به استحضار اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس جمهوری رسید، پی نوشت فرمودند:

جناب آقای مهندس زنگنه وزیر محترم نفت

جناب آقای دکتر محمدی

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام

باتشکر از زحمات گسترده‌ای که برای شنیدن نظرات منتقدان انجام شده است، لطفا پیشنهادهای اصلاحی را در اسرع وقت برای تصویب دولت ارسال کنید.

از منتقدانی که برای کامل‌تر شدن چارچوب قراردادها تلاش و نظرات خود را به صورت مکتوب ، حضوری یا طرح در رسانه‌ها اعلام کرده‌اند سپاسگزارم.

کوتاه و گویا

بسم‌الله الرحمن الرحیم

در حاشیه تعزیرات شلاقیّه در پارتی قزوینیّه!

اشک قلم*

منکراتی به نام «نهی از منکر» ـ چرا می‌نویسم و چرا نمی‌نویسم؟

محمد جواد حجتی کرمانی

اشاره: این قلم پس از دادخواستی که خطاب به شورای محترم نگهبان نوشت و بی‌پاسخ ماند، دیگر یارای نوشتن نداشت و بخت هم یار شد که چیزی ننوشت! و من در پاسخ عزیزانی که پیوسته می‌گفتند و می گویند: «چرا نمی‌نویسی؟» می‌گویم: چه بنویسم؟ از کجا بنویسم؟ از چی بنویسم؟

از منکرات بیّن و روشنی که به نام «نهی از منکر» که هر روز و هر جا دیده و شنیده می‌شود؟

از هتک حرمت ها و دروغ‌پراکنی‌ها و شایعه‌سازی‌ها و تهمت‌زنی‌ها که از در و دیوار محافل و مجالس و معابد(!) و مساجد(!) و منابر(!) و جرائد(!) و «جمعه‌ها!» و «جماعات!» می‌بارد و مانند نقل و نبات زهرآگین و مسموم کام اهل درد و نظر و فکر و اندیشه و عموم ملّت را تلخ می‌کند؟...

از چه بنویسم و به چه امیدی بنویسم؟ من می‌بینم پاره‌ای از بزرگان ما این همه فساد مالی و اخلاقی و درگیری‌های تند خلاف اخلاق سیاسی و اجتماعی را می‌بینند و می‌شنوند و فضای جامعه را ـ که نام اسلام و انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی را یدک می‌کشد ـ آکنده از نادرستی و ناروایی و خشونت و تندی و بی‌ادبی و بی‌هنری بالعیان مشاهده می‌کنند، اما پیوسته دم از حق و حقیقت و طریقت و شریعت می‌زنند و همهٔ منتقدان و مخالفان داخلی و خارجی را چه دوست و چه دشمن، به یک چوب می‌رانند و خودشان را «حق مطلق» و دیگران را ـ باز هم از دوست و دشمن ـ «باطل مطلق» می‌پندارند و گوش فلک را از دعوی اسلام و مسلمانی و تبعیت از اولیای دین و آئین مبین حضرت سیدالمرسلین(ص) و امیرالمؤمنین و اولیای طاهرین(ع) کر کرده‌اند؟...

راستی چه بنویسم؟ و چرا بنویسم و برای چه کسی یا کسانی بنویسم؟ از چی بنویسم؟ از کجا شروع کنم؟ از کدام درد بنالم؟ از چه کسی شکوه کنم؟ به امید کدام دادرس، دادخواهی کنم؟ کدام گوش شنواست که این ناله‌ها و فریادهای من و امثال من را ـ که یکی از هزار و نمونه‌ای از بی شمار است ـ بشنود و در پی آن برآید که دست کم پاسخ این پرسشهای بی شمار را بدهد و اگر از دست و زبانش چاره‌ای ساخته نیست، لااقل امثال ما را به تیر تهمت نراند و درد ما را به ریشخند نگیرد و به ما توهین نکند و ما را تحریف و تخریب نکند...

*** * ***

سطر اخیر را که نوشتم، به یاد سالهای نخستین انقلاب افتادم که در کرمان و تهران ـ بخصوص در تهران ـ در جلسات مجلس خبرگان قانون اساسی و رهبری و نیز در مجلس شورای اسلامی و پس از آن در دوران شش‌سالهٔ مشاورت در زمان ریاست جمهوری حضرت آیت‌الله خامنه‌ای و چندسالهٔ مشاورت وزارت خارجه ـ در دوران آقایان دکتر ولایتی و دکتر خرازی ـ در تمام این دورانها که به ظاهر، سمت رسمی داشته‌ام و علی‌القاعده باید کمترین احترامی اقلاً در ظاهر و به رسم ادبِ ظاهری داشته باشم، دردمندانه و سوگمندانه، تنهای تنها، مورد شدیدترینِ حملات و تحریفات و تخریبات کلامی و قلمی در منابر و مجالس و جرائد بوده‌ام و اینها را همه کسانی که در آن سالها با دارندهٔ این قلم و نوشته و گفته‌های او آشنایی داشته و دارند، به یاد دارند. آری، چه بگویم که در آن ایام سخت که بر من گذشت، تهمت و افترا تا بدانجا بود که مرا هوادار سلمان رشدی و همکار استکبار و استعمار و دشمن یا مخالف امامت و ولایت و انقلاب و نظام قلمداد می‌کردند! و راستی چه بگویم و به که بگویم؟

*** * ***

سالهاست که از آن ایام می‌گذرد و من بر آنم که اگر خدا یاری ام دهد و آخر عمری توفیقی حاصل آید، دفتری قطور از نوشته‌ها و «ضدِّ نوشته‌ها»یَ آن ایام فراهم آورم و به دست چاپ بسپارم تا لااقل نسل سوم انقلاب بداند که بر امثال این دلسوختهٔ کمترین چه گذشته است و آنچه امروز بر سر پاره‌ای از اعلام مبارزان و پیشکسوتان انقلاب و شماری از مسئولان و دست‌اندرکاران وَ نقش‌آفرینان پیش و پس از انقلاب می‌آید ـ که البته اکنون جمعی کثیرند ـ در آن سالها، بر سر من تنهای تنها می‌آمده است تا بدانجا که حتی گاهی برادر عزیز و یار وَفادار دیرینه‌ام حضرت سیدمحمود دعائی که چون اکنون در آن سالها یار و یاور من در نشر افکار و آثارم بود و سوز دل مرا در صفحات روزنامه گرامی اطلاعات منعکس می‌کرده و سهم وافری در ادای حق برادری و رفاقت و صداقت بر من دارد...

باری، همین برادر عزیز، گاه در دفاع از من بیچاره عاجز می‌ماند و لاجرم دم فرو می‌بست و گاهی هم البته به مقتضَای استقلال در اندیشه، با منتقدان همنوایی می‌کرد و یا به خاطر مصلحت سکوت می‌کرد، یا نشر پاسخ مرا در مواردی، به صلاح نمی‌دید و من شاید حدود یک‌صد مقاله چاپ نشده در پوشه‌های پراکنده‌ام دارم که اگر روزی صلاح در نشر آن بود، دست به انتشار آنان خواهم زد... البته باز هم به کمک یار و برادر دیرینه‌ام حضرت سیددعائی... انشاءالله!

*** * ***

کجا بودم؟ و از چه سخن می‌گفتم؟ به یاد آوردم که چند سال پیش مقاله‌ای با وام از «اوژن یونسکو» نویسنده معروف تحت عنوان «چرا می‌نویسم؟» در اطلاعات نوشتم که مانند بسیاری از مقالات من ناتمام ماند و اینک به یاد ندارم که تحت این عنوان چه نوشتم؟ ولی در این یادداشت می‌خواهم بگویم: چرا می‌نویسم؟ و آنگاه بنویسم که چرا نمی‌نویسم؟!

عنوان اصلی این مقاله، «منکراتی به نام نهی از منکر» است و من در این چند سطر پایانی انگیزه‌ام را در نوشتن همین یادداشت می‌نویسم و اصل مطلب را به شمارهٔ آینده وامی گذارم:

در شمارهٔ مورخه شنبه ۸ خرداد ۱۳۹۵ در صفحه اول، مقاله‌ای خواندم به قلم حقوقدان نام‌آور و دردآشنای صمیمی، آقای «بهمن کشاورز» تحت عنوان «چند پرسش دربارهٔ شلاق‌خوری در قزوین».و نیز در صفحه ۱۳ در ستون اول با سرتیتر قرمز «حادثه‌ها»، گزارشی خواندم که مقاله آقای کشاورز در مورد همین گزارش بود.

داستان این بوده است که دادستان عمومی و انقلاب قزوین ۳۵ دختر و پسر را که شبانه در باغی در قزوین به بهانه شرکت در جشن فارغ‌التحصیلی مشغول رقص و پایکوبی بوده‌اند، دستگیر کرده و «در همان روز» هر یک از «متهمان» به ۹۹ ضربه شلاق محکوم شده و بلافاصله حکم در مورد تک‌تک آنان به مرحله اجرا درآمده است.

در شماره آینده چند سؤال حقوقی جناب بهمن کشاورز را نقل می‌کنم و بعد در مورد این «منکر» بیّن و خلاف شرع و اخلاق که به نام «نهی از منکر» و «تعزیر شرعی» انجام شده(!) سخن خواهم گفت.

خدایا، این دردد‌لها را کجا بگویم؟ خدایا خودت به فریاد ما برس... آمین.

ادامه دارد

*** اگر عمری بود، بعد از این مقالات مفصل حقیر زیر عنوان «اشک قلم» به نگارش درمی‌آید. اشکی که گاهی چشم را تر می‌کند و بسیاری اوقات بغض فرورفته حتی به اشک اجازه باریدن نمی‌دهد! خدایا، اشک چشمم را پیوسته ریزان دار! آمین.**

رئیس انجمن جمعیت‌شناسی: با فقر جمعیتی مواجه نیستیم

رئیس انجمن جمعیت‌شناسی ایران با تأکید بر آنکه ایران در طی دهه‌های اخیر رشد انفجاری جمعیت را پشت سر گذاشته است، گفت: در حال حاضر کشورمان با فقر جمعیتی مواجه نیست.

دکتر محمد میرزایی در نشست تخصصی «تحولات جمعیتی شهر تهران، ابعاد و چالش‌ها» که با همکاری انجمن جمعیت‌شناسی و اداره کل مطالعات شهرداری تهران در محل ایوان شمس برگزار شد، در سخنانی با عنوان ویژگی‌ها و تحولات جمعیتی شهر تهران افزود: متأسفانه برخی از کسانی که نسبت به کاهش جمعیت در ایران هشدار می‌دهند، فراموش کرده‌اند که جمعیت کشور در کمتر از یک قرن هشت‌برابر شده است.

وی تأکید کرد: باید نسبت به تحولات جمعیتی با طمأنینه برخورد کنیم. کما اینکه مطالعه سیر تحولات جمعیت کشور نشان می‌دهد این مسیر به‌خوبی در حال طی‌شدن است.

استاد جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران درخصوص پیش‌بینی خود پیرامون رشد جمعیت تهران در دهه ۹۰، ادامه داد: جابجایی جمعیت در بین مناطق تهران از مهم‌ترین موضوعاتی است که در آینده با آن مواجه‌ایم. کمااینکه با ساخته‌شدن مناطق جدیدی در تهران، عده زیادی از جمعیت به این مناطق منتقل شده‌اند.

وی افزود: رشد منفی جمعیت در برخی از مناطق تهران مانند مناطق مرکزی به‌معنای خروج جمعیت از تهران نیست بلکه به‌دلیل همان مسئله جابجایی بین مناطق است که در سال‌های آینده شدت بیشتری می گیرد.

دکتر میرزایی با تأکید بر آنکه شهر تهران به شرایطی خواهد رسید که قدرت جذب جمعیتی بیش از این را نخواهد داشت، گفت: بعید است که مناطق ۲۲ گانه تهران افزایش چشمگیر جمعیت را داشته باشد مگر آنکه افزایش جمعیت در اطراف تهران روی دهد.

دکتر محمدجلال عباسی شوازی، رئیس مؤسسه مطالعات جمعیتی کشور هم در سخنانی با موضوع سطح و روند تحولات باروری تهران، گفت: روند باروری در کل کشور نشان می‌دهد که سطح باروری در دهه ۵۰ حدود هفت فرزند بوده است، اما از نیمه دهه ۶۰ این روند شروع به کاهش کرده است.

وی افزود: سطح باروری در شهر تهران در سال‌های اخیر ۱/۸ و ۱/۹ بود، و در کل کشور حدود عدد دو است که بسیار نزدیک به سطح جانشینی یعنی عدد ۲/۱ است.

استاد جمعیت‌شناسی دانشگاه تهران با اشاره به اینکه در سال‌های اخیر نقاط شهری کماکان باروری کمتری نسبت به مناطق روستایی دارند، گفت: مطالعه سطح باروری در سال‌های اخیر نشان می‌دهد که فرزندآوری به تأخیر افتاده است. ضمن آنکه سطح باروری در شهر تهران و استان تهران در ۴۰ سال اخیر پایین‌تر از کل کشور بوده است و البته این روند کاهش را سایر استان‌ها و کل کشور هم تجربه کرده است.

وی تأخیر در ازدواج و فرزندآوری، ناامنی اقتصادی، بیکاری، موانع ترکیب کار و فرزندآوری برای زنان شاغل و اشاعه ارزش‌های پست مدرنیستی را از جمله فرضیات تبیین باروری پایین اعلام کرد.

دکتر عباسی خاطرنشان کرد: تأمین امنیت شغلی برای جوانان، حمایت‌های مستقیم برای کاهش هزینه فرزندآوری، ارائه پیام‌های مثبت و درست برای ارزش فرزند و تمرکز بر کاهش فاصله‌های طولانی بین فرزندان از جمله راهکارهای حفظ سطح فعلی باروری است.

گفتنی است در این نشست، دکتر علی قاسمی اردهانی پیرامون موضوع تحلیل جریان‌های مهاجرت به مناطق ۲۲ گانه شهر تهران، دکتر ابوالقاسم پوررضا درخصوص سالمندی، سلامت و معیشت در شهر تهران، دکتر فاطمه ترابی درباره مطالعه جمعیت‌شناختی تغییرات خانواده در تهران و دکتر رسول صادقی پیرامون روندها و بسترهای طلاق در تهران سخنرانی کردند.

یادداشت

مثلث سازندگی (۲۲)

سیّد علی گرامیان

در مبحث سازندگی یک مثلث ترسیم کردیم (متساوی‌الساقین) که یک ضلع آنرا تعمیق و توسعه دانش و ضلع دیگر آنرا اقتصاد درونزا و پویا و ضلع سوم آنرا که پایه دو ضلع دیگر محسوب می‌شود، تعالی و کمالات انسانی تشکیل می‌دهد.

ضلع پایه بنیاد مثلث سازندگی است و دو ضلع دانش و اقتصاد برپایه این ضلع قرار می‌گیرند، زیرا همه خیرات و برکات از انسان سرچشمه می‌گیرد، چنانکه همه شرور و آفات.

باید عرض کنم متاسفانه در شرایط حاضر ضلع پایه تا حد نگران کننده‌ای ناپایدار شده است و این به خاطر تزلزلی است که در ارکان خانواده پیدا شده و به اجتماع نیز سرایت کرده است.

خانواده‌ها آجرهای بنای کاخ سعادت جامعه و سلول های تشکیل دهنده پیکر اجتماع هستنداما اکنون بسیاری از این آجرها پوک و ناپایدار و بسیاری از سلول ها بیمار شده و پیکر جامعه را بیمار و متزلزل کرده‌اند.

خانواده‌های بسیاری در همان ابتدای تشکیل از هم می‌پاشند. براساس آمار از هر چهار ازدواج یکی منجر به طلاق می شود. روزنامه رویش ملت در صفحه ۱۲ مورخ ۱۳۹۵/۰۳/۰۵ با تیتر درشت نوشته بود: طلاق از ازدواج جلو زد!!! و در توضیح نوشته بود: آمار طلاق در کشور رشد ۵۳ درصدی داشته و نسبت ازدواج به طلاق در سال ۸۵ تا ۹۳ بیانگر این است که طلاق بر ازدواج فزونی یافته!

این طلاق ها اغلب همان ابتدای بین عقد و عروسی یا در پنج سال اول زندگی اتفاق می‌افتند. راهروهای دادگاه‌های خانواده مملو از مردان عصبی و زنانی هستند که اشک‌ریزان به یکدیگر ناسزا می‌گویند و در پی رهایی از چنگ یکدیگرند. خانواده که محل سکون و آرامش است، مبدل به محل رزمایش شده است. طلاق که سابقا عیب و ننگ بود و به ندرت اتفاق می‌افتاد؛ اینک قبحش را از دست داده است و یک پیروزی به حساب می‌آیدو آنها که موفق به طلاق می‌شوند معمول شده که جشن طلاق می گیرند.

زن و مردی که دچار طلاق می‌شوند، دیگر آن جایگاه قبل از ازدواج را در جامعه ندارند، شرایط زندگی و اخلاقشان متفاوت شده و ارزش اجتماعی‌شان افت کرده است. این در حالی است که بسیاری از خانواده‌ها که ظاهرا دچار آفت طلاق نشده‌اند، عملا در حالت طلاق عاطفی به سر می‌برند.

فرزندانی که در خانه‌های سرد و بی‌روح و خالی از عاطفه به سر می‌برند و به عنوان فرزندان طلاق در جامعه رها می‌شوند، چه آینده‌ای را برای خود و جامعه خود رقم خواهند زد؟ جامعه آینده ما چگونه جامعه‌ای خواهد بود و با چه ناهنجاری‌هایی مواجه خواهد شد؟

دختران معصوم اما سرخورده، از خانواده‌های تلخ و ناهنجار می گریزند و به دام شیاطین در کمین نشسته در گوشه و کنار جامعه می‌افتند و در مسیر فساد، اعتیاد، سرقت و تکدیگری قرار می‌گیرند. مسئول کیست؟

جوانانی هستند از خانواده بریده و به خانه‌های مجردی و به ازدواج های به اصطلاح سفید روی می‌آورند. اشکال در کجا است؟ می‌خواهیم به کدام سو برویم؟ سبک زندگی اروپایی را می‌خواهیم انتخاب کنیم یا به اسلام برگردیم؟ اینک در برزخ بین این دو فرهنگ به سر می‌بریم و این شرایط خطرناکی است. اروپا دهها سال است که یک نوع سبک زندگی برای خود انتخاب کرده و برایشان در جامعه قانونی و قاعده‌مند شده است و ناهنجاری تلقی نمی‌شود، اما ما در شرایط تذبذب و دورویی و دورنگی اجتماعی هستیم.

چندی قبل در پایتخت یکی از کشورهای اروپایی با کنسول ایران در آن شهر دیداری داشتم. در ابتدای دیدار به ایشان گفتم: ما روحانیون به مناسبت کارمان در جامعه ،احتیاج داریم با فرهنگ و آداب و اخلاق مردم آن جامعه آشنا شویم تا روش های تبلیغی خود را به تناسب با نیاز فکری و فرهنگی جامعه شکل دهیم، شما مقداری از خصوصیات اخلاقی، فرهنگی این مردم برای من بازگو کنید. سخنی گفت که هم به من برخورد و هم شرمنده شدم. او گفت: شما اول همان ایران خودتان را تبلیغ و موعظه کنید، اینجا پیشکش. بعد توضیحاتی داد، از جمله گفت: اینها دروغ نمی گویند. ما در اینجا هم کارمند زن ایرانی داریم، هم اروپایی. به کارمند ایرانی خودمان می‌توانیم دروغ بگوییم. مثلا کسی که برای ملاقات می‌آید و ما نمی‌خواهیم او را ببینیم، می گوییم: بگو نیستند یا بگو جلسه دارند، اما به کارمند زن اروپایی نمی‌توانیم این را بگوییم، زیرا او خیلی تعجب خواهد کرد و خواهد گفت وقتی هستی، چگونه نیستی؟ یا وقتی جلسه نداری، چگونه جلسه داری؟ ما دروغ هایمان را از طریق کارمند ایرانی می گوییم!!!

چگونه می‌توان این ناهنجاری‌های خانوادگی و بیماری های اخلاقی را درمان کرد؟ چطور می‌شود جامعه را از شر و آفت دروغ، غیبت، تهمت، بدعهدی، حسد، حرص، زیرآب‌زنی، چاپلوسی، دورویی و نفاق، رانت‌خواری، کم‌کاری، بی‌دقتی، سیاسی‌کاری و آلوده‌دستی رهایی داد؟

بقیه در صفحه ۱۴

برگزیدگان جشنواره فیلم مدافعان حرم معرفی شدند

مراسم پایانی نخستین جشنواره فیلم مدافعان حرم، با رونمایی از تمبر یادبود شهدا، سخنرانی رئیس دفتر رهبری، جانشین فرمانده سپاه پاسداران، ابراهیم حاتمی‌کیا و ... برگزار شد.



به گزارش ایسنا، ابراهیم حاتمی‌کیا از اعضای هیات داوران نخستین جشنواره‌ی فیلم مدافعان حرم، شامگاه دهم خرداد پیش از اهدای جوایز و معرفی برگزیدگان این جشنواره به روی سن آمد و بیانیه‌ی هیات داوران را قرائت کرد. حجت‌الاسلام و المسلمین محمدی گلپایگانی رئیس دفتر مقام‌معظم رهبری نیز که از حاضرین در مراسم بود، در سخنانی با بیان اینکه از بستر بیماری و فقط برای عرض احترام و ادب به ساحت شهدا به این مراسم آمده است، با بیان اینکه لقب شهدای مدافع حرم بسیار زیباست، گفت: شهدای مدافع حرم کسانی هستند که برای جهاد و دفاع انگیزه‌ای جز رضای پروردگار و دفاع از حریم اهل بیت(ع) ندارند. آنها کسانی هستند که صادقانه جان خود را به کف دست گرفته و به دور از وطن خودشان جان به جان‌آفرین تسلیم کردند. به تعبیر خداوند آنها زنده‌اند و هرگز نمی‌میرند.

رئیس دفتر مقام معظم رهبری خطاب به خانواده‌های شهدای مدافع حرم، اظهار داشت: شما سرمایه‌گذاری بزرگی برای روز مبادایتان کرده‌اید و این را بدانید که شهید شما در روز قیامت بدون شما پا در بهشت نخواهد گذاشت.

وی در بخش دیگری از سخنانش با اشاره به اینکه تقارن این جشنواره با ایام رحلت امام اتفاق جالبی است، خاطرنشان کرد: امام شخصیت والایی است که با قیام خود ارزش‌های فراموش‌شده اسلام را احیا کرد. ارزش‌هایی که در طول تاریخ فراموش شده بود که یکی از آنها مکتب شهادت است. قبل از انقلاب اسلامی، ارزش شهادت برای کسی مشخص و آشکار نبود و امام(ره) این ارزش را زنده کرد که این کار، کاری کارستان بود. مردم امامشان را خوب می‌شناختند و خوب همراهی کردند. آنها به امامشان جواب آری گفتند و تا پای جان ایستادند.

او ادامه داد: امام(ره) بر گردن ما حق حیات دارد و توانست یک سلسله فاسد و دشمن دین را براندازد. ایشان دو کار ارزشمند انجام دادند، اولاً رژیم ظالم پهلوی را از ریشه کندند و دیگر آن که اسلام، قرآن و ارزش‌های فراموش شده‌ای مانند شهادت را مجددا برپا کردند.

حمید یادروج، دبیر نخستین جشنواره‌ی فیلم مدافع حرم، با اشاره به روند برگزاری این جشنواره از بهمن‌ماه سال گذشته، گفت: هدف گذاری ما از ابتدا این بود که نگاه های مردم را به سمت مدافعان حرم جلب کنیم. کسانی که بسیار مظلومند و کمتر درباره آنها حرف زده می‌شود. گاهی شنیده می‌شود که عده‌ای می گویند مدافعان حرم پول می‌گیرند و به جنگ می‌روند. همین صحبت‌ها جرقه‌ای بود تا ما جشنواره ای ترتیب بدهیم و این نگاه غلط را تصحیح کنیم.او ادامه داد: برای ما جای خوشحالی دارد که جشنواره ای نوپا مخاطب خوبی پیدا کرده است. ما در شروع جشنواره تصور می‌کردیم نهایتا ۱۰۰تا ۱۵۰اثر برای‌مان فرستاده شود ولی در پایان مهلت ارسال آثار دیدیم که در حدود ۴۰۰اثر به جشنواره رسید.

دبیر این جشنواره خاطرنشان کرد: برای این جشنواره ما دو بخش مستند و نماهنگ را انتخاب کردیم و در این باره که چرا آثار سینمایی و داستانی نیست باید گفت که اثری در این حوزه ساخته نشده است. در حوزه نماهنگ نیز این نقد متوجه صداوسیماست که می تواند کلیپ های خوبی در این باره بسازد. یک کلیپ چند دقیقه ای می تواند اثرگذاری بسیار بیشتری داشته باشد.

برگزیدگان نخستین جشنواره فیلم مدافعان حرم به دبیری حمید یادروج که به همت خبرگزاری فارس و سازمان بسیج صدا و سیما برگزار شده بود، شامگاه دهم خردادماه به شرح زیر و با قرائت بیانیه هیات داوران توسط ابراهیم حاتمی کیابه شرح زیر اعلام شد:

دربخش کلیپ دیپلم افتخاربهترین کلیپ به «موج دریا» به کارگردانی جواد مزد آبادی اهدا شد. تندیس جشنواره برای بهترین کلیپ نیز به «لبیک» به کارگردانی محمد و حسین بوشهری اعطا شد. همچنین لوح تقدیر دبیرخانه جشنواره بنا به پیشنهاد هیات داوران به حامد زمانی تعلق گرفت.

هیأت داوران در بخش آثار مستند نیز پنج اثر زیر را جهت تقدیر معرفی کردند. دیپلم افتخار جشنواره به روح‌الله رفیعی کارگردان فیلم «خالد و مجتبی» اهدا شد. دیپلم افتخار دیگر جشنواره نیز به ناصر نادری تهیه‌کننده و کارگردان فیلم «رد پای فرشته» تعلق گرفت. همچنین جایزه ویژه هیأت داوران به محمد هادی نعمت‌اللهی کارگردان فیلم « فرمانده » داده شد. تندیس جشنواره برای بهترین کارگردانی نیز به وحید فراهانی کارگردان فیلم «بی جی» اهدا شد.

تندیس بهترین فیلم جشنواره به فیلم «پل» به تهیه‌کنندگی مرتضی شعبانی و کارگردانی امیرحسین نوروزی اعطا شد. همچنین تندیس جشنواره و جایزه ویژه دبیر جشنواره بنا به پیشنهاد هیئت داوران به مجموعه آثار محسن اردستانی رستمی تعلق گرفت.

در این برنامه از تمبر یادبود شهدای مدافع حرم توسط رئیس دفتر مقام معظم رهبری نیز رونمایی شد. تقدیر از خانواده‌های شهدای مدافع حرم، اجرای آهنگی از علیرضا افتخاری، اجرای سرودی از گروه ارغوان از دیگر برنامه‌های این اختتامیه بود.

نکوداشت استاد ذکریا اخلاقی برگزار شد

سرویس فرهنگی، هنری: مراسم پاسداشت استاد زکریا اخلاقی عصر روز گذشته در محل سازمان هنری رسانه‌ای اوج برگزار شد.

به‌گزارش خبرنگار ما، این مراسم با شعرخوانی دکتر مهدی سیار آغاز شد.

در ادامه این مراسم حمیدرضا شکارسری به ایراد سخن پرداخت. وی درباره شعرها و مضامین شعری زکریا اخلاقی گفت: در اشعار اخلاقی علاوه بر اینکه مضمون دارای اهمیت است و رویکرد وی معطوف به نسبت و استقلال سنت است.

وی نوعی وحدت فضا ابیات را به غزل می‌رساند. لذا کارکردهای ناگهانی بکر در غزل می‌بینیم که ما را یاد اشعار سپید می‌اندازد. وی همچنین گفت: فضای غزلیات مضمون‌پرور است. شکارسری به وجه زیباشناسی زبان غزل در اشعار اخلاقی اشاره کرد و گفت: شاعر توجه به معانی فرای اشعار روزمره نظر دارد.



حجت‌الاسلام سیدعبدالله حسینی دیگر سخنران این مراسم بود. وی گفت: وقتی امروز صحبت از شعر حوزه می‌شود اولین فرد که به ذهن می‌رسد آقای اخلاقی است. ویژگی شعر ایشان این است که بدون اینکه اصطلاحات دروسی حوزوی روح حوزه را در اشعارش می‌بینید.

وی همچنین گفت: برای برخی شاعر بودن مسئله است اما برای آقای اخلاقی شاعر بودن مصداق و مسئله نیست. ایشان در شهر خودشان میبد یزد به کار تدریس مشغول است و شعر و ادب در حاشیه کارهای ایشان است.

در ادامه وحید زریان به بیان خاطراتی از استاد اخلاقی پرداخت. جواد محقق در ادامه این مراسم به ایراد سخن پرداخت، وی گفت: حوزه‌های علمیه همواره مظهر چهره‌های درخشان بوده به‌ویژه در حوزه شعر نیز کسان بسیاری در حوزه‌های علمیه از قرون گذشته تا عصر حاضر ادامه یافته است. اگر چه در دو قرن اخیر به دلیل غفلت در مبانی و مسائل ادبیات خساراتی وارد شده است. اگر چه حوزه‌های علمیه دارای بنیان‌های قوی و نیرومند فرهنگی هستند و من از سال ۱۳۵۵ سعی کردم برای بازگرداندن شعر به حوزه‌های علمیه کاری کنم. لذا به جمع‌آوری زندگی و شعر علمای حوزه مشغول شدم.

جواد محقق همچنین اظهار داشت: درگذشته چندان شعر برای علما مقبولیتی به دلایل مختلف نداشت لذا دیوان‌های خود را اصلاً منتشر نمی‌کردند.

وی در پایان گفت: آقای زکریا اخلاقی در بین بزرگانی که اصل شعر هستند از نظر زبان و جنس کار از چهره‌های ممتاز شعری معاصر حوزوی هستند که می‌توانند چهره‌های موفقی را برای حوزه تربیت کنند.

دکتر سیدعلی موسوی گرمارودی نیز در این آیین و نکوداشت شعر «مهربانی» را تقدیم به استاد زکریا اخلاقی کرد. دکتر علیرضا قزوه دیگر سخنران این مراسم بود. وی درباره استاد اخلاقی گفت: استاد اخلاقی علاوه بر اینکه معلم دینی است معلم اخلاق هم برای همه شاعران ما هستند. نسل ما نسبت به نسل جدید سلوک شعری بالاتری دارند. شاعران جوان امروز خیلی دوست دارند خودشان را نشان دهند.

گاهی وقت‌ها شعرهایی می‌شنویم که انسان را رنج می‌دهد و شعر نزدیک به فضاهای رقص و شهوت شده است. در حالی‌که خاستگاه شعر اخلاق بوده است.

قزوه ادامه داد: وقتی که اشعار اخلاقی را می‌خوانم احساس آرامش می‌کنم و کلمات دل را شاد می‌کند. در آن موقع که در قم بودیم جمع شعرها بر یکدیگر تأثیر می‌گذاشت و شعرهای ایشان نشان سلوک اخلاقی وی است.

قزوه در بخش دیگری از سخنانش گفت: امروز ادبیات بسیار مهم است و حوزه‌های علمیه از آن غافل شده است. حضرت امام و علامه طباطبایی و مقام معظم رهبری ادبیات خاص خودشان را داشتند. لذا ادبیات باید امروز در حوزه‌ها بیش از گذشته مورد توجه قرار گیرد.

وی در پایان گفت: اگر از من بخواهند اسم سه نفر که غزل خوبی می‌سرایند نام ببرم قطعاً نام زکریا اخلاقی هم جزو این افراد است. استاد زکریا اخلاقی در پایان این مراسم ضمن تشکر از برگزاری این آیین گفت: به‌لحاظ کمی بسیار شعرهای بنده اندک است و هم به لحاظ کیفی نیز کارها در حد اشعار بزرگان نیست، من تمامی این تکریم‌ها و بزرگداشت‌ها را تکریم شعر معاصر می‌دانم.

استاد زکریا اخلاقی در پایان گفته‌هایش غزلی درباره میبد که به‌مناسبت بزرگداشت یکی از چهره‌های فرهنگی میبد است برای حضار قرائت کرد.

اصغر فرهادی: دوست دارم در ایران فیلم بسازم

اصغر فرهادی با همراهی ترانه علیدوستی و شهاب حسینی، یک هفته پس از دریافت دو جایزه از جشنواره‌ی فیلم "کن" مقابل نمایندگان رسانه‌های داخلی نشست.

به گزارش ایسنا، اصغر فرهادی در این نشست گفت: آن‌هایی که واژه سیاه‌نمایی را آگاهانه درباره فیلم‌های من مطرح می‌کنند قصد دیگری دارند اما به آنهایی که ناآگاهانه آن را می‌گویند؛ تأکید می‌کنم که در جشنواره های خارجی اصلاً چنین نگاهی به فیلم‌های ایرانی وجود ندارد.

او که مطالب خود را در پاسخ به سوالی درباره برداشت سیاه‌نمایانه‌ای از فیلم‌هایش مطرح می‌کرد،ادامه داد: فکر کنم تمام کسانی که در این سالن حضور دارند؛ درباره فیلم «گاو» اتفاق‌نظر دارند که سینمای ما مدیون آن است و ما آن را فیلم بسیار خوبی می‌دانیم که البته من آن را یک شاهکار می‌دانم. فرض کنید آقای مهرجویی این فیلم را امروز می‌ساخت و به جشنواره‌ها هم می‌رفت و جایزه هم می‌گرفت آیا این فیلم بد بود؟ آیا سیاه‌نما بود؟اصغر فرهادی در بخش دیگری از این نشست در پاسخ به اینکه به نظر می‌رسد با توجه به استقبالی که از او و گروهش صورت گرفته سینمای هنری و عامه‌پسند در ایران یکی شده است اظهار کرد: یکی از مسائلی که بعد از ساخت اولین فیلمم یعنی "رقص در غبار" مد نظرم بود و توانستم پس از فیلم «شهرزیبا» روی آن متمرکز شوم؛ این بود که فیلمی بسازم که هم مردمی که به طور حرفه‌ای پیگیر سینما نیستند بتوانند با آن ارتباط برقرار کنند و هم آن‌هایی که تخصصی و به شکل ریزبین آن را دنبال می‌کنند بتوانند آن را ببینند. اما به نظر می‌رسید این اتفاق شدنی نیست و باید در یکی از این دسته‌ها قرار می‌گرفتم.وی گفت: بر اساس تجربه‌ای که از کار کردن در رادیو و تلویزیون و ساخت سریال «درشهر» داشتم این راه به نظرم رسید که کلید ماجرا در قصه گفتن است؛ چون همه آدم ها از شنیدن قصه لذت می‌برند و قصه چیزی است که وقتی مخاطب می‌شنود برای شنیدن آن کنجکاوی و اشتیاق دارد. این موضوعی است که یک اتفاق مشترک بین مردم، نخبگان و منتقدان است.وی تأکید کرد: برای من همواره مهم است که فیلمم همیشه پر تماشاگر باشد. اگرچه در این سالها بیشتر درباره جایزه‌هایم صحبت شده اما برای من این بخش مهم‌تر بوده است که فیلم‌هایم مثل "گذشته"، "جدایی"، "درباره الی" و ... در خارج از ایران و در داخل کشور هم با مردم ارتباط برقرار کرد.

این فیلمساز تأکید کرد: همیشه در جشنواره‌های جهانی با اعتماد به نفس راه می‌روم و سرم را بالا می گیرم چون خوب می‌دانم که از چه کشوری در آن رویداد حضور دارم.در ادامه این جلسه یکی از خبرنگاران خطاب به فرهادی گفت که اگر پای شما هم مانند امیر نادری به خارج از کشور باز شود و بخواهید فعالیتتان را در کشور دیگری ادامه بدهید دیگر چیزی از شما باقی نمی‌ماند. این خبرنگار همچنین خطاب به فرهادی گفت که کاش فیلمتان را اول برای اهالی رسانه نمایش می‌دادید.

در پاسخ به او فرهادی توضیح داد: اینجا زندگی بهتری دارم، در ایران دوستان بسیاری دارم و خانواده‌ام هم اینجا زندگی می‌کنند. کجای دنیا می‌توانم چنین ثروتی داشته باشم؟ شما در جریان بعضی از مسائل نیستید. بسیاری از پروژه‌های بین‌المللی را نپذیرفته‌ام چون دوست دارم در کشور خودم فیلم بسازم اما برای همکاری با گروه‌های دیگر کنجکاوی دارم. چون این همکاری ها باعث می‌شود به روزتر شوم و تکنیک‌های بیشتری را بیابم و به کارم کمک می‌کند.

یادداشت

به مناسبت سالگرد ارتحال امام خمینی(ره)

آیا نسل امروز امام خمینی را می‌شناسد؟

محمدعلی خسروی



متأسفانه اغلب اوقات وقتی نام امام(ره) مطرح می‌شود چهره‌ای در ذهن‌ها نقش می‌بندد که شاخصه او شجاعت، سیاست و انقلابی بودن است و بس. گویی امام جز قیام علیه استکبار و مبارزه با استبداد هویت دیگری ندارد. غافل از آنکه ایجاد انقلاب و تشکیل جمهوری اسلامی، گرچه کاری بس عظیم و محیرالعقول بود، اما تنها یکی از آثار وجودی امام خمینی(ره) است، نه همه شخصیت و هویت ایشان. امام(ره) قبل از آنکه بنیانگذار و رهبر یک نظام سیاسی باشد، پژوهشگری توانا و نظریه‌پردازی کم نظیر در علوم مختلف اسلامی بود؛ یعنی به جرئت می‌توان گفت حوزه‌های علمیه از زمان شیخ طوسی تاکنون، کمتر کسی را در رشته‌های فقه، فلسفه، تفسیر و کلام نظیر ایشان به خود دیده است. این سخن نه از باب اغراق بلکه بیان واقعیتی است که متأسفانه علل گوناگون از جمله عظمت خیره‌کننده نهضتی که او بنا نهاد موجب شده است که ویژگی‌های علمی ایشان به چشم نیاید. البته نوآوری‌های امام در علم اصول، علم فقه، علم اخلاق و علم کلام بر اهل تحقیق پوشیده نیست، اما متأسفانه ابعاد علمی ایشان در فضای فرهنگی و علمی کشور چنانکه باید مطرح نمی‌شود و چه بسا برخی دانش‌پژوهان به تصور اینکه نظریات امام خمینی تنها سبقه سیاسی دارد در تحقیقات خود کمتر به کتاب‌های علمی ایشان مراجعه و خود را از نظرات دقیق و راهگشای ایشان محروم می‌کنند.

گفتنی است زندگی علمی و اجتماعی امام خمینی(ره) در یک نگاه کلی به چند دوره تقسیم می‌شود:

ایشان تا قبل از چهل سالگی، در دهه‌های ۲۰ و ۳۰ به‌عنوان یک فیلسوف و عارف بزرگ شناخته می‌شد. در آن زمان اگر کسی به اسلام و قرآن اشکال یا هجمه‌ای وارد می‌کرد همه نگاه‌ها در حوزه علمیه قم، برای پاسخگویی به شبهات او، به سوی دانشمندی جوان به نام «حاج آقا روح‌الله» دوخته می‌شد. زیرا در حوزه‌های علمیه کسی در قدرت نویسندگی و آشنایی به مباحث روز و تسلط به مبانی دینی و عقلی همتراز او نبود. در همان دوره بود که امام کتاب ارزشمند «کشف‌اسرار» را به استناد آیات قرآنی در پاسخ به شبهات و ایرادهای مخالفان اسلام و روحانیت تألیف کرد و تأثیر گسترده آن مجامع دینی و علمی کشور را فرا گرفت.

امام در دهه‌های ۴۰ و ۵۰ به عنوان فقیه و مجتهد تراز اول مطرح بود. حوزه درس خارج فقه و اصول ایشان با حضور محققان و فضلای برجسته قم از فعال‌ترین و پر استقبال‌ترین کلاس‌های دروس اجتهادی به شمار می‌آمد. آثار فقهی ایشان به قلم خودشان و نیز تقریرات درس اصول و فقه به قلم شاگردانشان محصول این دوره است.

همزمان با آن دوره، شرایط ناگوار کشور و وضعیت اسفبار مسلمین مسئولیت جدیدی را از لحاظ اجتماعی و سیاسی بر دوش این نابغه فقه و فلسفه و عرفان نهاد و ایشان را وارد مرحله جدیدی کرد. مبارزه با استبداد و استعمار و تلاش برای نجات کشور و آزادی ملت سرلوحه حرکت‌های اجتماعی او قرار گرفت و در این راه برای خدا از همه چیز خود گذشت. جان و مال و آبرو و موقعیت علمی و اجتماعی خود را در طبق اخلاص نهاد و فدای آرمان‌های دینی و ملی خود کرد و همه خطرها را به جان خرید. در دهه آخر عمر مبارک‌شان بود که بعد از گذراندن دورانی بسیار سخت و توان‌سوز از حبس و حصر و تبعید و مبارزه‌ای طاقت‌فرسا، موفق شد رژیم فاسد سلطنتی را سرنگون کند و نظام جمهوری اسلامی را به جای آن حاکم گرداند و رهبری سیاسی امت اسلام را به عهده بگیرد.

متأسفانه جامعه ما عمدتاً همان دهه آخر عمر ایشان را که در جایگاه یک رهبر سیاسی بود مدّ نظر قرار داده و به سایر ابعاد شخصیتی امام(ره) بی‌توجه است.

آیا نسل جوان ما می‌داند امام خمینی در سنین بیست و هشت تا سی سالگی عمیق‌ترین کتاب‌های عرفانی قرن اخیر را همچون کتاب شرح دعای سحر نوشته است؛ تا جایی که علامه سید جلال آشتیانی در این باره نوشته است: کتاب «سر الصلاه» و «شرح دعای سحر» و «مصباح‌الهدایة» را جز کمّل اهل عرفان کسی را توانایی آن نیست که چنین آثاری را پدید آورد.

آیا می‌دانید امام خمینی مفسری توانا در تفسیر و تبیین آیات قرآن کریم است؟ انتشار بیش از دو هزار صفحه از مطالب علمی ایشان در تفسیر آیات در کتاب پنج جلدی «تفسیر قرآن مجید» شاهد این مدعاست.

غفلت از پیش‌زمینه‌ها و پشتوانه‌های علم‌ایی که امام(ره) از آنها بهره‌مند بود آغاز انحرافی است که جامعه انقلابی را در تشخیص اصول و راهبردهای

بقیه در صفحه ۱۴

تاکید جهانگیری بر ضرورت حمایت از بنگاه های اقتصادی کوچک

گزارش وضعیت اصناف کشور به معاون اول رئیس‌جمهوری ارائه شد.

علی فاضلی رئیس اتاق اصناف ایران دیروز در دیدار با دکتر اسحاق جهانگیری معاون اول رئیس‌جمهوری گزارشی از وضع حوزه اصناف و بازار را ارائه کرد و گفت: در این دیدار، گزارش بازرسی و نظارت بر بازار تولید و توزیع کشور، الزامات توجه به اصناف در برنامه ششم توسعه و همچنین ضرورت حمایت دولت از بنگاه های کوچک ارایه شد. رئیس اتاق اصناف ایران در خصوص طرح‌های اتاق اصناف ایران در زمینه رونق کسب و کار به ویژه صنوف تولیدی که منجر به ایجاد فرصت‌های شغلی در راستای سیاست‌های ابلاغی مقام معظم رهبری در خصوص اقتصاد مقاومتی می شود، توضیحاتی به دکتر جهانگیری ارائه کرد. وی درباره برنامه ششم توسعه هم کلیات پیشنهادات اتاق اصناف ایران را مطرح کرد و معاون اول رئیس جمهوری هم قول داد که نماینده دولت در مراحل بررسی برنامه ششم تاکیدات لازم را برای حمایت از طرح های توسعه و نوین‌سازی اصناف به عمل آورد.

جهانگیری همچنین با تاکید بر ضرورت اجرایی شدن برنامه حمایت از بنگاه های اقتصادی کوچک، خواستار ارائه برنامه های پیشنهادی در این زمینه از سوی اتاق اصناف ایران شد.

هدف ما گرفتن سهم ایران در صنعت حمل ونقل هوایی منطقه از بازارهای جهانی است

هواپیمای جدید فلایت چک ایران ظهر دیروز با حضور وزیر راه و شهرسازی از باند فرودگاه مهرآباد به پرواز درآمد.

به گزارش ایرنا، هواپیمای فلایت چک وظیفه بازرسی و کنترل عملکرد دستگاه های کمک ناوبری را در فرودگاه‌های مختلف بر عهده دارد. وزیر راه و شهرسازی در این مراسم با اشاره به جایگاه بسیار مهم و حیاتی ایران در صنعت حمل‌ونقل هوایی منطقه اعلام کرد: تمام هدف ما و ماموریت اصلی ما پس گرفتن سهم ایران از بازارهای جهانی است . به گزارش ایسنا، عباس آخوندی اظهار کرد: نگاهی به عملکرد صنعت هوانوردی بعضی از کشورهای منطقه نشان می‌دهد این کشورها با وجود آنکه چه از نظر جمعیت و چه از نظر جایگاه جغرافیایی قابل قیاس با ایران نیستند اما ترافیک هوایی چند برابر ما را دارند. وی ادامه داد: این در شرایطی است که ما از نظر جغرافیایی چهارراه ارتباط شرق به غرب و شمال به جنوب به حساب می‌آییم و این موضوع نه صرفا ظرفیت که ماموریت ومسئولیت ما به حساب می‌آید. مردم ایران توقع دارند کشورشان به جایگاهی که برازنده آن است، برسد و این نشان‌دهنده آن است که ما باید تمام توان‌مان را برای رساندن ایران به جایگاه خود به کار ببندیم.

وزیر راه و شهرسازی با بیان این‌که آخرین دستور مهم در این حوزه به اصلاح ساختار بنگاهداری می‌پردازد، توضیح داد: تصمیم ما براین است که تمامی ایرلاین‌هایی که قصد دارند پروانه‌ای شامل تمام حوزه‌های هوانوردی داشته باشند باید سرمایه مستقل و قابل اتکای خود را به ۳۵۰ میلیارد تومان تا مرداد امسال برسانند. این موضوع باعث می‌شود ایرلاین‌های ما قدرتی قابل توجه داشته باشند و در شرایطی که برنامه‌های بازسازی و نوسازی سیستم‌های ناوبری کشور تکمیل می‌شود، قدرت نفوذ آنها هم افزایش پیدا کند .

هدف گذاری ۳۲ بازار کشورهای خارجی برای صادرات کالاهای ایرانی

قائم مقام سازمان توسعه تجارت ایران از شناسایی ۳۲ کشور هدف برای تمرکز صادرات ایران در این بازارها خبر داد.

علیرضا مودودی دیروز گفت: تحلیل و بررسی بازار این ۳۲ کشور در دستور کار سازمان توسعه تجارت قرار گرفته است که نتایج آن برای استفاده فعالان اقتصادی در سایت سازمان توسعه تجارت قرار خواهد گرفت.

مودودی با بیان اینکه سال گذشته ۱۷ هزار و ۵۰۰ شرکت به صادرات اقدام کردند، گفت: ۹۵ درصد از صادرات سال گذشته با حدود هزار شرکت انجام شده و ۱۶هزار و ۵۰۰ شرکت دیگر فقط سهم پنج درصدی در صادرات داشتند.

وی گفت: از آنجا که منابع ما در بخش حمایتی محدود است، توزیع برابر حمایت، موجب کاهش کارآیی می شود و باید به شکل گیری شرکت های بزرگ در امر صادرات اقدام کرد که در این باره صنایع غذایی با عنوان فعالان عرصه صادرات که بیشترین شرکت‌های کوچک و متوسط را در خود جای داده‌اند، پیشگام باشند.

قائم مقام سازمان توسعه تجارت افزود: نباید اجازه داد هر کسی با هر توان کیفیتی وارد بازار صادرات شود. زیرا یکی از عوامل از دست رفتن بازارهای صادراتی ورود افراد ناآگاه و کم اطلاع به بازارهای صادراتی است که ضررهای زیادی را متوجه صنایع بزرگ می کنند و نمونه آن هم رقابت ناصحیح در صادرات سیمان به عراق و در پی آن از دست رفتن این بازار صادراتی است.

وی گفت: ۴۰ درصد صادرات غیرنفتی ایران، کالاهای صنعتی و معدنی و بیشتر صادرات ما به کشورهایی مانند افغانستان و عراق است که به علت افزایش هزینه‌های صادرات به دنبال بسته بندی کالاها نیستند

نامبرده گفت: با توجه به رویکرد جدید دولت برای بازارهای اروپایی نیاز به ورود به صنعت بسته‌بندی به طور جدی داریم که در این باره عضویت جمهوری اسلامی ایران در سازمان جهانی بسته بندی (WPO) و اتحادیه بسته بندی آسیا (APF) می تواند جایگاه ایران را در صنعت بسته بندی ارتقا دهد. وی گفت: متاسفانه به دلیل تحریم های ناعادلانه علیه ایران سطح روابط بین المللی در حوزه صادرات غیر نفتی با کاهش مواجه بود و هنوز با صادرات غیرنفتی ۲۰۰ تا ۳۰۰ میلیارد دلاری فاصله زیادی داریم و اگر بخواهیم به جایگاه شایسته در این زمینه برسیم باید موضوع صادرات و بسته بندی را جدی بگیریم.

مودودی با بیان اینکه با استفاده از فناوری های نوین می توانیم فاصله افزایش صادرات را کوتاه تر کنیم ، گفت: امسال رویکرد سازمان توسعه تجارت حول مثلث بازار هدف، خدمت یا کالایی که صادر می کنیم و شرکت هایی که صادرات را بر عهده دارند، شکل گرفته است. وی درباره کشورهای هدف برای صادرات کالاهای غیرنفتی گفت : عراق،ترکمنستان و کشورهای همسایه ایران، روسیه، عمان، هند، بنگلادش، چین،آلمان، فرانسه، ایتالیا و برخی کشورهای آفریقایی و کشورهای شرق اروپا از جمله مناطقی هستند که بخش عمده صادرات ایران را می توانند به خود اختصاص دهند.

قائم مقام سازمان توسعه تجارت با اشاره به اینکه ایران توان تولید بالایی دارد و باید از همه این توان برای صادرات و بازار داخلی بهره گرفت، گفت: با توجه به شوک‌های نفتی در سال‌های اخیر باید به سوی صادرات غیرنفتی گام برداریم. طوری که این صادرات جایگزین کالاهای نفتی شود.

وی گفت: صادرات غیرنفتی توان شکوفایی دارد و در دوره پساتحریم می تواند شکل بگیرد که البته برای افزایش صادرات غیر نفتی باید مدیریت بهینه اعمال شود. زیرا هم اکنون یکی از مشکلات اساسی در کشور نبود شرکت های تخصصی در عرصه صادرات است.

مودودی با اشاره به اینکه هنوز در تولید کالا نگاه به داخل پر رنگ‌تر از بیرون است، گفت : متاسفانه صادرات را به عنوان سرریز داخل نگاه می کنیم که رویکرد خوبی نیست .

شورای پول و اعتبار به ۲ نهاد مجزا تبدیل می‌شود

جزئیات لایحه قانون بانک مرکزی تشریح و اعلام شد که نحوه استقراض دولت از بانک مرکزی شفاف می‌شود.

حسین قضاوی معاون وزیر اقتصاد در گفتگو با فارس در مورد لایحه قانون بانک مرکزی اظهار داشت: وزارت اقتصاد و بانک مرکزی به این نتیجه رسیدند که با مشارکت هم متن مشترکی را برای لایحه بانکداری و بانک مرکزی تدارک ببینند.

وی با اشاره به لایحه قانون بانک مرکزی افزود: در این چارچوب پیش‌نویس لایحه بانک مرکزی از زمان آقای مظاهری رئیس کل وقت بانک مرکزی تهیه شده بود که این پیش‌نویس در اختیار وزارت اقتصاد قرار گرفت.معاون وزیر امور اقتصادی و دارایی ادامه داد: لایحه بانک مرکزی چند روز پیش میان دو دستگاه اجمالا نهایی شد و اصلاحات مختصری باقی ماند تا در یک جلسه مشترک میان وزیر اقتصاد و رئیس کل بانک مرکزی نکات باقی مانده تعیین تکلیف شده و در نهایت به دولت و سپس به مجلس برای تصویب ارسال شود. وی با بیان اینکه لایحه بانک مرکزی به مجرد اینکه جلسه مشترک میان وزیر و رئیس کل تشکیل و اصلاحات‌نهایی شود، قابل ارائه به دولت است، گفت: جلسات مفصلی با حضور معاون امور بانک، بیمه و شرکت‌های دولتی از طرف وزارت اقتصاد و قائم‌مقام بانک مرکزی همراه با برخی مدیران عامل بانک‌ها و کارشناسان صاحب‌نظر برگزار شده و نهایی شدن آن زمان زیادی نخواهد برد.به گفته نامبرده، در لایحه بانک مرکزی، شورای پول و اعتبار فعلی به دو نهاد جداگانه درون بانک مرکزی تفکیک شده که شامل هیات سیاست‌گذاری پولی با اعضای معین که وظایفش معطوف به سیاست‌های پولی است و هیات نظارت که به تصویب مقررات نظارتی و احتیاطی می‌پردازد.

وی تاکید کرد: به احتمال زیاد پشتوانه فیزیکی برای انتشار اسکناس که طبق قانون پولی و بانکی سال ۱۳۵۱ بود، دیگر موضوعیت ندارد و برای حفظ کیفیت دارایی‌های بانک مرکزی معیارهای دیگری درنظر گرفته شده است.

قضاوی در مورد دیگر جزئیات لایحه بانک مرکزی بیان داشت: در لایحه تعریف جامعی در مورد موسسات‌اعتباری،بانک‌ها،صندوق‌ها و تعاونی های اعتبار صورت گرفته، همچنین اهداف سیاستگذاری پولی اولویت‌بندی شده و هدف اول ثبات قیمت‌ها و در گام بعدی توسعه نظام پولی و بانکی و هدف سوم حمایت از توازن در بخش خارجی اقتصاد، رشد اقتصادی و اشتغال است.

وی گفت: لایحه استقلال قانونی بیشتری برای بانک مرکزی از نظر چگونگی استقراض دولت قائل شده است.همچنین نحوه استقراض براساس ضوابط روشن و مبتنی بر ابزارهای نهادینه بدهی صورت خواهد گرفت و در چارچوب سیاست‌های پولی، بانک مرکزی تصمیم می‌گیرد که ابزار بدهی دولت را خریداری کند یا خیر.

معاون امور بانکی، بیمه و شرکتهای دولتی وزارت اقتصاد ادامه داد: در مورد مجمع بانک مرکزی و نحوه عملکرد هیات عامل بانک پیش‌نویس از صراحت بیشتری برخوردار بوده و بانک مرکزی موظف است گزارش سالانه در مورد تحلیل وضع اقتصاد کلان و ثبات مالی را به مجمع ارائه کند. همچنین ترکیب اعضای مجمع بانک مرکزی اصلاح و تعدیل می‌شود.

وی در مورد ابزار سیاست‌های پولی بیان داشت: عملیات بازار مبتنی بر خرید و فروش اوراق بهادار اسلامی قید شده، خرید دین که در قانون بانکداری بدون ربا مصوب سال ۶۲ ذکر نشده و متعاقبا به تصویب شورای نگهبان رسیده بود، در این پیش‌نویس به صراحت آمده است.

هشدار وزارت بهداشت درباره افزایش بی‌ضابطه تعرفه‌های پزشکی

قائم‌مقام وزیر بهداشت با بیان اینکه اگر تدبیر مناسب در تعرفه ایجاد نشود، ممکن است بعضی از بداخلاقی‌ها پدید آید، گفت: البته مطمئنیم با درایت جامعه پزشکی حتما قانون از سوی آنها اجرا می‌شود و دستگاه‌های نظارتی نیز نقش خود را ایفا می‌کنند.

به گزارش ایسنا، دکتر ایرج حریرچی با بیان اینکه توجه به قیمت تمام شده خدمات، اقتصاد سلامت را واقع‌بینانه می‌کند، ادامه داد: البته وزارت بهداشت و سازمان نظام‌پزشکی همواره تاکید کرده‌اند که افزایش تعرفه نباید فشاری به جیب مردم وارد کند و بیمه‌ها باید آن را متقبل شوند، اما متاسفانه بودجه مناسبی برای بیمه‌ها چه در بودجه جاری و چه در حق بیمه تامین نشده است.

وی گفت اگر تدبیر مناسب بر تعرفه‌ها انجام نشود، ممکن است برخی بداخلاقی‌ها ایجاد شود و دود آن هم به چشم مردم و هم به چشم جامعه پزشکی می‌رود؛ البته اکثریت جامعه پزشکی که در شهرستان‌ها و تهران ارائه خدمت می‌کنند عاشقانه و با تعرفه‌های پایین خدمات می‌دهند.

قائم‌مقام وزیر بهداشت با بیان اینکه جامعه پزشکی متشکل از افرادی قانونمند است که رعایت حال مردم را می‌کنند، ادامه داد: بدهی بیمه‌ها به مجموعه وزارت بهداشت بیش از ۸۰۰۰ میلیارد است و اگر اسناد محاسبه نشده را نیز در نظر بگیریم میزان بدهی به حدود ۱۰ هزار میلیارد تومان می‌رسد.

احتمال بروز پدیده رونق تورمی در بازار مسکن وجود ندارد

اگر جریان مستمری برای افزایش ظرفیت ساخت مسکن ایجاد کنیم و از طرف دیگر توان مالی برای خرید افزایش یابد، دیگر نگرانی برای افزایش شدید قیمت مسکن نخواهیم داشت.

مدیرعامل بانک مسکن درباره طرح فروش قسطی مسکن گفت: بانک مسکن آمادگی کامل برای همکاری دارد، نرخ کارمزد بانک ۲/۳ درصد بوده و نگرانی‌های انبوه‌سازان هم برطرف شده است.

به گزارش فارس، محمد هاشم بت شکن در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه که با توجه به حرکت بازار مسکن به سمت رونق، احتمال بروز پدیده رونق تورمی در این بازار وجود ندارد، اظهارداشت: دوره‌های قبل با دوره کنونی یک تفاوت کلیدی دارد.دوره‌هایی که رشد ساخت و ساز و فروش مسکن همراه با افزایش قیمت بود، به دلیل همزمانی رشد پایه پولی در آن سال‌ها بوده است.

وی تصریح کرد: به عنوان مثال در سال‌های ۸۹ تا ۹۱ یک حباب قیمتی در بخش مسکن به وجود آمد که یکی از دلایل اصلی آن اضافه برداشت بانک‌ها از منابع بانک مرکزی و رشد پایه پولی بوده است. اما در شرایط فعلی پایه پولی وارد بخش مسکن نشده است.

مدیرعامل بانک مسکن تاکید کرد: در حال حاضر بانک مسکن از بانک مرکزی اضافه برداشتی ندارد و حتی بانک در حال جذب سپرده از مردم است، بنابراین پول در قالب سپرده جذب و به صورت تسهیلات پرداخت می‌شود.

بت‌شکن در پاسخ به این سوال که برای اینکه هیچگاه نوسانات تند قیمتی در بازار مسکن نداشته باشیم، نیازی به استفاده از سیاست‌هایی مانند مالیات بر عایدی سرمایه، مالیات بر معاملات مکرر مسکن و مالیات بر خانه‌های خالی برای مدیریت بازار مسکن نیست، اظهارداشت: این سیاست‌ها هم می‌تواند کمک کننده باشد.

وی در باره نتیجه طرح فروش اقساطی مسکن انبوه‌سازان بیان کرد: ما منتظر مراجعه انبوه‌سازان هستیم.در این زمینه بانک مسکن آمادگی کامل برای همکاری دارد و نرخ کارمزد هم ۲/۳ درصد بوده و آن چیزی که انبوه‌سازان برای آن نگرانی داشتند، مرتفع شده است. نامبرده تاکید کرد: ما برای برگزاری جلسه با انبوه‌سازان اعلام آمادگی می‌کنیم.

حقوق بازنشستگان تأمین اجتماعی پلکانی افزایش می‌یابد

سرویس اقتصادی: الگوی افزایش پلکانی حقوق بازنشستگان تأمین اجتماعی و برقراری بیمه تکمیلی برای این قشر تصویب شد.

علی ربیعی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی دیروز در حاشیه همایش چشم‌انداز اقتصاد ایران در سال ۹۵ و الزامات شرایط جدید برای سرمایه‌گذاری صندوق بازنشستگی گفت: شکاف بین تورم و حقوق در حوزه بازنشستگی سبب شد که دولت برای ترمیم حقوق تصمیم‌هایی اتخاذ کند و برنامه‌ریزی برای حداقل حقوق در صندوق بازنشستگی، هر ساله ضریب ثابتی بود و حداقل حقوق امکان رشد مناسب پیدا نمی‌کرد.

وی افزود: در یک الگو بنا بود تحت عنوان کمک، این شکاف جبران شود، ولی در الگوی مصوب دولت در شورای حقوق و دستمزد الگوی افزایش پلکانی حقوق بازنشستگان مورد تأکید قرار گرفت.

ربیعی ادامه داد: این افزایش از پایین با ۲۰ درصد آغاز می‌شود. بدین ترتیب که برای حقوق ۷۵۰ هزار تومانی افزایش ۲۰ درصدی وجود داشته و برای حقوق‌های بالاتر این میزان افزایش کاهش می‌یابد و از رقم ۱/۵ میلیون تومان میزان افزایش ۱۲ درصدی اعمال می‌شود.

وی با اشاره به این‌که در سال‌های گذشته تورم حدود ۶۷ درصد از حقوق بازنشستگان پیشی گرفته بود، افزود: بنا داریم در یک فرایند چند ساله روند افزایش پلکانی را ادامه دهیم تا کسری‌های مزد و تورم در حوزه بازنشستگی جبران شود.

ربیعی خاطرنشان کرد: بودجه بیمه تکمیلی در مجلس حذف شده بود که امسال بیمه تکمیلی بازنشستگان را انجام می‌دهیم و بسته مناسبی برای این کار در نظر گرفتیم.

وی یادآور شد: میزان بسته با توجه به مشارکت افراد متغیر است و بار مالی حدود ۷۰۰ میلیارد تومان این نوع بیمه تکمیلی بازنشستگان برای صندوق بازنشستگی کشوری دارد.

وزیر کار با تاکید بر این‌که به طور کلی زندگی سالمندی در صندوق‌ها طراحی خواهد شد، افزود: این هفته در هیأت دولت حداقل حقوق بازنشستگی تأمین اجتماعی را اعلام خواهیم کرد.

وی در مورد ورشکسته شدن صندوق‌های بازنشستگی اظهار داشت: این به آن معناست که تعداد شاغلان نسبت به مستمری بگیران و بازنشستگان کم شود که اکنون این نسبت در صندوق بازنشستگی کشوری یک به یک بوده و مرز بحران شش بر یک است.

ربیعی گفت: سن بازنشستگی هم در قوانین ۶۰ سال بود که اکنون با توجه به قوانین حمایتی در بازنشستگی‌های زودرس، کاهش یافته است. همچنین یک فرد حدود ۱۲ تا ۱۳ سال از صندوق مستمری دریافت می‌کرد که با تلاش‌های صورت گرفته امید به زندگی و طول عمر هم افزایش یافته است.

وی اضافه کرد: باید اصلاحات پارامتر یک در صندوق‌ها انجام دهیم تا مانع ورشکستگی آنان شویم زیرا یک صندوق ۱۲ سال می‌تواند حقوق بدهد ولی در برخی مواقع یک فرد حدود ۶۰ سال حقوق می‌گیرد.

مدیرعامل صندوق بازنشستگی کشوری هم با بیان اینکه رکود در اقتصاد کشور به مرز نگران‌کننده‌ای رسیده است که با فرصت پیش‌آمده برجام باید به سمت رونق حرکت کنیم، گفت: صندوق بازنشستگی کشوری ۲/۵ میلیون بازنشسته را تحت پوشش دارد و با مدیریت سرمایه‌گذاری‌ها تلاش می‌کند تا بهترین خدمات در این جامعه ارائه شود. محمود اسلامیان دارایی‌های صندوق بازنشستگی کشوری را ۲۰ هزار میلیارد تومان اعلام کرد و گفت: زمانی متوجه سرمایه عظیم صندوق خواهیم شد که در مسیر درست حرکت کنیم.

وی در ادامه از عدم استفاده از فرصت‌های مناسب توسط بنگاه‌های داخلی خبر داد و گفت: با اجرای برجام فرصت‌هایی در آینده پیش خواهد آمد که باید در جهت خروج از رکود گام برداریم و قطعا نمی‌توان با یک یا دو نشست نسبت به تغییرات امیدوار باشیم.

همچنین معاون اقتصادی صندوق بازنشستگی کشوری با بیان اینکه هلدینگ‌های مختلف برای افزایش کنترل و نظارت بر دارایی‌های صندوق ایجاد شده است، گفت: هلدینگ‌های صندوق بازنشستگی کشوری در حوزه‌های مالی، حمل و نقل، ساختمان، پتروشیمی و صنعت و معدن در حال فعالیت هستند.

شهشهانی‌پور با بیان اینکه صندوق بازنشستگی کشوری به طور مستقیم و غیرمستقیم در ۲۵۰ شرکت حضور دارد، گفت: هم اکنون سالانه نزدیک به هزار میلیارد تومان حق بیمه توسط زیرمجموعه‌های صندوق بازنشستگی کشوری پرداخت می‌شود که با ایجاد هلدینگ مالی به دنبال تاسیس بیمه و فعالیت در حوزه بانکداری هستیم.

وی گفت: سه نوع رویکرد در حوزه حضور در مجامع، برنامه‌ریزی استراتژیک و کنترل نظام برنامه‌ریزی و شرکت‌های زیرمجموعه انجام شده و از این پس نظارت دقیقی بر روی هلدینگ‌های زیرمجموعه خواهیم داشت .این هلدینگ‌ها هم در شرکت‌های مرتبط نظارت جدی خواهند داشت.

معاون اقتصادی صندوق بازنشستگی کشوری همچنین از تعیین تکلیف ۲۴۰۰ میلیارد تومان از مطالبات صندوق بازنشستگی کشوری خبر داد و گفت: این موضوع با رایزنی‌ها و اقدامات جدی فعالان صندوق به ثمر نشسته است.

اعلام فهرست معافیت های مالیاتی خدمات معاملات و تسویه اوراق بهادار و کالاهای بورسی

رئیس سازمان امور مالیاتی کشور فهرست مصادیق خدمات معاملات و تسویه اوراق بهادار و کالا در بورس‌ها و بازارهای خارج از بورس موضوع بند ۱۱ ماده ۱۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده در زمینه معافیت مالیاتی را ابلاغ کرد.

به گزارش فارس، بر اساس این بخشنامه، فهرست مصادیق خدمات معاملات و تسویه اوراق بهادار و کالاها در بورس ها و بازارهای خارج از بورس را که برطبق بند ۱۱ ماده ۱۲ قانون مالیات بر ارزش افزوده معاف از این نوع مالیات هستند، به شرح زیر ابلاغ شد:

*- کارمزد انجام معاملات و تسویه اوراق بهادار و کالا در بورس‌ها و بازارهای خارج از بورس که توسط کارگزاران، بورس ها و بازارهای خارج از بوس، شرکت سپرده گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه و شرکت مدیریت فن آوری بورس تهران دریافت می شود.

*-حق نظارتی که توسط سازمان بورس و اوراق بهادار از معاملات اوراق بهادار و کالاها در بورس ها و بازار های خارج از بورس دریافت می شود.

*- حق الدرج و حق پذیرش دریافتی از شرکت هایی که اوراق بهادار یا کالای آن ها در بورس یا بازار خارج از بورس معامله می شود.

*- حق ورودیه و حق عضویت که کانون‌ها،بورس ها،بازار های خارج از بورس یا سایر تشکل های خود انتظام از اعضاء یا اشخاص وابسته به اعضای خود دریافت می کنند.

*- کارمزدهایی که نهاد های مالی ثبت شده نزد سازمان بورس اوراق بهادار بابت مشاوره عرضه و پذیرش،سبد گردانی ،بازار گردانی،تعهد پذیره‌نویسی،ضمانت اوراق بهادار یا ارایه خدمات به نهادهای واسط دریافت می کنند.

*-کارمزدهایی که ارکان صندوق های سرمایه‌گذاری ثبت شده نزد سازمان بورس و اوراق بهادار بابت ارایه خدمات یا تضامین از صندوق مربوطه دریافت می کنند.

*- کارمزد انتشار اوراق اجاره، مرابحه و سایر اوراق بهادار (پرداختی توسط بانی به نهاد واسط)

*- کارمزدهایی که شرکت سپرده‌گذاری مرکزی اوراق بهادار بابت خدمات انتقال و تسویه اوراق بهادار (اعم از صدور کد معاملاتی برای انجام معامله، استخراج و ارایه گزارش های گردش معاملات شرکت ها و سهامداران ، تخصیص اتوماتیک سهام،سپرده کردن اوراق بهادار،خدمات نگهداری اوراق بهادار شامل سپرده گذاری اوراق بهادار،اصلاح مشخصات سهامداری برای ایجاد امکان معامله،صدور گواهی نامه نقل و انتقال،انتقالات قهری و قانونی،افزایش سرمایه، توزیع سود سرمایه، توزیع سود اوراق بهادار و توثیق اوراق بهادار در خصوص انجام معامله دریافت می‌کنند.

آغاز ثبت درخواست متقاضیان طرح برندسازی پمپ بنزین ها

ثبت درخواست متقاضیان طرح برندسازی پمپ بنزین ها از دیروز(سه‌شنبه) آغاز شد.

محمدرضا مظلومی مدیربازرگانی شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی با بیان این مطلب افزود: هم اکنون سه هزار و ۴۰۰ جایگاه عرضه بنزین و دوهزار و ۴۰۰ جایگاه گازطبیعی فشرده(سی ان جی) در کشور فعالیت دارند.

وی به توزیع روزانه ۲۵۰ میلیون لیتر انواع فرآورده نفتی در کشور اشاره کرد و ادامه داد: برای افزایش کیفیت ارائه خدمات در جایگاه های عرضه، شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی طرح برندسازی و ایجاد زنجیره عرضه را اجرا می کند.

مدیر بازرگانی شرکت ملی پخش فرآورده های نفتی افزود: همه شرکت‌های واجد صلاحیت که در زمینه ذخیره سازی، حمل و عرضه فرآورده های نفتی فعالیت می کنند، می توانند در این طرح مشارکت داشته باشند.

وی با تشریح جزئیات طرح برندسازی گفت: شرکت ها بر اساس ارزیابی شاخص های توان مالی، سابقه اجرایی، نیروی انسانی، امکانات و فرآیندهای کسب و کار ارزیابی شده و در صورت دارا بودن صلاحیت می توانند فعالیت خود را آغاز کنند. نامبرده گفت: این شرکت ها برای آغاز فعالیت خود باید حداقل ۶۰ نازل پمپ بنزین داشته باشند و در مدت دو سال باید آن را به ۳۰۰ نازل افزایش دهند.همچنین شرکت های متقاضی برندسازی در سی‌ان‌جی هم باید کار خود را حداقل با ۳۰۰ نازل آغاز کنند.

وی به تدابیر اتخاذ شده برای جلوگیری از ایجاد انحصار اشاره کرد و گفت: برای جلوگیری از رانت و انحصار، شرکت های متقاضی فعالیت در سطح ملی نمی توانند بیشتر از ۲۰ درصد جایگاه ها را در سطح کشور در اختیار بگیرند.

مظلومی گفت: برندهای استانی هم ۳۰ درصد جایگاه های عرضه استانی و برندهای شهرستانی هم تا ۵۰ درصد جایگاه عرضه در شهرستان را می‌توانند تحت مالکیت خود داشته باشند.

نفت ، طلا ، سکه و ارز

بازار جهانی

هر بشکه نفت سبک آمریکا (وست تگزاس)	۴۹/۵۶ دلار
هر بشکه نفت دریای شمال (برنت)	۴۹/۵۳ دلار
هر بشکه نفت اوپک	۴۴/۸۰ دلار
هر اونس (۳۱/۱ گرم) طلا	۱۲۱۲/۴دلار

بازار داخلی

سکه طلا طرح قدیم (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۹۹۸۰۰۰ تومان
سکه طلا طرح جدید (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۱۰۰۱۰۰۰ تومان
نیم سکه طلا (به وزن ۴/۰۶گرم)	۵۰۸۵۰۰ تومان
ربع سکه طلا (به وزن ۲/۰۳ گرم)	۲۷۵۰۰۰ تومان
سکه یک گرمی	۱۸۲۵۰۰ تومان
هر گرم طلای ۱۸ عیار (بدون مزد ساخت)	۱۰۱۱۷۰ تومان
دلار آمریکا(نرخ بانکی)	۳۰۴۶ تومان
دلار آمریکا(نرخ آزاد)	۳۴۷۴ تومان
یورو(نرخ بانکی)	۳۳۹۵/۸ تومان
یورو(نرخ آزاد)	۳۹۰۸ تومان
پوند انگلستان(نرخ بانکی)	۴۴۷۸/۵ تومان
پوند انگلستان(نرخ آزاد)	۵۰۹۵ تومان
درهم امارات (نرخ بانکی)	۸۲۹/۳ تومان
درهم امارات (نرخ آزاد)	۹۵۱ تومان

اخبار کوتاه اقتصادی

آخرین مهلت ارائه اظهارنامه مالیاتی صاحبان مشاغل

سازمان امور مالیاتی کشور با صدور اطلاعیه ای اعلام کرد: صاحبان مشاغل فقط تا پایان خرداد مهلت دارند اظهارنامه مالیاتی برای عملکرد سال ۱۳۹۴را ارائه دهند.

به گزارش رسانه مالیاتی ایران، در این اطلاعیه آمده است: براساس اصلاحیه مورخ ۹۴/۴/۳۱ قانون مالیات های مستقیم، آخرین مهلت تسلیم اظهارنامه مالیاتی عملکرد سال ۱۳۹۴ صاحبان مشاغل، تا تاریخ ۳۱ خرداد امسال است.

هشدار درباره سوء استفاده از نام پست بانک

پست‌بانک به دارندگان کارت‌های بانکی درباره سوء استفاده‌های احتمالی از کارت‌های بانکی با آرم و لوگوی این بانک هشدار داد.

روابط عمومی پست‌بانک‌ایران دیروز با توجه به ارسال پیامک از سوی برخی افراد فرصت‌طلب و سودجو به هموطنان درمورد ارائه اطلاعات کارت‌های بانکی برای ثبت‌نام در مرحله سوم یارانه‌ها اعلام کرد: این بانک برای دریافت اطلاعات افراد خانوار و ثبت در سامانه سازمان هدفمندسازی یارانه‌ها، اطلاعیه و فراخوانی نداده است و هیچگونه مسئولیتی هم در این باره ندارد.این بانک از هموطنان درخواست کرده است از پاسخگویی به این پیامک‌ها و تکمیل فرم ثبت‌نام مرحله سوم یارانه‌ها با آرم و لوگوی بانک‌ها از جمله پست‌بانک‌ایران بر روی اینترنت خودداری کنند.

برای هرگونه ثبت‌نام یا موارد مشابه آن هیچگونه نیازی به اطلاعات کارت بانکی افراد اعم از شماره کارت، تاریخ انقضاء، نام فرد و رمز مشتری نیست و امور مربوط به ثبت‌نام هر درخواستی براساس شماره ملی اشخاص حقیقی و شناسه ملی اشخاص حقوقی صورت می‌پذیرد و موضوع یارانه‌ها هم انحصاراً از سایت Refahi.ir امکان‌پذیر می‌شود.

برگزاری اجلاس سالانه اوپک؛ فردا

اجلاس وزرای کشورهای صادرکننده نفت فردا در اتریش برگزار می‌شود

اجلاس سالانه وزرای ۱۳ کشور عضو سازمان صادرکننده نفت(اوپک) فردا در وین پایتخت اتریش مقر اصلی این سازمان برگزار خواهد شد، ولی قرار نیست که در این اجلاس سقف تولید نفت خام کاهش یابد.

نماینده عراق در اوپک دیروز با بیان این مطلب گفت: هیچ هدفی برای تغییر سقف تولید نفت در اجلاس فردا مورد بررسی قرار نمی گیرد. در واقع اعضای این سازمان فردا گرد هم می‌آیند تا برنامه این سازمان را برای نیمه دوم سال برنامه‌ریزی کنند. پیش از این قرار بود اعضای مؤثر غیر اوپک هم در این اجلاس شرکت کنند، ولی الکساندر نواک وزیر انرژی روسیه اعلام کرد در این اجلاس شرکت نخواهد کرد.

به انگیزه برپایی نمایشگاه فرهنگ دیداری کودکان ایران در موزه هنرهای معاصر تهران

گذری در ۳۰ سال میراث تصویری کودکان



عکس: محمد نجفی

موزه هنرهای معاصر تهران این روزها میزبان نمایشگاه «کارنامه» است که فرهنگ دیداری کودکان ایران در مقطع زمانی سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۶۰ خورشیدی را در بر می‌گیرد. هدف از برگزاری این نمایشگاه بررسی و معرفی محتوایی محصولات تولید شده برای کودکان و نوجوانان با نگاهی به شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی دوره‌های قبل است. برخی بر این باورند از آنجایی که فرهنگ ملت ما در گذشته بیشتر فرهنگی شفاهی بوده و به آن شکلی که باید، دسترسی به آرشیو و مستندات میسر نبوده است، این نمایشگاه می‌تواند محمل مناسبی برای آشنایی مخاطبان با مستندات دیداری دوره‌های گذشته را فراهم کند. نمایشگاه فرهنگ دیداری کودکان ایران، تا بیست و پنجم خرداد ماه جاری در موزه هنرهای معاصر تهران، ادامه دارد.

حفاظت از فیلم‌های قدیمی و تاریخی

لادن طاهری ـ مدیر فیلمخانه ملی ایران درباره بخش جنبی نمایشگاه کارنامه (فرهنگ دیداری کودکان ایران) که به نمایش مجموعه‌ای از فیلم‌ها اشاره دارد، می‌گوید: شناسایی، گردآوری، نگهداری، حفاظت و مرمت اسناد و آثار تصویری هر کشور را فیلمخانه‌های ملی آنها بر عهده دارند. کشف فیلم‌های فراموش‌شده، ارزیابی دوباره آثار ارزشمند سینمایی و مقایسه‌شان با فیلم‌های دوران معاصر و اصلاح و مرمت فیلم‌های آسیب‌دیده، در درجه نخست بر عهده این نهاد است. فیلمخانه‌ها با ایفای نقش پشتیبانی خود از امور پژوهشی، می‌توانند باعث شوند پژوهش‌های تاریخی به پیشرفت‌های حیرت‌انگیزی دست یابند و از آن‌جا که فیلم‌ها منابع اطلاعاتی بی‌مانندی درباره تاریخ به حساب می‌آیند، حافظه آیندگان را، هر جا که تهدید شود، از آسیب مصون می‌دارند.

او اضافه می‌کند: اگر فیلمخانه‌ها وجود نداشتند، هرگز فرصت و امکان تماشای فیلم‌های قدیمی فراهم نمی‌شد و شاید شاهکارهای سینماگران جهان، برای همیشه از میان می‌رفت و ما هیچ‌وقت تماشای یک فیلم صامت با همراهی موسیقی زنده را تجربه نمی‌کردیم. اگر چه به‌نظر می‌رسد که اندیشه محافظت از فیلم‌ها به طرز بی‌سابقه‌ای ترویج و توسعه یافته و به رسمیت شناخته شده است، اما در عمل تلاش فیلمخانه‌ها برای تامین منابع انسانی و مالی مورد نیاز، پایان نیافته است و مبارزه دشوار علیه لطمه‌های حاصل از گذر ایام، تباهی اسرارآمیز شیمیایی فیلم‌ها و رنگ‌باختگی شتابان آنها، ادامه دارد و برای مقابله با این روند، آمیزه‌ای از هنر و فناوری‌های نوین، به خدمت گرفته شده است.

*** لادن طاهری ـ مدیر فیلمخانه ملی ایران: از آنجاکه فیلم‌ها منابع اطلاعاتی بی‌مانندی درباره تاریخ به‌حساب می‌آیند، حافظه آیندگان را هرجاکه تهدید شود، از آسیب مصون می‌دارند**

*** اگر فیلمخانه‌ها وجود نداشتند، فرصت و امکان تماشای فیلم‌های قدیمی فراهم نمی‌شد و شاید شاهکارهای سینماگران جهان، برای همیشه از میان می‌رفت**

نقش مشارکت بیشتر نهادهای دولتی

طاهری با بیان این‌که گذشت سالیان ثابت کرده است که نجات فیلم‌های قدیمی و تاریخی برای آن‌که به نتیجه برسد، جز با همراهی و عزم ملی ممکن نیست، می‌گوید: هیچ فیلمخانه‌ای در دنیا قادر نیست ماموریت‌های خود را بدون همکاری‌های همه جانبه دولت، سینماگران، مردم، بخش خصوصی و سازمان‌های مردم‌نهاد، با موفقیت ادامه دهد و به‌همین دلیل است که این روزها موضوع حفظ و حراست از میراث فرهنگی وجهه عمومی پیدا کرده است. چرا که در غیر این‌صورت سوگمندانه باید منتظر بود تا نسخه‌های منحصربه‌فرد اسناد تصویری، که برای حفظ و نگهداری به فیلمخانه‌ها سپرده شده‌اند، در آینده‌ای نه‌چندان دور آسیب‌های جدی ببینند، نابود شوند و نسل‌های آینده از تماشای میراث فرهنگی کشورشان، بی‌نصیب بمانند.

او اضافه می‌کند: تصمیم دور اندیشانه، حفظ «لابراتوار فیلم» فیلمخانه ملی ایران در سال‌های پیش، امروز اسباب آن شده است که برای نمایش منتخبی از مهم‌ترین فیلم‌های انیمیشن تاریخ سینمای ایران در موزه هنرهای معاصر تهران (که از زمان ساخت تعدادی از این فیلم‌ها بیش از نیم‌قرن می‌گذرد)، نسخه‌ای جدید و با کیفیت مطلوب در این لابراتوار چاپ و ظاهر شود.

او همچنین می‌گوید: این یک تجربه خاص است، نه فقط به دلیل فراهم شدن امکان تماشای تعدادی فیلم‌های قدیمی، بلکه بیشتر به دلیل آن‌که با سیطره سینمای دیجیتال، چندان دور از ذهن نیست که این رویداد، شاید آخرین تجربه تماشای نسخه ۳۵ میلیمتری فیلم‌ها بر پرده سینما باشد. نمایش فیلم‌های قدیمی مدیون تلاش و همکاری های گروهی از متخصصان آگاه و متعهد به میراث تصویری کشور است که بدون همراهی همیشگی آنان، امکان نمایش گوشه‌ای از گنجینه‌های فیلمخانه ملی ایران فراهم نمی‌شد.

ارتقای بینش مخاطبان

یکی دیگر از کسانی که درباره نمایشگاه «کارنامه» به اظهارنظر می‌پردازد، علی بختیاری است. او یکی از برگزارکنندگان نمایشگاه حاضر نیز محسوب می‌شود، درباره آن می‌گوید: موضوع اصلی که سعی کرده‌ایم در جریان برگزاری نمایشگاه کارنامه به آن بپردازیم، این است که موزه‌ها علاوه بر جنبه‌های تاریخی که دارند، می‌توانند به واسطه آثاری که نمایش می‌دهند، ابعاد آکادمیک نیز داشته باشند.

در واقع مخاطبانی که برای بازدید به این نمایشگاه می‌آیند، با تماشای آثار به نمایش آمده در آن، گویی که پژوهشی به شکل اجمالی انجام داده‌اند و یک کتاب را مطالعه کرده‌اند. این یکی از نکات مهم نمایشگاه کارنامه است که می‌تواند در ارتقاء سطح بینش و دانش بازدیدکنندگان نقش زیادی داشته باشد. می‌توان گفت «کارنامه» توانسته است مردم را بیشتر به سمت و سوی آثار و مستندات تصویری سال‌های گذشته، ترغیب و جذب کند.

با بختیاری این سؤال را مطرح می‌کنم که چرا عنوان «کارنامه» برای نمایشگاه فرهنگ دیداری کودکان ایران در نظر گرفته شده است، او در پاسخ می‌گوید: کودکان از دیرباز تا امروز در جامعه ما نقش و اهمیت زیادی داشته‌اند، ولی مسئله این است که آنان متاسفانه در ردیف قشرهای فراموش شده جامعه قرار گرفته‌اند و به آن شکلی که باید، در هیچ‌کدام از برهه‌های زمانی به نیازهایشان اهمیت چندانی داده نشده است، از اینرو سعی کرده‌ایم با قراردادن عنوان «کارنامه» بر روی این نمایشگاه، به‌نوعی در یادآوری نقش مهم کودکان و توجه به نیازهای اصلی آنان نیز موثر باشیم و خوشحالم که بازخوردهایی که از سوی مخاطبان این نمایشگاه

*** علی بختیاری ـ از برگزارکنندگان نمایشگاه: نمایشگاه «کارنامه» آثار تصویری و دیداری سال‌های ۱۳۳۰ یعنی دوران ملتهب قبل و بعد از کودتای ۲۸ مرداد تا سال‌های ۱۳۶۰ را به تماشا گذاشته است**

*** پس از انقلاب، تصاویر به سمت و سوی عکس‌ها و مستندات تاریخی واقعی رفته و رنگ‌ها در اغلب آثار، حماسی و قوی‌تر شده است**

صورت گرفته، به‌خوبی نشانگر آن است که توانسته‌ایم تا حد زیادی در این زمینه مثمر ثمر باشیم. نمایشگاه «کارنامه» آثار تصویری و دیداری از سال‌های ۱۳۳۰ یعنی ملتهب‌ترین دوران قبل و پس از کودتای ۲۸ مرداد تا سال‌های ۱۳۶۰ را به معرض نمایش مخاطبان گذاشته است. بعد از کودتای یاد شده، تبلیغات فرهنگی بیشتری صورت گرفت و غربی‌ها و به‌ویژه آمریکایی‌ها سعی کردند از طریق فرهنگ در نسل جوان ایرانی رخنه کنند. در سال ۱۳۳۶ انتشارات «فرانکلین» طرحی را شروع کرد که بتواند کتاب‌های درسی در ایران را برای ۲ طیف کودک و نوجوان به شکل یکدست تحت مدیریت خود قرار دهد و از این رهگذر نظارت کاملی بر کتاب‌های درسی داشته باشد، اگر چه با پیروزی انقلاب اسلامی اتفاقات مهمی در عرصه فرهنگ و آموزش کودکان و نوجوانان افتاد که یکی از آن‌ها، شکل‌گیری و پررنگ‌شدن فرهنگ عمومی ملی و مذهبی و دیگری، ارائه تعریف تازه‌ای از نقش کودکان و نوجوانان در جامعه بود.

تصویرسازی‌های پس از پیروزی انقلاب

بختیاری اضافه می‌کند: به بیان ساده‌تر، پیروزی انقلاب اسلامی باعث شد برخلاف آن‌که در سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۵۶ به کودکان و نوجوانان فقط به‌عنوان مصرف‌کننده نگاه می‌شد، از آن دوره به بعد، کودکان و نوجوانان نیز نقش مهمی در جامعه ایفا کنند و دیگر منفعل نباشند. بعد از پیروزی انقلاب، جنس تصاویر به سمت و سوی عکس و مستندات تاریخی و همین‌طور مفاهیم واقعی رفته و رنگ‌ها در اغلب آثار، حماسی‌تر و قوی‌تر شده است. در حالی‌که در سال‌های پیش از پیروزی انقلاب، تصاویری که در حوزه‌های دیداری و مکتوب برای کودکان و نوجوانان ساخته می‌شد، بیشتر به فانتزی و دنیای خیال‌انگیز پهلو می‌زد، ولی بعد از پیروزی انقلاب، آثاری که برای این طیف تولید شد، از فضای فانتزی فاصله گرفت و بیشتر رنگ و بوی اجتماعی و قابل لمس پیدا کرد. به‌ویژه این که بخش عکس‌های مستند در این نمایشگاه که از عکاسانی چون مریم زندی، رعنا جوادی و بهمن جلالی به معرض نمایش گذاشته، به‌خوبی بیانگر این نکته است.

بختیاری به یکی دیگر از بخش‌های نمایشگاه «کارنامه» نیز اشاره دارد و از بخش «تماشاخانه» به‌عنوان یکی از مهم‌ترین قسمت‌های این نمایشگاه یاد می‌کند و می‌گوید: ما در این بخش سعی کرده‌ایم صرف‌نظر از نمایش فیلم‌هایی که در آن دوران برای کودکان و نوجوانان ساخته شده به مروری بر محصولاتی که در قالب انیمیشن و فیلم برای این گروه از مخاطبان ارائه شده است نیز اشاراتی داشته باشیم. به‌ویژه این‌که در بخش تماشاخانه تلاش کرده‌ایم رویکردی انتقادی به کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان پیش از انقلاب داشته باشیم، رویکردی که نشان می‌دهد اگر چه در آن زمان در کانون، فیلم‌های درجه یک و درخشانی توسط کارگردانان مطرح مثل عباس کیارستمی و علی‌اکبر صادقی ساخته شد، ولی واقعیت این است که اغلب این فیلم‌ها به‌رغم داشتن زوایای درخشان و نقاط قوت بسیار، برای گروه سنی کودک و نوجوان مناسب نبوده‌اند و بیشتر مخاطبان بزرگسال می‌توانسته‌اند از این آثار بهره بگیرند.

با این حال، در بخش «تماشاخانه» این نمایشگاه ۵۰ فیلم کوتاه که درباره کودکان و نوجوانان در فاصله سال‌های ۱۳۳۰ تا ۱۳۶۰ ساخته شده و تا امروز کمتر در معرض دید مخاطبان قرار گرفته، به‌معرض نمایش گذاشته است که فیلم‌هایی از عباس کیارستمی، اسفندیار احمدیه، نصرت‌الله کریمی، فرشید مثقالی، پرویز کلانتری، علی اکبر صادقی، خسرو سینایی، فریدون فرشباف، ناصر تقوایی، کیومرث پوراحمد، مرتضی ممیز، نورالدین زرین‌کلک، سهراب شهید ثالث، نعمت حقیقی و ابراهیم حقیقی، برخی از کارگردانانی هستند که فیلم‌هایشان در این بخش به نمایش گذاشته می‌شود.

علی بختیاری در توضیح بیشتر آثار این نمایشگاه می‌گوید: به‌طور کلی نمایشگاه «کارنامه» بر اساس ۲ رویکرد، معرفی نمایشگاه‌های آرشیوی و دیگری رویکرد انتقادی بر یک پایه تئوریک برنامه‌ریزی شده است و با توجه به اهمیت فرهنگ دیداری کودکان در دوره زمانی که اشاره کردم ـ که از یک‌سو تحت تاثیر فرهنگ غرب است و از دهه ۴۰ مورد هجمه فرهنگی شرق به‌خصوص شوروی سابق هم قرار گرفته، نمایشگاه آرشیوی کارنامه طراحی شده است.

از او درباره نقش برگزارکنندگان نمایشگاه‌ها که در سال‌های اخیر بیشتر در حوزه‌های هنری تجسمی فعالیت می‌کنند،

*** در بخش، «تماشاخانه» نمایشگاه صرف‌نظر از نمایش فیلم‌هایی که در بازه زمانی ۱۳۳۰ تا ۱۳۶۰ برای کودکان و نوجوانان ساخته‌شده، محصولاتی که برای این گروه در قالب انیمیشن و فیلم ارائه‌شده هم مرور شده است**

*** امیر اثباتی ـ از شرکت‌کنندگان در نمایشگاه کارنامه: نمایشگاه فرهنگ دیداری کودکان ایران، از تنوع و جذابیت خاصی برخوردار است**

می‌پرسم که درباره نقش و جایگاه آنان می‌گوید: می‌توانم بگویم که آنان واسطه‌هایی هستند که تئوری‌هایی را به معرض نمایش می‌گذارند که قابل خوانش نیست و فقط باید به شکل گروهی و در فضای نمایشگاهی، به مشاهده این آثار پرداخت. برگزارکنندگان نمایشگاه یا «کیوریتورها» برگزاری یک نمایشگاه را به دست می‌گیرند تا از آثار یک هنرمند، جنبه‌ها و ابعاد گوناگونی را به مخاطبان نشان بدهند، اهمیت برگزارکنندگان نمایشگاه‌ها تا اندازه‌ای در سال‌های اخیر پررنگ شده است که می‌توان به این نکته اشاره کرد بدون حضور آنها، آثار هنری تک می‌افتند و در انزوا قرار می‌گیرند. در حالی‌که کیوریتورها می‌توانند نقش بسزایی در معرفی و شناخت زوایای پیدا و پنهان این آثار به مخاطبان هنرهای تجسمی داشته باشند.

جایگاه شناخته‌شده هویت شهری و معماری

امیر اثباتی نیز از دیگر هنرمندانی است که برپایی نمایشگاه «کارنامه» را اقدام ارزشمندی از حیث گردآوری مستندات تاریخی و فرهنگی یک ملت قلمداد می‌کند و می‌گوید: نمایشگاه «کارنامه» را می‌توان حرکت خوبی به شمار آورد، آن هم در شرایطی که اغلب موزه‌ها از تنوع لازم برخوردار نیستند و طبعاً تماشای این آثار در مکانی مثل موزه هنرهای معاصر تهران، می‌تواند محملی برای شناخت و آشنایی بیشتر مخاطبان با آثار دوره‌های قبل را فراهم کند.

نمایشگاه «کارنامه» باعث می‌شود صرف‌نظر از این که به گذشته‌مان توجه ویژه‌ای داشته باشیم، با هویت شهری و معماری در دوره‌های قبل هم بیشتر آشنا شویم. این کار اهمیت زیادی دارد، چرا که امروز به دلیل نداشتن اسنادی درباره هویت شهری و معماری، نسل جوان به آن شکلی که باید، نسبت به این حیطه اطلاعاتی ندارد.

او ادامه می‌دهد: نکته مهم درباره نمایشگاه این است که اگر چه نهادهایی مانند شورای کتاب کودک، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در برگزاری آن مشارکت داشته‌اند، اما جای پرداختن و توجه نهادهای دولتی نیز به این سمت و سو خالی است و امیدوارم شرایطی فراهم شود که نهادهای دولتی هم بتوانند در برگزاری بیشتر نمایشگاه‌هایی از این دست، سهیم باشند. «کارنامه» را می‌توان از ابعاد گوناگون ارزشمند دانست، خاصه این که این نمایشگاه به‌لحاظ محتوایی از تنوع و جذابیت خاص برخوردار است.

در این نمایشگاه تلاش شده است چینش آثار از دهه سی تا اوایل پیروزی انقلاب صورت بگیرد، تا مخاطبان بتوانند دستاوردهای نسل‌های گذشته را در حوزه دیداری مشاهده کنند. نکته‌ای که درباره نمایشگاه «کارنامه» حائز اهمیت است، این است که کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان تا سال‌های ۱۳۶۰ نهادهای فعال و پویا و مثمر ثمر در تولید آثار سینمایی برای کودکان و نوجوانان بوده است، ولی متاسفانه هر چه جلوتر آمدیم، فعالیت‌هایی از این‌نظر رو به افول رفته است. با این حال مشارکت کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در برگزاری نمایشگاه «کارنامه»، حکایت از آن دارد که این نهاد قصد دارد قدم‌های بلندی را در راه تولید فیلم برای قشر کودک و نوجوان بردارد، من هم امیدوارم حضور پررنگ نهادهایی از این دست، بستری را برای برگزاری نمایشگاه‌های بیشتری فراهم کند تا مردم و به‌ویژه نسل جوان، با زوایای پیدا و پنهان فرهنگ دیداری در دوره‌های گذشته بیشتر آشنا شوند.

آزاده صالحی

جدول

۲۲۸۴۵

طراح: غلامحسین باغبان

افقی:

۱ـ زیباترین واژه ـ آرایه‌ای از عناصر شیمیایی در قالب یک جدول، کشف مندلیف روسی
۲ـ پشت سر هم ـ مردمک چشم ـ لباس و جامه
۳ـ اصطلاحی در فوتبال ـ بد اقبال ـ دختر
۴ـ آش ـ سپهر ـ همراه اسطرلاب ـ قطار
۵ـ احاطه شده ـ نیرومند ـ اهالی
۶ـ ناراست ـ هر رنج و مصیبتی را تحمل کرده و می کند ـ حیله
۷ـ لغزنده ـ با برکت ـ حرف بیست و پنجم
۸ـ گیاه دارویی ـ بچه می کشد ـ ناخن ستور ـ از اوراق بهادار
۹ـ دوازده ماه ـ خفاش ـ ضربه مشت از بغل در بوکس
۱۰ـ ضد یکدیگر ـ سد جاجرود ـ نیا
۱۱ـ درود ـ امیدواری ـ زود گیرنده و با هوش
۱۲ـ پسر عرب ـ مسرور ـ حسرت ـ از ادات تشبیه
۱۳ـ شمای بیگانه ـ نوعی میمون ـ بازیکن خط میانی در فوتبال
۱۴ـ جسمی که معمولا پرتاب یا شلیک می شود ـ نامی دخترانه ـ دفعه و مرتبه
۱۵ـ دانش دریافت و انتقال اطلاعات در کامپیوتر ـ داخل

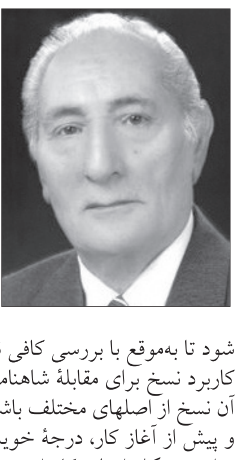
عمودی:

۱ـ مخترع تلگراف ـ کار که انجام آن بر عهده کسی گذاشته می شود ـ تیم خودرو سازان در لیگ برتر فوتبال
۲ـ رسوم ـ ماشین پنبه پاک کنی ـ شهری در استرالیا
۳ـ مولد الکتریسیته ـ فصل مصرف بیشتر گاز طبیعی! ـ کلام تنفر
۴ـ دیگر در میان مانیست ـ قرص دارویی ـ هضم کننده ـ خرمن گندم
۵ـ پیامبری ـ نت منفی ـ همسر زن
۶ـ موجود نامرئی ـ برابر ـ طویل
۷ـ پارچه ابریشمی ـ چشم روشنی ـ به تازگی
۸ـ پسوند همشهری ـ لایه ـ جنس مدال قهرمانی ـ قصد
۹ـ بازیکنی در فوتبال ـ جامه شغل ـ کنایه از سخت
۱۰ـ سمت راست ـ ناامید ـ آسیب
۱۱ـ کشور کاتماندو ـ پیشرو اعداد ـ قبیله و قوم
۱۲ـ پسوند آورنده ـ تشنه فریب ـ یکی از دو جنس ـ حبس برای تمام عمر
۱۳ـ غوزه پنبه ـ یک نفری، تنهایی ـ کتاب های بزرگ
۱۴ـ نام دیگر بالنگ ـ بلندترین نقطه ـ سایبان چشم
۱۵ـ به تنهایی ـ گدا ـ عتیق و باستان

حل جدول ۲۲۸۴۴

ارزش والای شاهنامه

دکتر محمد امین ریاحی — بخش هفتم و پایانی



تحقیق همه‌جانبه دربارهٔ حماسهٔ ملی ایران، و تصحیح نهایی آن به عنوان مقدمهٔ لازم برای همه کارهای اساسی در این زمینه، باید یک برنامهٔ ملی اعلام شود و از کوشش و صرف وقت و سرمایه در این راه دریغ نگردد. از همین حالا، بدون فوت وقت و پیش از آنکه دست روزگار آنچه را که امروز هست تا فردا نابود کند، باید میکروفیلم‌های نسخ معتبر و بالنسبه معتبر از هر گوشهٔ جهان در مؤسسه خاصی جمع‌آوری شود تا به‌موقع با بررسی کافی نسخ معتبر از میان آنها انتخاب گردد. در کاربرد نسخ برای مقابلهٔ شاهنامه، توجه دقیق به این نکته لازم است که آن نسخ از اصلهای مختلف باشند و به اصل مشترک واحدی برنگردند، و پیش از آغاز کار، درجهٔ خویشاوندی دستنویس‌ها شناخته شده باشد و این مشکل اصلی کار است.

خود فردوسی شاهنامه را چند بار تدوین کرده و کاتبان تدوین‌های چندگانه را به هم آمیخته‌اند. از طرف دیگر حدس زدیم که شاهنامه ابتدا در هفت مجلد و بعدها با تحول خط و کتابت به ترتیب در چهار مجلد و دو مجلد و سرانجام در یک مجلد کتابت می‌شده است. چنین می‌نماید که گاهی کاتبان سراسر کتاب را نه از یک نسخهٔ واحد، بلکه اجزا و داستانهای آن را از مجلدات پراکنده رونویس کرده‌اند. در نتیجه به طوری که دکتر خالقی هم نوشته است، گاهی دیده می‌شود که نسخه‌ای در اوایل کتاب با یک نسخه خویشاوند است و در اواسط با نسخه‌ای دیگر، و در اواخر با نسخه‌ای دیگر. این است که طبقه‌بندی دستنویس‌ها از اول تا آخر به طور کامل در داخل گروههای معینی امکان‌پذیر نیست. چارهٔ کار در این است که پژوهنده، هر داستان یا هر بخش را در دستنویس‌ها جداگانه با هم بسنجد و در جستجوی خویشاوندی میان اجزای شاهنامه باشد. از جستجو و کشف نسخه‌های کهن معتبر نومید نباید بود. جسته گریخته خبر از نسخه‌های کهنی داریم که هفتاد هشتاد سال پیش در دست بوده و امروز دریغ فقدان آنها را می‌خوریم. در اینجا چند نمونه را ذکر می‌کنیم:

۱ـ در ۱۳۰۴ شمسی قدیم‌ترین نسخهٔ شاهنامه در دست یک عتیقه‌فروش فرانسوی بوده که به حدس علامه قزوینی در حدود ۵۵۰ تا ۶۵۰ کتابت شده بوده و آن مرحوم دو دوره از عکسهای ۵ برگ از آن را به زحمت تهیه کرده و یک دوره را برای مرحوم فروغی فرستاده و یک دوره را برای خود نگه داشته بوده است.[1] قزوینی در نامهٔ دیگری دربارهٔ آن اوراق می‌نویسد: «به طور قطع در حدود ۵۰۰ تا ۵۵۰ هجری نوشته شده است؛ چنان که از وضع خط و املا و کهنگی کاغذ و غیره واضحاً مشهود است».[2] من بعد از سالها تکاپو، نشانی و اثری از آن نسخه و ۵ برگ عکس آن نیافتم:

با هیچ کس نشانی زان دلستان ندیدم
یا من خبر ندارم، یا او نشان ندارد

۲ـ شاهنامهٔ معروف به «دموت» که به حدس و تحقیق قزوینی در حدود سال ۷۰۰ کتابت شده، معروف است. این نسخه از ایران به خارج رفته و یکی از عتیقه‌فروشان پاریس یکی دو سال پیش از جنگ جهانی اول، آن را خریده و اوراق مینیاتوردار آن را به این و آن فروخته و بقیهٔ اوراق را گم و گور کرده است. دموت در ۱۹۲۴ در هنگام شکار به تیر یکی از دوستانش کشته شد و مرحوم قزوینی ـ آن عالم بزرگ با دلسوختگی و خشم مقدسی ـ می‌نویسد که آن تیر غیبی بوده و مجازات اینکه آن شاهنامهٔ نفیس را مثله کرده و اصل نسخه را به هیچ کس نشان نداده است![3] برگهای مصور شاهنامهٔ دموت در موزه‌ها پراکنده است و من میکروفیلم ۷۷ برگ از آنها را برای بنیاد شاهنامه تهیه کردم.

۳ـ مقارن با برگزاری «کنگرهٔ هزارهٔ فردوسی» در سال ۱۳۱۳، نسخهٔ کهنی از شاهنامه مربوط به قرن هشتم در تهران در اختیار شخصی به‌نام دکتر سعید کردستانی بوده که استاد محیط طباطبایی آن را دیده و در مقالات خود از آن نقل می‌کند؛ اما امروز خبری از آن هم نیست.

۴ـ مرحوم حبیب یغمائی می‌گفت نسخهٔ کهنی در تصرف شخصی به نام خاکپور (ساکن چهارراه آب‌سردار) بوده و آن را «نسخهٔ پدر» می‌نامیدند و در صندوقی نگهداری می‌کردند و وقتی که مرحوم فروغی سرگرم تهیهٔ منتخب شاهنامه بود، با همهٔ جلالت قدر به منزل مالک نسخه می‌رفت و مشکلات کار را به کمک آن نسخه حل می‌کرد. تا سال ۱۳۵۶، این نسخه هنوز در اختیار وراث مرحوم خاکپور بود و برای خرید یا تهیهٔ میکروفیلمی از آن برای بنیاد شاهنامه اقدام شد؛ اما روزگار فرصت نداد.

این چند نمونه را برای این ذکر کردم که دوستداران شاهنامه در جستجوی این نسخه‌ها باشند و نیز این احتمال را از نظر دور ندارند که ممکن است هنوز در گوشه و کنار، دستنویس‌های کهن ناشناختهٔ دیگری از شاهنامه موجود باشد و عالم علم از وجود آنها بی‌خبر مانده باشد؛ به همان سان که نسخهٔ مورخ ۶۱۴ فلورانس با اینکه در یک کتابخانهٔ دولتی نگهداری می‌شد، تا این اواخر مورد توجه شاهنامه‌شناسان و شاهنامه‌جویان قرار نگرفته بود.[4]

و باز تکرار می‌کنم که تا دیر نشده است، برای جمع‌آوری میکروفیلم‌های نسخ مهم شاهنامه جستجو و کوشش مستمر باید انجام گیرد، وگرنه سالها بعد افسوس و دریغ سودی نخواهد داشت و آیندگان ما را سرزنش خواهند کرد.

در گردآوری منابع تصحیح شاهنامه، از قطعات و ابیات منقول از آن در جنگها و کتابهای دیگری هم که نسخ کهنی از آنها در دست است غافل نباید بود. مرحوم جلال همایی در شهریارنامهٔ عثمان مختاری (نسخهٔ ناقص در موزهٔ بریتانیا) قسمتی از داستان رستم و اسفندیار شاهنامه را نشان داده و نوشته است که: «۱۳۷ بیت از داستان اسفندیار در شهریارنامه آمده که ۵۱ بیت که آن هم علی‌التحقیق از خود فردوسی است بر نسخ متداول شاهنامه علاوه دارد.»[5]

نمونهٔ دیگر فرائدالسلوک تألیف شمس سُجاسی است[6] که به سال ۶۰۹ در آذربایجان تألیف شده، و در نسخهٔ کهنی مورخ ۶۴۱ از این کتاب که مدتی به امانت نزد من بود،[7] ابیات فراوانی به بحر متقارب هست که ۶۵ بیت از آنها را من در شاهنامه یافتم. در آن میان، ضبطهای کهن و درستی از برخی از ابیات هست که بر صورت معروف آنها ترجیح دارد؛ مثلاً مصراع دوم بیت معروف:

میازار موری که دانه‌کش است
که جان دارد و جان شیرین خوش است

بدین‌صورت است «که او نیز جان دارد و جان خوش است» و برتری مسلم این ضبط بر آنچه از نسخ دیگر بر سر زبانها افتاده، نیازی به توضیح ندارد.

از نسخ کهن شاهنامه که بگذریم، مهمترین منابع برای تصحیح شاهکار فردوسی سایر منظومه‌های حماسی و داستانهای کهن ایرانی است چون: گرشاسبنامه، فرامرزنامه، بهمن‌نامه، برزونامه، کوش‌نامه، بیژن‌نامه، آذربرزین نامه، بانوگشسب‌نامه، شهریارنامه، لهراسب‌نامه، جهانگیرنامه و نیز داستان کک کوهزاد که به قول مؤلف مجمل‌التواریخ و القصص «شاهنامه فردوسی اصلی است و کتابهای دیگر که دیگر حکما نظم کرده‌اند... همه شعبه‌های آن اصل».

دربارهٔ این منظومه‌ها، استاد دکتر ذبیح‌الله صفا در کتاب گرانقدر خود «حماسه‌سرایی در ایران» بحثهای لازم را کرده است و علاقه‌مندان به آنجا رجوع می‌کنند. آنچه با بحث ما مربوط است، اینکه وجود چاپهای منقحی از این منظومه‌ها برای تصحیح متن شاهنامه و تحقیق در داستانهای آن ضرورت تام دارد. در سال ۱۳۵۶ بنیاد شاهنامه فردوسی قراردادهایی برای تصحیح و نشر تعدادی از آنها براساس نسخ موجود در لندن و پاریس با محققان ایرانی بست و افسوس می‌خورم که این کار به سامان نرسید.

وجود ابیات اصیل گمشدهٔ شاهنامه را در شهریارنامه از نوشتهٔ مرحوم جلال همایی نقل کردیم. عکس مسئله هم مهم است که به گمان من منشأ بیشتر ابیات سست الحاقی به شاهنامه را در همان مثنوی‌ها باید جست. از طرف دیگر سرایندگان این مثنوی‌ها پیروان و مقلدان فردوسی هستند و زبان آنها به زبان شاهنامه بسیار نزدیک است و با دقت و تأمل در تعبیرات آنها شاید بتوان تعدادی از مشکلات شاهنامه را حل کرد. شور و شوق و رغبت مردم ایران به شاهنامه، در طی قرون موجب فراموش‌شدگی سایر داستانهای منظوم شده، ولی امروز وجود آنها مددکار محققان در احیای شاهنامه می‌تواند باشد.

*سرچشمه‌های شاهنامه‌شناسی

پی‌نوشتها:

۱. نامه‌های قزوینی به تقی‌زاده، به کوشش ایرج افشار، ۱۳۵۳، صص ۲۰۴-۲۰۲

۲. همانجا: ص ۱۸۹

۳. همانجا: صص ۱۹۰-۱۸۷

۴ـ درحالی که آخرین نمونهٔ حروفچینی کتاب را می‌خوانم با خوشحالی اطلاع یافتم نسخهٔ کهن ممتازی از اواخر قرن هشتم که در اختیار خانوادهٔ سعدلو بوده، به تملک بنیاد دایره‌المعارف بزرگ اسلامی درآمده است (مجلهٔ آینده، س ۱۸، ش مهر ـ اسفند ۱۳۷۱، صص ۴۶۶-۴۶۵)

۵. دیوان عثمان مختاری، به اهتمام جلال‌الدین همایی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۱، ص ۷۸۲

۶. این کتاب به تصحیح آقای دکتر نورانی وصال جزو انتشارات پاژنگ در ۱۳۶۸ به چاپ رسید.

۷. این نسخه اخیراً به کتابخانه آیت‌الله نجفی مرعشی در قم انتقال یافته است.

نظامی و فردوسی

دکتر جلال خالقی مطلق

اشاره: به تازگی مجلد پایانی «دانشنامه زبان و ادب فارسی» در دسترس عموم قرار گرفته است و یکی از مقالات بسیار خواندنی آن گنجینه، نوشتار درازدامن استاد خالقی مطلق درباره حکیم نظامی گنجوی است که بخشی از آن به تأثیر حکیم توس بر او اختصاص دارد که در زیر با اندکی تلخیص در مآخذ ارزانی می‌شود:

نظامی بیش از همه از فردوسی و اثر او تأثیر پذیرفته است. او گذشته از اینکه خمیرهٔ بخش تاریخی «خسرو و شیرین» و «هفت‌پیکر» را از شاهنامه گرفته و «شرفنامه» را به تقلید از شاهنامه سروده و در آن از زبان و سبک شاهنامه سخت متأثر شده است، هر یک از پنج منظومه‌اش پر است از اشاره به اساطیر و روایات و داستان‌ها و اخبار و نام شاهان و پهلوانان ایران کهن که کمابیش همه از شاهنامه برگرفته شده و حاکی از مطالعه عمیق شاعر در حماسه ملی است. البته می‌توان گفت که این مطالب در آثار پیش از شناهنامه، چه به فارسی و چه به عربی، نیز بود که شاعر به‌یقین آنها را خوانده بود و از این‌رو ممکن است او مطالب خود را از مآخذ نیز برگرفته باشد؛ ولی باید توجه داشت که چندان محتمل نیست که شاعری مانند نظامی اثری چون شاهنامه را فروگذاشته و مطالب خود را از آثار دیگر برگرفته باشد.

دیگر اینکه کاربرد نامهای خاص و عنوان داستان‌ها به همان گونه‌ای است که در شاهنامه به کار رفته‌اند. سوم اینکه، نظامی بارها مستقیم و غیر مستقیم به فردوسی و اثر او اشاره کرده است؛ مثلاً فردوسی گفته است:

چو دریای سبز اندر آید ز جای
ندارد دم آتش تیزپای

و نظامی می‌گوید:

گر آن ژرف دریا برآید ز جای
ندارد در آن داوری، کوه پای

(شرفنامه)

فردوسی گوید:

اگر تندبادی برآید ز کنج
به خاک افکند نارسیده ترنج

و نظامی گوید: جهان باد و از باد ترسد ترنج (شرفنامه).

فردوسی گوید:

از این پرده برتر سخن گاه نیست
ز هستی مراندیشه را راه نیست

و نظامی گوید:

بدو هیچ پیوند را راه نیست
خردمند از این حکمت آگاه نیست

(اقبالنامه)

فردوسی گوید: «نه اندیشه یابد بدو نیز راه» و نظامی گوید: نه اندیشه داند بدو راه برد (اقبالنامه) و: که اندیشه را سوی او نیست راه (شرفنامه).

فردوسی گوید: «نخستینت فکرت، پسینت شمار» و نظامی گوید: «اول اندیشه پسین شمار» (مخزن‌الاسرار).

فردوسی گوید:

پی افگندم از نظم کاخی بلند
که از باد و باران نیابد گزند

نظامی گوید:

نه حرفی که عالم ز یادش برَد
نه باران بشوید، نه بادش برد

(شرفنامه)

فردوسی گوید:

به فردوسی آواز دادی که می
مخور جز به آیین کاووس کی

نظامی گوید:

ز باغ نظامی یکی طاس می
خوری هم به آیین کاووس کی

(اقبالنامه)

فردوسی گوید:

***حکیم نظامی گنجوی بارها در آثار چندگانه‌اش از فردوسی با القاب و صفاتی همچون: دانا، حکیم، فرزانه، پیر، سخنگوی کهن‌زاد، پیر پارسی‌دان، سخن‌سنج، گنجینه‌دار سخن، کیانی سرشت، نغز گوینده و جز اینها یاد کرده و تلمیحاتش به روایات شاهنامه بسیار است**

چو بیکار باشی، مشو رامشی
فگارست بیکار اگر با هُشی

نظامی نقل به مضمون می‌کند و گوید:

به کار اندرآی، این چه پژمردگی‌ست
که پایان بیکاری افسردگی‌ست

(اقبالنامه)

فردوسی می‌گوید:

خروشید کای مرد جنگ‌آزمای
هماوردت آمد، مرو بازجای

و نظامی گوید:

بغرید کای مرد جنگ‌آزمای
هماوردت آمد، مشو بازجای

(شرفنامه)

فردوسی همیشه از این بیم داشته است که مبادا عمرش به سر آید و کار شاهنامه ناتمام بماند. او این نگرانی را چند بار بر زبان آورده است؛ از آن میان:

بپرسیدم از هر کسی بی‌شمار
بترسیدم از گردش روزگار
مگر خود درنگم نباشد بسی
بباید سپردن به دیگر کسی

و نظامی به تقلید از او گوید:

هراسیدم از دولت تیزگام
که بگذارد این نقش را ناتمام
از آن پیش کاید شبیخون خواب
به بنیاد این خانه کردم شتاب

(اقبالنامه)

برای پی بردن به تأثیر زبان شاهنامه به‌ویژه در «اسکندرنامه»، همین بسنده است که نگاهی گذرا بدین اثر نظامی بیندازیم تا ببینیم که کمتر صفحه‌ای خالی از این تأثیر است. نشد کارگر زخم بر جوشنش (شرفنامه)، برومند باد آن همایون درخت (همان)؛ جهان گشت بر چشم زنگی سیاه (همان)، یکی گرزهٔ شیرپیکر به دست (همان)؛ نشد کارگر تیر بر درع شاه (همان)؛ نهنگ سیاه از میان برکشید (همان) و دهها نمونه دیگر از این‌گونه و یا دهها و صدها واژه و ترکیب حماسی که البته برخی از آنها پیش از فردوسی نیز جزو فرهنگ حماسی زبان فارسی بوده است.

همچنین تلمیحات نظامی به روایات شاهنامه بسیار است؛ از آن جمله است: سیاووشی نرست از زیر این تشت (خسرو و شیرین) که اشاره دارد به کشتن گروی‌زره سیاوش را و ریختن خود او در تشت به روایت شاهنامه:

یکی تشت زرین نهاد از برش
جدا کرد از آن سرو سیمین سرش

و باز:

مپندار کز خون گردنکشان
چون خون سیاوش نماند نشان

(شرفنامه)

و باز: که چرخ ایستاده‌ست با تیغ و تشت (اقبالنامه) و باز: برآورد سر صبح با تیغ و تشت (شرفنامه) و باز: به زلفت چون رسن بر بامت آرم (خسرو و شیرین) که اشاره دارد به سخن رودابه به زال در نخستین دیدار شبانه که گیسوی او را برگیرد و خود را بر بام کشد.

گذشته از اینها، نظامی بارها از فردوسی به نام و یا به کنایه یاد کرده است. در «خسرو و شیرین» از زبان ممدوح خطاب به خود، از محرومیت فردوسی از محمود و روایت فقاع نوشیدن فردوسی با صلهٔ سلطان یاد می‌کند:

گرت خواهیم کردن حق شناسی
نخواهم کرد آخر ناسپاسی
وگر با تو دمی ناساز گیریم
چو فردوسی ز مزدت باز گیریم
توانی مهر یخ بر زر نهادن
فقاعی را توانی سرگشادن

(خسرو و شیرین)

و یا یاد کردن از فردوسی با القاب و صفاتی همچون: «حکیم»، «فرزانه»، «پیر»، «دانا»، «سخنگوی کهن‌زاد»، «پیر پارسی‌دان»، «سخن‌سنج»، «گنجینه‌دار سخن»، «کیانی سرشت»، «نغز گوینده» و جز اینها: «حکیمی کاین حکایت [خسرو و شیرین] یاد کرده است» (خسرو و شیرین)؛ «نگفتم هرچه دانا گفت از آغاز» (همان)، «سخن گوینده پیر پارسی‌دان» (همان)، «چنین گفت گنجینه‌دار سخن» (شرفنامه) «گزارنده پیر کیانی سرشت» (همان)، «مگوی آنچه دانای پیشینه گفت» (شرفنامه)، «بدان‌گونه کان نغز گوینده گفت» (همان)

چنین گفت آن سخنگوی کهن‌زاد
که بودش داستانهای کهن یاد

(خسرو و شیرین)

همان پارسی گوی دانای پیر
چنین گفت و شد گفت او دلپذیر

(شرفنامه)

سخنگوی پیشینه، دانای طوس
که آراست روی سخن چون عروس
در آن نامه کان گوهر سُفته راند
بسی گفتنی‌های ناگفته ماند

(همان)

در بیت زیر، نظامی فردوسی را «ایزدشناس» می‌نامد:

ز تاریخ‌ها چون گرفتم قیاس
هم از نامهٔ مرد ایزدشناس

(همان)

از آنجا که نظامی در بیت پیش از آن به «دهقان آتش‌پرست» اشاره دارد، پس منظورش از «ایزدشناس» باید فردوسی باشد و نه مترجمان مأخذ فردوسی؛ یعنی «دهقانان زردشتی»، ولی ضمناً «دهقان آذرپرست» تأیید گزارش مقدمه شاهنامه ابومنصوری است که مترجمان پهلوی‌دان آن کتاب از دهقانان زردشتی بودند. و اما اینکه نظامی فردوسی را «ایزدشناس» می‌نامد، اشاره به خداشناسی و یکتاپرستی و یا کلاً اسلام فردوسی است و در اینجا او کاری به مذهب تشیع فردوسی که خلاف مذهب اوست، ندارد.

چند مورد هم هست که ممکن است اشاره نظامی به کس دیگری باشد؛ از جمله در «خسرو و شیرین» در آغاز فصلی که شاعر به توصیف دلتنگی شیرین می‌پردازد، می‌گوید:

همان صاحب سخن پیر کهنسال
چنین آگاه کرد از صورت حال

(خسرو و شیرین)



ولی در شاهنامه جایی سخنی از دلتنگی شیرین به سبب رنجیدن از پرویز نرفته است. و از آنجایی که خود نظامی نیز در پنجاه سالگی ممکن نیست این «پیرکهنسال» باشد، پس در اینجا منظور شاعر باید مؤلف دیگری باشد که سرگذشت شیرین و پرویز را به نگارش آورده بود و ما فعلاً از آن اطلاعی نداریم. و یا سفارش شاعر به ممدوح خود که «نامهٔ خسروان» را بخواند (لیلی و مجنون)، ممکن است منظور هر کتابی در تاریخ و روایات ایران کهن باشد، ولی باز در اینجا شاهنامه فردوسی احتمال بیشتری دارد.

به هر روی، هیچ یک از شاعران پس از فردوسی از او بدین اندازه و با این احترام یاد نکرده‌اند که نظامی و این حقیقت، با توجه به خوی خودستای شاعر، نکته‌ای مهم است. با این همه، نظامی نظامی نبود، اگر در یکی دو مورد نیز کنایه‌ای به کار فردوسی نمی‌زد و خود را دستکم در لفافهٔ شاعری بزرگتر معرفی نمی‌کرد! او در «هفت‌پیکر» پس از آنکه چند بیتی در ستایش خود می‌سراید، کار فردوسی را به نقره و کار خود را زر مانند می‌کند:

دو مطرز به کیمیای سخن
تازه کردند نقدهای کهن
آن ز مس نقره کرد، نقره خاص
وین کند نقره را به زر خلاص
مس چو دیدی که نقره شده به عیار
نقره گر زر نبود، شگفت مدار

(هفت‌پیکر)

درباره تعریض نظامی به مذهب فردوسی، نکته‌ای هست که بی‌اهمیت نیست. می‌دانیم که معتزله و اهل تشیع برخلاف اهل تسنن به رؤیت اعتقاد نداشتند؛ چنان که فردوسی می‌گوید:

به بینندگان آفریننده را
نبینی، مرنجان دو بیننده را

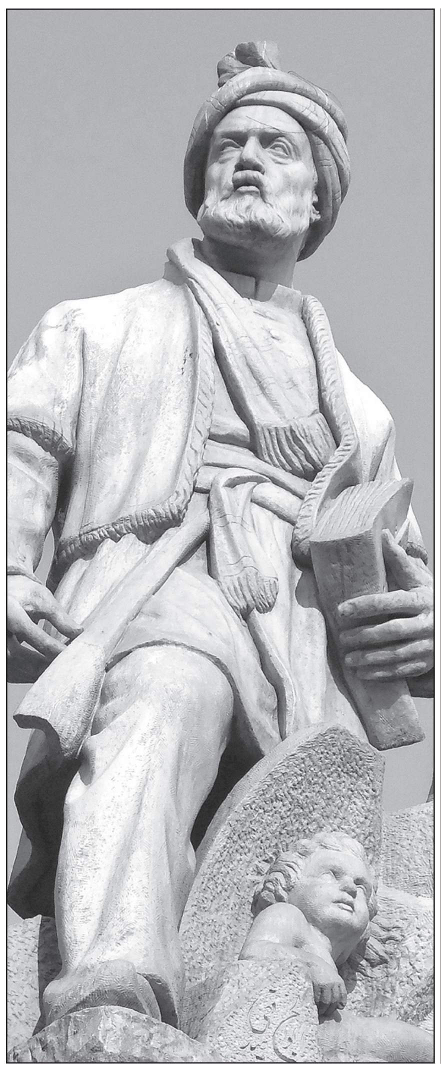
نظامی عروضی برای خشم محمود بر فردوسی، از دو علت نام می‌برد: یکی بیتهایی از دیباچه که رهنمون بر «رفض» شاعر بودند و دیگر همین بیت بالا که دلیل بر «اعتزال» او بود. از سوی دیگر، نظامی در مخزن‌الاسرار بیتی دارد در دفاع از عقیده به رؤیت که می‌گوید:

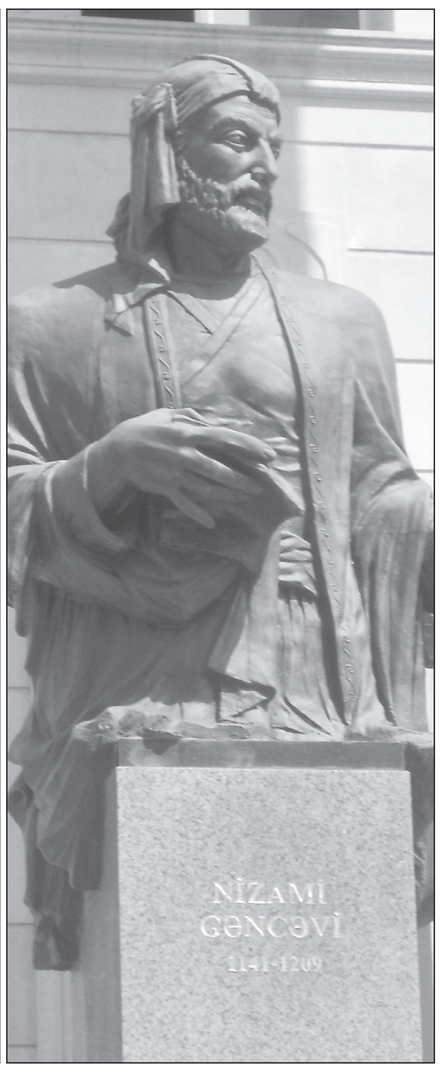
دیدنش از دیده نباید نهفت
کوری آن کس که بدیدن نگفت

(مخزن‌الاسرار)

اکنون آیا نگاه نظامی در این بیت به سوی فردوسی است؟ در این صورت البته زبان به گستاخی گشوده است؛ ولی چنین گمانی، هم به دلیل احترام نظامی به فردوسی و هم به دلیل ارجی که ممدوح او بهرامشاه برای فردوسی و اثر او قائل بود، احتمال چندانی ندارد، بلکه در اینجا شاعر سخنی کلی در رد انکار رؤیت گفته و شخص معیّنی را در نظر نداشته است؛ چنان که مثلاً فخرالدین گرگانی نیز که نظامی «خسرو و شیرین» خود را به تقلید از «ویس و رامین» او سروده است، رؤیت را نفی کرده است. بنابراین تنها موردی که نظامی در عین اعتراف به مقام بلند فردوسی، خود را شاعری بالاتر از او دانسته است، همان یک مثالی است که در بالا نقل شد.

***نظامی بیش از همه از فردوسی و اثر او تأثیر پذیرفته است. ضمن اینکه خمیرهٔ بخش تاریخی «خسرو و شیرین» و «هفت‌پیکر» را از شاهنامه گرفته و «شرفنامه» را به تقلید از آن سروده و در آن از زبان و سبک شاهنامه سخت متأثر شده است**





خاقانی و آفرینش‌های هنری

دکتر احمد تمیم‌داری



اشاره: هجدهمین نشست از مجموعه درس‌گفتارهایی درباره خاقانی به تحلیل و بررسی «زیبایی‌شناسی شعر خاقانی» اختصاص داشت که با سخنرانی دکتر احمد تمیم‌داری ـ استاد دانشگاه علامه طباطبایی ـ در مرکز فرهنگی شهر کتاب برگزار شد.

شعر خاقانی در نگاه نخست برای خواننده دشوار و دیرآشنا است. اگر خواننده با شعر او مأنوس شود، از زیبایی‌ها و مفاهیم آن بهره‌مند می‌شود. خاقانی در ابداع صورت‌های خیال دل‌انگیز اگر بی‌نظیر نباشد، کم‌نظیر است. شیوه تازه‌ای که وی در شعر فارسی ابداع کرده است، به سبب استحکام لفظ و ترکیبات تازه و نازک‌اندیشی و کاربرد استادانه صنایع ادبی، زبانزد است. اینک متن سخنرانی:

شاعر دیرآشنا

خاقانی شاعر سخت و دیرآشنایی است. شعر او به علت مشکل بودنش، مثل آثار سعدی و حافظ در دنیا شناخته‌شده نیست. مرحوم دکتر شهیدی می‌گفت تسلط بر شعر خاقانی نیاز به ۲۰سال کار تخصصی دارد. در بسیاری از شعرهای خاقانی به دانش‌ها و آداب و رسومی اشاره شده است که دیگر وجود ندارند و از بین رفته‌اند؛ در نتیجه کشف آنها بسیار مشکل است. شعر خاقانی را به‌سرعت شعر حافظ و سعدی نمی‌توان خواند. اساساً خواندن قصیده نیاز به طمأنینه و اندیشه و صبر و تحمل دارد.

مبحث زیبایی‌شناسی در شعر و هنرهای دیگر بحث تازه‌ای است که در کشور ما دارد شروع می‌شود. البته مباحث زیبایی‌شناسی، یا نقد بلاغی، از قدیم‌الایام در یونان باستان، هند باستان و ایران باستان به شکل‌های مختلف مورد توجه بوده است؛ به‌ویژه در زبان و ادبیات. حالا مدتی است که نقد روان‌شناسی رایج شده و بیشتر از روی دیدگاه‌های فروید سعی می‌کنند که درباره ادبیات بحث کنند. به هر حال مهمترین بخشی که می‌توانیم مطرح بکنیم، مباحث بلاغی و زیبایی‌شناسی است.

ما به‌جای اینکه از دیدگاه فروید و عقده‌های غریزی درباره ادبیات کار کنیم، بهتر است از تأثیر آثار ادبی در پیدایش دانش‌های دیگر بحث کنیم. اگزیستانسیالیست‌ها معتقدند مهمترین محصول عالم، انسان است و مهمترین محصول انسان، اندیشه اوست و مهمترین محصول و ابزار این اندیشه، زبان است و مهمترین بخش زبان، هنر زبان یا ادبیات است. چرا از این دیدگاه به ادبیات نگاه نکنیم؟ ما درباره ادبیات داریم کوتاهی می‌کنیم و متأسفانه درباره اینکه زبان و آثار ادبی چه تأثیری در رشته‌های دیگر دارند، کمتر بحث می‌کنیم.

در کتاب‌های بلاغی ما آنچه درباره تشبیه و استعاره و مجاز و کنایه گفته می‌شود، جنبه فرمولی پیدا کرده است و مثل ریاضی درباره آنها بحث می‌کنند. این را دیگر همه می‌دانند که تشبیه یک مشبّه دارد، یک مشبّهٌ‌به، یک وجه‌شبه و یک ادات تشبیه. یادگیری اینها آسان است؛ اما مسأله مهم در زیبایی‌شناسی این است که بدانیم تشبیهات چه فرقی با هم دارند؟ تفاوت‌های زیادی بین تشبیهات وجود دارد و برای یک مشبه که تشبیه شده، مشبّهٌ‌به‌های متعددی هست. تفاوت‌های اینها کجا باید بررسی بشود و زیبایی اینها چه تفاوتی با هم دارد؟

دایرةالمعارف زیبایی‌شناسی

ما یک فرهنگ بزرگ تشبیه و استعاره نداشته‌ایم که به اهل زبان و اهل هنر ارائه کنیم؛ یعنی به طور آماری نظرخواهی کرده باشیم که این یا آن مشبه که به چند چیز تشبیه شده، کدام یک بهتر و مطبوع طبع است و نزدیکتر است به ذهن اهل ادب؟ این کار نیاز به یک دایرةالمعارف تشبیه دارد. باید برای شعر انوری و خاقانی چنین دایرةالمعارف زیبایی‌شناسی بنویسیم تا بدانیم تشبیهات و استعارات آنها چگونه به‌وجود آمده است و زمینه‌های آن در کجاست؟

زمینه‌های پیدایی زیبایی بسیار مهم است. درباره خاقانی و حتی حافظ هم چنین کاری نشده است. در حالی‌که در حافظ در حدود ۴۰ حوزه زیبایی‌شناسی را می‌توان پیدا کرد؛ مثلاً حوزه اشجار و گیاهان، حوزه دریا (نهنگ و ماهی و صدف و غیره)، حوزه آسمان (ستاره و ماه و خورشید و رنگ آسمان) و در زمینه مشاغل و نمونه‌های دیگر.

تا زمانی که مطلبی به صورت قاموس زبان گفته می‌شود، اثر زیبایی‌شناسانه ندارد؛ اما اگر معنای ثانویه داشته باشد، آنگاه اثری ادبی است. اگر سخنی به معانی اولیه گفته بشود، فقط نظم است و ارزش ادبی چندانی ندارد. چون ناظم، لغتها را در معنی قاموسی آن به کار می‌برد؛ اما شاعر واژه را در معنی ثانویه به کار می‌برد. زیبایی



هنگامی آفریده می‌شود که سخن معنی ثانویه داشته باشد. به نظر من اساس تمام هنرهای دنیا بر تشبیه و استعاره استوار است.

یکی از زبان‌شناسان قرن بیستم به نام لیکاف گفته است: «تمام زبان، استعاره است.» سکاکی، از بلاغت‌دان‌های قرن سوم و چهارم نیز در کتاب «مفتاح» خود چنین اعتقادی دارد. صنعت تشبیه و استعاره و مجاز و کنایه و از همه مهمتر صنعت سمبل (نماد) بسیار اهمیت دارد. نماد مهمترین بخش است. یعنی هرچه ادبیات به سمت نماد حرکت کند، ارزش ادبی و هنری بیشتری خواهد داشت؛ به دلیل اینکه فکر بیشتری را می‌طلبد و اندیشه‌ها را به کندوکاو وا می‌دارد.

بحث عملی زیبایی‌شناسی

زیبایی‌شناسی دانش شناخت زیبایی و زشتی است. البته در ادبیات کلاسیک اصلاً راجع به زشتی بحث نمی‌شود و فقط درباره زیبایی سخن می‌گویند؛ اما از دوره رمانتیک (قرن هجدهم به این طرف) زشتی‌ها هم وارد ادبیات می‌شود. یکی از قسمت‌های مهم زیبایی‌شناسی مطالعات زیبایی‌شناسی درباره رفتار و برخوردهای اجتماعی است؛ چه از لحاظ اخلاقی و چه از لحاظ رفتاری و روابط اجتماعی.

در تمام اینها زیبایی به کار می‌رود. تمام امور زندگی زیباست یا خنثی است یا زشت. از غذاخوردن گرفته تا راه‌رفتن و حرکات چهره و شیوه نشستن و مسائل دیگر. بحث عملی زیبایی‌شناسی بسیار مهم است. درباره زبان هم باید به این نکته توجه داشت که چگونه زبان را زیبا به کار ببریم.

در زبان عربی مباحث زیبایی‌شناسی را «جمالیه» می‌گویند یا «علم الجمال». در آثار ملاصدرا، ابن سینا و بابا افضل و دیگر فیلسوفان بزرگ بحثی درباره علم‌الجمال هست؛ ولی متأسفانه هیچ‌وقت آن را به عنوان فلسفه گسترده اجتماعی و اخلاقی درنیاورده‌اند. متکلمان اسلامی بحثی درباره جمال الهی دارند و اینکه اسماء و صفات الهی از جمال بی‌حد و حصر برخوردار است و انسان یکی از موجوداتی است که مظهر جمال و جلال الهی و مظهر اسماء و صفات الهی است. اما این بحث هم توسعه اجتماعی پیدا نکرده است تا در جامعه نقش پیدا کند. در حالی‌که در آثار فلسفه اروپایی از قرن هجدهم به بعد این بحث‌ها وضع شده است.

خاقانی و آفرینش هنری

می‌توان بحث را در سه قسمت جای داد: مطالعات فلسفی، مطالعات فلسفی و روان‌شناختی (که جنبه کاربردی دارد)، بحث‌های زیبایی‌شناسی درباره نمونه‌های زیبایی، به‌ویژه در آثار هنری. اگر بخواهیم بهترین و عالیترین محمل را برای زیبایی مطرح کنیم، باید درباره هنرها بحث کنیم. زیبایی، محملی بهتر از هنر پیدا نخواهد کرد. ما یک زیبایی طبیعی داریم و یک زیبایی مصنوعی و ساختگی. در شعر، زیبایی دست‌ساز است؛ یعنی آفرینش دوم بر روی زمین. آفرینش اول مخصوص خداوند متعال است و آفرینش دوم به دست انسان است، یعنی آفرینش هنری. انسان خلاقیت دارد. خداوند به استقلال می‌آفریند، اما انسان با تکیه بر خداوند می‌آفریند. تمام شاعران و نویسندگان دارای خلاقیت هستند و چیزی می‌آفرینند. هنر، بالاترین اثر خلاقیت انسان است.

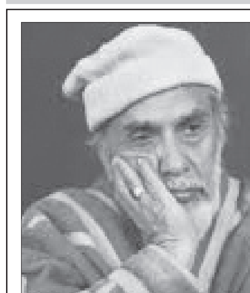
هایدگر درباره زبان و ادبیات می‌گوید که هیچ محملی در هستی انسان، بالاتر از از شعر و ادبیات نیست. هایدگر زبان و ادبیات را به اوج می‌رساند. پس ما به جای اینکه حرفهای کهنه فروید را به شعرا و نویسندگان نسبت بدهیم، بیاییم و نشانه‌های زیبایی و هنری و ادبی را و اینکه چگونه در ذهن یک متفکر جای می‌گیرند و می‌توانند دانش‌های مختلف را به وجود بیاورند، مورد بحث قرار بدهیم؛ یعنی اصالت را به زبان و هنر بدهیم.

بعداً بیشتر درباره هنرها و به‌ویژه شعر و ادبیات و اشعار خاقانی بحث خواهم کرد تا زمینه‌های زیبایی آن را دریابیم. همین قدر بگویم که احتمالاً بیشترین زمینه‌های هنری و شعری و حوزه‌های آفرینش هنری در شعر خاقانی وجود دارد.

بهشت و دوزخ

الهی، اگر مرا در دوزخ کنی، دعوی‌دار نیستم؛ و اگر در بهشت کنی، بی‌جمال تو خریدار نیستم.
الهی، من به حور و قصور ننازم، اگر نفَسی با تو پردازم، از آن هزار بهشت سازم!

خواجه عبدالله انصاری



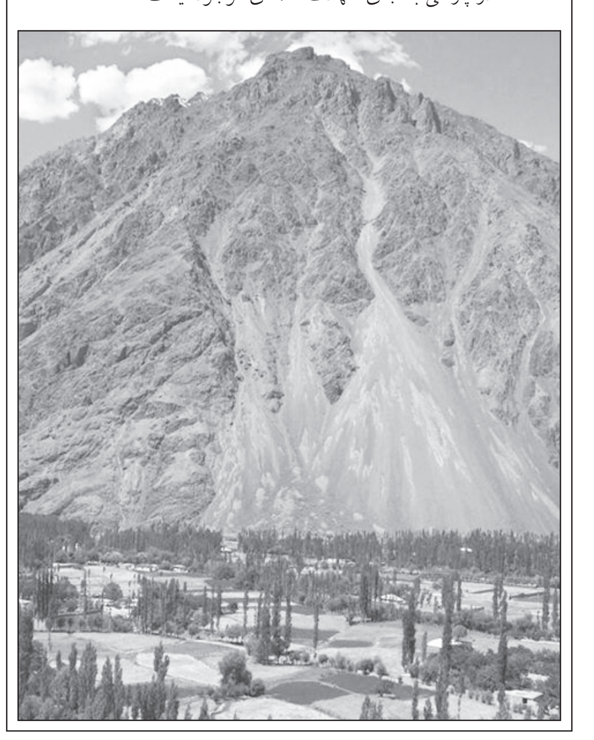
قصیده‌ای به پارسی سره

گروگان خورشید

استاد خلیل‌الله خلیلی ـ افغانستان

مِهین ایزد از من اگر جان ستاند
در آن کشورِ رادمردان نشاند
در آنجا ستانَد که زادم ز مادر
در آن زادگاه بزرگان ستاند
در آنجا که سُتوار کوه بلندش
گروگان ز خورشید تابان ستاند
درخت گَشَن شاخِ گردون شکافش
کلاه بزرگی ز کیوان ستاند
در آنجا که جنگنده مرد دلیرش
ز جنگاوران خود و خِفتان ستاند
به توفنده دریا ز کام نهنگش
به سرپنجهٔ خشم، دندان ستاند
ز چنگال شاهین، به نیروی بازو
دل گرم و خونینِ مرغان ستاند
در آنجا ستاند که یکتاپرستان
سر از پیکر بی‌خدایان ستاند
در آنجا که نای شُبانش شبانه
گهی جان فزاید، گهی جان ستاند
بسا پیرمردش که جام «شهادت»[1]
ز دشمن به دستان لرزان ستاند
بسا نوجوانش که با فرّ و نیرو
دل از سینهٔ شرزه‌شیران ستاند
شکوهنده‌تر چیست در زیر گردون
ز نامی که مردی ز مردان ستاند؟
برازنده‌تر کیست زان رادمردی
که داد خود از چرخ گردان ستاند؟
شگفتا که گیتی به ما زندگی را
چه دشوار بخشد، چه آسان ستاند
چراغی که شب برفروزد به شادی
به صد اندُهش بامدادان ستاند
گهر بازگیرد ز دیهیم شاهان
کمر از برِ پهلوانان ستاند

۱ـ در پارسی به جای شهادت کلمه‌ای موجود نیست



حکمت نیاکان

۱ـ نادان نادانی خویش را در اندیشه‌اش چنان نیک می‌پندارد که دانا دانایی خویش را.

۲ـ به نیرو کسی شایسته‌تر است که چون او را خشم گیرد، بتواند خشم را بنشاند و گناه نکند و خویشتن آرام گرداند.

۳ـ آنچه درباره هر کسی سزاوار است به کار برده شود، آشتی و دوستی است و آنچه درباره هیچ کسی نباید به کار برده شود، کین و دشمنی است.

٤ـ دانایی است که کسی از آن سیری ندارد و فرهنگ و هنر است که کسی نمی‌تواند آن را برباید.

۵ـ هر انسانی که از خرد بهره‌وری بیشتری دارد، بهره‌اش از بهشت بیشتر است.

٦ـ مردمان به چند راه به بهشت بیش رسند: نخست رادی، دیگر راستی، سدیگر سپاسداری، چهارم خرسندی و پنجم نیکی کردن به نیکان و دوست بودن به هر کس.

***مینوی خرد**

برگی از دفترهای کهن

در نکوهش عدالت!

عبید زاکانی

در تواریخ مغول وارد است که هلاکوخان را چون بغداد مسخرّ شد، جمعی را که از شمشیر بازمانده بودند، بفرمود تا حاضر کردند.

حال هر قومی را باز پرسید. چون بر احوال مجموع واقف گشت، گفت:

«از محترفه ناگریز است.»[1] ایشان را رخصت داد تا بر سر کار خود رفتند.

تجار را مایه فرمود دادن تا از بهر او بازرگانی کنند.

جهودان را فرمود: «قومی مظلومند»، به جزیه از ایشان قانع شد.

مخنّث‌ها را به حرمهای خود فرستاد.

قضات و صوفیان و حاجیان و واعظان و معرّفان و گدایان و قلندریان و کشتی‌گیران و شاعران و قصه‌خوانان را جدا کرد و فرمود: «اینان در آفرینش زیادتند و نعمت خدای به زیان می‌برند!»

حکم فرمود تا همه را در شط غرق کردند و روی زمین را از خبث ایشان پاک کرد.

لاجرم قرب نود سال پادشاهی در خاندان او قرار گرفت و هر روز دولت ایشان در تزاید بود.

ابوسعید بیچاره را چون دغدغه عدالت در خاطر افتاد و خود را به شعار عدل موسوم گردانید، در اندک مدتی دولتش سپری شد و خاندان



تازش مغولان به بغداد

هلاکوخان و مساعی او در سر نیت ابوسعید رفت. آری:

چو خیره شود مرد را روزگار
همه آن کند کش نیاید به کار

***رساله اخلاق‌الاشراف**

۱ـ به اصحاب حرفه و فن و، صنعتگران نیازمندیم.

ایران الکترونیک؛ تحقق یک نیاز جهانی

جایگاه ایران در شاخص های جهانی ICT

***بررسی ها نشان می دهد که وضع توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات در تهران، سمنان، مازندران، یزد و قم در وضع بهتری قرار دارد و رتبه های آخر استان های کشور به لرستان، خراسان شمالی و سیستان و بلوچستان اختصاص یافته است**

آنچه در پی آمده است نگاهی دارد بــه جایگاه و روند توســعه ارتباطــات و فناوری اطلاعات در ایران کــه بخش اول آن را دیروز ملاحظه کردید و اینک بخش دوم و پایانی را می خوانید:

***

مروری بر فعالیت بیش از ۳۲ ماهــه وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات نشان می دهد تلاش‌های صورت گرفته همسو با فرایند توسعه کشور در عرصه فناوری‌های نوین بین المللی بوده است.

افزایش پهنــای باند داخل از ۶۲۴ گیگابیت برثانیه به چهار هزار گیگابیت برثانیه، افزایش پهنای باند اینترنــت بین الملل از ۷۲ گیگابیت برثانیه بــه ۲۷۶ گیگابیت برثانیه، توســعه شبکه فیبر نوری از ۵۱ هزار کیلومتر به ۵۷ هزار کیلومتر، ارتقای ترانزیــت ترافیک بین الملل از ۱۱۶ گیگابیــت برثانیه به ۳۶۴ گیگابیت برثانیه، افزایش شمار کاربران اینترنت پرسرعت (ثابت و همراه) از ۳ میلیون و ۵۰۰ هزار نفر به ۳۰ میلیون کاربر و رشد ظرفیت ذخیره سازی محتوای بومی در داخل کشور از ۵۰ درصد به ۷۰ درصد از اقدام های دولت یازدهم در این زمینه بوده است.

افزایش شمار پایگاه داده اصلی متصل به شــبکه ملی اطلاعات از صفر به پنج مورد، راه اندازی نهضت تولید محتــوا و حمایت از فعالیت شبکه های اجتماعی داخلی، اجرای نظام جامع امنیت شبکه ملی اطلاعات و هوشمندسازی مدیریت محتوای فضای مجازی برای صیانت اجتماعی فرهنگی، ساخت مراکز هم مکانی، راه اندازی مرکز تبادل ترافیک اینترنتی کشــور و کاهــش تعرفه خدمات اینترنتی ارائه شــده توسط شبکه ارتباطات زیرساخت، کاهش شکاف در برخورداری از خدمات ارتباطات و فناوری اطلاعات بین مناطق شهری و روســتایی از طریق توجه ویژه به روســتاها با سرمایه‌گذاری دولت و اســتفاده از توان بخش خصوصی و تامین اینترنت برای ۱۸هزار روســتا و آبــادی از دیگر تلاش های دولت یازدهم برای گســترش ارتباطات و فناوری اطلاعات در کشور است.

از دیگر اقدام ها در طول بیش از ۳۲ ماه فعالیت دولت یازدهم ایجاد مرکز ملی تبادل اطلاعات برای توسعه زیرساخت‌های دولت الکترونیک که تاکنون ۱۰۰ دســتگاه اجرایی به آن متصل شده اند و شناسنامه خدمات ۶۷ دستگاه به تایید سازمان مدیریت و برنامه‌ریــزی و وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات رســیده است، اجرای پروژه سیگنال رسانی زمینی به ایستگاه های صداوسیما در ۱۳۵ نقطه با پیشرفت ۸۰ درصدی برای اجرای سیاســت اقتصاد مقاومتی و کاهش وابستگی به خدمات مبتنی بر ماهواره های خارجی است.

تعریف و ایجاد مرحله نخست شبکه اصلی ارتباطی بومی با عنوان شــبکه توانا با تامین تجهیزات ۱۰۰ درصد بومی از طریق بخش خصوصی و تضمیــن خرید خدمت، برقراری رومینگ ملی بین اپراتورهای همراه کشور و اتمام طرح هم کدسازی تلفن ثابت استان های کشور، آزادسازی و رفع انحصار در استفاده از فناوری‌های نوین برای ارائه خدمات تازه و افزایش خدمات مبادله ارتباطات پرسرعت و پر ظرفیت بربســتر تلفن همراه در سراســر کشور، یکپارچه سازی پروانه هــا برای ارایه خدمات پهن باند به صورت ثابت و صدور پروانه ارتباطات ثابت(FCP)، افزایش سطح موثر جغرافیایی پایش فرکانس از ۳۵ به ۵۴ درصد و افزایش قابلیت پایش فضای فرکانسی از ۲۶/۵ گیگاهرتز به ۱۱۰ گیگاهرتز از دیگر تلاش‌های دولت یازدهم است.

توسعه خدمات نوین پستی از هشــت به ۲۲ مورد و افزایش سهم درآمــدی این خدمات از کل درآمد پســتی از دو درصد به ۸/۴درصد، راه اندازی پایانه های فروش(pos) روســتایی از ۱۳ هزار دســتگاه به ۵۶ هزار دســتگاه و ایجاد صندوق تامین مالی خرد روستایی از صفر به ۸۵۹ مورد، فعال سازی سامانه ۱۹۵ و کاهش متوسط زمان پاسخگویی به شکایت‌های دریافتی از ۱۸۵ روز به ۹ روز و توسعه اینترنت اشیا در کشور از جمله مهمترین گام های وزارت ارتباطات در این مسیر بوده است.

پیش از ایــن وزیر ارتباطات و فنــاوری اطلاعات گفته بود: این وزارتخانه همگام با دولت در مسیر کاهش شکاف دیجیتالی بین شهرها و روستاها حرکت می کند.

ناگفتــه نماند: جایگاه ایران در توســعه فناوری اطلاعات اگرچه با اهداف مدنظر در اســناد بالادستی فاصله دارد،اما بررسی ها از ارتقای این جایگاه در میان کشورهای منطقه و جهان حکایت دارد.

بند الــف ماده ۴۶قانون برنامه پنجم توسعه با توجه به میزان توسعه پهنای باند اینترنــت بین‌الملل، بر آمادگی الکترونیک و طراحی شاخص توسعه دولت الکترونیک تأکید دارد. به گونه‌ای که ســرانه پهنای باند و ســایر شــاخص های ارتباطات و فناوری اطلاعات در پایان برنامه در رتبه دوم منطقه قرار گیرد.همچنین دسترسی ۶۰درصد خانوارها به شبکه پرسرعت از دیگر الزامات این برنامه بوده است.

بررسی‌ها از آمارهای اعلام شده از سوی مجامع جهانی نشان می‌دهد اگر چه توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات کشور از نظر دسترسی به فناوری های ارتباطی، آمادگی شبکه‌ای و توسعه دولت الکترونیک به نقطه قابل قبولی در میان کشورهای منطقه و جهان نرسیده است، اما در بخش زیرســاخت های ارتباطی، قیمت اســتفاده از فناوری های ارتباطی و نظام نوآوری ایران جایگاه قابل قبولی در منطقه دارد.

مهــدی فقیهــی رئیس دفتر فناوری‌های نوین مرکز پژوهش‌های مجلس با اشــاره به بررسی های به عمل آمده از وضع ارتباطات و فناوری اطلاعات کشور می گوید: براساس آخرین گزارشــات تا پایان ســال ۹۴ضریب نفوذ تلفن همراه در کشور به ۹۵درصد رســید و ۲۱میلیون نفر در ایران از اینترنت استفاده می‌کنند. در همین حال بررســی ها تا پایان دی ۹۴نشــان می دهد که ۵۶هزار و ۶۱۶کیلومتر فیبرنوری در کشــور ایجاد شــده و ظرفیت شبکه انتقال هم به ۲هزار و ۶۷۰گیگابیت بر ثانیه رسیده است.

وی با بیان اینکه ظرفیت پهنای باند IPداخلی ۲هزار و ۴۰۰گیگابیت بر ثانیه است، ادامه می دهد: ظرفیت اینترنت بین الملل ۲۸۰گیگابیت بر ثانیه برآورد می شــود و سهم تولید محتوای داخلی به خارجی در ایران حدود ۳۰به ۷۰است. در همین حال ظرفیت ترافیک ارتباطی آسیا به اروپا با توجه به نقش ایران در این ترانزیت ۳۶۴گیگابیت بر ثانیه اعلام شده است. تمام این آمارها نشان از پیشرفت در حوزه ارتباطات و فناوری اطلاعات دارد، امــا با ایــن وجود با اهداف توسعه‌ای فاصله داریم.

فقیهی با اشاره به اینکه ارزش بازار فنــاوری اطلاعات دنیا حدود ۳۵۰۰میلیارد یورو است، خاطرنشان مــی کند: با توجه به نســبت یک درصــدی ایران از نظر جمعیت در جهان، باید سهم ایران از بازار فناوری اطلاعات دنیا ۳۵میلیارد یورو معادل ۱۴۰هزار میلیارد تومان باشــد، اما برآوردها نشــان می دهد هم اکنون این ســهم کمتر از ۴۰هزار میلیارد تومان است.

وی ســهم فناوری اطلاعات و ارتباطات کشور از اقتصاد ایران را هم ۲/۷درصــد اعلام کرده و می گوید: سالانه بالغ بر ۲۰۰هزار دانش آموخته حوزه فناوری اطلاعات و ارتباطات در مقاطــع مختلف تحصیلی فارغ التحصیل می شوند که توجه به مقوله فنــاوری اطلاعات در ابعاد مختلف کشور می تواند به ایجاد بازار کار برای این فارغ التحصیلان بیانجامد.

رئیس دفتر فناوری های نوین مرکز پژوهش های مجلس با اشاره به اهداف مدنظر در برنامه پنجم برای توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات می افزاید: در این برنامه بر دسترسی ۶۰میلیون خانوار ایرانی به شبکه ملی اطلاعات و اشتراک گذاری رایگان اطلاعات توسط دستگاههای اجرایی تاکید شده اســت؛ اما با این حال بررسی ها نشان می دهد که در سال آخــر این برنامه، ۲۱میلیون کاربر به شبکه اینترنت متصل هستند و هنوز شبکه ملی راه اندازی نشده است.

وی می گوید: در برنامه پنجم توســعه به بسیاری از شاخص ها و اعداد مدنظر در حوزه دولت الکترونیک و خدمات و زیرساخت‌های ارتباطی نرســیده ایم. با این وجود در برنامه ششــم توسعه، تاکیدی بر این ارقام توســعه ای وجود ندارد و بیشتر بر توسعه زیرســاخت ها و خدمات محتوایی تاکید شــده است. در این برنامه در حوزه تجارت الکترونیک، تحقق ۳۰درصد تجارت الکترونیک از کل تجارت کشــور مدنظر قرار گرفته است.

با توجه بــه نقش مهم اندازه گیری شاخص های ICTدر برنامه ریزی های راهبردی، تصمیم گیری کشورها و بررســی پیشرفت ها، نهادهــای بین المللی مانند اتحادیه جهانــی مخابرات و مجمع جهانی اقتصاد همه ساله نسبت به وضع در این بخش تحقیق می کنند.

در این تحقیقات، وضع فناوری اطلاعات و ارتباطات ایران را در بین کشــورهای جهان و منطقه از منظر توســعه یافتگی (IDI) ، آمادگی شــبکه ای (NRI)، رقابت پذیری جهانی، سبد هزینه فناوری اطلاعات و ارتباطات، نسل دیجیتالی (DN)، توسعه دولت الکترونیک (EGDI) و اقتصــاد دانش بنیان (KEI) مورد بررسی قرار داده است.

شاخص IDIبه توسعه ارتباطات و فنــاوری اطلاعات در حوزه های مختلف دسترسی به ابزارهای ارتباطی، اســتفاده از این ابزارها و مهارت در استفاده مربوط می شود.

این شــاخص ایران را در بین ۱۶۷کشور جهان مورد بررسی قرار داده است که نشان می دهد ایران در توسعه ارتباطات و فناوری اطلاعات در منطقه چهاردهم و در جهان نود و یکم است. اگرچه این رتبه نسبت به سال ۲۰۱۱ارتقای ۳پله ای را نشان مــی دهد، اما با این وجود، ایران با کشور اول منطقه –بحرین – و کشور اول جهان – کره جنوبی– بســیار فاصله دارد.

در ایــن شــاخص از نظر میزان دسترســی به ابزارهای ICT، مولفه‌هایی مانند دسترسی مشترکان تلفن ثابت، تلفن همراه، دسترسی به پهنای باند اینترنت به ازای هر کاربر، دسترسی خانوارهای دارای کامپیوتر و خانوارهای دارای دسترسی به اینترنت در خانه بررسی می شود.

بــه طور کل رتبه ایران در این شاخص ۱۴منطقه و ۸۰جهان است که در این مولفه هم ایران ۲پله صعود داشــته است. اما با این وجود ایران در این شــاخص با قطر به عنوان کشور اول منطقه و لوکزامبورگ به عنوان کشور اول جهان فاصله بسیاری دارد.

براساس بررســی ها ، ایران رتبه اول مشترکان تلفن ثابت، رتبه ۱۷مشــترکان تلفن همراه با بیش از ۲۴میلیون دســتگاه هوشمند، رتبه ۱۸پهنای باند به ازای هر کاربر، رتبه ۱۱خانــوار دارای کامپیوتر و رتبه ۱۴خانوار دارای دسترسی به اینترنت در خانه را در منطقه دارد.

در این بخش متوســط درصد مشــترکان تلفن همــراه در دنیا ۱۱۲درصد و متوســط درصد رشد خانوارهای دارای کامپیوتر ۲۵درصد عنوان شده است. همچنین در حوزه پهنای باند اینترنت بیشــترین رشد مربوط به کشور لبنان است.

در شاخص استفاده کاربران از ICTدر مولفه استفاده اینترنت، ایران در رتبه ۱۵منطقه، از نظر استفاده از اینترنت باندپهن باسیم در رتبه ۱۱و از نظر باندپهن بی سیم در رتبه ۱۷قرار دارد. در این شاخص بیشترین میزان رشــد مربوط به کشورهای عربی است و ایران در بین ۵۰کشور پیشتاز نیست. اما کشورهای منطقه از جمله بحرین، امــارات، قطر و کویت در بین این ۵۰کشــور دیده می شوند. در مجمــوع، ایران رتبه ۱۷منطقه و ۱۰۸جهان را دارد و رتبه اول منطقه در اختیــار بحرین و رتبه اول جهان در اختیار دانمارک است.

در زیرشاخص مهارت ارتباطات و فناوری اطلاعات که براســاس مولفه‌هایی چون نرخ باســوادی، نام نویسی در سطح دبیرستان و دانشگاه سنجیده می شده و از سال ۲۰۱۴به پیشنهاد یونســکو به مولفه هایی همچون بیشترین رشد در آموزش به کمک کامپیوتر و فراگیری کامپیوتر تغییر یافته است، ایران رتبه ۹منطقه و رتبه ۶۹جهان را دارد. در این بخش یونان رتبه اول را در جهان دارد.

با این وجود، به طور کل برغم بهبود شاخص های دسترسی، تغییر اندکی در شــاخص مهارت ICT دیده می شــود. به نحوی که مقدار این شاخص از دولت هشتم تاکنون با افزایش همراه بوده، اما رتبه ایران در منطقه و جهان بهبود چشمگیری نداشته است.

در این بخش، به جز کره جنوبی و هنک کنگ که رتبه ۹دنیا را دارند، منطقه اروپا پیشرو در توسعه فناوری اطلاعات است. به نحوی که از بین ۳۰کشور بالای این جدول، ۱۹کشور از قاره اروپا هستند و کشور چاد در پایین این جدول و در رتبه ۱۶۷دیده می شود.بررســی ها نشان می دهد که وضع توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات در تهران، سمنان، مازندران، یزد و قم در وضع بهتری قرار دارد و رتبه های آخر استان های کشور به لرستان، خراسان شمالی و سیستان و بلوچستان اختصاص یافته است.

همچنین مشخص شده است که در ۵/۵ســال اخیر در روند رشد شاخص توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات (IDI)، تهران بیشترین رشد و اســتان های خراســان شمالی و سیستان و بلوچستان، کمترین میزان رشــد را داشــته اند. در این زمینه استان‌های کهگیلویه و بویر احمد و همدان با بهبود نسبی روبرو بوده‌اند.

براساس تعریف مجمع جهانی اقتصاد، شــاخص آمادگی شبکه ای (NRI) مربــوط بــه نفوذ فناوری اطلاعات و ارتباطات در هر کشــور و آمادگی آن کشــور در استفاده از این ابزار برای کســب و کار است که موضوعات مختلفی چون آمادگی محیطی، آمادگی استفاده و تاثیر کاربرد فناوری اطلاعات در اقتصاد یک کشور را مورد بررسی قرار می دهد.

***با توجه به نسبت یک درصدی ایران از نظر جمعیت در جهان، باید سهم ایران از بازار فناوری اطلاعات دنیا ۳۵میلیارد یورو معادل ۱۴۰هزار میلیارد تومان باشد، اما برآوردها نشان می دهد هم اکنون این سهم کمتر از ۴۰هزار میلیارد تومان است**

بررســی ها نشان می دهد که از نظر متوســط جهانی و منطقه ای طی سالهای اخیر، کمترین رشد در ایــن بخش مربوط بــه ایران بوده اســت و اقتصادهای با درآمد بالا ۳۰جایگاه نخســت این شاخص را از آن خود کرده‌اند.در این شــاخص رتبه ایران ۱۵در منطقه و ۹۶در جهان تا پایان سال ۲۰۱۵اعلام شده است.

این درحالی است که رتبه اول جهان در اختیار ســنگاپور است و ایران با وجود ارتقای یک پله ای نســبت به ســال ۲۰۱۴جایگاه مناسبی در این بخش ندارد.از جمله مولفه های این شــاخص آمادگی محیطی در حوزه فناوری اطلاعات است که رتبه ایران در منطقــه ۱۵و رتبه آن در جهان ۹۳است. در این زیرشاخص، امارات اول منطقه و سنگاپور اول در جهان است. در مولفه آمادگی، رتبه ۱۵منطقه و رتبه ۸۶جهان متعلق به ایران است و قزاقستان اول در منطقه و فنلاند اول در جهان است.از دیگر مولفه های این شاخص، کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات است که رتبه ۱۶منطقه و رتبه ۱۰۸جهان مربوط به ایران است. در این شاخص، امارات اول منطقه و ســوئد رتبه نخست دنیا است. در مولفه تاثیر اقتصادی فناوری اطلاعات و ارتباطات هم ایران رتبه ۱۸منطقه و ۱۱۶دنیا را دارد و از این منظر سنگاپور اول در جهان است.

شاخص رقابت پذیری جهانی بر مبنای تقویت ســاختار اقتصادی کشــورها در خلق ارزش افزوده از طریق نوآوری در کسب و کارهای نو مورد بررسی قرار می گیرد که در این زمینه ایران رتبه ۱۳منطقه و ۷۴جهان را دارد. در این شاخص تا پایان سال ۲۰۱۵قطر در منطقه اول و سوئیس در جهان اول بوده است.

از جمله مولفه‌هــای رقابت پذیــری جهانی می توان به الزامات بنیادین در کسب و کارهای نو اشاره کرد که ایران رتبه ۱۲منطقه و ۶۳دنیا را دارد و امــارات در منطقــه اول و ســنگاپور در جهان رتبه نخست را دارد.

در زیرشــاخص افزایــش دهنده‌های کارآیی هم ایران ۱۵منطقه و ۹۰در جهان است و در این زمینه امارات اول منطقه است. در این حوزه، مقوله نوآوری و پیشــرفته بودن هم مورد بررسی قرار گرفته که رتبه ایران ۱۶در منطقه و ۱۰۲در جهان اســت. در این رده بندی رتبه نخست جهان مربوط به سوئیس است.

ایران از منظر اقتصاد دانش بنیان به عنوان یکی از مولفه‌های توســعه یافتگــی دیجیتالی رتبه ۱۳منطقه و رتبــه ۹۴دنیا را در اختیار دارد و در این شاخص سوئد در جهان پیشتاز هستند

این شــاخص به بررسی نظام انگیزشــی اقتصادی ایران به عنوان یکی از زیرشــاخص ها تاکید دارد که در ایــن زمینه رتبه ۲۰منطقه و ۱۴۱جهان از آن ایران است. از منظر نظام نوآوری هم رتبه ۸منطقه و رتبه ۶۸دنیا متعلق به ایران است.

شاخص اقتصاد دانش بنیان به بررســی تحصیلات هم تاکید دارد که در این زیرشــاخص رتبه ایران در منطقه ۱۲و در جهان ۹۸اســت. در این زیرشاخص نیوزلند رتبه اول جهان را دارد.

در حــوزه زیرســاخت های ارتباطی و فناوری اطلاعاتی هم رتبه ۹منطقــه و رتبه ۷۰جهان در اختیار ایران است. در این شاخص بحرین در منطقه اول اســت و کشور سوئد رتبه نخست دنیا را دارد.

بررسی ها از منظر قیمت های ابزارهای فناوری اطلاعات و ارتباطات از ارزانی این ابزار در کشور حکایت دارد. بــه نحوی کــه ایران در میان ارزان ترین کشورها از منظر استفاده از ابزارهــای فناوری اطلاعات قرار دارد.

در این شــاخص ایران رتبه ۳منطقه و ۷جهان را دارد. در منطقه کویت ارزان ترین کشــور و در دنیا ماکائو چین ارزان ترین است.

این شــاخص براساس قیمت تلفن ثابت، تلفــن همراه و پهنای باند اینترنت سنجیده می شود که در مورد تلفن ثابت ایران رتبه نخست ارزان ترین کشور دنیا و منطقه را به خود اختصاص داده است. در قیمت موبایــل هم رتبه ایران ۵در منطقه و ۱۷در جهان است و در این شاخص قطر اول در منطقه و ماکائو چین در جهان رتبه نخست را دارد.در حوزه قیمت پهنای باند اینترنت ثابت هم ایران در بین ۲۰کشــور ارزان پهنای بانــد قــرار دارد و رتبه ۲منطقه و ۲۰جهــان را در اختیار دارد. در این رده‌بنــدی کویت رتبه اول منطقه و جهان را از آن خود کرده است.

در شاخص نسل دیجیتالی که وضع استفاده از فناوری اطلاعات و ابزارهای دیجیتال را براساس نسبت کل جمعیت و جمعیت جوان بررسی می کند، رتبه ایران در منطقه ۱۴اعلام شده و ایسلند در جهان اول است.

همچنین در شــاخص دولت الکترونیــک رتبه ایران براســاس بررسی‌های صورت گرفته که مربوط به ســال ۲۰۱۴می شود ۱۸در منطقه و ۱۰۵در جهان است و کره جنوبی رتبه اول دنیا را دارد. در این شاخص خدمات آنلاین، زیرســاخت‌های مخابراتی و سرمایه انسانی دیده شده اســت که ایران رتبه ۱۵منطقه در خدمات آنلاین را دارد و این درحالی اســت که در این رده بندی بحرین اول است. در بخش زیرساخت های مخابراتی هم ایران رتبه ۱۶منطقه را دارد. از حیث سرمایه انسانی برای تحقق دولت الکترونیک در کشــور ایران رتبه ۱۵منطقه را دارد و قزاقستان در این زمینه اول است.

ایــن مطلب با اســتفاده از گزارش های خبرگزاری ایرنا و مهر تهیه شده است



تقدیر از فرابورس در حوزه مسئولیت اجتماعی

در نخستین همایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی بنگاه‌های اقتصادی، تجارب برتر بنگاه‌ها در پنج محور اصلی بررسی شد و از فرابورس ایران به‌عنوان دارنده یکی از ۱۲ تجربه برتر تقدیر به عمل آمد.

به گزارش روابط عمومی فرابورس ایران، نخستین همایش مسئولیت‌پذیری اجتماعی بنگاه‌های اقتصادی با هدف توسعه گفتمان مسئولیت اجتماعی، انسجام و سازماندهی بنگاه‌های اقتصادی شهر تهران در توسعه رفاه اجتماعی و ارتقای کیفیت زندگی برگزار شد تا ضمن معرفی، از بنگاه‌های پیشرو در زمینه مسئولیت‌پذیری اجتماعی تقدیر شود.

بر این اساس محورهای پنج‌گانه انتخاب تجارب برتر ارسالی به این همایش شامل مسائل اجتماعی شهر، محیط زیست شهری، اقتصاد شهری، سازمان‌های مردم‌نهاد و سازمانی بود که تجربه فرابورس ایران به‌عنوان یکی از ۱۲ تجربه برتر این همایش انتخاب و مورد تقدیر شهردار تهران و کمیته برگزار کننده این همایش قرار گرفت.

مدیر روابط عمومی فرابورس ایران به عنوان نماینده فرابورس در این همایش، در خصوص اقداماتی که از سوی این شرکت در راستای مسئولیت اجتماعی انجام شده است، گفت: مشارکت در راه‌اندازی صندوق‌های سرمایه‌گذاری نیکوکاری به‌منظور ارتقای فرهنگ استفاده از ظرفیت صندوق‌های نیکوکاری در بازار سرمایه از جمله اقداماتی است که فرابورس ایران در راستای مسئولیت‌پذیری اجتماعی انجام داده است.

به گفته مبینا بنی‌اسدی مفهوم مسئولیت اجتماعی بنگاه‌های اقتصادی، در زمره مفاهیم اخلاق کسب و کار مطرح است و به نقشی که شرکت‌ها در حوزه اجتماعی برعهده دارند، مربوط می‌شود.

وی با بیان اینکه یکی از مهمترین برنامه‌های فرابورس در کنار رسالت تامین مالی، توجه هر چه بیشتر به توسعه مسئولیت‌پذیری اجتماعی در بازار سرمایه است، اظهار کرد: فرابورس ایران با طرح برخی اقدامات، برنامه‌ها و پروژه‌های برون سازمانی تمام تلاش خود را به کار گرفته تا برای حل مشکلات اجتماعی، نقشی فراتر از تولید ثروت برای جامعه ایفا کند و به این ترتیب موفقیت پایدار خود را در جامعه توسعه‌یافته و بالغ جستجو کند.

مدیر روابط عمومی فرابورس ایران استفاده از ابزارهای نوین مالی مانند صندوق‌های سرمایه‌گذاری نیکوکاری را از جمله راهکارهای مفید برای توسعه امور خیریه و بهره‌برداری حداکثری از منابع مردم در اقتصاد کشور دانست و گفت: این صندوق‌ها از آنجایی که در بستری شفاف عمل می‌کنند راحت‌تر مورد اعتماد افراد مختلف واقع خواهند شد و منجر به جمع‌آوری بیشتر منابع در امور خیریه می‌شود.

وی با تاکید بر اینکه در دنیا، استقلال، امنیت، شفافیت و تحت نظارت بودن بازار سرمایه مثال زدنی است، اظهار کرد: فرابورس ایران توانسته با مشارکت در راه‌اندازی صندوق‌های سرمایه‌گذاری نیکوکاری، نقش پیشتاز خود را در تامین مالی امور خیرخواهانه از طریق بازار سرمایه ایفا کند. مدیر روابط عمومی فرابورس ایران به مفهوم مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها اشاره کرد و در این باره توضیح داد CSRبه این مفهوم است که سازمان‌ها در قبال جامعه‌ای که در آن فعالیت می‌کنند، مسئول هستند؛ چرا که از منابع انسانی و طبیعی و اقتصادی آن استفاده می‌کنند. به بیان دیگر شرکت‌ها و به طور کلی بنگاه‌های اقتصادی ایجاد نشده‌اند تا فقط سوددهی سهامداران خود را مد نظر قرار داده و بر مبنای منافع کوتاه‌مدت به این مساله نگاه کنند؛ بلکه شرکت‌ها در قبال ذی‌نفعان دیگری نیز مسئول هستند و باید عملکرد اجتماعی و محیط زیستی خود را نیز به طور جدی در نظر بگیرند و برای کارکرد بهتر خود در این خصوص تلاش کنند.

بازار در یک نگاه

آمار معاملات آخرین روز معاملاتی (سه شنبه ۹۵/۳/۱۱)

مجموع حجم معاملات	۹۱۴ میلیون سهم
مجموع ارزش معاملات	۱/۸۵۳/۴۴۷ میلیون ریال
جمع تعداد معاملات	۵۱/۸۱۱ معامله
ارزش بازار	۳/۲۳۸/۷۰۹ میلیارد ریال

معامله پلی اتیلن در بورس کالا

پتروشیمی مهاباد که به تازگی در بورس کالای ایران پذیرش شده ، ۴۸۰ تن محصول پلی اتیلن سبک خطی LL ۲۲۴۰۲ را در رینگ پتروشیمی عرضه کرد که از این میزان ۲۴ تن آن معامله شد .

سید علی موسوی مدیر بورس کالای کارگزاری توازن بازار با اعلام این خبر پیش بینی کرد که با توجه به کیفیت آنالیز و mfi۲محصول نسبت به پلی اتیلن سبک خطی LL۲۰۹، این کالا در هفته های آتی با استقبال خوبی مواجه شود.

مجتمع پتروشیمی مهاباد به عنوان بزرگترین واحد صنعتی غرب کشور با حضور حسن روحانی رئیس جمهوری اسلامی ایران به طور رسمی افتتاح شد.

مجتمع پتروشیمی مهاباد هم اکنون در هر ساعت ۱۷ تن اتیلن با فشار ۳۲ بار از خط لوله اتیلن غرب دریافت می کند که پیش بینی می شود با توجه به راه اندازی کامل فازهای پارس جنوبی، به زودی این میزان به مرز دریافت ۴۰ تن خوراک در هر ساعت افزایش پیدا کند.

مجتمع پتروشیمی مهاباد قادر است سالانه ۳۰۰ هزار تن پلی اتیلن سبک خطی و سنگین و ۳۰ هزار تن نیز بوتن یک را تولید و روانه بازارهای داخلی و خارجی کند.

پرداخت ۲۰۰۰ میلیارد ریال سود به سرمایه گذاران

مدیر مالی شرکت سپرده گذاری مرکزی اوراق بهادار و تسویه وجوه (سمات) گفت: بیش از دو هزار میلیارد ریال سود انواع اوراق در اردیبهشت امسال به حساب سرمایه گذاران بازار سرمایه واریز شد.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی بازار سرمایه (سنا) و به نقل از سمات، سید کیومرث بزرگی نهاد با بیان مطلب فوق افزود: شرکت سپرده گذاری مرکزی ماه گذشته دو هزار و ۳۱ میلیارد و ۴۳۱ میلیون ریال سود انواع اوراق را به چهار هزار و ۱۵۹ سرمایه‌گذار پرداخت کرد.

وی اظهار داشت: سود اوراق صکوک نفت پارس، گروه مپنا، بانک سامان، مخابرات ایران، فائد بصیر، کاشی پرسپولیس، رایتل و گیربکس و اکسل سایپا به یک هزار و ۲۳۰ سرمایه‌گذار این شرکت ها به مبلغ بیش از ۱۴۱ میلیارد ریال پرداخت شد.

بزرگی نهاد ادامه داد: شرکت سپرده گذاری مرکزی در ماه گذشته سود ۱۶۸۱ سرمایه گذار اوراق مشارکت شرکت های بین المللی توسعه ساختمان، گل گهر، خاورمیانه، سیمان کردستان، شرکت ملی نفت، سایپا، کارکنان صنعت نفت و شهرداری‌های شیراز، مشهد، سبزوار و کرج به مبلغ یک هزار و ۸۶۷ میلیارد ریال را به حساب آنها واریز کرد.

مدیر مالی سمات خاطر نشان کرد: سود اوراق گواهی سپرده لیزینگ رایان سایپا، بانک گردشگری و سود سهام شرکت گسترش سرمایه گذاری ایران خودرو نیز اردیبهشت از طریق شرکت سپرده گذاری به ۱۲۴۸ سرمایه‌گذار این شرکت ها پرداخت شد.

وی در باره آنالیز پرداخت سود در اردیبهشت ماه ۹۵ گفت: سه هزار و ۷۶۳ سرمایه گذار حقیقی ۱۳۹ میلیون ریال و ۳۹۶ سرمایه گذار حقوقی یک هزار و ۸۹۱ میلیارد ریال سود در ماه گذشته دریافت کردند.

درحال حاضر سود سهام شرکت‌های پتروشیمی فارابی، فناوران، بیمه دانا، گسترش سرمایه‌گذاری ایران خودرو، سرمایه گذاری صنایع پتروشیمی، فرابورس، سیمان ایلام، کاغذ سازی کاوه، سرمایه گذاری رنا و شرکت خوراک دام پارس از طریق شرکت سپرده‌گذاری مرکزی به حساب سرمایه گذاران واریز می شود.

هم اکنون حدود ۶۰ نوع اوراق (اجاره، مرابحه، مشارکت و گواهی سپرده) در بازار سرمایه منتشر شده است که سود این اوراق به صورت ماهانه و یا هر سه ماه یکبار به سرمایه‌گذاران پرداخت می شود.

از سوی دیگر یک تحلیلگر اقتصادی گفت: بازار سرمایه که سال جدید را با یک رکود نسبی آغاز کرده هم اکنون در انتظار گزارش‌های سه ماهه شرکت ها است تا بر اساس عملکرد در سال جاری را بتوان با گزارش های سه و شش ماه مورد ارزیابی دقیق قرار داد و پیش بینی کرد اما شواهد حاکی از بهبود شرایط در سال جاری نسبت به دوره مشابه است.

این کارشناس بازار سرمایه با اشاره به افزایش قیمت جهانی نفت در کنار کاهش سود بانکی گفت: این دو عنصر می تواند از جمله مهمترین نکات مثبت بازار در سال جاری قلمداد شود.

نقدی بابائی خاطرنشان کرد:



علاوه بر ارائه گزارش های سه ماهه شرکت ها، نزدیکی مجامع بانک ها و همچنین گمانه زنی های مختلف درباره عملکرد شرکت ها و میزان سود تقسیمی بانک ها می تواند جذابیت خاصی را در هفته های آینده به بازار بدهد و سهامداران را به سهامداری در برخی گروه ها ترغیب کند.

وی افزود: از نظر سیاسی بعد از اجرایی شدن برجام و انتخابات ۹۴ در یک ثبات نسبی بسر می بریم و عملا ریسک بازار در این زمینه به حداقل رسیده است البته به نظر می رسد مسأله سوئیفت که کمی بر بازار سایه افکنده و تبادلات ارزی را زیر سوال برده در آینده نزدیک برطرف شود.

این تحلیلگر بازار سرمایه درباره شرایط گروه های مختلف و تأثیر پذیری آنها از شرایط پیرامونی بازار گفت: در بین گروه‌ها، گروه فلزات اساسی و معدنی، سال جدید را با افزایش قیمت در بازار های جهانی در این حوزه شروع کرده اند که انتظار می رود در صورت تداوم این روند شاهد گزارش های مثبتی در عملکرد سه و شش ماهه و نهایتاً پایانی این گروه باشیم.

واقعی شرکت ها سرمایه‌گذاران بتوانند تصمیمات بهتر و منطقی تری بگیرند.

نکته ای که سهامداران در این مقطع زمانی باید دقت داشته باشند این است که رکود نسبی بازار در سال جدید که به واسطه رشد خیره کننده ماه های پایانی سال ۹۴ بود، هم اکنون از بین رفته و نشانه های بازگشت ثبات و تمایل به خرید در بازار دیده می شود.

محسن نقدی بابایی تحلیلگر بازار سرمایه با بیان این مطلب به پایگاه اطلاع رسانی بازار سرمایه (سنا)، گفت: نکته ای که سهامداران در این مقطع زمانی باید دقت داشته باشند این است که رکود نسبی بازار در سال جدید که به واسطه رشد خیره کننده ماه‌های پایانی سال ۹۴ بود، هم اکنون از بین رفته و نشانه های بازگشت ثبات و تمایل به خرید در بازار دیده می شود.

وی در ادامه افزود: به نظر می‌رسد با توجه به بهبود نسبی در فضای کسب و کار کشور نسبت به سال ۹۴ گزارش های سه ماهه شرکت‌ها مطابق پیش بینی اول سال، صورت بپذیرد هر چند هنوز بسیار زود است که عملکرد کلی شرکت ها

آخرین تغییرات قیمت سهام دربورس تهران

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات	نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات	نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
جام‌دارو	۲۵,۳۳۴	۱,۲۰۶	صنایع شیمیایی سینا	۱۴,۶۷۰	۳۴۶	حمل و نقل پتروشیمی(سهامی عام	۳,۴۱۹	۸
عمران‌وتوسعه‌فارس	۲,۸۸۱	۱۳۷	سیمان کردستان	۱,۲۶۰	۱۵	گروه مپنا (سهامی عام)	۸,۹۰۰	-۱۱۶
پشم‌شیشه‌ایران	۱۱,۱۱۳	۵۲۹	سالمین	۱,۹۷۰	-۳	موتوژن	۶,۳۴۶	-۳۳۴
سامان گستراصفهان	۱,۷۰۲	۸۱	سیمان‌ارومیه	۲,۶۲۲	-۳	گروه صنعتی بارز	۳,۸۴۶	-۲۰
صنایع کاغذسازی کاوه	۶,۴۳۹	۳۰۶	پتروشیمی جم	۹,۴۰۰	-۳۷	توسعه‌معادن‌وفلزات	۱,۲۵۹	-۲۴
پتروشیمی آبادان	۲,۴۰۵	۷۳	داروسازی اسوه	۲۰,۴۰۴	۲۴۵	سرامیک‌های‌صنعتی‌اردکان	۶۸,۰۰۰	-۹۹۱
سرمایه گذاری اعتبار ایران	۲,۴۸۳	۸۶	الکتریک خودرو شرق	۲,۷۹۹	-۱۳	بیمه ما	۱,۹۹۱	-۴۶
کشت‌وصنعت‌پیاذر	۳,۳۳۱	۱۴۱	چینی ایران	۲,۴۶۰	-۱۲۹	بانک صادرات ایران	۹۷۵	-۲۳
بانک صادرات ایران	۱,۰۲۰	۲۲	بانک ملت	۲,۲۷۰	-۱	لوله‌وماشین‌سازی‌ایران	۳,۰۱۱	-۵۵
ح . توریستی‌ورفاهی‌آبادگران	۸۲۰	۲۶	بیسکویت گرجی	۴,۳۱۳	-۲۲۵	سیمان‌هگمتان	۱,۸۲۰	-۸۰
توسعه صنایع بهشهر(هلدینگ)	۲,۷۲۹	۱۱۸	داروسازی فارابی	۱۳,۶۷۹	-۷۱۹	قند مرودشت	۳,۷۰۷	-۱۸۴
داروسازی ابوریحان	۱۲,۱۳۵	۵۷۷	سیمان فارس نو	۳,۷۴۱	-۱۲۴	سرمایه‌گذاری‌بوعلی	۱,۱۵۰	-۲۴
بانک پاسارگاد	۱,۲۲۵	۱۹	صنعتی بهشهر	۷,۶۸۳	-۴۵	پالایش نفت بندرعباس	۴,۸۸۸	-۹۶
ملی سرب‌وروی ایران	۱,۸۹۱	۲۳	سرمایه‌گذاری‌توسعه‌ملی	۱,۴۸۵	-۶	لنت ترمزایران	۲,۶۷۶	-۱۴۰
تامین ماسه ریخته‌گری	۲,۰۸۰	۸	داروپخش (هلدینگ)	۱۸,۱۰۰	-۷۴۱	قنداصفهان	۴,۹۰۰	-۱۳۸
توریستی ورفاهی آبادگران ایران	۱,۷۱۰	۵۷	پتروشیمی پردیس	۸,۸۲۶	-۱۷۴	کارت اعتباری ایران کیش	۳,۲۹۰	-۱۱۲
سرمایه‌گذاری‌غدیر(هلدینگ)	۱,۹۹۶	-۶	سرمایه گذاری خوارزمی	۱,۱۶۹	۳	رادیاتور ایران	۳,۴۹۰	-۷۴
شیمی داروئی داروپخش	۴,۶۳۹	۲۲۰	توسعه معدنی و صنعتی صبانور	۲,۱۹۴	-۸۳	صنایع پتروشیمی کرمانشاه	۳,۰۰۰	-۱۱۵
گسترش‌صنایع‌وخدمات‌کشاورزی	۲,۷۷۰	۱۲۱	ایران مرینوس	۸,۴۴۰	-۴۴۴	پمپ سازی ایران	۳,۱۷۶	-۳۳
داروسازی‌زهراوی	۲۲,۲۹۳	۹۶۱	صنعتی آما	۳,۱۹۵	-۸۵	ملی صنایع مس ایران	۱,۵۴۰	-۵۷
فرآورده‌های نسوز پارس	۷,۱۰۰	-۵۰	چرخشگر	۱,۰۸۰	۲	کمباین سازی ایران	۸۱۷	۰
گروه صنعتی پاکشو	۱۴,۰۹۸	۳۹۴	شرکت ارتباطات سیار ایران	۲۸,۸۹۶	-۳۰۸	لیزینگ‌خودروغدیر	۲,۳۱۳	-۲۹
فروسیلیس ایران	۲,۳۰۰	۲۵	سرمایه گذاری نور کوثر ایرانیان	۱,۰۰۶	-۲۰	معدنی و صنعتی گل گهر	۲,۱۱۲	-۸۴
کنتورسازی‌ایران	۶۲,۷۳۵	۸۶۶	توسعه‌شهری‌توس‌گستر	۱,۷۰۱	-۵۹	پارس دارو	۱۵,۷۲۲	-۶۳۴
محورسازان‌ایران‌خودرو	۴,۶۵۸	۲۷	سرمایه‌گذاری ملی‌ایران	۱,۶۱۲	-۵۸	کربن ایران	۳,۴۰۲	-۵۴
تکنوتار	۱,۸۱۷	۱۸	سرمایه گذاری دارویی تامین	۶,۵۵۰	-۲۰۳	ایران‌ارقام	۲,۹۹۸	-۵۳
نیروترانس	۶,۴۶۵	۳۰۷	سرمایه گذاری مسکن شمال شرق	۱,۵۰۰	۰	گروه‌بهمن	۲,۸۹۳	-۴۴
سیمان خزر	۲,۸۶۳	۱۳۶	گلتاش	۱۳,۲۱۰	-۳۵۲	سیمان تهران	۲,۱۴۶	-۴۵
پتروشیمی خارک	۱۱,۸۲۰	۳۷۴	بیمه ملت	۱,۳۵۰	-۶۳	ذغال‌سنگ نگین طبس	۱,۶۸۰	-۵۰
فولاد خوزستان	۲,۵۸۹	-۶۱	قندهکمتان	۲,۶۲۶	-۱۱۸	پالایش نفت تبریز	۴,۱۹۵	-۱۸۲
سرمایه گذاری پردیس	۹۷۲	-۴	شهد	۳,۷۹۱	-۱۹۲	سیمان‌سپاهان	۱,۲۴۲	-۴۲
داروسازی روزدارو	۵,۳۶۲	۲۵۵	داروسازی امین	۲,۵۸۰	-۵۳	فولاد مبارکه اصفهان	۱,۲۴۱	-۲۹
ماشین‌سازی‌نیرومحرکه	۲,۷۹۹	۱۳۳	کویر تایر	۳,۲۴۰	-۴۷	تولیدی کاشی تکسرام	۱,۱۵۱	-۳۸
گروه مدیریت سرمایه گذاری امید	۱,۴۱۰	-۳۵	نفت سپاهان	۷,۶۵۰	-۱۶۷	پتروشیمی جم	۹,۳۰۰	-۱۳۷
بانک تجارت	۱,۰۳۸	-۱۰	حمل‌ونقل‌توکا	۳,۲۳۰	۲۴	سرمایه‌گذاری‌توکافولاد(هلدینگ)	۱,۷۳۰	۹
لابراتوارداروسازی دکترعبیدی	۹,۶۱۵	۴۵۷	سرمایه گذاری توسعه صنایع سیمان	۱,۱۵۰	-۳۵	تولیدی‌گرانیت‌بهسرام	۲,۰۹۱	-۲۳
سرمایه گذاری البرز(هلدینگ)	۴,۷۰۰	۰	سیمان‌خاش	۶,۳۶۹	-۳۳۵	قند ثابت خراسان	۱,۱۸۷	-۳۷
لامیران	۳,۰۳۰	۵۶	گروه صنعتی ملی (هلدینگ)	۶,۳۵۱	-۳۳۴	پارس خزر	۱۰,۹۵۰	-۱۲۱
کارخانجات قند قزوین	۳,۴۵۰	۱۴	سیمان کارون	۲,۷۶۰	-۲۱	سرمایه‌گذاری‌ملت	۸۷۰	-۲۹
بانک ملت	۲,۲۷۰	-۱	داروسازی کوثر	۱,۶۱۵	-۲۳	ایران ترانسفو	۱۱,۸۰۱	-۲۵۷
سیمان بهبهان	۱۰,۴۶۶	۴۰	قند لرستان	۳,۱۶۵	-۶۹	ایران‌دارو	۴,۲۶۰	-۸۰
سپنتا	۱۵,۳۶۷	۷۳۱	سبحان دارو	۱۱,۰۰۰	-۱۷۵	نوسازی‌وساختمان‌تهران	۱,۹۰۱	-۴۵
ایران تایر	۲,۷۵۰	-۷	پارس سرام	۱,۹۵۰	-۷۹	سیمان شرق	۱,۱۷۲	-۱۶
سرمایه گذاری آتیه دماوند	۲,۴۵۸	۶۳	بین المللی محصولات پارس	۲,۴۴۴	-۴۱	کالسیمین	۲,۰۵۰	-۵۰
پالایش نفت اصفهان	۲,۸۸۸	-۸۶	بانک کارآفرین	۲,۸۵۶	-۱۰۲	حفاری شمال	۳,۹۹۱	-۱۳۳
سرمایه گذاری صنعت ومعدن	۱,۴۸۰	۹	بیمه آسیا	۱,۳۸۸	۵	شکرشاهرود	۱,۷۰۴	-۴۷
پارس الکتریک	۵,۸۲۷	-۶	س. صنایع‌شیمیایی‌ایران	۳,۸۸۳	-۱۵۳	سیمان داراب	۱,۲۴۰	-۳
درخشان تهران	۲,۱۲۸	۱۵	لیزینگ‌صنعت‌ومعدن	۱,۳۱۵	-۸	سرمایه گذاری شاهد	۱,۴۰۰	-۲۴
نفت پارس	۵,۵۰۲	۲۶۲	سیمان کرمان	۲,۵۵۰	-۲۸	سرمایه گذاری پارس توشه	۳,۴۱۰	-۸۴
شیرپاستوریزه‌پگاه‌اصفهان	۸,۷۵۵	-۳۴	بانک انصار	۲,۵۱۶	-۴۸	سیمان دورود	۱,۱۱۰	-۳۰
بیمه البرز	۱,۲۰۰	۹	داروسازی زاگرس فارمد پارس	۴,۹۵۱	-۴۹	نورد آلومینیوم	۱,۱۷۰	-۲۱
نوردوقطعات فولادی	۴,۰۰۳	۱۹۰	سرمایه‌گذاری‌بهمن	۱,۵۷۰	۲	آبسال	۲,۳۸۵	-۹۶
پاکسان	۳,۶۰۱	-۱	پست بانک ایران	۲,۲۲۹	۹	کارخانجات تولیدی شهید قندی	۲,۵۳۷	-۸۶
کشت‌وصنعت‌پیاذر	۳,۲۰۰	۱۰	بانک خاورمیانه	۲,۹۴۰	۲۱	افست	۵,۷۰۰	-۱۰۴
صنایع‌خاک‌چینی‌ایران	۱۰,۹۱۱	-۱۸۱	تجارت الکترونیک پارسیان	۴,۷۵۰	-۴۳	کابل البرز	۳,۵۶۳	-۱۸۷
سیمان‌غرب	۲,۴۰۰	۸	بانک‌اقتصادنوین	۲,۳۰۳	-۸۰	سرمایه‌گذاری رنا(هلدینگ)	۲,۶۹۱	-۶۶
فنرسازی‌خاور	۲,۹۴۸	۱۱	مارگارین	۴,۲۶۷	-۲۹	کمک‌فنرایندامین	۱,۰۳۰	-۱۷
داده‌پردازی‌ایران	۲,۲۷۰	-۴	قند نیشابور	۱,۵۹۴	-۵۲	بیمه دانا	۲,۴۹۸	-۶۲
قطعات اتومبیل ایران	۱,۹۲۰	۵	سرمایه‌گذاری سپه	۱,۲۷۵	-۱۱	کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران	۵,۷۳۰	-۱۷۷
سیمان قائن	۱۱,۱۰۱	۲۱	سیمان خوزستان	۲,۵۲۰	-۲۳	ماشین سازی اراک	۲,۱۲۰	-۷۶
ایران‌یاساتایرورابر	۱,۸۱۰	۱۱	بانک سینا	۱,۵۴۰	-۴۶	تراکتورسازی‌ایران	۲,۱۲۶	-۵۰
پتروشیمی‌فارابی	۴,۶۷۴	۲۲۲	معدنی‌وصنعتی‌چادرملو	۱,۸۵۶	-۴۴	صنایع شیمیایی فارس	۱,۶۷۶	-۵۵
صنایع‌جوشکاب‌یزد	۱۰,۲۰۰	-۳۵	صنایع آذرآب	۵,۴۸۰	-۱۵	تایدواترخاورمیانه	۴,۶۱۰	-۱۵۰
دارویی لقمان	۳,۳۰۵	-۸	گروه‌صنایع‌بهشهرایران	۱,۸۰۴	-۹۴	پارس‌سویچ	۸,۸۱۷	-۴۶۴
کاشی پارس	۵,۳۳۳	۲۵۳	سرمایه‌گذاری صنایع پتروشیمی	۲,۱۲۵	-۲۴	زامیاد	۱,۰۴۸	-۲۸
نفت بهران	۱۰,۲۵۰	۲۷	سرما آفرین	۲,۱۵۰	۸	ح.سرمایه گذاری صندوق بازنشستگی	۵۴۵	-۱۰
معدنی املاح ایران	۱۰,۹۹۳	۴۹۷	کیمیدارو	۷,۲۲۴	۲۰	حمل و نقل بین المللی خلیج فارس	۳,۲۰۰	-۱۳۹
گلوکوزان	۴۹,۷۱۰	-۴۹	سرمایه‌گذاری‌صندوق‌بازنشستگی	۱,۷۱۰	-۶۷	نیرو محرکه	۲,۳۸۱	-۹۶
صنایع کاشی و سرامیک سینا	۲,۴۱۰	۴۷	بین‌المللی‌توسعه‌ساختمان	۱,۲۲۷	-۲۲	ایرکا پارت صنعت	۲,۹۱۰	-۷۷
خدمات‌انفورماتیک	۱۷,۵۰۰	۱۶۲	سرمایه گذاری گروه توسعه ملی	۲,۴۳۵	-۴۸	صنایع لاستیکی سهند	۲,۵۵۲	-۱۳۴
نیروکلر	۲,۸۱۸	۳۵	سرمایه گذاری توسعه صنعتی ایران	۱,۱۸۵	۱۷	لامپ پارس شهاب	۵,۹۹۹	-۳۱۵
سرمایه‌گذاری‌توسعه‌آذربایجان	۳,۲۰۹	۱۵۲	مهندسی‌نصیرماشین	۳,۰۳۰	۹	آهنگری تراکتورسازی ایران	۳,۱۷۰	-۸۲
ح . نیروکلر	۱,۵۹۱	۲	فرآوری‌موادمعدنی‌ایران	۲,۴۵۶	-۴۷	ح . صنایع کاشی وسرامیک سینا	۱,۱۲۱	-۳۷
گروه دارویی سبحان	۷,۲۷۰	۷۶	بانک‌پارسیان	۱,۱۹۴	-۲۱	سایپاآذین	۱,۰۳۸	-۳۹
شیشه همدان	۸,۶۱۹	۱۸۰	دوده صنعتی پارس	۲,۴۳۳	۱۶	ایران خودرو	۳,۴۷۰	-۱۴۴
داروسازی جابرابن‌حیان	۱۳,۰۰۰	۶۲	سرمایه‌گذاری صنعت نفت	۲,۳۲۱	-۲	مهرکام‌پارس	۲,۳۹۴	-۶۹
پتروشیمی فجر	۱۶,۲۰۸	-۶۵	گسترش نفت و گاز پارسیان	۲,۲۵۰	-۶۴	کارخانجات‌تولیدی‌شیشه‌رازی	۶,۳۷۱	-۲۲۵
قندنقش‌جهان	۶,۳۹۷	۱۵۸	فرآورده‌های‌نسوزآذر	۱,۷۱۷	-۱۰	پارس خودرو	۱,۴۴۲	-۶۴
بیمه البرز	۱,۱۹۱	۰	صنایع پتروشیمی خلیج فارس	۵,۱۹۰	-۱۹۱	لبنیات‌کالبر	۱,۷۵۲	-۳۳
بانک پاسارگاد	۱,۲۰۶	۰	فرآورده‌های‌غذایی‌وقندپیرانشهر	۴,۳۰۰	-۹۶	سایپاشیشه	۲,۹۱۷	-۸۴
فولاد امیرکبیرکاشان	۶,۷۸۷	-۳۵۷	فراورده های نسوزایران	۳,۴۵۶	-۴۳	سرمایه گذاری صنعت بیمه	۱,۴۶۰	-۷۱
لیزینگ رایان سایپا	۳,۱۸۰	۲۱	بیمه پارسیان	۲,۸۳۱	-۷۹	مس شهیدباهنر	۱,۶۴۶	-۸۵
سیمان بجنورد	۲,۹۰۰	۶۱	سرمایه‌گذاری مسکن	۱,۱۳۶	-۴	سرمایه‌گذاری‌نیرو	۱,۳۷۰	-۴۳
شهد ایران	۱,۹۹۹	۰	ایران خودرودیزل	۱,۲۶۸	-۳۲	فولاد آلیاژی ایران	۱,۹۸۱	-۱۰۴
پگاه‌آذربایجان‌غربی	۱,۲۷۸	-۲۲	گروه پتروشیمی س. ایرانیان	۱,۳۸۵	-۲۷	سایپا دیزل	۱,۴۵۸	-۷۶

اصل شناسنامه اینجانب محمد خیرخواه مرقی فرزند حشمت اله با شماره شناسنامه ۴۲۰۸ صادره از تهران متولد ۱۳۵۱ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

گواهینامه رانندگی پایه دوم به شماره ۸۹۰۰۶۱۵۵۴۷ با تاریخ صدور ۱۳۸۹/۱۰/۲۷ به نام محمد خیرخواه مرقی با شماره ملی ۰۰۵۹۸۸۷۱۶۸ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

کارت کیشوند اینجانب حسین زلفی به شماره‌ی ۱۳۶۹۲۹/۰۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

کارت شناسایی بازنشستگی اینجانب داود بهرامعلی اسدی کلیشمی به شماره بازنشستگی ۸۷۰۰۰۳۰ متعلق به هواپیمایی جمهوری اسلامی ایران (هما) مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز وانت زامیاد تیپ Z۲۴NIB آبی روغنی مدل ۱۳۹۴ به شماره پلاک ایران ۲۳ - ۲۸۷س۸۷ به شماره موتور Z۲۴۷۰۰۸۷۲Z به شماره شاسی NAZPL۱۴۰BF۰۴۳۱۱۲۶ متعلق به حسین عابدی درچه مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. اصفهان

سند کمپانی و برگ سبز سواری پراید مدل ۱۳۸۳ پلاک ۷۹-۲۹۸د۲۹ موتور ۰۰۹۳۴۸۶۷ شاسی S۱۴۱۲۲۸۳۳۲۱۹۲۶ مفقود و اعتبار ندارد. شهر صنعتی قزوین

کارت پایان خدمت اینجانب محمد خیرخواه مرقی فرزند حشمت اله بشماره شناسنامه ۴۲۰۸ صادره از تهران مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

سند کمپانی خودروی سواری سمند به ش انتظامی ۱۳۵د۱۸ ایران ۷۲ مدل ۸۴ به ش موتور ۱۲۴۸۴۱۳۵۹۷۹ ش شاسی ۱۴۵۲۸۵۲۵ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

بدینوسیله اعلام می‌دارد که سند (برگ سبز) خودرو پژو ۴۰۵ مدل ۸۹ بشماره موتور ۱۲۴۸۹۱۷۰۳۲۶ و شماره شاسی NAAM۱۱CAXBK۶۳۲۵۵۲ به نام اینجانب محمدامین عبدالملکی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌گردد. قصرشیرین

کارت شناسایی خودرو پژو ۲۰۶ مدل ۱۳۸۴ به نام محمد خیرخواه مرقی به شماره شاسی: ۱۰۸۱۹۱۶۴ و شماره پلاک: ۱۵۷م۱۳ ایران ۱۱ مفقود گردیده و فاقد اعتبار می‌باشد.

کارت کیشوند اینجانب زهرا آقاولی به شماره ۱۵۸۴۰۸/۰۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز اتومبیل سواری پراید GLXI به شماره انتظامی ایران ۵۳-۹۷۱د۱۹ و شماره موتور ۳۶۳۸۴۲۴ شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۹۶۳۲۰۷۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. نجف‌آباد

کارت کیشوند اینجانب فاطمه امینی قاقلستانی به شماره‌ی ۱۲۳۵۸۴/۰۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودرو سواری پژو ۲۰۶ مدل ۱۳۸۶ به شماره شاسی ۱۸۹۱۳۲۱۷ و شماره موتور ۱۳۳۸۶۰۰۰۶۰۲ و شماره پلاک ۱۶ ایران ۹۱۴ق۵۱ به نام علی لطفی ولینی مفقود و فاقد اعتبار می‌باشد.

برگ سبز خودرو وانت زامیاد مدل ۱۳۹۱ به شماره شاسی NAZDL۱۰FTC۰۰۵۵۰۶۲ و شماره موتور ۸۰۰۳۷۸۵۲ و شماره پلاک ۸۳ ایران ۷۳۷و۱۵ به نام جمیله سجادیان مفقود و فاقد اعتبار می‌باشد.

آگهی مفقودی
وکالتنامه شماره ۲۳۹۳۸ به نام آقای احمدعلی رضایی جهت فروش پراید مدل ۸۲ شماره پلاک ۱۹-۳۳۴ب۵۸ شماره موتور M۱۳۵۱۰۹۵۳ شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۲۹۷۲۹۸۲ به نام اینجانب ایرج ولیزاده در دفترخانه شماره ۳۸ کرمانشاه صادر شده مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
صحنه سمیعیان

پروانه بهره‌برداری واحد ماکیان- مرغ تخمگذار به شماره ۶۰۳۳۰/۱۷۰ به ظرفیت ۸۰/۰۰۰ قطعه به تاریخ ۹۱/۸/۹ به نام محمد فردعمادی با کدملی ۱۱۴۱۱۸۵۰۶۷ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. نجف‌آباد

سند کمپانی- برگ سبز و کارت موتورسیکلت هوندا ۱۵۰ مدل ۹۳ به شماره انتظامی ۵۲۴-۹۳ شماره بدنه ۸۴۲۵۶ و شماره موتور ۵۰۱۰۸۲ بنام اصغر خلج مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودرو سواری سایپا ۱۳۲ مدل ۱۳۹۰ به شماره پلاک ۱۷-۷۷۵ج۱۷ و شماره برگ سبز ۱۷۱۰۰۱۲۶۰۰۶۶۹۲ مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. ارومیه- داود کاظمی

کارت ماشین سواری پراید مدل ۱۳۸۷ به شماره شهربانی ایران ۱۵-۷۸۶ق۱۴ و شماره موتور ۲۴۸۶۰۲۸ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۷۷۹۰۸۱۵ به نام رحیم حسنی مفقود شده و از درجه اعتبار ساقط است. (تبریز)

پروانه تاسیس موسسه فیزیوتراپی شیما به شماره /۲۷۳۶۳-۱۳۸۲/۲/۲۸ پ/۳۶۲۵/۸/س به نام محسن رستگاری و فاطمه رستگار مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

پروانه بهره‌برداری دامداری کوچک روستایی با ظرفیت ۴۵ راس گوساله پرواری به شماره ۲۳۶۶ مورخه ۱۳۸۶/۲/۱۳ گم شده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (چاراویماق)

پروانه بهره‌برداری واحد ماکیان- نیمچه گوشتی به شماره ۲۴۰۷/۱۷۰۰ به ظرفیت ۲۰/۰۰۰ قطعه به تاریخ ۸۸/۱/۱۵ به نام مصطفی جوزی با کدملی ۱۰۹۱۱۲۲۵۲۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. نجف‌آباد

سند مالکیت و سند کمپانی خودرو سواری رنو مدل ۱۳۸۱ به شماره پلاک ۱۷-۷۱۱ب۵۲ و شماره موتور S۰۳۱۵۳۱ و شماره شاسی PSY۶۸E۱۰۳۷۶۰۲ مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. ارومیه- علیرضا خلیلی گلمانخانه

کارت شناسایی کارگاه تولید سرشعله چراغ والر و سماور به مالکیت شرکت یاس استیل نیکوکار به شماره پروانه ۷۵۲۵۲ به تاریخ مهرور ۱۳۷۱/۱۲/۲۳ به شماره مجوز خ۳۸۱۹-ع۷۹۵۷ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

پلاک مشخصات آلومینیومی تریلی نیمه یدک ایران کاوه مدل ۱۳۸۴ تی ان ۳۵-۳محور به رنگ سفید- آبی به شماره شاسی G۷۳NE۰۱۸۶۲۷WH به نام آقای مهدی ایرانمنش مفقود و از درجه اعتبار ساقط است کرمان

پلاک مشخصات آلومینیومی تریلی نیمه یدک ایران کاوه مدل ۱۳۸۴ تیپ تی ان ۳۵-۳محور به رنگ سفید- آبی به شماره شاسی G۷۳NE۰۱۳۹۱۷WH به نام آقای حسین حاجی ابولی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است کرمان

برگ سبز و کارت پژو ۴۰۵ مدل ۱۳۸۹ به شماره پلاک ۴۵-۶۵۵س۷۴ و شماره موتور ۱۲۴۸۹۲۱۵۴۷۵ و شماره شاسی NAAM۱۱CA۸BK۶۳۵۴۹۶ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است کرمان

سند و برگ سبز سواری پژو پارس XU۷ سفید روغنی مدل ۱۳۹۲ به شماره موتور ۱۲۴K۰۱۸۲۰۷۷ و شاسی NAAN۰۱CA۹DH۶۷۵۶۱۲ پلاک ۸۳-۷۷۶م۲۳ مالک ابراهیم سودا مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است. لارستان

نوبت دوم
مدرک فارغ التحصیلی اینجانب زینب گودرزی فرزند یدا... به شماره شناسنامه ۹۵۵۵ صادره از تهران در مقطع دکترا رشته دندانپزشکی صادره از واحد دانشکده دانشگاه آزاد اسلامی مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران به نشانی تهران- خیابان پاسداران، نیستان نهم- صندوق پستی ۱۹۵۸۵/۴۶۶ ارسال نماید.

کارت هوشمند شماره ۲۵۲۰۱۴۴۰ مربوط به کامیونت هیوندا سفید مدل ۱۳۹۰ بغل بازشو فلزی شماره پلاک ۶۵۱ع۵۹ ایران ۷۳ شماره موتور D۴DBB۴۶۸۵۷۵ شماره شاسی NAB۳۷۹۱۱۷۹۰۰۱۶۲۰۷ به نام فاطمه روستائی صادره از پایانه حمل ونقل شیراز مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند کمپانی سواری هاچبک سیستم ام وی ام تیپ New۳۱۵ مدل ۹۳ به رنگ مشکی متالیک به شماره موتور MVM۴۷۷FJAE۰۲۶۷۲۰ و شماره شاسی NATFBAD۰E۱۰۲۱۶۰۵ و شماره انتظامی ایران ۸۸-۶۴۱هـ۵۱ متعلق به اینجانب سعید نوبهاری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. (اهر)

اینجانب طاهره ولی‌نژاد بنابی مالک خودرو به شماره شهربانی ۸۱۷ل۲۸ ایران ۲۵ و شماره شاسی NAAP۰۳ED۸AJ۰۱۱۸۵ و شماره موتور ۱۴۱۸۷۰۱۴۰۱۲ به علت فقدان اسناد فروش و برگ سبز تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده است. لذا چنانچه هرکس ادعائی در مورد خودروی مذکور دارد ظرف ده روز به دفتر حقوقی شرکت ایران خودرو واقع در کیلومتر ۱۴ جاده مخصوص تهران کرج شهرک پیکانشهر ساختمان سمند طبقه یک مراجعه نماید. بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد. (مراغه)

برگ سبز و کارت خودرو و سند LX به شماره شهربانی ۴۴۳ی۵۹ ایران ۷۷ و شماره موتور ۱۲۴K۰۵۱۰۳۸۶ و شماره شاسی NAAC۹۱CW۹EF۶۷۷۶۲۰ مفقود و فاقد اعتبار است.

برگ سبز برگ کمپانی برگ وکالت فروش خودرو سواری سمند ۱۷۰۰- LXEF۷ مدل ۹۰ سفید روغنی به شماره انتظامی ایران ۴۳-۹۳۱م۶۸ ش موتور ۱۴۷۹۰۰۰۰۳۴۱ ش شاسی NAACJIJCOBF۲۷۷۵۹۱ به نام رضا حیدری فرزند رجبعلی ش ش ۱۵ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. نجف‌آباد

آگهی مفقودی سند کمپانی خودرو سواری پژو پارس
اصل سند کمپانی خودرو سواری سیستم پژو تیپ پارس به رنگ خاکستری - متالیک به شماره انتظامی ۷۳-۲۴۹س۱۴ مدل ۱۳۸۹ به شماره موتور ۱۲۴۸۹۱۶۰۲۶۷ و به شماره شاسی NAAN۰۱CA۹AK۴۷۴۸۳۹ متعلق به اینجانب سیدولی صابرزاده خیرآبادی فرزند سیدحسین به ش ش ۲۲ متولد ۱۳۴۱/۸/۱۹ فسا و به شماره ملی ۲۵۷۱۹۰۸۶۱۸ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (فسا)

آگهی نوبت اول
به اطلاع می‌رساند پروانه بهره‌برداری معدن مس چاه موسی به شماره ۸۱۶۹ تاریخ صدور ۱۳۷۸ واقع در شهرستان شاهرود روستای طرود متعلق به شرکت بازرگانی آفتاب درخشان خاورمیانه (سهامی خاص) شماره ثبت ۳۳۸۵۰۵ مفقود گردیده و این شرکت تقاضای صدور المثنی آن را از سازمان صنعت، معدن و تجارت استان سمنان را دارد. تمامی کسانی که نسبت به پروانه بهره‌برداری فوق‌الاشاره ادعایی دارند می‌بایست ظرف مدت ۱۰ روز پس از انتشار آگهی همراه با مستندات به سازمان صنعت، معدن و تجارت استان سمنان مراجعه نمایند.

کارت بازرگانی شرکت هواپیمایی ایرتو به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۹۶۶۴۶ به شماره کارت بازرگانی ۴۱۷۳۸۳ به نام سیروس باهری کدملی ۲۷۵۳۹۳۷۷۸۸ تاریخ صدور کارت ۱۳۹۱/۱۱/۸ تاریخ اعتبار ۱۳۹۲/۱۱/۸ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز پراید SE۱۳۱ مدل ۱۳۹۲ شماره شهربانی ۲۵-۶۹۵ق۲۹ شماره شاسی NAS۴۱۱۱۰۰D۱۳۴۷۷۰۹ شماره موتور ۵۰۲۸۶۹۹ مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است.

کارت دانشجویی به شماره ۹۴۱۱۷۴۵۴۰۰۹ اینجانب بهنام رستمی صادره از موسسه آموزش عالی دارالفنون قزوین مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز و برگه کمپانی تاکسی ۴۰۵ زرد ۸۶ به ش شهربانی ۹۵۹ع۳۳ ایران ۲۲ ش موتور ۶۲۱۸۵ به نام عباس رحمانی منفرد رحمانی منفرد مفقود و فاقد اعتبار می‌باشد.

سند فروش و سند مالکیت سمند ۸۸۶د۴۷-ایران ۹۹ بنام مرضیه لطفی مفقود و از اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت خودرو اتوبوس به شماره شهربانی ۲۲۹ع۱۱ ایران ۳۳ به شماره موتور ۴۵۷۹۳۹۰۰۰۰۴۳۶۶ شماره شاسی ۳۷۲۳۱۷۰۰۰۱۲۲۶ مفقود گردیده اعتبار ندارد.

برگ سبز پژو ۲۰۶ مدل ۱۳۹۲ شماره پلاک ۶۶-۳۹۲د۴۶ شماره موتور ۱۶۰B۰۰۶۹۱۲۴ مفقود و از درجه اعتبار ساقط گردیده است. (ساری)

سند کارخانه- برگ سبز و کارت خودرو پراید مدل ۸۴ پلاک ۳۲۵ب۳۶ ایران ۶۵ موتور ۰۱۰۸۶۵۱۹ شاسی ۱۴۱۲۲۸۴۴۶۴۷۲۹ مفقود شده و اعتبار ندارد.

کارت کیشوند اینجانب محمدرضا زلفی به شماره ۱۳۶۹۳۰/۰۷ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز سواری پیکان به شماره انتظامی ۴۴۷ط۳۳ ایران ۸۲ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت و برگ سبز اتوبوس به شماره شهربانی ۲۳۳ع۱۱ ایران ۳۳ شماره شاسی ۳۷۲۳۱۷۱۰۰۰۱۲۳۵ شماره موتور ۴۵۷۹۳۹۰۰۰۰۴۳۲۸ مفقود گردیده اعتبار ندارد.

مجوز حمل سلاح ساچمه‌زنی کالیبر ۱۲ تک لول ته پر مدل کوسه ساخت روسیه به شماره سلاح ۰۹۰۱۲۵۲۸ شماره شناسه ۰۲۲۲۵۸۳۴۷۲۴۱۸ به نام احمد مرادی فرزند درویش ش‌ش ۱۷۸ متولد ۱۳۵۹ کدملی ۱۹۱۱۳۸۸۰۲۹ مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است.

برگ سبز خودرو سواری سایپا ۱۳۲ رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۸۹ شماره پلاک ۱۴-۹۵۱ص۹۸ شماره موتور ۳۵۵۸۸۶۹ شماره شاسی S۱۴۲۲۲۸۹۱۷۴۳۸۹ به نام مریم دهقان مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است.

کارت دانشجویی به شماره ۹۴۱۱۳۰۵۸۰۱۰ اینجانب حسین محمدی صادره از موسسه آموزش عالی دارالفنون قزوین مفقود و از درجه اعتبار ساقط است.

کارت دانشجویی اوسط عبدالملکی به شماره ۹۲۰۱۶۸۰۴۱ دانشگاه آزاد علوم تحقیقات، رشته روانشناسی مفقود و از اعتبار ساقط است. سنندج

برگ سبز و سند مالکیت انرژی SP۱۲۵ به شماره پلاک ۶۲۹-۳۹۸۵۹ شماره موتور KB۲۵H۲۱۰۲۸۰۱ و شماره تنه N۱K۱۲۵B۹۳۰۰۶۰۷ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. نجف‌آباد

سند موتورسیکلت هوندا مدل ۹۰ به ش شهربانی ۶۳۶۴۵ ایران ۱۱۸ ش شاسی ۹۰۰۴۵۱۱ ش موتور ۹۱۲۹۳۰۰۰ مفقود و اعتبار ندارد.

سند کمپانی و برگ سبز موتورسیکلت هوندا اترک ۱۲۵ مدل ۸۷ به شماره پلاک قزوین ۷۹-۲۶۱ به شماره موتور ۲۵۱۵۷۶ شماره تنه ۸۷۰۷۳۶۲ به نام حمید انوشه‌پور مفقود و از درجه اعتبار ساقط است. بوئین زهرا

برگ سبز کامیونت دانگ فنگ البرز به شماره ماشین ۴۴ع۷۹۸ ایران ۳۲ به شماره موتور ۸۷۸۷۸۷۳۳ شماره شاسی NADJ۴DU۳۹۹H۶۰۱۱۶۷ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز (شناسنامه) خودرو پژو ۲۰۶ مدل ۱۳۹۰ بشماره انتظامی ۸۸۳ق۲۸-ایران ۶۳ بشماره موتور ۱۴۱۸۹۰۸۶۱۰۵ بشماره شاسی NAAP۰۳ED۴BJ۴۹۲۹۵۵ بنام محسن مشکین‌فام مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است. (شیراز)

سند کمپانی و کارت ماشین بنام مرتضی ثقفی نام پدر محمد به شماره شناسنامه ۹۷۶ و شماره شهربانی ایران ۳۳-۹۳۵س۴۴ شماره شاسی ۱۴۲۶۸۴۱۵ شماره موتور ۱۲۴۸۴۱۱۸۶۵۷۲ پژو ۴۰۵ جی ال ایکس مدل ۱۳۸۴ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت هوشمند راننده متعلق به سهراب کائدی متولد ۱۳۵۶ صادره از داراب به شماره ۱۳۷۵۴۸۲ و شماره هوشمند ۱۳۷۸۷۱۷ کامیون ولوو سفید پلاک ۹۴۸ع۹۴ ایران ۷۳ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است. (زرین دشت غلامی)

سند کمپانی خودرو سواری پراید جی تی ایکس آی مدل ۱۳۸۷ به رنگ سفید روغنی به شماره پلاک ۸۴-۴۳۵د۳۴ شماره موتور ۲۷۱۵۷۹۶ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۷۸۹۱۲۷۵ به نام شهرام عبدی چاه‌کلی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. (بندرعباس)

آگهی فقدان مدرک تحصیلی
مدرک موقت تحصیلی اینجانب مینا کریم‌خانی فرزند ولی به شماره شناسنامه ۳۲۵۰۲ صادره از تهران در مقطع کارشناسی رشته مهندسی منابع طبیعی صادره از واحد دانشگاهی آزاد دماوند با شماره ۳۰۱۴۴ مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد دماوند به نشانی دماوند گیلاوند دانشگاه آزاد اسلامی واحد دماوند ارسال نماید.

کارت و بیمه‌نامه خودرو پیکان وانت مدل ۱۳۹۲ رنگ سفید شماره موتور ۱۱P۰۰۳۰۰۳۸ شماره شاسی NAAA۳۶AA۷EG۶۳۸۴۶۰ شماره پلاک ایران ۱۹۱-۹۳د۱۴ بنام فرشاد لکزاده فرزند عبدالحسین مفقود گردیده و فاقد اعتبار است. گناوه

برگ سبز پژو ۲۰۶ مدل ۱۳۸۳ به شماره انتظامی ۶۳۹د۴۳ ایران ۷۱ و شماره شاسی ۸۳۶۳۲۴۹۰ و شماره FSS۱۴۷۴۵۹۵۴ مفقود گردیده اعتبار ندارد. (شهرکرد)

برگ سبز پراید ۱۳۸۶ به شماره پلاک ۴۵-۷۵۴د۴۳ و شماره موتور ۲۱۳۲۳۶۹ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۶۶۰۵۲۱۱ مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. کرمان

سند و برگ سبز ام.وی.ام ۵۳۰ مدل ۱۳۹۰ به شماره پلاک ۵۴-۳۷۲س۸۴ و شماره موتور MVM۴۸۴FFFA۰۰۰۹۷۶ و شماره شاسی NATGCAVF۶۹۱۰۰۱۱۳۰ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است. کرمان

مدرک موقت فارغ التحصیلی اینجانب حسین نیک‌منش فرزند عبدالمحمد به شماره شناسنامه ۱۹۹۰۱۴۷۵۱۸ صادره از دزفول در مقطع کارشناسی رشته مهندسی برق- الکترونیک صادره از واحد دانشگاهی دزفول به شماره ۱۱۰۳۰۳ (شماره گواهی موقت ۹۳۶۵ (۰۶-۱۵-۳) مورخه ۱۳۹۱/۸/۹) مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می‌باشد. از یابنده تقاضا می‌شود اصل مدرک را به دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول به نشانی صندوق پستی ۶۴۶۱۶۴۵۱۶۹- ارسال نماید.

شناسنامه مالکیت خودرو (برگ سبز) پیکان ۱۶۰۰ مدل ۱۳۷۶ رنگ سفید روغنی شماره شهربانی ۱۲۶ص۳۱-ایران ۱۹ شماره موتور ۱۱۱۲۷۶۵۸۶۶۴ شماره شاسی ۰۰۷۶۴۶۴۹۰۰ به نام آقای یونس یلوه مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

آگهی مفقودی
برگ سبز و سند کمپانی خودرو سواری پیکان مدل ۱۳۷۶ به شماره انتظامی ۵۴-۱۹۱د۴۴ و به شماره موتور ۱۱۲۷۵۳۳۳۶۵ و به شماره شاسی ۷۶۴۰۶۵۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. «یزد»

سند مالکیت، برگ سبز، پلاک ماشین و سند کمپانی خودرو سواری پژو ۴۰۵ جی ال ایکس آی مدل ۱۳۸۴ به شماره پلاک ۱۷-۶۵۷ب۵۷ و شماره موتور ۱۲۴۸۴۱۹۵۴۲۸ و شماره شاسی ۱۴۲۷۱۴۹۱ مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. ارومیه- مجید شکوری

پلاک ماشین جیلی طلایی متالیک مدل ۲۰۱۴ به شماره انتظامی ۴۳۵ی۴۵ ایران ۳۳ به شماره موتور JL۴G۱۸DCNG۰۶۵۳۵ به شماره شاسی L۶T۷۸۴Z۴EN۰۱۶۲۵۳ به مالکیت معصومه علی‌پور دوگاهه مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

سند کمپانی + برگ سبز + کارت موتورسیکلت پالس بهتاز سیکلت فارس cc۲۲۰ مدل ۱۳۹۰ شماره پلاک ۵۸۲-۲۵۵۴۵ رنگ قرمز شماره موتور DKGBSF۷۱۱۸۹ متعلق به اینجانب علیرضا عالیان بورانی نام پدر صابر کدملی ۲۶۴۰۱۱۸۳۵۸ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

سند یک دستگاه مینی بوس بنز تیپ ۳۰۹ مدل ۱۳۷۵ به رنگ آبی سفید پلاک ۱۴-۲۱۳ع۴۷ و شماره موتور ۰۵۱۴۵۱ و شماره شاسی ۴۰۳۰۴۴ به نام بهزاد مفرشی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. آبادان

برگ سبز و سند کمپانی سواری پراید صبا مدل ۱۳۸۱ به شماره انتظامی ۴۷۱س۳۶ ایران ۷۹ با شماره موتور ۰۰۳۴۵۱۷۰ و شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۱۸۰۷۹۷۰ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. قزوین

کارت دانشجوئی اینجانب علی امینی‌زاده دانشجوی موسسه آموزش عالی جهاد دانشگاهی استان اصفهان به شماره: ۹۱۱۳۳۰۰۱ مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. خمینی‌شهر

برگ سبز اتومبیل سواری تویوتا اورین مدل ۲۰۱۱ به شماره موتور ۰۷۵۶۷۷۴ شماره شاسی ۹۳۷۳۵۹ شماره نیروی انتظامی ۴۵۵ن۶۹- ایران ۴۳ به نام زهرا طاهران مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد. خمینی‌شهر

برگ سبز (شناسنامه) خودرو سواری پژو ۴۰۵ به رنگ نقره‌ای متالیک مدل ۱۳۸۹ به رنگ نقره‌ای متالیک مدل ۱۳۸۹ به شماره پلاک ۹۴ ایران ۳۲ب۳۶۸ به شماره موتور ۱۲۴۸۹۱۵۴۹۸۲ و ش شاسی NAAM۰۱CA۵AR۵۳۳۷۳۰ به مالکیت عبدالرحیم باقری فرزند عبدالله صادره از بستک مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است. ممسنی- احمدی

برگ سبز خودرو پژو آردی ۱۶۰۰ مدل ۷۸ پلاک ۳۴۷ق۳۳ ایران ۶۸ موتور ۲۲۳۲۷۸۱۴۴۴۶ به نام علی علی‌پناه یزدانی مفقود شده و اعتبار ندارد.

کارت تویوتا کرسیدا پلاک ۶۸۴س۸۳ ایران ۴۴ ش موتور ۳۳۷۹۴۱۵ ش شاسی ۰۵۷۸۰۷ مفقود فاقد اعتبار است.

برگ سبز سواری پراید جی تی ایکس آی نوک مدادی متالیک مدل ۱۳۸۵ به شماره انتظامی ۱۶۳د۸۶ ایران ۶۸ به شماره موتور ۱۷۵۵۹۴۵ به شماره شاسی S۱۴۱۲۲۸۵۲۷۲۰۵۳ به مالکیت حسن ده‌خیری مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

برگ سبز پراید ۱۱۱ رنگ نوک مدادی- متالیک مدل ۱۳۹۰ به شماره پلاک ۶۵-۶۱۶ج۷۳ و شماره موتور ۴۱۸۲۳۹۹ و شماره شاسی S۵۴۳۰۰۹۰۰۶۱۶۲ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است. کرمان

سند کمپانی خودرو نیسان ماکسیما مدل ۱۳۸۲ بشماره انتظامی ۲۹۴ی۲۵-ایران ۱۱ بشماره موتور VQ۳۰۵۳۲۵۰۳B بشماره شاسی PKLHA۳۳CD۱۰۱۷۷۰ بنام رضا غفاری مفقود گردیده از درجه اعتبار ساقط است. (شیراز)

سند مالکیت به همراه برگ سبز سواری پژو پارس مدل ۸۱ به شماره انتظامی ۶۴۷س۵۳ ایران ۲۲ دارای شماره شاسی ۸۱۸۱۰۵۹۵ و شماره موتور ۲۲۸۲۸۱۱۰۵۵۵ مفقود و از درجه اعتبار ساقط است. (قزوین)

آگهی تصمیمات مجمع صندوق سرمایه گذاری امید توسعه مورخ ۱۳۹۴/۸/۲۵ ثبت شده به شماره ۱۱۱۳۲ نزد سازمان بورس اوراق بهادار

در توضیحات جدول بند ۹-۳ امیدنامه صندوق، عدد ۲ در عبارت «n، برابر است با ۲ یا طول عمر صندوق به سال هر کدام کمتر باشد». به عدد ۳ تغییر پیدا کرد و عبارت مذکور به شرح روبرو اصلاح شد: «n، برابر است با ۳ یا طول عمر صندوق به سال هر کدام کمتر باشد.» که مشروح جلسه در تارنمای صندوق به آدرس: http://www.omid-fund.com ارائه شده است.

مدیر صندوق
سرمایه گذاری امید توسعه
شرکت کارگزاری مفید

کارت شرکت خدمات هوایی سامان به شماره ۲۲۴۵-۹۳ به نام محمد جهانگیری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

کارت و سند فروش خودرو پیکان پلاک ۳۲۶ن۶۹ ایران ۵۵ موتور ۱۱۱۲۸۰۸۷۳۹۸ شاسی ۸۰۴۹۲۴۹۵ جواد حاجتی‌بنده قرائی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.

کارت و برگ سبز اتوبوس به شماره شهربانی ۲۲۸ع۱۱ ایران ۳۳ شماره شاسی ۳۷۲۳۱۷۱۰۰۰۱۲۱۵ شماره موتور ۴۵۷۹۳۹۰۰۰۰۴۳۲۷ مفقود گردیده و اعتبار ندارد.

شناسنامه مالکیت (برگ سبز) و برگ وکالت سواری سمند مدل ۱۳۸۲ به شماره پلاک ۲۴۵ی۵۲ ایران ۲۳ به نام احمد محمدی گل‌سفیدی مفقود شده اعتبار ندارد. زرین‌شهر

وزیر اطلاعات: امنیت زمینه ساز اشتغال و رشد اقتصادی در جامعه است



ارومیه – خبرنگار اطلاعات: وزیر اطلاعات امنیت را زمینه ساز اشتغال، رشد اقتصادی، علمی و پویایی جامعه دانست و گفت: در سایه همین امنیت پایدار در ایران اسلامی است که سرمایه گذاران خارجی علاقه مند به حضور در ایران هستند. حجت الاسلام والمسلمین سیدمحمود علوی در جمع مردم میاندوآب در مصلی این شهر افزود: توطئه‌های دشمنان به طور مرتب با تلاش سربازان گمنام و هم افزایی نیروهای امنیتی و قضایی و با هدایت‌های مقام معظم رهبری خنثی شده و هر گروه تروریستی که قصد ضربه زدن به این کشور را داشته باشد، شناسایی و زیر ضربه قرار می‌گیرد.وی با اشاره به این‌که ایران اسلامی از نظر منطقه‌ای و بین‌المللی در شرایط ویژه‌ای قرار دارد، ادامه داد: با وجود این‌که ناامنی در کشورهای منطقه موج می‌زند اما ایران به لطف خداوند متعال، عنایت حضرت ولی عصر(عج) و رهبری داهیانه حضرت آیت الله خامنه‌ای از ناامنی‌ها محفوظ و مصون است.

وزیر اطلاعات ادامه داد: امنیت نعمتی ناشناخته است و تنها وقتی قدر آن شناخته می‌شود که از دست برود.حجت الاسلام والمسلمین علوی با اشاره به آیات قرآنی مبنی برحفظ وحدت و یکپارچگی اظهار کرد: در جمهوری اسلامی ایران همه تحت لوای پرچم ولایت فقیه قرار داریم و تفاوت‌های قومی، سیاسی، مذهبی و دینی تاثیری بر امنیت جامعه نخواهد گذاشت.

وی افزود: چون همه در رکاب ولایت فقیه هستند، این مهم وحدت و سربلندی جامعه را صد چندان خواهد کرد و به برکت همین وحدت و در سایه ولایت فقیه امنیت کامل در کشور برقرار است.حجت الاسلام علوی علاوه بر دیدار با مردم از حوزه علمیه شهر میاندوآب نیز دیدن کرد.

کشور از پیچ تند و آزاردهنده اقتصادی عبور می‌کند

حجت‌الاسلام مجید انصاری معاون پارلمانی رئیس‌جمهوری در مسجد صاحب زمان (عج) شهرستان نقده با تشریح عملکرد سیاسی دولت یازدهم گفت: بعد از انتخابات و با توجه به تعامل دولت و مجلس از پیچ تند و آزار دهنده اقتصادی عبور می‌کنیم.

اواظهار داشت: تمام خطوط قرمز رهبری درمذاکرات رعایت شد حتی آن خطوط قرمزی که می‌رفت مذاکرات را به شکست بکشاند.

وی با اشاره به این که آذربایجان غربی هنوز هم خط مقدم دفاع با ضدانقلاب است، گفت: دولت یازدهم مشکلات مردم را طبقه‌بندی کرده و براساس برنامه و اولویت برای حل همه مشکلات عمل می‌کند. حجت الاسلام والمسلمین انصاری گفت: معضل بیکاری مشکل همه ایران است با این حال دولت یازدهم تورم را از ۴۵ درصد به زیر ۱۵ درصد رساند و به زودی تک رقمی می‌کند.

وی افزود: ما وارد مرحله‌ای جدید و تعیین‌کننده از تاریخ انقلاب اسلامی شده‌ایم و امروز قوای کشور تحت لوای رهبر فرزانه انقلاب یک‌هارمونی منظم برای خدمت دارند. معاون‌پارلمانی رئیس جمهوری اظهارداشت:بعد از انتخابات و با توجه به تعامل دولت و مجلس از پیچ تند و آزار دهنده اقتصادی عبور می‌کنیم.

وی گفت: بودجه دولت کوچک است و در سال ۲۵۰ هزار میلیارد تومان است که ۲۰۰ هزار میلیارد آن حقوق کارکنان است بنابراین باید در گستره کشور سرمایه گذاری انجام شود.

انصاری افزود: یکی از دستاوردهای برجام این است که امروز سرمایه‌گذاران ایران را برای سرمایه‌گذاری خارجی مناسب دیده‌اند اما در این میان افرادی خرده گرفتند چرا دولت رفته ۱۰۰ فروند هواپیما خریده در حالی که در این موضوع ۱۵ درصد را خود شرکت تأمین کرده و بقیه اجاره به شرط تملیک است و مهمتر این‌که‌ایرباس قبول کرده که ایران محل امنی برای سرمایه‌گذاری است.

وی اضافه کرد: ما سالی ۴ میلیارد دلار به جیب هواپیمایی‌های منطقه می‌ریزیم و حالا این پول‌ها به جیب شرکت‌های خودمان می‌رود.

حجت‌الاسلام والمسلمین انصاری افزود: دولت برای ایجاد اشتغال می‌خواهد بدهی‌هایش را تسویه کند تا بانک‌ها بتوانند سرمایه در گردش را به بازار و تولید تزریق کنند در حالی‌که این دولت را با حدود ۳۵۰ هزار میلیارد تومن بدهی تحویل گرفتیم و همچنین کلی پروژه نیمه کاره روی دستمان بود.

وی اظهارداشت: راه و راه آهن از اولویت‌های اصلی توسعه در دولت است و حوزه کشاورزی نیز از اولویت‌های قطعی دولت است.معاون پارلمانی رئیس‌جمهوری گفت: ذخایر استراتژیک ما به ۱۰ ماه رسیده و در حوزه بهداشت و درمان نیز تحول اساسی شده و در حوزه اقتصاد دولت مبارزه جدی با فساد انگلی را شروع کرده و ۲۵۰۰ مجوز بیخود را لغو کرده‌ایم تا کار مردم راحت شود.وی افزود: ۱۰میلیارد دلار گردش مالی قاچاق در کشور است که تولید را زمینگیر کرده اما ان‌شاالله در نیمه دوم سال رشد ۵ درصدی اقتصادی شروع می‌شود.

ایران رنگین کمان اقوام و مذاهب

حجت الاسلام والمسلمین علی یونسی دستیار ویژه رئیس‌جمهوری در امور اقوام و اقلیت‌های دینی و مذهبی در جلسه شورای اداری شهرستان پیرانشهر گفت:ایران اسلامی رنگین کمانی از اقوام و مذاهب مختلف است و کسانی که می‌خواهند در بین اقوام و مذاهب مختلف ایران تفرقه ایجاد کنند، دشمنان این آب و خاک محسوب می‌شوند.او اظهارکرد: ایران متعلق به یک قوم و مذهب خاص نیست و همگان در سایه چتر ایران اسلامی قرار داشته و کسی یا قومی بر دیگری اولویت ندارد.

وی با بیان این که دولت جمهوری اسلامی خود را موظف به حل مشکلات معیشتی مردم در تمام مناطق مختلف کشور می‌داند، افزود:دولت باید زیربنا و زیرساخت‌های اقتصادی را برای اشتغال مردم در مناطق مختلف کشور فراهم کند و تمامی تلاش خود را نیز در این مسیر به کار گرفته است.او اضافه کرد:مردم ایران حق دارند شغل و امنیت داشته باشند و در سایه این امنیت به رشد و تعالی برسند.حجت الاسلام والمسلمین یونسی گفت: پدیده‌هایی مانند فقر و بیکاری، طلاق، تنگ نظری و تحریم، شایسته مردم ایران نیست زیرا این‌ها مسائلی هستند که دشمنان برای مردم ما می‌خواهند.وی افزود: دولت باید با تمام توان خود فضای اجتماعی و فرهنگی را برای جذب سرمایه گذاری فراهم کرده تا احساس امنیت پایدار در بین مردم ایجاد شود.دستیار ویژه رئیس‌جمهوری در امور اقوام و اقلیت‌های دینی و مذهبی در بدو ورود به شهرستان مرزی پیرانشهر با حضور در مزار شهدا به مقام شامخ آنان ادای احترام کرد. شهرستان مرزی پیرانشهر در جنوب آذربایجان غربی و هم مرز با کشور عراق است.

۸۰۰ هتل ستاره دار در کشور ساخته می‌شود

مسعود سلطانی فر معاون رئیس‌جمهوری و رئیس سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری کشور درمراسم افتتاح هتل آنای ارومیه که با دستور رئیس‌جمهوری از طریق ویدئو کنفرانس انجام شد، گفت: ساخت ۸۰۰ هتل یک تا پنج ستاره و هتل آپارتمان در کشور توسط بخش خصوصی در دست اقدام است که این امر موجب توسعه بخش گردشگری خواهد شد.او افزود: از ابتدای تاریخ هتل سازی در ایران تا سال ۹۲ تعداد ۱۲۵ هتل چهار تا پنج ستاره در ایران ساخته شده بود در حالی که طی سه سال اخیر ۳۱ هتل چهار تا پنج ستاره ساخته و به بهره برداری رسیده است.

وی اظهار کرد: در حال برنامه ریزی برای ساخت و بهره‌برداری از ۱۷۰ هتل چهار و پنج ستاره تا پنج سال آینده هستیم.سلطانی فر گفت: تفاهمنامه ساخت ۲۰ هتل با دو گروه متخصص آلمانی و ترکیه‌ای منعقد شده است تا بتوانیم مشکل کمبود هتل و زیر ساخت‌های حوزه گردشگری را برطرف کنیم.وی ادامه داد: ایران با دارا بودن یک میلیون بنای تاریخی و قدمت و هویت ۱۱هزار ساله خود را حفظ کرده است و ما وظیفه داریم از تمامی این ظرفیت‌ها در جهت توسعه گردشگری و جذب گردشگر بهره ببریم.سلطانی فر اظهارداشت: وجود جاذبه‌های کم نظیر، گرمترین آب‌های گرم زیرزمینی، مرتفع‌ترین تپه‌های شنی، بلندترین گنبدهای آجری جهان و جاذبه‌های مذهبی و زیارتی تنها بخشی از ظرفیت‌های گردشگری کشور است که به نظر می‌رسد چنان که باید از تمامی ظرفیت‌های آنها استفاده نشده است.

هتل پنج ستاره ارومیه با چهار هزار و ۱۰۰ متر عرصه و ۲۷ هزار متر مربع زیربنا در ۲۱ طبقه ساخته شده است که برای این پروژه گردشگری ۱۸۰۰ میلیارد ریال هزینه شده است که ۴۸۰ میلیارد ریال تسهیلات برای این هتل اعطا شده است.کلنگ زنی از کمپ گردشگری شاهین دژ از دیگر برنامه‌های این مراسم بود که در ۸۵۰۰ متر مربع و با صرف ۲۵ میلیارد ریال، فضاهای مختلفی نظیر فضاهای اقامتی، پذیرایی، تفریحی و رفاهی گردشگری توسط اداره کل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری آذربایجان غربی ساخته می‌شود.

شرایط برداشت

گام‌های پرشتاب اقتصادی در کشور

نهاوندیان رئیس دفتر رئیس‌جمهوری در جلسه توسعه و سرمایه گذاری گفت: بی‌توجهی به موضوع‌های کلان در مورد دریاچه ارومیه می‌توانست سبب ساز یک فاجعه باشد.

او افزود: باید درس بزرگی از فاجعه دریاچه ارومیه بیاموزیم.

رئیس‌دفتررئیس جمهوری‌گفت:هیچکس گمان نمی‌کرد دریاچه‌ای به این وسعت و تاریخ در معرض نابودی قرار گیرد به جرات می‌شود گفت در طول سالیانی که رو به زوال و نابودی حرکت کرد کسی قصد نداشت دریاچه را بخشکاند اما اگر به دادش نمیرسیدیم امروز دریاچه وجود نداشت.

نهاوندیان افزود:عدم مدیریت مصرف آب،عدم توجه تراز آب در منطقه،عدم توجه به توازن استفاده از ظرفیت‌های تولید کشاورزی،محیط زیستی،عدم توجه به الزامات جوامع و همه جانبه در حمل و نقل از عوامل به خطر انداختن دریاچه ارومیه شد.

وی به مطالبات مردم در سفر رئیس‌جمهوری به ارومیه اشاره کرد و گفت:عمده مطالبات مردم از رئیس‌جمهوری اشتغال ودریافت تسهیلات بانکی است و باید با بالا بردن نرخ سرمایه گذاری شاهد کاهش بیکاری در کشور و آذربایجان غربی باشیم.

بهره‌برداری از ۲ سد

حمید چیت چیان وزیر نیرو در مراسم ساخت سد کرم آباد پلدشت گفت: سدهای سردشت و سیلوه امسال آبگیری شده و بهره‌برداری از آنها آغاز می‌شود.

اواظهار داشت: آذربایجان غربی از نظر منابع آب از مستعدترین استان‌های کشور بوده و هم‌اکنون ۱۴ طرح سد و شبکه زهکشی در استان در حال اجراست.وی افزود: امسال ۱۲۰۰ میلیارد تومان منابع مالی برای اجرای طرح‌ها در نظر گرفته شده است.

چیت‌چیان از آغاز ساخت سد کرم‌آباد پلدشت خبر داد و گفت: همزمان با آن احداث شبکه زهکشی آن آغاز می‌شود و حجم قابل تنظیم آن در سال ۸۵ میلیون مترمکعب است. وی اظهار داشت: با بهره‌برداری از این سطح برای ۱۵ هزار نفر زمینه اشتغال مستقیم فراهم شده و برای این طرح نیز ۹۰۰ میلیارد تومان اعتبار نیاز است و تأمین می‌شود که تا پایان سال آینده به صورت کامل به بهره‌برداری می‌رسد.وزیر نیرو گفت: امیدواریم تا پایان سال آب ۹۰۰۰ هکتار زمین را تامین کنیم.

چیت‌چیان با اشاره به سد مخزنی بابااحمد در چالدران گفت: این سد ۲،۶ مترمکعب آب در سال را تنظیم کرده و ۷۰۰ هکتار از اراضی را آبیاری می‌کند.

بهره برداری از ۱۸۰ خانه بهداشت

۱۸۰ خانه بهداشت با حضور وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در آذربایجان غربی به بهره‌برداری رسید.همزمان با این مراسم اجرای برنامه تامین مراقبت‌های اولیه بهداشتی و خدمات نوین سلامت در حاشیه شهرها در آذربایجان غربی نیز آغاز شد.طرح تشکیل پرونده الکترونیک سلامت در سامانه یکپارچه بهداشت (سیب) نیز از دیگر برنامه‌های مورد افتتاح توسط وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بود.

این مراسم به طور همزمان و با پیام وزیر بهداشت از محل خانه بهداشت روستای حیدرلوی بیگلر ارومیه به عنوان اولین خانه بهداشت‌کشورکلیدخورد.دکترهاشمی‌همچنین با حضور در بیمارستان امام خمینی (ره) ، از بخش های اورژانس، زایمان و جراحی زنان بازدید و با کادر پرستاری، درمانی و بیماران گفتگو کرد.کودکان حادثه شین آباد نیز در حیاط این بیمارستان، شاخه های گل خود را به دکتر هاشمی تقدیم کردند و با وزیر بهداشت در فضایی صمیمی گفتگو کردند.

در جریان این بازدید، مردم نیز مشکلات خود را با وزیر بهداشت در میان گذاشتند که از جمله مهمترین آنها، عدم توسعه فضاهای آزمایشگاهی در این شهرستان بود و دکتر هاشمی نیز بر لزوم تسریع در ایجاد سی تی اسکن پیرانشهر و تکمیل بخش های زنان و زایمان تا پایان خرداد ماه جاری تاکید کرد.

خبر خوش وزیر برای بیمارستان آیت الله خویی

وزیر بهداشت از کمک ۲۲۰ میلیارد ریالی برای تکمیل بیمارستان آیت الله خویی خبر داد و گفت: در خصوص بیمارستان آیت الله خویی تصمیم گرفته شد کارگاه با تمام ظرفیت کار کند. دکتر هاشمی در مورد بیمارستان خوی گفت: این بیمارستان توسط وزارت راه و شهرسازی با پیشرفت ۸۰ درصدی در دست ساخت است و امیدواریم تا پایان امسال به پایان برسد.او ادامه داد: تجهیز آن نیاز به ۵۰۰ میلیارد ریال اعتبار دارد که تامین آن به‌عهده‌وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی است.

بهره برداری از ۲۶۸ پروژه بخش کشاورزی

بهره برداری از ۲۶۸ پروژه بخش کشاورزی به دستور رئیس‌جمهوری، توسط وزیر جهاد کشاورزی به صورت همزمان در آذربایجان غربی آغاز شد.این پروژه‌ها شامل ۲۵۵ پروژه آبیاری تحت فشار در سطح ۱۷۷۱ هکتار ازاراضی زراعی و باغ، ۸ پروژه تولیدات دامی، ۳ پروژه صنایع کشاورزی است. بر اساس این گزارش ۲ پروژه تولیدات گیاهی و شروع عملیات اجرایی شبکه‌های فرعی کم فشار در سطح ۲۸ هزارهکتار ازاراضی کشاورزی آذربایجان غربی ازدیگر پروژه‌های افتتاحی در آذربایجان غربی است.

اختصاص ۹۴۹۰ میلیارد ریال اعتبار برای توسعه آذربایجان غربی

محمدباقر نوبخت رئیس سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور در حاشیه سفر رئیس جمهوری به آذربایجان غربی در گفتگو با ایرنا اعلام کرد: برای اجرای ۴۹ پروژه بزرگ مصوب در بیست و هشتمین دور سفرهای استانی کاروان تدبیر و امید، دولت ۹۴۹۰ میلیارد ریال در آذربایجان غربی سرمایه گذاری می‌کند.

اوبا اشاره به این که این میزان اعتبار در دو سال به طور صد درصد به استان اختصاص می یابد، گفت: این میزان اعتبار ۴ برابر ظرفیت اعتبارات عمرانی استان است که می تواند تحرک اساسی در توسعه استان ایجاد کند. وی اضافه کرد: با صرف این میزان اعتبار ۱۰ طرح مهم عمران شهری، ۲ طرح بزرگ کشاورزی، ۴ طرح علمی و گردشگری، چهار طرح حمل و نقل، ۱۱ طرح ورزشی، ۱۱ طرح بهداشتی و درمانی و پنج طرح منابع آب اجرا می شود.معاون رئیس جمهوری اضافه کرد: بر این اساس علاوه بر اعتبارات ویژه سفر ریاست جمهوری، دولت با افزایش ۴۱ درصدی میزان اعتبارات تملک دارایی های سرمایه ای استان در سال جاری ۱۸۵۰ میلیارد ریال اعتبار به این استان اختصاص داده است.

وی ادامه داد: همچنین از محل اعتبارات ۲ درصد درآمد نفت و گاز نیز با ۳۱ درصد افزایش اعتبار نسبت به سال گذشته ۲۵۲۰ میلیارد ریال اعتبار به این استان اختصاص یافته است.نوبخت بیان کرد: از محل اعتبارات توازن منطقه ای نیز برای رفع محرومیت و توازن بخشی این استان با ۴۰ درصد افزایش نسبت به پارسال ۳۷۱۰ میلیارد ریال اعتبار به استان آذربایجان غربی اختصاص یافته است.وی اختصاص این میزان اعتبار را نشانه توجه دولت به جبران عقب ماندگی‌های این استان دانست و افزود: امسال جایگاه استان با صرف این میزان اعتبار به شکل محسوسی ارتقا می یابد.

ساخت ۱۰۰۰ کلاس درس در ۳ استان محروم

علی اصغر فانی وزیر آموزش و پرورش گفت: بنیاد برکت و بنیاد مستضعفان با همکاری آموزش و پرورش ۱۰۰۰ کلاس درس جدید در ۳ استان محروم کشور می سازد.اوافزود: سهم آذربایجان غربی از این ۱۰۰۰ کلاس، اضافه شدن ۴۰۰ کلاس به فضاهای آموزشی استان در سال تحصیلی آینده است.وزیر آموزش و پرورش اظهار کرد: با توجه به این شاخص‌ها ۳ استان آذربایجان غربی و هرمزگان و سیستان و بلوچستان در زمره استان‌های کاملا محروم قرار گرفته اند و چون سیستان و بلوچستان بسیار محروم است، یکسری اقدامات و بودجه ویژه برای آن در نظر گرفته شده است.

فانی گفت: ۱۷۰ میلیارد ریال برای سیستان و بلوچستان و یک ردیف ویژه استخدامی برای آن استان تعلق گرفته است.وی اضافه کرد: اگر ردیف اعتباری برای استانهای محروم تعریف شود، این بار به استان آذربایجان غربی کمک‌های قابل توجهی خواهیم کرد تا به میانگین کشوری نزدیک شود چرا که وقتی جامعه هدف محدودتر شود، زودتر به نتیجه می رسیم.

دریاچه ارومیه تهدیدی بود که به فرصت تبدیل شده است

معصومه ابتکار رئیس سازمان حفاظت محیط زیست در شورای اداری شهرستان سلماس،گفت: دریاچه ارومیه تهدیدی بود که به فرصت تبدیل شده است.رئیس سازمان حفاظت محیط زیست افزود: اصلاح الگوی کشت، اصلاح الگوی آبیاری و صرفه‌جویی در مصرف آب پیش نیاز احیای دریاچه ارومیه است.وی از کاشت ۴۸۰ هکتار نهال برای تثبیت شن‌های روان و کنترل گرد غبار در این زمینه خبر داد و گفت: مطالعات تثبیت شن در ۲۰۰۰ هکتار از اراضی حوزه دریاچه ارومیه به پایان رسیده و به زودی عملیاتی می‌شود.ابتکار افزود: لایروبی، پایش و نظارت حوزه آبریز دریاچه ارومیه و همچنین ایجاد مرکز هماهنگی پایش، نظارت و آینده‌پژوهی از گام‌های موثر در احیای دریاچه ارومیه است.

رفع مشکلات شرکت مخابرات ایران تا ۲ سال آینده

محمود واعظی وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات از رفع مشکلات شرکت مخابرات ایران تا دو سال آینده خبر داد.او در آیین افتتاح ۵۲۷ طرح و پروژه مخابراتی آذربایجان غربی که به صورت نمادین در سه نقطه از شهر ارومیه از طریق ویدئو کنفرانس انجام شد، شرکت مخابرات ایران را هلدینگ و شرکتی با اهمیت برای توسعه ICT کشور دانست و افزود: هرگز نباید شرکت مخابرات ایران را در حد دیگر شرکت‌ها پایین بیاوریم.واعظی با اشاره به افتتاح ۵۲۷ طرح و پروژه مخابراتی آذربایجان غربی با صرف اعتباری افزون بر ۹۳۳ میلیارد ریال و سرمایه‌گذاری شرکت مخابرات استان برای توسعه شبکه انتقال فیبر دیتا واکس با اعتباری افزون بر ۳۵۱ میلیارد ریال، این مسئله را آغازی برای تقویت زیرساخت‌های استان دانست.



اهدای شاخه های گل توسط دانش آموزان شین آبادی به دکتر هاشمی

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

ادامه از صفحه۱۳

لزوم برچیدن اسکله‌های نامرئی

به نظر من تا زمانی که اسکله‌های نامرئی تعطیل نشوند صحبت از اقتصاد مقاومتی بیهوده است. به قول مولانا وقتی در انبار گندم، موش است ذخیره کردن گندم، بی‌حاصل است.

خواننده اطلاعات

تبریک به خانم مریم میرزاخانی

می‌خواستم عضویت خانم مریم میرزاخانی در آکادمی ملی علوم آمریکا را به ایشان، خانواده محترمشان و تمامی مردم ایران تبریک بگویم. ایشان یکی از بزرگترین افتخارات برای ما ایرانیان است. آرزوی موفقیت برای‌شان دارم.

خواننده همیشگی روزنامه از شهرستان پاوه

سوال از وزیر بهداشت

۶۰ سال از عمرم می‌گذرد بیمه ندارم و بازنشسته هم نیستم. تاکنون حتی به اندازه یک عدد قرص سربار وزارت بهداشت نبوده‌ام. سعی کرده‌ام به برخی از افراد کمک کنم که نیازمند به این وزارتخانه نباشند. می‌خواستم از وزیر بهداشت بپرسم آیا بین من که هیچ بار مالی برای وزارت بهداشت نداشته‌ام با کسی که همیشه بار مالی برای آن وزارتخانه داشته است فرقی هست؟

تلفن به خط ارتباطی

تصویر کیف قاپ‌ها در روزنامه قابل شناسایی نبود

در روزنامه ۲۷ اردیبهشت ماه، تصویر ۱۱ کیف قاپ چاپ شده بود تا مردم آنان را شناسایی کنند. می‌خواستم بگویم تصویر آنان به قدری کوچک بود که قابل شناسایی نبود لااقل واضح تصویرشان را چاپ کنید تا مردم آنان را شناسایی کنند.

شهروندی از تهران

درخواست از مسئولان برای افزایش جنگل‌های مازندران

انتقال آب دریای خزر به سمنان در دولت نهم و دهم و اجرای هزاران طرح زیانبار، مصیبتی برای کشور به بار آورده است. مازندران با کوه‌ها و جنگل‌های سرسبز و تالاب‌های زیبا، در تابستان ۲۰ میلیون گردشگر را به خود جذب می‌کند. از مسئولان درخواست می‌کنم برای افزایش جنگل‌های مازندران برنامه‌ریزی کنند نه برای تخریب آن.

م ـ محمدی از ساری

لزوم توجه فرماندهان نیروهای مسلح به مشکلات مردم

گفته می‌شود به مدت ۴ روز منطقه گردشگری «مرنجاب» در کاشان به دلیل برگزاری مانور نظامی تعطیل است. می‌خواستم بگویم در این مدت، درآمد بسیاری از اهالی این منطقه از بین می‌رود. آیا نمی‌شود مانور را در منطقه دیگری انجام دهند؟ از فرماندهان نیروهای مسلح درخواست می‌کنم این مسائل را در نظر بگیرند.

از اهالی منطقه مرنجاب کاشان

درخواست نظارت مسئولان بر نانوایی‌های شهرک «چوبین در»

متاسفانه مسئولان به وضع نانوایی‌های شهرک «چوبین در» در استان قزوین توجه نمی‌کنند! از دوره ریاست جمهوری آقای احمدی‌نژاد نان ۵۰ تومانی به ۵۰۰ تومان افزایش یافته است و اندازه نان‌ها هم کوچک شده است. از مسئولان درخواست نظارت بر نانوایی‌های شهرک «چوبین در» استان قزوین را دارم.

تلفن به خط ارتباطی

این حجم قاچاق چگونه وارد می‌شود؟

در خبرها آمده است که برخی از مسئولان می‌گویند سالانه ۲۰ میلیارد دلار اجناس خارجی به صورت قاچاق وارد کشور می‌شود. می‌خواستم بپرسم آیا این حجم وسیع قاچاق توسط مسافرانی که با اتوبوس یا قطار یا هواپیما سفر می‌کنند وارد کشور می‌شود یا از طریق اسکله‌های غیرقانونی که در اختیار ارگان‌های بی‌نام و نشان قرار دارد؟ با وضع موجود مسئولان چگونه شعار اقتصاد مقاومتی سر می‌دهند؟ از روزنامه وزین اطلاعات تشکر می‌کنم.

یک هموطن

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی شرکت پلی استر یزد
شماره ثبت ۱۱۰۵۵۰ شناسه ملی ۱۰۱۰۱۵۴۲۷۷۶

بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت دعوت به عمل می آید تا درجلسه مجمع عمومی عادی شرکت که در ساعت ۱۱ روز ۱۳۹۵/۳/۲۴ در محل تهران ـ خیابان سپهبدقرنی ـ پلاک ۴۳ ـ طبقه ۴ تشکیل می گردد،حضور بهم‌رسانید.

دستورجلسه: ۱ـاستماع گزارش هیئت مدیره و بازرس قانونی ۲ـبررسی و تصویب صورت‌های مالی شرکت ۳ـانتخاب اعضای هیئت مدیره ۴ـانتخاب بازرس قانونی اصلی و علی‌البدل ۵ـانتخاب روزنامه رسمی برای درج آگهی‌های شرکت ۶ـتغییر آدرس محل شرکت ۷ـسایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی می‌باشد.

هیئت مدیره

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت بلور آجین (سهامی خاص)
شماره ثبت ۱۰۱۵ قزوین
شناسه ملی ۱۰۸۶۱۴۰۰۱۶۱

بدینوسیله به اطلاع کلیه سهامداران شرکت بلور آجین (سهامی خاص) می‌رساند مجمع عمومی عادی سالیانه صاحبان سهام رأس ساعت ۱۰ روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۵/۰۴/۰۲ در محل کارخانه واقع در قزوین ـ جاده قدیم تهران مجتمع صنعتی شهید رجایی تشکیل می گردد.

دستور جلسه:
۱ـاستماع گزارش هیئت مدیره و بازرس قانونی در خصوص عملکرد سال مالی منتهی به ۱۳۹۴/۱۲/۲۹
۲ـبررسی و تصویب صورت‌های مالی مربوط به سال مالی منتهی به ۱۳۹۴/۱۲/۲۹
۳ـانتخاب اعضای هیئت مدیره
۴ـانتخاب بازرس اصلی و علی‌البدل برای سال مالی منتهی به ۱۳۹۵/۱۲/۳۰
۵ـانتخاب روزنامه کثیرالانتشار به منظور درج آگهی‌های شرکت
۶ـسایر مواردیکه در صلاحیت مجمع فوق‌الذکر باشد.

هیئت مدیره شرکت بلور آجین

آگهی دعوت سهامداران شرکت پیشرو صنعت مازند آتیه سهامی خاص ثبت شده به شماره ۷۷۲ وشناسه ملی ۱۰۷۶۰۱۲۴۵۹۱ جهت تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده

بدین‌وسیله از کلیه سهامداران شرکت دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده در ساعت ۱۶ مورخ ۱۳۹۵/۳/۲۳ در آدرس: بهشهر روستای التپه جنب کارخانه آرد التپه صندوق پستی ۳۷۳ تلفن ۰۱۱۳۴۵۶۶۶۶۷ تشکیل می‌گردد، حضور به هم‌رسانند.

دستور جلسه: ۱ـ انحلال شرکت

هیئت مدیره شرکت

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت آب شیشه ایران (سهامی خاص)
شماره ثبت ۲۲۴۳ تبریز
شناسه ملی ۱۰۲۰۰۰۸۳۸۰۴

بدینوسیله به اطلاع کلیه سهامداران شرکت آب شیشه ایران (سهامی خاص) می‌رساند مجمع عمومی عادی سالیانه صاحبان سهام رأس ساعت ۱۰ روز پنجشنبه مورخ ۱۳۹۵/۴/۳ در محل دفتر مرکزی شرکت واقع در تهران خیابان کارگر شمالی خیابان هفتم پلاک ۴۲ تشکیل می گردد.

دستور جلسه:
۱ـاستماع گزارش هیئت‌مدیره و بازرس قانونی در خصوص عملکرد سال مالی منتهی به ۱۳۹۴/۱۲/۲۹
۲ـبررسی و تصویب صورت‌های مالی مربوط به سال مالی منتهی به ۱۳۹۴/۱۲/۲۹
۳ـانتخاب اعضاء هیئت‌مدیره
۴ـانتخاب بازرس اصلی و علی‌البدل برای سال مالی منتهی به ۱۳۹۵/۱۲/۳۰
۵ـانتخاب روزنامه کثیرالانتشار به منظور درج آگهی‌های شرکت
۶ـسایر مواردی که در صلاحیت مجمع فوق‌الذکر باشد.

هیئت‌مدیره شرکت آب شیشه ایران

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت صنایع سیلیکات ایران (سهامی خاص)
شماره ثبت ۱۱۲ قزوین ـ البرز
شناسه ملی ۱۰۱۰۰۹۰۳۶۹۰

بدینوسیله به اطلاع کلیه سهامداران شرکت صنایع سیلیکات ایران (سهامی خاص) می‌رساند؛ مجمع عمومی عادی سالیانه صاحبان سهام رأس ساعت ۱۰ روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۵/۴/۶ در محل دفتر مرکزی شرکت واقع در تهران خیابان کارگر شمالی خیابان هفتم پلاک ۴۲ تشکیل می‌گردد.

دستور جلسه:
۱ـ استماع گزارش هیئت‌مدیره و بازرس قانونی در خصوص عملکرد سال مالی منتهی به ۱۳۹۴/۱۲/۲۹
۲ـبررسی و تصویب صورت‌های مالی مربوط به سال مالی منتهی به ۱۳۹۴/۱۲/۲۹
۳ـانتخاب اعضاء هیئت‌مدیره
۴ـانتخاب بازرس اصلی و علی‌البدل برای سال مالی منتهی به ۱۳۹۵/۱۲/۳۰
۵ـ انتخاب روزنامه کثیرالانتشار به منظور درج آگهی‌های شرکت
۶ـسایر مواردی که در صلاحیت مجمع فوق‌الذکر باشد.

هیئت‌مدیره شرکت صنایع سیلیکات ایران

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت پارس سیلیس (سهامی خاص) شماره ثبت ۱۱۱ قزوین ـ البرز
شناسه ملی ۱۰۱۰۰۸۹۹۱۰۳

بدینوسیله به اطلاع کلیه سهامداران شرکت پارس سیلیس (سهامی خاص) می‌رساند؛ مجمع عمومی عادی سالیانه صاحبان سهام راس ساعت ۱۰ روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۵/۰۴/۰۱ در محل کارخانه واقع در قزوین ـ شهر صنعتی البرز خیابان حکمت پانزدهم مقابل ساپیا شیشه تشکیل می‌گردد.

دستور جلسه:
۱ـاستماع گزارش هیئت مدیره و بازرس قانونی در خصوص عملکرد سال مالی منتهی به ۱۳۹۴/۱۲/۲۹
۲ـبررسی و تصویب صورتهای مالی مربوط به سال مالی منتهی به ۱۳۹۴/۱۲/۲۹
۳ـانتخاب اعضای هیئت مدیره
۴ـانتخاب بازرس اصلی و علی‌البدل برای سال مالی منتهی به ۱۳۹۵/۱۲/۳۰
۵ـ انتخاب روزنامه کثیرالانتشار به منظور درج آگهی‌های شرکت
۶ـسایر مواردیکه در صلاحیت مجمع فوق‌الذکر باشد.

هیئت مدیره شرکت پارس سیلیس

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت سیلیکات گستر اصفهان (سهامی خاص)
شماره ثبت ۱۱۴۴۱ اصفهان شناسه ملی ۱۰۲۶۰۳۲۴۹۲۷

بدینوسیله به اطلاع کلیه سهامداران شرکت سیلیکات گستر اصفهان (سهامی خاص) می‌رساند؛ مجمع عمومی عادی سالیانه صاحبان سهام رأس ساعت ۱۰ روز شنبه مورخ ۱۳۹۵/۴/۵ در محل دفتر مرکزی شرکت واقع در تهران خیابان کارگر شمالی خیابان هفتم پلاک ۴۲ تشکیل می‌گردد.

دستور جلسه:
۱ـاستماع گزارش هیئت‌مدیره و بازرس قانونی در خصوص عملکرد سال مالی منتهی به ۱۳۹۴/۱۲/۲۹
۲ـبررسی و تصویب صورت‌های مالی مربوط به سال مالی منتهی به ۱۳۹۴/۱۲/۲۹
۳ـانتخاب اعضای هیئت‌مدیره
۴ـانتخاب بازرس اصلی و علی‌البدل برای سال مالی منتهی به ۱۳۹۵/۱۲/۳۰
۵ـانتخاب روزنامه کثیرالانتشار به منظور درج آگهی‌های شرکت
۶ـسایر مواردی که در صلاحیت مجمع فوق‌الذکر باشد.

هیئت‌مدیره شرکت سیلیکات گستر اصفهان

بسمه تعالی

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده گروه مهندسین فن آوری نوین ۵۲ سهامی خاص به شماره ثبت ۲۰۵۴۸۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۴۷۱۳۱۱

بدین‌وسیله از کلیه سهامداران محترم دعوت می شود در مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده که روز سه‌شنبه مورخ ۹۵/۳/۲۵ راس ساعت ۱۷ در محل قانونی شرکت تشکیل می گردد حضور بهم رسانند.

دستور جلسه:
ـانتخاب بازرس قانونی و حسابرس جهت عملکرد سال ۱۳۹۴

هیات مدیره
گروه مهندسین فن آوری نوین ۵۲

آگهی مناقصه شماره ۹۵۰۳۲۳ـن
خرید یک دستگاه چیلر تراکمی

شرکت صنایع خاک چینی ایران (سهامی عام) در نظر دارد، نسبت به خرید یک دستگاه چیلر تراکمی آب خنک با ظرفیت اسمی ۵۰ تن تبرید برای کارخانه خود واقع در شهرستان مرند از طریق مناقصه عمومی اقدام نماید. علاقه‌مندان می‌توانند جهت آگاهی از شرایط، دریافت اسناد مناقصه و ارائه پیشنهاد قیمت حداکثر تا ۱۰ روز پس از تاریخ درج آگهی به نشانی دفتر شرکت واقع در تهران ـ خیابان ولیعصر ـ نرسیده به چهارراه پارک وی ـ خیابان خاکزاد شماره ۲۱، امور بازرگانی، تلفن ۹ـ۲۲۰۱۸۱۰۷ـ۰۲۱ داخلی‌های ۴۱۵ و ۴۲۵ مراجعه نمایند.

ضمنا هزینه درج آگهی به عهده برنده مناقصه می‌باشد.

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالانه صاحبان سهام شرکت بهره برداری از شبکه‌های آبیاری و زهکشی مغان به شماره ثبت ۱۹۱۵ و شناسه ملی ۱۰۸۶۲۰۶۷۳۴۰ «سهامی خاص»

بدین‌وسیله به اطلاع کلیه سهامداران محترم شرکت می‌رساند جلسه مجمع عمومی سالانه راس ساعت ۲۲ روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۵/۳/۲۶ در محل آدرس قانونی: استان اردبیل ـ شهرستان پارس‌آباد ـ میدان سپاه ـ ساختمان شرکت بهره‌برداری از شبکه‌های آبیاری و زهکشی مغان تشکیل می‌گردد لذا از کلیه سهامداران محترم دعوت بعمل می‌آید در ساعت مقرر در جلسه مجمع حضور یابند.

دستورجلسه: ۱ـاستماع گزارش هیئت مدیره از عملکرد یکساله ۱۳۹۴ ۲ـاستماع گزارش حسابرس و بازرس قانونی شرکت برای عملکرد ۱۳۹۴ ۳ـبررسی و تصویب صورت‌های مالی منتهی به ۱۳۹۴/۱۲/۲۹ ۴ـانتخاب حسابرس و بازرس قانونی برای سال ۱۳۹۵ ۵ـانتخاب روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی ۶ـسایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی می‌باشد.

هیئت مدیره شرکت

سازمان صنعت، معدن و تجارت استان تهران
هیات اجرایی برگزاری انتخابات اتحادیه‌های صنفی تهران
آگهی فراخوان داوطلبین عضویت در هیات مدیره و بازرس اتحادیه اتحادیه صنف قالیشویان تهران

براساس ماده ۶ آیین‌نامه اجرایی انتخابات اتحادیه‌های صنفی در نظر است انتخابات هیات مدیره و بازرس اتحادیه صنف قالیشویان تهران برگزار گردد. لذا از واجدین شرایط عضویت در هیات مدیره و بازرسی اتحادیه صنف مزبور که در ذیل شرایط آنان اعلام گردیده دعوت به عمل می‌آید، از روز یکشنبه مورخ ۹۵/۳/۱۶ لغایت روز شنبه مورخ ۹۵/۴/۵ به مدت ۱۵ روز (بدون احتساب ایام تعطیل) شخصا با در دست داشتن مدارک ذیل به هیات اجرایی برگزاری انتخابات اتحادیه‌های صنفی واقع در میدان ولیعصر نبش پاساژ اهداء ساختمان شهید اسداله زاده سازمان صنعت معدن و تجارت استان تهران طبقه نهم اداره امور اصناف و تشکل‌های صنفی مراجعه و ثبت نام نمایند.

شرایط داوطلبین: ۱ـتابعیت جمهوری اسلامی ایران. ۲ـاعتقاد و التزام عملی به نظام جمهوری اسلامی ایران. ۳ـعدم ممنوعیت تصرف در اموال مانند حجر، ورشکستگی و افلاس. ۴ـنداشتن سوء پیشینه کیفری موثر و عدم اعتیاد به مواد مخدر. (در این خصوص استعلام مربوطه از سوی هیات اجرایی صادر می‌شود) ۵ـعدم اشتهار به فساد. ۶ـداشتن حداقل مدرک تحصیلی دیپلم برای افراد فاقد سابقه عضویت در هیات مدیره و بازرس اتحادیه (مدرک تحصیلی یا گواهی‌نامه معتبر از اداره آموزش و پرورش) ۷ـحداکثر سن در زمان ثبت‌نام هفتاد و پنج سال. ۸ـداشتن پروانه کسب معتبر دائم: پروانه کسب معتبر پروانه کسبی است که تاریخ اعتبار آن منقضی نگردیده، صاحب پروانه تغییر شغل نداده و واحد صنفی خود را به غیر واگذار و یا اجاره نداده، واحد صنفی فعال و مکان آن تغییر نیافته باشد. ۹ـوثاقت و امانت

تبصره: لازم به توضیح است براساس تبصره ۶ ماده ۲۲ قانون نظام صنفی داوطلب شدن کارکنان اتحادیه‌ها، اتاق اصناف شهرستان و ایران و دستگاه‌های اجرایی موضوع ماده (۵) قانون مدیریت و خدمات کشوری در انتخابات هیات مدیره اتحادیه‌های صنفی منوط به استعفای آنان از شغل قبلی خود پیش از ثبت نام در انتخابات است. اعلام رسمی پذیرش استعفای کارکنان موضوع این ماده پیش از شروع به کار در هیات مدیره اتحادیه الزامی است.

مدارک مورد نیاز ثبت نام: ۱ـسه قطعه عکس ۴×۳ جدید. ۲ـیک برگ تصویر پروانه کسب همراه با اصل آن. ۳ـیک سری تصویر از کلیه صفحات شناسنامه همراه با اصل آن. ۴ـیک برگ تصویر کارت ملی همراه با اصل آن. ۵ـیک برگ تصویر گواهی دیپلم به همراه اصل آن. ۶ـیک برگ تصویر اعتبارنامه جهت افرادی که دارای سابقه عضویت در هیات مدیره می‌باشند.

محمد جعفرنیا ـ رئیس هیات اجرایی برگزاری انتخابات اتحادیه‌های صنفی

م الف ۱۱ـ ۹۵۶۹۰

آگهی تغییرات شرکت آباد راهدار پارس سهامی خاص به شماره ثبت ۴۰۱۵۱۳ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۵۳۶۰۱۸

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۴/۰۸/۱۳ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: سرمایه تعهدی شرکت به مبلغ ۶/۵۰۰/۰۰۰ ریالی طی گواهی بانکی شماره ۳۳۰ـ۱۸۴۲ مورخ ۱۳۹۴/۸/۱۲ بانک انصار شعبه صنیع خانی پرداخت گردیده در نتیجه سرمایه شرکت ۱۰۰٪ پرداخت شده است.

با ثبت این مستند تصمیمات پرداخت سرمایه تعهدی انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران

۱۶۷۷۰۱ـ۹۶۵۶۶۰۱/م الف

آگهی تغییرات شرکت فرنوش دارو طب با مسئولیت محدود به شماره ثبت ۲۰۶۵۳۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۴۸۱۵۱۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۴/۰۸/۱۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: محل شرکت در واحد ثبتی تهران به آدرس مدرس شمال، بلوار میرداماد، خیابان ۱۲ بهمن، کوچه ۲۲ بهمن، پلاک ۱۵، واحد ۳، طبقه سوم، کد پستی ۱۵۴۹۹۳۵۴۱۶ تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه به شرح فوق اصلاح گردید. با ثبت این مستند تصمیمات تغییر محل (تغییر نشانی در یک واحد ثبتی) انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران

۱۶۷۷۰۰ـ۹۶۹۹۶۲۸/م الف

آگهی تغییرات شرکت گلوگر تجارت سهامی خاص به شماره ثبت ۴۴۴۵۹۱ و شناسه ملی ۱۴۰۰۳۷۰۰۲۸۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۴/۰۸/۰۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت منتهی مربوط به سال مالی ۱۳۹۳ مورد تصویب مجمع قرار گرفت. آقای سعید اسلامی با کد ملی ۴۲۸۰۴۰۷۴۲۸ و خانم مریم قریشی فرزند سید مهدی دارای کد ملی ۰۰۵۰۷۳۷۱۳۹ و خانم فرزانه اسلامی دارای کد ملی ۰۰۷۹۱۷۷۱۹۰ به عنوان اعضای هیئت مدیره برای مدت ۲ سال انتخاب شدند. مؤسسه حسابرسی و بهبود سیستم‌های مدیریت مفاهیم حساب جامع حسابداری رسمی به شناسه ملی ۱۰۱۰۳۵۶۴۸۰۳ به سمت بازرس اصلی آقای احمد یوسف زنجانی فرد با کد ملی به شماره ۰۰۳۶۶۳۴۰۶۹ به عنوان بازرس علی‌البدل برای یک سال مالی انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات به منظور درج آگهی‌های شرکت انتخاب شد. با ثبت این مستند تصمیمات انتخاب بازرس، انتخاب مدیران، تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی، انتخاب روزنامه کثیرالانتشار انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران

۱۶۷۶۹۹ـ ۹۶۹۹۴۱۹/م الف

آگهی تغییرات شرکت آترون سازه انرژی سهامی خاص به شماره ثبت ۳۷۳۴۸۴ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۲۲۵۱۸۲

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۴/۶/۱۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: سرمایه شرکت از مبلغ ۱/۲۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال به مبلغ ۷/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال منقسم به ۷۰۰/۰۰۰ سهم ۱۰/۰۰۰ ریالی با نام از طریق مطالبات حال شده افزایش یافت و ماده مربوطه در اساسنامه به شرح فوق اصلاح و ذیل ثبت از لحاظ افزایش سرمایه در تاریخ فوق‌الذکر تکمیل امضاء گردیده است. با ثبت این مستند تصمیمات افزایش سرمایه ـ افزایش تعداد سهام انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران

۱۶۷۸۵۵ـ۹۴۶۳۲۷۳/م الف

آگهی تغییرات شرکت گسترش تجارت و سرمایه ایرانیان سهامی عام به شماره ثبت ۲۴۷۵۶۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۸۸۱۷۶۳

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۴/۴/۲۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: سید حسین میرمحمدی صادق به شماره ملی ۰۰۴۳۴۶۳۹۵۹ به سمت رئیس هیأت مدیره ـ فرهاد عربلو به شماره ملی ۰۰۴۶۹۹۵۲۳۴ به سمت نایب‌رئیس هیأت مدیره ـ علیرضا یزدانی به شماره ملی ۰۰۵۱۲۸۸۸۵۰ به سمت عضو هیأت مدیره ـ بابک آموخته به شماره ملی ۰۰۷۴۶۴۴۱۳۰ به نمایندگی از شرکت بازرگانی همقدمان دارای شناسه ملی ۱۰۱۰۳۸۶۳۶۲۶ به سمت عضو هیأت مدیره ـ هدی صادقی به شماره ملی ۰۰۷۳۵۴۵۲۶۰ به سمت عضو هیأت مدیره ـ حسینعلی کریمی فیروزجانی به شماره ملی ۲۰۶۲۲۹۱۳۷۱ به عنوان مدیرعامل خارج از اعضا انتخاب شدند و امضاء کلیه اوراق و اسناد تعهدآور از جمله چک، سفته، برات، قراردادها و غیره با امضاء متفق مدیرعامل و یکی از اعضاء هیأت مدیره همراه با مهر شرکت و یا با امضاء دو نفر از اعضاء هیأت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر است. اوراق عادی و مراسلات با امضاء مدیرعامل به تنهائی با مهر شرکت معتبر می‌باشد.

محل شرکت به تهران ـ تقاطع همت و خیابان شریعتی ـ خیابان شهید داوود گل‌نبی ـ میدان احمدی‌روشن (کتابی سابق) ـ پلاک ۱ کدپستی ۱۵۴۴۷۴۸۹۹۹ تغییر یافت. اختیارات هیأت مدیره به شرح ذیل به مدیرعامل تفویض گردید. نمایندگی شرکت در برابر صاحبان سهام، کلیه ادارات دولتی و غیردولتی، مؤسسات عمومی، مراجع قضایی و سایر اشخاص حقیقی و حقوقی. عزل و نصب کارکنان در چارچوب آیین‌نامه مصوب. دریافت مطالبات و پرداخت دیون شرکت. اقامه هرگونه دعوای حقوقی و کیفری و دفاع از هر دعوای حقوقی و کیفری اقامه شده، در هر یک از دادگاه‌ها، دادسراها، مراجع قضایی یاغیرقضایی اختصاصی یا عمومی و دیوان عدالت اداری، از طرف شرکت، دفاع از شرکت در مقابل هر دعوای اقامه شده علیه شرکت چه کیفری و چه حقوقی در هر یک از مرجع قضایی یا غیر قضایی اختصاصی یا عمومی و دیوان عدالت اداری، با حق حضور و مراجعه به مقامات انتظامی و استیفای کلیه اختیارات مورد نیاز در دادرسی از آغاز تا اتمام، از جمله حضور در جلسات، اعتراض به رأی، درخواست تجدیدنظر، فرجام، واخواهی و اعاده دادرسی، مصالحه و سازش، استرداد اسناد یا دادخواست یا دعوا، ادعای جعل یا انکار و تردید نسبت به سند طرف و استرداد سند، تعیین جاعل، حق امضای قراردادهای حاوی شرط داوری یا توافقنامه داوری و ارجاع دعوا به داوری و تعیین و گزینش داور منتخب (با حق صلح یا بدون آن)، اجرای حکم نهایی و قطعی داور، درخواست صدور برگ اجرایی و تعقیب عملیات آن و اخذ محکوم به وجوه ایداعی و تعقیب آنها، تعیین مصدق و کارشناس، انتخاب و عزل وکیل و نماینده باحق توکیل مکرر، اقرار در ماهیت دعوا، جلب ثالث و دفاع از دعوای ثالث، دعوای متقابل و دفاع در مقابل آنها، ورود شخص ثالث و دفاع از دعوای ورود ثالث، قبول یا رد سوگند، تأمین خواسته، تأمین ضرر و زیان ناشی از جرائم و امور مشابه دیگر. اجاره و استجاره و واگذاری و فسخ اجاره و تقاضای تعدیل اجاره بها و دفاع از این نوع تقاضاها در تمامی مراحل و مراجع و تخلیه عین مستأجره و تقاضای تجدیدنظر در رأی صادره و یا اجرای آن. با ثبت این مستند تصمیمات تغییر محل (تغییر نشانی در یک واحد ثبتی)، تعیین سمت مدیران، تعیین دارندگان حق امضاء، تعیین و تفویض اختیارات نماینده قانونی انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران

۱۶۷۸۵۹ـ۹۵۳۳۵۷۶/م الف

تدارک شهرداری منطقه ۲۰ برای میزبانی از زائران حرم امام خمینی(ره)

شهرری ـ خبرنگار اطلاعات: شهردار منطقه ۲۰ از تمهیدات مدیریت شهری برای میزبانی از زائران حرم امام خمینی(ره) در ایام برپایی بیست و هفتمین سالگرد عروج ملکوتی بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران خبر داد.

سید احمد صفوی گفت: با تشکیل ستاد هماهنگی، حوزه‌های عمرانی، ترافیکی، اجتماعی و امور شهری این منطقه جنوبی در تدارک آماده‌سازی محیطی برای خدمت‌رسانی به زائران حرم امام خمینی(ره) در روزهای ۱۳، ۱۴، ۱۵ خرداد هستیم.

برگزاری جشنواره «کبوتر حرم» در استان سمنان

سمنان ـ خبرنگار اطلاعات: جشنواره داستان‌های «کبوتر حرم» در سمنان برگزار می‌شود.

استاندار سمنان با اعلام این‌مطلب افزود: این جشنواره که قرار است اواخر مرداد به میزبانی سمنان برگزار شود موجب رشد و بالندگی استان سمنان است.

محمدرضا خباز حرم امام‌رضا(ع) را پایتخت عشق به ولایت و مشهد را پایتخت معنوی ایران اسلامی خواند و گفت:

به‌همین دلیل باید نیت‌ها را در برگزاری آن خالص کنیم.وی بر لزوم افزایش شمار شرکت‌کنندگان استان سمنان در دوازدهمین جشنواره داستان‌های رضوی «کبوتر حرم» تاکید کرد و گفت: نویسندگان این استان باید تلاش کنند از نظر ارسال آثار به این جشنواره در رتبه اول قرار بگیرند.

اعزام تیم دوچرخه سواری پیشگامان یزد به تور بین المللی ژاپن

یزد ـ خبرنگار اطلاعات: رکابزنان تیم دوچرخه سواری پیشگامان به تور بین المللی ژاپن اعزام شدند.

به گزارش روابط عمومی باشگاه فرهنگی ورزشی پیشگامان، تیم دوچرخه سواری پیشگامان با مربیگری سیدمصطفی سیدرضایی راهی تور بین‌المللی ژاپن شد.

این مسابقات با حضور تیم‌های معتبر و مطرح از سراسر جهان در ۷ مرحله در مسیر شهر اوزاکا تا توکیو پایتخت ژاپن برگزار می‌شود.

محمود حضوری و سیروس امیرشرقی مکانسین و ماساژور و آروین معظمی گودرزی، رحیم امامی، امیر کلاه دوز، محمد رجبلو، حمید شیری و رضا حسینی رکابزنان تیم دوچرخه سواری پیشگامان در این تورنمنت هستند.بلافاصله پس از پایان این مسابقات پیشگامانی‌ها برای تور بین‌المللی کره جنوبی به این کشور خواهند رفت.

افتتاح ۴ حوزه مقاومت بسیج در شهرری

شهرری ـ خبرنگار اطلاعات: فرمانده سپاه ناحیه حضرت‌عبدالعظیم(ع) از افتتاح حوزه‌های بسیج در محله‌های دولت‌آباد و سرتخت شهر ری خبر داد.

سرهنگ علی طلوعی گفت: حوزه ۳۶۱ و ۳۶۲ صادق آل محمد محله سرتخت شهرری ساعت ۱۶ و حوزه ۳۵۳ حضرت رسول (ص) برادران و ۳۵۴ ریحانه‌النبی(س) خواهران روز شنبه هشتم خرداد ماه با حضور مسئولان و بسیجیان به بهره‌برداری رسید.

تبریز، میزبان مسابقات سازه‌های ماکارونی کاپ آذربایجان

تبریز ـ خبرنگار اطلاعات: نخستین دوره مسابقات ملی سازه‌های ماکارونی کاپ آذربایجان از ۲ تا ۴ مرداد به میزبانی تبریز در دو سطح دانشجویی و دانش‌آموزی برگزار می‌شود.

سعید قاسم‌پور دبیر برگزاری این مسابقات گفت: بخش‌های دانشجویی و دانش‌آموزی در دو گرایش سازه راندمانی و سازه سبک به‌صورت مجزا برگزار خواهد شد و تمامی دانشجویان و دانش‌آموزان کشور می‌توانند در این دو گرایش شرکت کنند.

وی بازه زمانی برای نام‌نویسی در نخستین دوره مسابقات ملی سازه‌های ماکارونی کاپ آذربایجان را ۱۲ تا ۲۲ تیر اعلام کرد و گفت: این مهلت به هیچ وجه تمدید نخواهد شد.

به گفته او علاقمندان به شرکت در این مسابقه می‌توانند برای کسب اطلاع بیشتر به نشانی اینترنتی www.itssa.ir و یا کانال تلگرام https://telegram.me/NSSC-Azarbayjan Cup رجوع کنند.

در همایش ملی تبیین سیاست‌های جمعیتی اعلام شد

رشد جمعیت باید متناسب با کیفیت زندگی تنظیم شود

سرویس شهرستانها: همایش ملی تبیین سیاست‌های جمعیتی، با تاکید بر افزایش نرخ باروری و سلامت مادر و کودک، با حضور مسئولان کشور و استان، در شیراز برگزار شد.

دکتر محمد اسحاقی معاون برنامه‌ریزی و هماهنگی شورای عالی انقلاب فرهنگی در این همایش گفت: سیاست‌های جمعیتی نگاه به آینده دارد، به گونه‌ای که در ابعاد فردی، خانوادگی و جمعی، باید نرخ باروری و رشد جمعیت، متناسب و با توجه به کیفیت زندگی برنامه‌ریزی می‌شود و فعالان این عرصه، برای آگاهی بخشی، باید این سیاست‌ها را تبیین و زمان اجرای بهتر آن را، تضمین کنند.دکتر «اسحاقی»، افزود: در این سه دهه، شاخص امید به زندگی، یکی از شاخص‌های مهم انسانی، به شمار می‌رود که این نشان دهنده کار کردن درست و صحیح نظام بهداشت و سلامت کشور است.

معاون برنامه‌ریزی و هماهنگی شورای عالی انقلاب فرهنگی کشور، ادامه داد: تسط بر جهان، از اهداف نظام سلطه در جنگ نرم و تهاجم فرهنگی است که به وسیله تسلط فرهنگی و هنری، تسلط سیاسی و نظامی، صورت می‌گیرد.او عرصه خانواده، مولفه‌های فردی، نوع و روش تغذیه، بازی‌های رایانه‌ای خارجی، نوع معماری، چیدمان‌های شهری، سرگرمی‌ها، ماهواره و اینترنت، لباس، نوع لوازم تحریر و نوشت‌افزار را، از اهداف و برنامه‌های غرب در راستای سلطه در جهان و ایران، عنوان کرد.

دکتر «اسحاقی»، با اشاره به نقشه مهندسی، نقشه جامع علمی کشور و سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش به عنوان سه سند مهم، افزود: چالش‌های جمعیتی،فرهنگی‌اجتماعی، اقتصادی و سیاسی امنیتی، از مهم‌ترین مسایل و چالش‌های کاهش نرخ باروری است.معاون برنامه ریزی و هماهنگی شورای عالی انقلاب فرهنگی کشور، هدف سیاست‌های جمعیتی را حفظ تعادل پویای ساختار کلی جمعیت، پیشگیری از کاهش نرخ باروری کل برشمرد و یادآور شد: نیروی انسانی، دانش و فن آوری، مواد اولیه، انرژی، بازار مصرف و سرمایه ملی، از عوامل رسیدن به اقتصاد شکوفا و برتر است.



دکتر «اسحاقی»، گفت: ما یکی از استثنایی‌ترین کشورهای جهان هستیم، که همه عوامل اصلی برای دستیابی به یک اقتصاد پیشرو را داریم، پس برای رسیدن به اقتصادی شکوفا، باید تلاش کنیم.

پیشرفت کشور با حضور جمعیت جوان، بانشاط و باسواد

رئیس دانشگاه‌علوم‌پزشکی شیراز هم در آیین آغاز به کار این همایش با اشاره به بیانات مقام معظم رهبری، جمعیت جوان، با نشاط و با سواد کشور را یکی از عامل‌های مهم پیشرفت دانست و گفت: به فرموده مقام معظم رهبری، امکان ندارد جامعه اسلامی، بدون بهره مندی کشور از نهاد خانواده سالم، سرزنده و با نشاط، پیشرفت کند.دکتر «ایمانیه»، اضافه کرد: جمعیت نوجوان، جوان و میانسال کشور، هنوز بهترین و بالاترین درصد جمعیت را تشکیل می‌دهند و اگر به‌خوبی از این فرصت موجود استفاده نکنیم زیان خواهیم کرد. او پایین آمدن سنین بهره وری را مترادف با کاهش تلاش، رکود اقتصاد، سیاست، اجتماع، قدرت دفاعی، جنبه‌های علمی، فرهنگی و نظامی، برشمرد.این مسئول سلامت در استان فارس، ادامه داد: برگزاری همایش‌ها، برپایی نمایشگاه‌ها، توزیع کتاب در بین مردم و کارمندان، افزایش کارگاه‌های مشاوره و تسهیلات مشاوره، از جمله فعالیت‌های دانشگاه علوم پزشکی شیراز در این زمینه است، که باعث افزایش ۱۲ درصدی فرزندآوری در سال ۹۳ نسبت به سال ۹۲ و افزایش ۱۴ درصدی فرزندآوری در سال ۹۴، نسبت به سال ۹۳، شده است.معاون فرهنگی اجتماعی استانداری فارس هم با تاکید بر اثرگذاری جمعیت بر روی قدرت ملی، گفت: باید برای افزایش جمعیت، بستر آن را فراهم کنیم، زیرا جوانی که شغل نداشته باشد و تشکیل خانواده ندهد، سودی برای جامعه و کشور ندارد.مهندس «موسوی»، با اشاره به رشد چهار درصدی جمعیت از سال ۵۷ تا ۶۸، افزود: در سیاست‌های جمعیتی، باید دور از افراط و تفریط، و به سوی کیفیت و توازن، باشیم.

معاون‌فرهنگی‌اجتماعی‌استانداری فارس با بیان اینکه افزایش جمعیت، می‌تواند هم فرصت و هم تهدید باشد، اضافه کرد: فرصت، جمعیت با کیفیت و دارای رفاه و توانمند است، اما اگر رفاه و کیفیت نباشد، به نظام و کشور آسیب وارد می‌شود.مدیرکل ثبت احوال استان فارس دیگر سخنران آیین آغاز به کار این همایش ملی بود که گفت: با توجه به حوزه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی؛ نیروی انسانی کارآمد و سلامت، مهم‌ترین ابزار توسعه یک کشور است.«علیرضا انصاری»، افزود: استان فارس در نرخ ثبت ولادت، رتبه بیست و سوم، ازدواج، رتبه نوزدهم و طلاق، رتبه بیست و یکم در سطح کشور در سال ۹۴ را دارا بوده است.او بیماری‌های قلبی عروقی، سرطان‌ها و حوادث ترافیکی را، مهم‌ترین دلیل مرگ و میر، عنوان کرد.

دانشگاه آزاد اسلامی از تحقیقات بنیادین حمایت می کند

اراک ـ خبرنگار اطلاعات: رئیس دانشگاه آزاد اسلامی کشور، دانشگاه را محلی برای ارتقای دانش جامعه، استانداردسازی، کشف رموز، حقایق علمی و حمایت از تحقیقات بنیادین دانست.

دکتر حمید میرزاده در نشست صمیمی با اعضای هیات علمی و دانشجویان استان مرکزی با بیان این‌که دانشگاه اثربخش، دانشگاهی است که بتواند مشکلات جامعه را حل کند، افزود: زمان تولید رساله‌ها و پایان‌نامه‌های غیرکاربردی گذشته است و دانشجویان تحصیلات تکمیلی باید بتوانند مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه را حل کنند.

وی با اشاره به این‌که تحقیقات کاربردی بدون تقاضا بی‌معنی است، اضافه کرد: تحقیقات باید دارای اثربخشی بوده و بتواند به حل مشکلات جامعه بینجامد.میرزاده با اشاره به این‌که ضروری است کانون‌هایی به‌منظور هم‌اندیشی استادان و دانشجویان در حوزه مسائل علمی تشکیل شود، گفت: این دانشگاه دارای سه وجه علمی، آزاداندیشی و اسلامی است بنابراین باید کانون‌های آزاداندیشی و علم‌اندوزی در این دانشگاه توسعه یابد.

وی درباره به کارگیری نیروهای حق‌التدریس، افزود: باید به سمت جذب اعضای هیات علمی تمام‌وقت پیش برویم تا به توسعه کیفی دانشگاه دست یابیم.

دکتر میرزاده با اشاره به ضرورت رعایت ضوابط دانشگاه در جذب نیروهای حق‌التدریس اظهار داشت: انتخاب نیروهای حق‌التدریس باید ضوابط دانشگاه به دقت رعایت شود. وی با بیان این‌که استان مرکزی مهد اجتهاد و علم و ادب ایران است، افزود: برای استان مرکزی همین بس که در دامن خود حضرت امام‌راحل را پرورانده است. وی ادامه داد: وجود بزرگانی مانند آیت‌الله اراکی، مرحوم ملااحمد نراقی، ادیبانی چون ادیب‌الممالک فراهانی و فخرالدین عراقی و بزرگانی چون امیرکبیر نشان می‌دهد که این استان از قدیم دارای ژن‌های هوش، فرهنگ‌دوست و ادیب بوده است. وی در پایان از دستاورد تیم‌های تیم‌های علمی پژوهشی رباتیک، خودرو، بتن و هواپیمای بدون سرنشین واحد اراک قدردانی کرد و از مسئولان این واحد خواست از این پژوهشگران حمایت و قدردانی شود.

در پایان این مراسم از دانشگاهیان آزاد اسلامی استان مرکزی با اهدای لوح و یک تابلو فرش نفیس از رئیس دانشگاه آزاد اسلامی قدردانی کردند که دکتر میرزاده با گرامیداشت دانشجوی شهیدمدافع حرم واحد اراک تابلو فرش را به خانواده این شهید گرانقدر تقدیم کرد.

۵۰۰۰ میلیارد ریال هزینه سالانه نگهداری شهر شیراز

شیراز ـ خبرنگار اطلاعات: شهرداری شیراز سالانه ۵۰۰۰میلیارد ریال صرف نگهداری شهر در بخش پسماند، فضای سبز و آتش‌نشانی می‌کند.

علیرضا پاک‌فطرت شهردار شیراز با اشاره به این مطلب که شهرداری شیراز پارسال یک نردبان ۵۵ متری را برای آتش‌نشانی این شهر برای اطفای حریق در ساختمان‌های بلندمرتبه خریداری کرده است که نمونه آن را در کشور فقط آتش‌نشانی تهران در اختیار دارد، گفت: شهرداری شیراز اقدام به ساخت سبزراه‌هایی در ارتفاعات شهر کرده است و شهروندان می‌توانند در این سبزراه‌ها یک روز کامل را راهپیمایی، کوهپیمایی و دوچرخه‌سواری کنند.

شهردار شیراز با بیان این‌که ۷۰درصد آلودگی کلانشهرها به سبب وسایل نقلیه است، یادآور شد: از آنجا که ایجاد فضای سبز باعث کاهش آلودگی هوا می‌شود، شهرداری در حال ساخت یک پارک ۵۸۰ هکتاری و چندین پارک ۵۰ هکتاری در شیراز است.

او همچنین به مرمت خانه‌های تاریخی و میراث فرهنگی اشاره کرد و گفت: یکی از اولویت‌های مهم شهرداری شیراز احیای بافت تاریخی و فرهنگی شیراز است که در این راستا برنامه‌ریزی‌های مناسبی در جهت ارائه کاربری‌های جدید مدنظر قرار دارد و در این راستا در برنامه‌ریزی انجام شده شهرداری شیراز ۲۸ خانه تاریخی که میراث فرهنگی توان بازسازی آنها را نداشته مرمت خواهد کرد.

شهردار شیراز تاکید کرد: هتل سنتی، رستوران سنتی از جمله کاربری‌های این منازل است که در کنار آنها حتی کاربری فرهنگی نیز می‌توان برای آنها در نظر گرفت البته برای رسیدن به این مهم نیاز به سرمایه‌گذاری بخش خصوصی است که در این راستا نیز زمینه‌سازی‌های مناسب نیز انجام شده است.

او با بیان این‌که بافت تاریخی شیراز با برنامه‌ریزی‌های جدید ساماندهی می‌شود، افزود: یکی از دغدغه‌های شورای شهر شیراز رهاسازی بافت قدیمی و تاریخی شیراز بوده که با سرمایه‌گذاری‌های جدید مشکلات فرهنگی و اقتصادی بافت برطرف می‌شود.

ساخت مدرسه ۶ کلاسه با اعتبار بنیاد برکت در میناب

بندرعباس ـ خبرنگار اطلاعات: مدیر کل توسعه، تجهیز و نوسازی مدارس هرمزگان گفت: ساخت یک مدرسه شش کلاسه با اعتبار بنیاد برکت در روستای دو دو بخش بندزرک آغاز شد.

ماشاءالله قاسمی در آیین آغاز ساخت مدرسه آیت الله شهید دستغیب این روستا افزود: برای ساخت این مدرسه با زیربنای ۲۵۰۰مترمربع و اعتبار ۸ میلیارد و ۱۲۰ میلیون ریال در کوتاه‌ترین زمان ساخته می‌شود.

وی گفت: دبستان یاد شده یکی از این مدارس تخریبی در هرمزگان است که کلنگ ساخت آن به زمین زده شد تا پس از تخریب کار ساخت شروع شود.

او یاد آور شد: ۸۵ مدرسه تخریبی با ۲۶۲ کلاس درس در میناب وجود دارد که برای ساخت آن‌ها به ۵۲۰ میلیارد ریال اعتبار نیاز است.

قاسمی اضافه کرد: در ۳ سال گذشته ۵۱۱ کلاس درس غیر ایمن در این استان تخریب و بازسازی شده ۱۶۶ پروژه با ۸۱۱ کلاس درس در استان با اعتبار ۱۳ هزار و ۵۰۰میلیارد ریال در نوبت تخریب و بازسازی است.وی با اشاره به وجود ۱۸۰۰ کلاس درس تخریبی در استان، یادآور شد: مدارس تخریبی دغدغه همه ماست که باید راهکاری عاجل برای آن اندیشیده شود.

قاسمی گفت: منابع خیری و اعتباراتی را که بنیاد برکت در مناطق محروم گذاشته است به سمت مدارس تخریبی سوق دادیم و تاکنون نتیجه بخش بوده است اما همچنان برای سرعت بخشی به نوسازی کلاس‌های غیرایمن نیازمند تخصیص اعتبار هستیم.

در مجموع بنیاد برکت ۳۸ مدرسه در قالب ۱۶۷ کلاس درس در هرمزگان در دست اقدام دارد که از این تعداد ۲۱ مدرسه شامل ۷۵ کلاس درس به بهره برداری رسیده و ۱۷ مدرسه دیگر در حال ساخت است.

این بنیاد برای مدرسه‌سازی در هرمزگان، ۱۳۷ میلیارد ریال متعهد شده که ۷۴ میلیارد و ۳۷۳میلیون ریال آن پرداخت شده است.

۴۲۰ مدرسه در مناطق محروم کشور توسط بنیاد برکت به بهره‌برداری رسیده است و بیش از ۶۶ هزار دانش آموز روستایی از داشتن مدرسه بهره‌مند شده‌اند.

ویژه برنامه‌های گرامیداشت سالروز ارتحال امام (ره) در کرمان

کرمان ـ خبرنگار اطلاعات: گرامیداشت یاد وخاطره امام(ره)، تجلیل و تکریم خوبی‌ها و ارزش‌هاست.

مهدی صدفی مسئول شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی استان کرمان در جمع خبرنگاران، ضمن تشریح برنامه‌های ۱۴ و ۱۵ خرداد در کرمان، از امام راحل به‌عنوان احیاگر بینش ناب اسلامی یاد کرد و گفت: تمامی فضایل اخلاقی و اسلامی در وجود بنیانگذار انقلاب اسلامی، به رشد و کمال رسیده بود.

وی افزود: امروز نسل جوان، تشنه معارف دینی، اسلامی و اخلاقی است و بسیار بجاست برای معرفی شخصیت امام راحل، برنامه‌هایی را در شأن آن امام بزرگوار طراحی و اجرا کنیم.صدفی با اشاره به نقش قشرهای مختلف مردم در برگزاری آیین سالگرد ارتحال امام (ره)، اعلام کرد: ۵۰۰۰نفر از استان کرمان به مناسبت شرکت در آیین سالگرد ارتحال امام(ره) به تهران اعزام می‌شوند.

وی گفت: مسئولیت اعزام زائران به مرقد امام راحل، با سپاهش ثارالله و با پشتیبانی استانداری کرمان است.مسئول شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی استان کرمان افزود: اعزام زائران از شهرستان‌های جنوبی استان، از ۱۲ خرداد و از شهرستان‌های شمالی از ۱۳ خرداد انجام می‌شود.

به گفته وی آیین محوری گرامیداشت سالروز ارتحال امام(ره) در شهر کرمان، ساعت ۱۰:۳۰ صبح ۱۴ خرداد در مصلی امام علی (ع) با سخنرانی حجت‌الاسلام سعادت، عضو ستاد کل نیروهای مسلح برگزار می‌شود.

صدفی با اشاره به تشکیل ستادهای گرامیداشت سالگرد ارتحال امام (ره) در تمامی شهرستان‌ها و بخش‌های استان کرمان،گفت: سالروز ارتحال امام (ره)، قیام مردمی ۱۵ خرداد و آغاز زعامت مقام معظم رهبری، از مناسبت‌های ۱۴ و ۱۵ خرداد است.

وی گفت: به منظور گرامیداشت ۱۴ و ۱۵ خرداد، فعالیت‌های قرآنی، فرهنگی، هنری، نمایشگاهی و رسانه‌ای تعریف شده است.

او اعلام کرد: برگزاری دعای ندبه در محل مهدیه مسجد صاحب‌الزمان (عج)، برگزاری آیین شب ارتحال در اداره‌کل آموزش و پرورش، برگزاری مراسم در مساجد شهر همراه با خواندن دعای کمیل، برگزاری ویژه‌برنامه‌های کودکان و نوجوانان در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، برگزاری مسابقات ورزشی در رشته‌های مختلف،برپایی نمایشگاه‌عکس،کتاب و محصولات فرهنگی و شب شعر، اجرای ویژه‌برنامه‌های صداوسیمای مرکز کرمان، دعوت از سخنرانان و صاحبنظران برای سخنرانی در ادارات و ارگان‌ها، غبارروبی و عطرافشانی



گلزار شهدا، تشکیل دسته‌های عزاداری و برگزاری مسابقات فرهنگی و هنری از برنامه‌های گرامیداشت مناسبت‌های ۱۴ و ۱۵ خرداد است.

صدفی با اشاره به برگزاری محافل انس با قرآن کریم،گفت: در سالروز بزرگداشت سالگرد ارتحال امام(ره) و قیام ۱۵ خرداد، آیین ویژه‌ای در ۵۰ بقاع متبرکه و نشست‌های تبیینی و پرسش‌وپاسخ نیز در کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد و پایگاه‌های بسیج برگزار می‌شود.

وی گفت: سوگواره استانی تعزیه نیز با حضور ۱۳ گروه تعزیه‌خوان در ده زیار برگزار می‌شود.

به گفته مسئول شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی استان کرمان برپایی ایستگاه‌های سلامت و صلواتی،برگزاری آیین ۱۵ خرداد در تکیه میدان‌قلعه و چاپ ویژه‌نامه، خبرنامه و کتابچه‌هایی حاوی زندگینامه امام راحل از دیگر برنامه‌ها است.

بهره‌برداری از طرح توسعه بخش «سی‌سی‌یو» بیمارستان توحید سنندج

سنندج ـ خبرنگار اطلاعات: با اضافه شدن ۱۴ تخت جدید به بخش مراقبت‌های ویژه بیماران قلبی بیمارستان توحید سنندج مجموع این تخت‌ها در استان به ۱۶۵ تخت رسید.

در مراسم بهره‌برداری از طرح توسعه بخش (سی سی یو) بیمارستان توحید سنندج که با حضور زاهدی استاندار کردستان، جمعی از مسئولان محلی و دست‌اندرکاران امور بهداشت و درمان استان برگزار شد، رئیس دانشگاه‌علوم‌پزشکی کردستان نتایج حاصله از اجرای طرح تحول نظام سلامت در کردستان را تشریح کرد و گفت: از پانزدهم اردیبهشت سال ۱۳۹۳ همزمان با سراسر کشور در این استان اجرایی شده است شماره پایگاه‌های سلامت در مناطق مختلف کردستان به ۵۰ پایگاه رسیده است.

دکتر طیب قدیمی افزود: تاکنون بیش از ۱۲۰۰ میلیون ریال در زمینه اجرای طرح تحول نظام سلامت در استان کردستان هزینه شده است که بابت حضور پزشکان در مناطق محروم و دورافتاده، اجرای کاهش پرداختی توسط بیماران بستری در بیمارستان‌های دولتی، ارتقای کیفیت خدمات در بیمارستان‌ها، ارتقای هتلینگ در بیمارستان‌ها و نیز طرح ترویج زایمان طبیعی هزینه شده است.

وی گفت: حدود ۳ میلیارد و ۲۰۰ میلیون ریال برای بازسازی فضای بیمارستانی و اجرای طرح‌های عمرانی در مناطق مختلف کردستان به ویژه مناطق محروم و مرزی هزینه شده است.

شهید سرلشکر منفرد نیاکی

«پدر بزرگ» فاتحان خرمشهر

سرهنگ ستاد قاسم اکبری مقدم

امروز گرچه مدت زمانی از پایان دوران دفاع مقدس گذشته، اما به جرأت می توان گفت هنوز بخش هایی از رشـادتها و دلاوریهای حماسه سازان و قهرمانان آن دوران با شکوه که خود می تواند درسی برای آیندگان و نسل امروز باشد به درستی در پیشگاه ملت ایران مطرح نشده است. از این رو بر خود تکلیف دیدیم که در این زمینه گوشه کوچکی از زندگینامه و رشادتهای یکی از این قهرمانان و حماسه سازان ایران زمین، شهید سرلشکر سید مسعود منفرد نیاکی را بازگو کنیم.

بزرگ بود، آن قدر بزرگ که او را " پدربزرگ" می نامیدند با همان صلابت، غرور و مهربانی که واژه پدربزرگ به ذهن هرکسی متبادر می کند. در جبهه ها القاب و واژه ها بی تعارف و بی تکلف بودند و مصداق عینی پیدا می کردند.

شهید سرلشکر سید مسعود منفرد نیاکی به عنوان فرمانده لشکر ۹۲ زرهی اهواز، یک سرباز به معنی واقعی کلمه بود و همه علایق دنیوی اش را یکپارچه در طبق اخلاص گذاشت و با تمام توش و توان که حاصل یک عمر تجربه و دانش بود، در مصاف با متجاوزان، مردانه ایستاد تا نام ایران و دلاوری مردان ایرانی در تاریخ جاودانه بماند.

بزرگمردی که با رویت بارقه های جنگ و درگیری و تهاجم ناجوانمردانه دشمن بعثی، آسایش و آرامش را برخود حرام دانست و درکوتاهترین زمان ممکن خود را به صف مجاهدان و دلاورمردان رساند و تمام قد در برابر دشمن ایستادگی و مقاومت کرد، زخم برداشت اما دم بر نیاورد، دوستان و هم سنگرانش به شهادت رسیدند، فرزند دلبندش به سوی خدا پر کشید، غمش را فرو خورد و نگذاشت سربازان و درجه داران و افسران تحت فرماندهی اش ذره ای تزلزل و ناراحتی را در سیمای مومنانه اش مشاهده کنند.

از خطه قهرمان پرور شمال کشور بود، ولی وقتی سیمای او را مشاهده می کردی اصلا به ذهنت خطور نمی کرد که او اهل مناطق خوش آب و هوای کشور باشد، چهره ای که نشان از خدمت صادقانه در لشکر۸۸ زرهی زاهدان در جنوب شرق کشور و لشکر ۹۲ زرهی اهواز در جنوب غرب داشت.

مسعود منفرد نیاکی در سال ۱۳۰۸در شهرستان آمل چشم به جهان گشود. در سال ۱۳۳۱با دیپلم طبیعی وارد دانشکده افسری ارتش شد و پس از طی دوره سه ساله به درجه ستوان دومی نائل و با انتخاب رسته زرهی به خدمت مشغول شد. او در طول خدمت با نظمی مثال زدنی و جدیت و صداقت در سمت های مختلف فرماندهی در یکان های رزمی به انجام وظیفه پرداخت و مدارج تحصیلی را از دوره مقدماتی و عالی زرهی تا دوره فرماندهی و ستاد و سپس دانشکده پدافند ملی با موفقیت پشت سر گذاشت و در سال ۱۳۵۵به درجه سرهنگی نائل آمد.

*** شهید سرلشکر منفرد نیاکی همه علایق دنیوی اش را یکپارچه در طبق اخلاص گذاشت و با همه توش و توان که حاصل یک عمر تجربه و دانش بود، در مصاف با متجاوزان، مردانه ایستاد تا نام ایران و دلاوری مردان ایرانی در تاریخ جاودانه بماند**

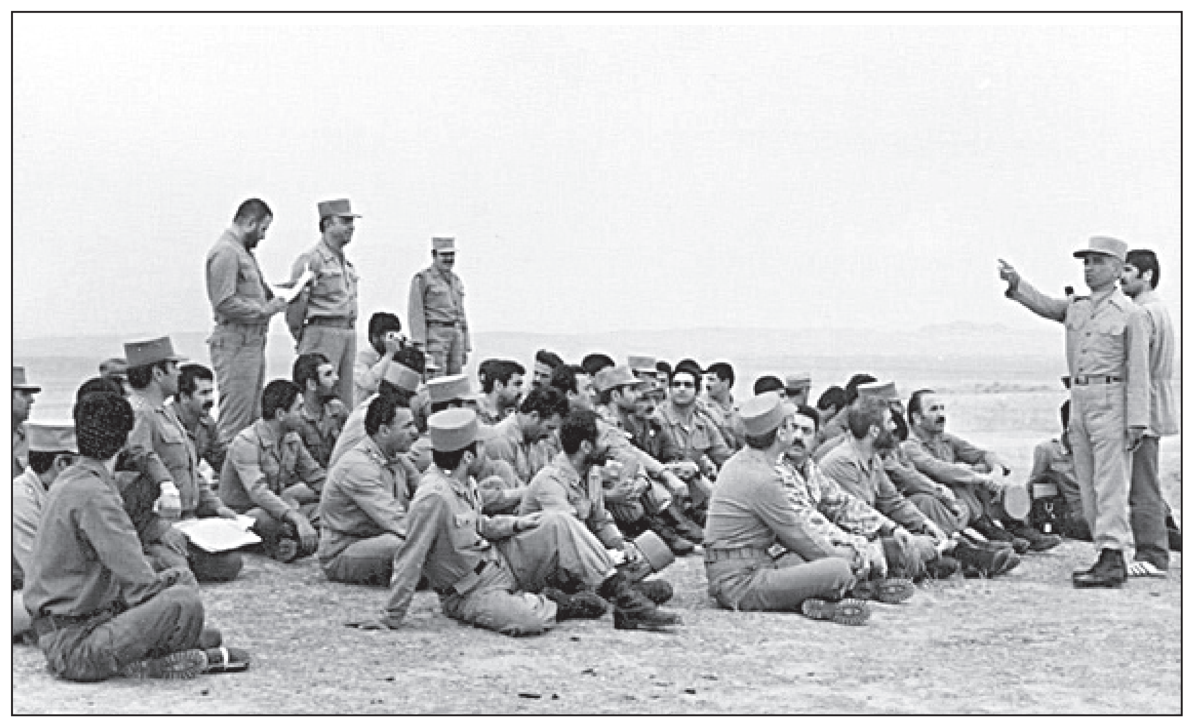
شهید نیاکی پس از انقلاب به پاس فداکاری و خدمات ارزشمند خود در سال ۱۳۵۹به سمت فرماندهی لشکر ۸۸زرهی و در سال ۱۳۶۰به سمت فرماندهی لشکر قدرتمند ۹۲زرهی منصوب شد و در این مسئولیت ها، در همه میدان های دفاع از میهن اسلامی و در برابر دشمنان به انجام وظیفه پرداخت.

شهید نیاکی در منطقه عملیاتی خوزستان شاید مسن ترین و با تجربه ترین فرماندهی بود که در یکان های عملیاتی حضور داشت و به همین دلیل از ایشان در تماس های بیسیمی باعنوان "پدربزرگ" یاد می شد: از... به پدر بزرگ! و پاسخ ایشان این بود: از پدر بزرگ به ...! به گوشم!

کارنامه شهید نیاکی در دوران دفاع مقدس مشحون از افتخارات بسیار است. وی در مسئولیت های فرماندهی در عملیات بزرگ طریق القدس، فتح المبین، بیت المقدس، والفجر و رمضان خدمت کرد و در سمت فرماندهی لشکر۹۲زرهی خوزستان و فرمانده قرارگاه فتح بارها به قلب دشمن تاخت و شکست های سنگینی به نیروهای عراقی وارد کرد.

یکی از عملیات مهم و سرنوشت سازی که شهید نیاکی در آن حضور و نقشی بی بدیل داشت، عملیات بیت المقدس بود که منجر به آزاد سازی خرمشهر شد.

در این عملیات شهید نیاکی دو مسئولیت مهم بر عهده داشت. یکی فرماندهی لشکر ۹۲ زرهی و دیگری فرماندهی قرارگاه عملیاتی فتح بود. با هدایت و فرماندهی ایشان به همراه سردار رشید، نیروهای تحت امر قرارگاه فتح(تیپ ۱و۲و۳ لشکر ۹۲ زرهی–تیپ ۵۵ هوابرد–تیپ ۳۷ زرهی– تیپ ۱۴ امام حسین(ع)– تیپ ۸ نجف – تیپ ۲۵ کربلا از سپاه پاسداران) با رشادت، دلاوری و از خود گذشتگی مثال زدنی توانستند در منطقه تحت مسئولیت خود وارد عمل شوند و در طول ۲۵ روز مداومت عملیات بیت المقدس به اهداف از پیش تعیین شده دست یافت.



ساعت ۱۱ صبح روز سوم خرداد ۶۱ در حالی که درگیری شدیدی بین نیروهای قرارگاه نصر و دشمن در شمال نهر خین جریان داشت، یکان‌های قرارگاه فتح از سمت غرب و خیابان کشتارگاه به سهولت وارد خرمشهر شدند. ساعت ۱۲ همین روز سایر نیروهای قرارگاه نصر و قدس از سه طرف شمال، شرق و غرب وارد شهر شدند. دشمن که ۲۴ ساعت در محاصره کامل قرار داشت، راهی جز تسلیم و اسارت نداشت و گروه گروه به اسارت تن می‌دادند. نیروهای موجود دشمن در شهر به طور کلی عناصری از ۱۴ تیپ و تعدادی گردان مستقل و نیروهای جیش‌الشعبی بودند. ساعت ۲ بعد از ظهر خرمشهر به طور کامل تصرف و پرچم جمهوری اسلامی ایران بر فراز مسجد جامع و پل تخریب شده خرمشهر به اهتزاز درآمد و این شهر که ساعت چهار بعد از ظهر روز ۴ آبانماه سال ۱۳۵۹ به اشغال دشمن درآمده بود، سرانجام ساعت ۱۴ و ۲۰ دقیقه بعد از ظهر سوم خرداد ماه سال ۱۳۶۱ پس از ۱۹ ماه اسارت به دست فرزندان غیور این مرز و بوم که برای رهایی این شهر از چنگال متجاوز سر از پا نمی‌شناختند و خون پاکشان را بی‌دریغ نثار کرده بودند، آزاد شد.شهید نیاکی به واسطه شجاعت وافر خود در حکمی از سوی امیر سپهبد شهید صیاد شیرازی به جانشینی فرمانده نیروی زمینی ارتش در جنوب منصوب شد و در طراحی عملیات های بزرگ در جنوب، نقش کارسازی داشت. وی در سال ۱۳۶۳با کوله باری از تجربیات گرانبها به سمت جانشینی اداره سوم ارتش منصوب و آماده ایفای مسئولیت های سنگین و جدید دیگری شد.یکی از ویژگی های آن شهید بزرگوار این بود که همواره در خط مقدم و در کنار سربازان خود می جنگید و به آنها روحیه می داد و با تک تک سربازان تماس نزدیک داشت، گرفتاری های آنها را می شناخت و تا سر حد امکان به رفع آنها می پرداخت .

شهید منفرد نیاکی از زبان همرزمان

شهید سپهبد علی صیاد شیرازی در خاطراتش گفته است: «در یکی از ساختمانهای سوسنگرد فرماندهان جنگ یک جلسه مشورتی داشتیم. برادر ردانیپور گفت: اگر موافقید چراغها را خاموش کنیم و دعای توسل بخوانیم. این سخن به دل همه چسبید و دعای توسل شروع شد. واقعاً اشک ریخته میشد؛ ناگهان متوجه هق هق یکی از حضار شدم؛ طوری که گریه او همه را تحت الشعاع قرار داده بود. نگاه کردم دیدم سرهنگ نیاکی است. پیرترین مرد نه فقط جمع ما، بلکه کل ارتش و ما از او پیرتر نداشتیم. او دستمال سفیدی را جلو صورتش گرفته بود و گریه می کرد. من با دیدن گریه او در خود احساس حقارت کردم و گفتم: ما می گوئیم تعهدمان بیشتر است و انقلابی تر هستیم و مدعی هم هستیم؛ ولی به حال این پیرمرد نرسیدیم. این خاطره را بعد از عملیات طریق القدس برای حضرت امام(ره)بیان کردم. حضرت امام(ره) فرمودند: این، اصل رجعت انسان به فطرت خود است. اینها دلشان نور الهی دیده و قلبشان روشن شده است. از این فضای نورانی بهره برداری کنید».

ورزیده و مقاوم

شهید نیاکی به رغم داشتن سن زیاد از ورزیدگی مثال زدنی برخوردار بود. اعتقاد داشت که یک نظامی باید همیشه آماده رزم باشد. امیر سرتیپ دوم نبی کریمی از همرزمان شهید نیاکی می گوید: نزدیک ۱۰ روز قبل از آغاز عملیات تپه های الله اکبر، شهید نیاکی به همراه شماری از نیروهای ورزیده ارتش و سپاه به پشت نیروهای عراقی نفوذ کردند و شناسایی لازم را انجام دادند. ما فکر می کردیم که این عمل سنگین با یک راهپیمایی طولانی و طاقت فرسا برای فرد مسنی چون او سخت است و او نمی تواند پا به پای نیروهای جوان حرکت کند، ولی در عمل دیدیم که در این ۱۰ روز سخت و نفسگیر، بدون آن که کم بیاورد یا احساس ناتوانی بکند، همراه آن جوانان ورزیده به عملیات شناسایی رفت و بدون کوچکترین ضعف و قصوری از این مأموریت بازگشت.

پرتوان و همراه کارکنان

سرتیپ دوم سیروس لطفی فرمانده دلاور لشکر ۱۶ زرهی قزوین در خاطرات خود می گوید: شهید نیاکی آدمی پر توان، مقتدر و مقاوم بود. در گرماگرم تابستان درکانکس او کولر روشن نمی شد و بیشتر وقتها به خاطر گرما فقط با یک زیرپیراهن در داخل کانکس به کارها رسیدگی می کرد و همیشه یک کلاه آهنی به سر و کلتی بر کمر داشت. یک بار برای دقایقی وارد کانکس او شدم. گرما کشنده بود. گفتم: جناب نیاکی تو چطور در این گرما در داخل این کانکس بدون کولر زندگی میکنی؟ با لبخند گفت: سربازهای من در خط مقدم کولر ندارند. چطور وجدانم را راضی کنم به داشتن کولر. آنها وقتی به کانکس من بیایند و ببینند من هم کولر ندارم با انگیزه بیشتری کار می کنند. به شوخی گفتم: تو با آنها فرق میکنی. آنها جوان هستند، ولی شما پیر شده ای. می گفت: درسته که من پیرم، ولی مقاومتم از همه بیشتر است.

شناسایی نزدیک از منطقه عملیات

یکی دیگر از همرزمان شهید نیاکی می گوید: روزی به همراه شهید نیاکی، یک محافظ و یک راننده به خط مقدم رفتیم. وقتی پیاده شدیم جناب سرهنگ به طرف مواضع دشمن حرکت کرد و همینطور به جلو میرفت. ما هم باید پشت سرش میرفتیم. عرض کردم جناب سرهنگ خطرناک است. صلاح نیست شما به عنوان فرمانده لشکر جلو بروید. اگر خدای ناکرده اسیر شوید، خیلی مشکل ساز می شود.

ایشان نگاه معناداری به من کرد و گفت:اولا ما که کارت شناسایی و درجه نداریم که ما را بشناسند. در ثانی من باید بروم جلو و نقطه عملیاتی را شناسایی کنم تا بتوانم با خیال راحت و وجدان آسوده سربازان و درجه داران را برای انجام عملیات به اینجا بکشانم .

روحیه دادن به کارکنان

سرهنگ نیاکی با آن که مشغله زیادی داشت، در همه شرایط به یکان ها سر میزد. یکی از فرماندهان یکان های زیر مجموعه ایشان نقل میکند: در معیت ایشان به جبهه سوسنگرد رفتیم. آن وقتها دشمن بعثی سوسنگرد را دور زده بودند و سوسنگرد نسبتا به محاصره دشمن در آمده بود. نیروهای ما در مقابل نیروهای دشمن خیلی کم بود. ایشان به من گفتند: ما چه بخواهیم و چه نخواهیم، وضع همین است و ما وظیفه داریم که با این نیرو به مقابله با دشمن بعثی بپردازیم. حالا من به عنوان فرمانده لشکر، نفر اول حرکت میکنم شما هم با یکان خود پشت سر من حرکت کنید.

دقیقا ساعت ۴صبح بود که او به سوی نیروهای عراقی حرکت کرد و نیروهای ما با دیدن ایشان روحیه گرفتند و با دیدن شجاعت و مردانگی فرمانده لشکر خود، همه به هیجان آمدند و ما توانستیم حدود ساعت ۷صبح یعنی ظرف ۳ساعت محاصره را بشکنیم و سوسنگرد را از تیررس دشمن رها کنیم.

درک روحیه و رفع مشکلات کارکنان

یکی دیگر از ویژگی های شهید منفرد نیاکی که می توان آن را ناشی از نبوغ نظامی و فرماندهی بسیار مؤثر او دانست، توجه به همه مسائل و حوادث اطراف خود و از جمله وضعیت خانوادگی و روحی نیروهای تحت امرش بود. او در گرماگرم جنگ و در حالی که مسؤلیت فرماندهی عملیات را بر عهده داشت، رفع مشکلات نیروها را یکی از وظایف اصلی هر فرمانده میدانست. امیر سرتیپ دوم بازنشسته سید مجتبی تهامی یکی از همرزمان شهید نیاکی با نقل خاطره ای از ایشان می گوید:

«خسته از یک شناسایی سنگین برگشته بودیم و در حال گزارش به سرهنگ نیاکی بودیم. ایشان گاه در بین صحبتهای ما نکاتی را تذکر میدادند که ما یادداشت می کردیم. در این میان من بی اختیار به فکر فرو رفتم. سرهنگ نیاکی با لبخندی به من گفتند: تهامی! گاهی اینجا نیستی، کجا میری؟ من هم از پسرم و این که به فکر امتحانش هستم گفتم. ایشان چیزی نگفت تا این که نوبت مرخصی ام شد تا به مشهد بروم. موقع حرکت، راننده اش به سمت من آمد و بسته ای به من داد و گفت: این بسته را سرهنگ نیاکی دادند که به شما بدهم. گفتم: مطمئن هستید که این بسته را برای من داده اند؟ گفت: مگر شما جناب تهامی نیستید؟ گفتم: چرا؟ گفت: پس این مال شماست. وقتی به مشهد رسیدم بسته را باز کردم. دیدم یک دستگاه ضبط صوت ساعتدار و یک برگ نامه است که جناب نیاکی با خطی خوش برای پسرم نوشته بود.»

متن نامه چنین بود: «پسرم تو افتخار کن که پدر تو یک فرمانده ارتشی است و در جبهه ها افتخار می آفریند. آنچه فکر پدرت را مشغول کرده مساله درس و آینده توست. من این هدیه ناقابل را برای تو می فرستم که یادآوری کنم که وقتی پدر تو با آن همه خستگی از عملیات و شناسایی های خطرناک بر می گردد، باید از طرف تو آرامش فکری داشته باشد و نگران تو و خانواده اش نباشد».

فرزندان سرباز

همیشه کارتی در جیبش بود که روی آن نوشته شده بود:«اگر زمانی در حین خدمت، جانم را از دست دادم و قرار شد ارتش مرا به خاک بسپارد، هر جا که برای ارتش راحت تر و ارزانتر است، مرا خاک کند. »

مهمترین حادثه تلخی که در زندگی شهید نیاکی به وقوع پیوست فوت دختر عزیز ایشان مژگان بود. درست زمانی که ایشان در جنگ بود(شروع عملیات بیت المقدس دهم اردیبهشت ۱۳۶۱)، در حالی که عاطفه پدری حکم میکرد در کنار دخترش باشد، وقتی به او تلگراف زده شد و خبر فوت مژگان را به او دادند، ایشان در جواب تلگراف، تلگرافی به این مضمون فرستاد:«همسر عزیزم ملیحه! آن فرزندم کسانی را دارد که در کنارش باشند، ولی من نمی توانم در این بحبوحه جنگ، فرزندان سرباز خود را تنها بگذارم». شهید نیاکی چهل و هفت روز بعد از وفات دخترش بر سر مزار فرزند عزیزش حاضر شد.

شهادت در کسوت سربازی

تقدیر بر این بود که نیاکی در کسوت مقدس سربازی به شهادت برسد. امیر سرافراز ارتش که در سمت جانشینی اداره سوم ستاد مشترک ارتش خدمت می کرد، در جریان یک رزمایش به قافله همرزمان شهیدش پیوست. او در ۶ مرداد ۱۳۶۴ به عنوان ناظر آموزش در رزمایش لشکر ۵۸تکاور ذوالفقار که در شرایط واقعی جنگی اجرا می شد، شرکت داشت و گویی چنین مقدر شده بود که در پنجاه و شش سالگی و پس از۳۳ سال خدمت پر افتخار سربازی، در میدان آموزش و تمرین نظامی به درجه رفیع شهادت برسد.روحش شاد و راهش مستدام.

معرفی کتاب



کتاب راه (تاریخ شفاهی دکتر محسن رضایی) به قلم دکتر حسین اردستانی به چاپ رسید. جلد اول این کتاب ۵۷۶ صفحه‌ای از سوی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس در شمارگان ۱۵۰۰ نسخه و با قیمت ۳۴ هزار تومان به چاپ رسیده و در بازار عرضه شده است.

این کتاب مشتمل بر هفت بخش شامل خانواده و نوجوانی، دوران مبارزه، صیانت از انقلاب، مقابله با گروه‌های سیاسی، آمریکا کانون توطئه، تحریک‌های قومی و مذهبی، سازمان مجاهدین خلق، است. در بخشی از مقدمه این کتاب به قلم دکتر اردستانی آمده است.

کتاب پیش رو، تاریخ شفاهی آقای دکتر محسن رضایی، مسئول وقت واحد اطلاعات سپاه پاسداران است. کمتر ایرانی است که نام محسن رضایی را نشنیده باشد یا وی را نشناسد. اما کمتر کسی از زندگی و زمانه پرفراز و نشیب رضایی و سختی‌های او و نقش منحصر به فرد وی در حفظ نظام، مهار بحران‌های سیاسی، جنگ‌های داخلی و ترورهای سازمان مجاهدین خلق (منافقین) و بعضی گروه‌های کمونیستی مثل چریک‌های فدایی خلق و پیکار مطلع است.

همچنین در بخشی از پیش‌گفتار این کتاب می‌خوانیم:

تاریخ شفاهی فرماندهان، مهم‌ترین منبع دفاع مقدس برای تاریخ نگاری و آگاهی جامعه از چیستی، چرایی و چگونگی این رویداد بزرگ تاریخ معاصر ایران به شمار می‌رود، زیرا این فرماندهان بودند که در سطوح مختلف از فرمانده عالی و قرارگاه مرکزی تا فرمانده لشکر و فرمانده گردان ابعاد دفاع مقدس را طراحی، برنامه‌ریزی و اجرا کردند و در جنگ هشت‌ساله نبردهای بزرگی را برای آزادسازی سرزمین‌های ایران و استیفای حقوق ملت و انقلاب، علیه دشمن بعثی به منصه ظهور رساندند که پیشینه تاریخ این ملت، چنین تحول و توانمندی را کمتر یاد دارد. ایران در آینده می‌تواند با اتکابه تجربه و دستاوردهای علمی و مکتب دفاعی دوران مقدس بالنده و موثر زندگی کند و در محیط پیرامونی خود ایفای نقش نماید.

در بخش دیگری از پیش گفتار آمده است:

کتاب پیش رو ماحصل ۲۱ جلسه گفتگوی مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس با جناب آقای دکتر محسن رضایی است که از بهمن ۱۳۸۸ شروع شد و تا تیر ۱۳۸۹ ادامه یافت و اکنون پس از مراحل آماده‌سازی و تدوین، در معرض مطالعه مردم و نخبگان کشور است. در شروع کار، ایده تاریخ شفاهی فرماندهان جنگ از طرف مرکز به آقای دکتر رضایی پیشنهاد شد و ایشان پس از حدود ۶ ماه پذیرفتند مصاحبه درباره دفاع مقدس را شروع کنند، اما مرکز از این نظر بود که چند جلسه نیز به منشأ اجتماعی، طبقاتی و خانوادگی آقای رضایی و همچنین نقش ایشان در واحد اطلاعات اختصاص یابد که جاذب بودن موضوعات و اهمیت آنها موجب شد ۲۱ جلسه مصاحبه را شامل شود. بنابراین، جلد اول تاریخ شفاهی دکتر رضایی از سه بخش عمده تشکیل شده است: دوره نوجوانی، دوران مبارزه و دوره واحد اطلاعات.



چاپ کتاب تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق

«تجزیه و تحلیل جنگ ایران و عراق»، عنوان کتاب دیگری است که به تازگی با موضوع دفاع مقدس به چاپ رسیده است.

این کتاب توسط مرکز اسناد و تحقیقات دفاع مقدس به قلم محمد درودیان در شمارگان ۱۰۰۰ نسخه به چاپ رسیده و با قیمت ۲۴ هزار تومان در بازار عرضه شده است.

نقد و بررسی رویکردها، روش تحقیق، چالش جنگ، جنگ دفاعی، جنگ آزادسازی و جنگ تعاقبی ـ تهاجمی، ۶ فصل این کتاب ۴۷۶ صفحه‌ای را تشکیل می‌دهد.

داعش در پی قدرت‌یابی در افغانستان

بخش اول

شاید بتوان گفت رئیس جمهوری آمریکا بیشتر نیروهای آمریکایی را از عراق و افغانستان خارج کرد و اعزام نیروهای دیگر به لیبی و به سوریه را نپذیرفت و شمار کمتری از نیروها را به سوریه فرستاد اما این شخص که دوره ریاستش در حال پایان است از چندین باب که برجسته‌ترین آنها استفاده از پهپادها برای از بین بردن شماری از دشمنان آمریکا و در عین حال بسیاری از غیرنظامیان است، نامش در تاریخ ثبت می‌شود.

به گزارش ایسنا، روزنامه مستقل رای الیوم در سرمقاله‌ای با این مقدمه نوشت: ترور ملا اختر منصور سرکرده طالبان در یک حمله پهپادی که پس از چراغ سبز باراک اوباما، رئیس جمهوری آمریکا صورت گرفت آخرین حلقه در این ترورهاست اما ممکن است در عین حال نتایج معکوس نیز بدهد.باید اعتراف کنیم که ترور یکی از برجسته‌ترین سرکرده‌های طالبان ضربه محکمی به این گروه به شمار می‌آید چرا که به دلیل اختلافات بر سر رهبری ملا منصور دوستگی‌های زیادی در میان اعضای طالبان ایجاد شده بود که از جمله برجسته‌ترین اختلافات اقدام وی در مخفی نگه داشتن خبر مرگ ملاعمر و رهبر موسس طالبان از دو سال قبل و صدور بیانیه دروغین به نام وی در حمایت از مذاکرات با کابل بود اما مساله قطعی این است که این ضربه به پایان طالبان نمی‌انجامد و فقط آن را ضعیف می‌کند حتی اگر این مساله نیز رخ دهد به نفع داعش و شاخه تندرو در طالبان است که اساسا با ملامنصور بیعت نکرد و وی را به این امر متهم کرد که به آمریکایی‌ها و دولت کابل نزدیک است.

مساله قطعی این است که ترور ملا منصور مجددا درگیری‌ها را برای رسیدن به قدرت در طالبان برمی‌انگیزد و این در حالی است که این درگیری‌ها کمی آرام شده بود .مسئولان پاکستانی که ملاعمر در خاک آنها و بدون مشورت با آنها ترور شده است مورد اهانت بسیاری از سوی هم‌پیمان آمریکایی خود قرار گرفته‌اند به ویژه اینکه ملامنصور از برجسته‌ترین مردان آن‌ها و قوی‌ترین آنها در افغانستان بود و علاوه بر آن ترور وی به فهرست طولانی از گروه‌ها در خاک پاکستان اضافه می‌کند.وی در این فهرست نام اشخاصی که اسامه بن لادن، رهبر القاعده نیز وجود دارد و چنین اهانت‌هایی پی، در پی نواز شریف، نخست وزیر پاکستان و حزبش را در تنگنای بزرگی قرار می‌دهد چرا که بیانیه‌ای که برای محکوم کردن این عملیات صادر کرد طبق نگرش بسیاری از کارشناسان ضعیف و برای گمراه سازی صورت گرفته بود.

چه بسا زود باشد که در مورد مرحله آتی برای طالبان و آینده و رهبری آن صحبت شود اما روند مذاکرات میان کابل از یک سو و با طالبان از سوی دیگر چه بسا برجسته‌ترین قربانیان این ترور باشد.ترور ملا منصور که تقریبا یک سال پس از به قدرت رسیدن وی صورت گرفت بهترین هدیه به شاخه داعش در افغانستان به شمار می‌آید و چه بسا در عین حال قدرت را به حامیان ملاعمر بازگرداند. حامیانی که ملا منصور این قدرت و تحرکات را از آنها گرفته بود.داعش چه بسا برنده اصلی این ترور باشد و ضربه محکمی به تلاش‌های آمریکا برای بستن پرونده افغانستان از طریق دروازه روند مذاکرات شکست خورده، وارد کند.

کشته شدن ملا منصور چه تبعاتی دارد؟

نشریه ایندیپندنت در مقاله‌ای اعلام کرد: کشته شدن ملا اختر منصور در حمله یک پهپاد آمریکایی ضمن آنکه ضربه‌ای به دوستان وی در نهادهای امنیتی و نظامی پاکستان است، باعث آغاز دور جدیدی از مداخله‌های نظامی آمریکا در افغانستان به رغم وعده اوباما برای پایان دادن به این جنگ خواهد شد.به گزارش ایسنا، روزنامه ایندیپندنت در مقاله‌ای نوشت:کشته شدن ملا اختر منصور، رهبر طالبان در حمله یک پهپاد آمریکایی، یک ترور بسیار با اهمیت و به شکلی خشونت آمیز نشان دهنده تغییر و تحولات مربوط به جنگ و آشوب در افغانستان و پاکستان است. تا پیش از این مناطقی که اغلب معمولاً هدف حملات پهپادهای آمریکایی قرار می‌گرفتند مربوط به مناطق قبیله نشین وزیرستان شمالی و جنوبی پاکستان بودند؛ جایی که در آنها اغلب اهداف متعلق به القاعده و شبه‌نظامیان خارجی هدف حملات هوایی آمریکا قرار می‌گرفتند.

اما این بار حمله پهپادی آمریکا در بلوچستان جایی که گمان برده می‌شود مقر شورای کویته حاکم بر طالبان در آن قرار دارد رخ داد و هدف آن نیز ارشدترین عضو طالبان بود .از طرف دیگر گفته شده که ملااختر منصور مورد حمایت سازمان اطلاعات ارتش پاکستان و نهادهای امنیتی محرمانه این کشور بوده و به عنوان کاندیدای این نهادها برای رهبری این گروه و جانشینی ملاعمر، سرکرده قبلی طالبان در جریان نزاع طالبان بر سر قدرت مطرح بوده است. همچنین گفته شده که نفوذ ارتش و سازمان اطلاعات پاکستان بر طالبان بوده که سبب شده اشرف غنی، رئیس جمهوری افغانستان از سیاست حامد کرزی، رئیس جمهوری قبل از وی در زمینه دشمنی با اسلام آباد دست بردارد.رئیس جمهوری افغانستان به هنگام تصدی قدرت پیش از آنکه با رهبران سیاسی پاکستان دیدار کند به دیدار رهبران ارتش و سازمان اطلاعات این کشور رفت.

این امید وجود داشت افرادی که در پاکستان نفوذ واقعی بر شبه نظامیان طالبان دارند بتوانند آنها را به پای میز مذاکره بیاورند اما چنین اتفاقی نیفتاد؛ به جای آن افغانستان شاهد افزایش سطح بمب گذاری‌ها و حملات مسلحانه در این کشور از جمله در شهر کابل، پایتخت بود.اخیرا اشرف غنی در چرخشی ۱۸۰ درجه‌ای از اسلام آباد خواست با عناصر طالبان افغانستان که تقریبا آزادانه در خاک پاکستان رفت و آمد دارند برخورد کند.موضع پاکستان این بوده که طالبان باید وارد فرآیند صلح در افغانستان شود و اقدامات تنبیهی علیه این گروه تنها باعث زیرزمینی شدن فعالیت‌هایشان می‌شود. اسلام آباد همچنین آمریکایی‌ها را متقاعد کرد این رویه‌ای است که باید در پیش گرفت و در نتیجه آن، در سال‌های اخیر به ندرت حملات پهپادی آمریکا علیه رهبران طالبان افغانستان اتفاق افتاد.

آنچه که ظاهرا این روند را تغییر داد نزدیکی فزاینده ملامنصور به القاعده بود؛ گروهی که اکنون در حال تثبیت مجدد جایگاهش در افغانستان بوده و به دنبال پیوستن به طالبان و داعش در به راه انداختن حملات است. این نزدیکی موجب شد که ایمن الظواهری، سرکرده القاعده به ملااختر منصور اظهار وفاداری کرده و در مقابل نیز سرکرده طالبان وعده همکاری با القاعده را داد. افزایش سطح خشونت در افغانستان و ورود عوامل القاعده و داعش به میدان جنگ در این کشور به این معنی بوده که باراک اوباما، رئیس جمهوری آمریکا بسیار بعید است بتواند شمار سربازان آمریکایی در افغانستان را کاهش دهد.

این در حالی است که دولت وی برای چنین کاری در سال جاری میلادی برنامه ریزی کرده بود. این احساس فزاینده در دولت آمریکا به وجود آمده که باید اقداماتی تعیین کننده برای افغانستان در پیش گرفته شود .آمریکایی‌ها به این نتیجه رسیدند که ملااختر منصور و حلقه نزدیک به وی نه تنها قرار نیست به مذاکرات صلح کمک کنند بلکه به جای آن تبدیل به مانعی برای این مذاکرات شده‌اند. براساس گزارش‌ها در واشنگتن، باراک اوباما خود شخصا اجازه به حمله برای ترور ملامنصور را داده است.

جان کری، وزیر خارجه آمریکا گفت: ما از مدت‌ها پیش گفته‌ایم که ملامنصور تهدیدی قریب الوقوع را متوجه ما و غیرنظامیان افغان می‌کند. این حمله پیام واضحی به جهان می‌دهد که ما به همکاری با شرکای افغانی خود ادامه خواهیم داد.به نظر می‌رسد که سازمان اطلاعات افغانستان موسوم به اداره ملی امنیت افغانستان قبل از اطلاع یافتن پاکستانی‌ها، جزئیات مربوط به کشته شدن ملامنصور را داشته است. وزیر امور خارجه آمریکا از گفتن اینکه آیا اسلام آباد قبل از وقوع این حمله از آن مطلع شده یا نه خودداری کرد. او با نواز شریف، نخست وزیر پاکستان گفت‌وگو داشت اما این گفت‌وگو بعد از وقوع حمله هوایی علیه ملا منصور صورت گرفت.

همچنین پنتاگون نیز عنوان کرد ملامنصور تبدیل به مانعی برای صلح و آشتی میان دولت افغانستان و طالبان شده بود و از زمان مرگ ملاعمر و جانشینی ملامنصور در رهبری طالبان، این گروه دست به حملات بسیاری زده که باعث کشته شدن دهها هزار غیرنظامی و نیروی امنیتی افغان و همچنین پرسنل نظامی ائتلاف و آمریکا شده‌اند.با این حال کشته شدن ملامنصور می‌تواند باعث تقویت اشرف غنی، رئیس جمهوری افغانستان که در ماه‌های اخیر شدیدا از بابت افزایش درگیری‌ها و گشاده رویی به سمت اسلام آباد مورد انتقاد قرار داشت ،شود. این حادثه همچنین ضربه‌ای به دوستان ملامنصور در تشکیلات امنیتی و نظامی پاکستان بوده و سبب آغاز یک جنگ قدرت دیگر در میان رهبران طالبان خواهد شد.آمریکا نیز همزمان وارد یک سیاست تهاجمی‌تر در افغانستان شده است؛ جنگی که باراک اوباما وعده پایان دادن به آن را داده بود.

اولویت‌های اصلی جانشین سرکرده طالبان چیست؟

ملااختر محمد منصور که در پی حملات پهپادی آمریکا کشته شد، در سالی که علنا رهبری جنبش طالبان افغانستان را برعهده داشت ثابت کرد که یک بازیگر سیاسی تمام و کمال است.شبکه سی ان ان در گزارشی می‌نویسد،ملا اختر محمد منصور پس از تصرف قدرت در یک نشست محرمانه، به تحکیم سلطه‌اش بر طالبان، منحرف کردن تلاش‌های برای زیر سوال بردن قدرت و اختیاراتش، از بین بردن یا همکاری با مخالفان، تجدید استراتژی جنگی طالبان و نادیده گرفتن تمامی اقدامات برای هدایت طالبان به سوی مذاکرات صلح آمیز ادامه داد.

ملامنصور برای دستیابی به تمامی این اهداف از مجموعه غنی از راهکارها کمک گرفت.این راهکارها شامل تقسیم پول و مشاغل در دولت سایه، شیرین زبانی برای اعضای ناراضی،



رشوه دادن به روحانیون طالبان برای اعلام اظهارات مورد علاقه او و وقت کشی در زمان‌هایی که یک مساله مشکل ساز پدیدار می‌شد، بود.اگر جنبش طالبان در دوره رهبری ملا منصور برخی دو دستگی‌ها را تجربه کرد اما اگر زد و بندهای سیاسی او نبود ممکن بود شرایط از این هم بدتر شود.

چالش‌های سرکرده جدید

جانشین ملا منصور به عنوان سرکرده طالبان همه چالش‌هایی که او با آن مواجه بود را به ارث خواهد برد اما بعید است که به اندازه منصور از نظر سیاسی زرنگ باشد و برتری‌های منصور به عنوان رهبر طالبان و دسترسی راحت به پول نقد را نخواهد داشت.سرکرده جنبش طالبان افغانستان بودن باید یکی از دلهره آورترین شغل‌ها در جهان باشد. نخستین مساله‌ای که سرکرده جدید طالبان باید انجام دهد، متقاعد کردن باقی اعضای این گروه در خصوص مشروعیتش است.

او باید نشان دهد که یک نامزد با ارزش و یک "مجاهد" خوب است و براساس شریعتی که طالبان قبول دارد انتخاب شده است.اگر او بتواند تمامی این کارها را انجام دهد آن وقت می‌تواند اطاعت بی‌چون و چرا را ادعا کند که امتیاز سرکردگان جنبش طالبان محسوب می‌شود. ملامنصور کمی پس از آنکه رهبری طالبان را به عهده گرفت، یک کمیته فرهنگی را به وجود آورد که زندگی‌نامه‌اش را با هدف تاکید بر صلاحیت‌ها و شرایط رهبری‌اش منتشر کرد.اگر طالبان گرفتار زد و بندهای سیاسی داخلی حول محور جانشین رهبری شود، زمان زیادی طول خواهد کشید تا این گروه شبه نظامی مشروعیت دوباره بگیرد .

مدیریت پاکستان

بزرگترین چالش خارجی برای رهبر جدید طالبان مدیریت روابط با پاکستان خواهد بود.رهبران طالبان این فرضیه را دنبال می‌کنند که باید به گونه‌ای رفتار کنند که مقامات پاکستان آنها را تحمل کنند تا آنها بتوانند از پاکستان به عنوان پایگاهی برای فعالیت‌های شبه نظامیشان در افغانستان استفاده کنند. طالبان افغانستان همیشه اعتقاد داشته تا زمانی که از فعالیت‌های نظامی در خاک پاکستان اجتناب کند، امکان حضور و پناه گرفتن در این کشور را خواهد داشت .در شش ماه گذشته مقامات پاکستان به طالبان گفته‌اند که قوانین تغییر کرده است. طالبان باید با دولت کابل مذاکره کند در غیر این صورت با پیامدهای نامشخص آن مواجه خواهند شد.

ملا منصور تا آخرین نفس سرسختانه در مقابل این فشار مقاومت کرد و به مقامات طالبان اجازه شرکت در مذاکرات را نداد اما برخی بهانه و تاکتیک‌های وقت کشی را برای این مساله به کار گرفت.سرکرده جدید طالبان باید میزان جدیت پاکستان در خصوص حضور طالبان بر سر میز مذاکره را مجددا ارزیابی و استنباط کند که اگر به رویکرد ملا منصور در خصوص دور ماندن از مذاکرات صلح به میانجی‌گری پاکستان ادامه دهد آیا حقیقتا با پیامدهایی مواجه خواهد شد یا خیر.

بازاریابی برای طالبان

سرکرده جدید طالبان باید درباره نحوه رسیدگی به شبکه‌های افراطی بین‌المللی به ویژه القاعده و داعش که هر دو در افغانستان و پاکستان فعال هستند، تصمیماتی اتخاذ کند.منصور نیز همانند بسیاری دیگر در خاورمیانه، داعش را هم یک تهدید و هم یک فرصت می‌دید. داعش تلاش کرده تا امتیاز انحصاری طالبان در خصوص رهبری اقدامات شبه نظامی در افغانستان را به چالش بکشد. ملامنصور با صدور دستور به طالبان برای انجام عملیات نظامی تمام عیار علیه داعش ثابت کرد که در عقب راندن آنها دست به هر کاری می‌زند و می‌تواند به شدت ظالم باشد. موضع تندرویانه طالبان علیه داعش به آن‌ها کمک کرد تا سر صحبت را با دیگر کشورهای منطقه باز کنند. به هر حال داعش اکنون نسبت به سال گذشته در افغانستان ضعیف‌تر به نظر می‌رسد.

در نتیجه رهبر جدید طالبان باید به دنبال راه‌های جدید بازاریابی برای طالبان به عنوان یک نیروی بالقوه ضد داعش که ارزش حمایت را دارد، باشد. اما با وجود القاعده، رهبر جدید طالبان با مشکل دیگری نیز مواجه است.ملا منصور با قبول دعوت بیعت از سوی ایمن الظواهری و القاعده، خود و جنبشش را در معرض خطری قرار داد که نشان می‌دهد نخستین درس از دوران حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی را نگرفته است؛ بدان معنا که میزبانی گروه‌های تروریستی بین‌المللی که علیه آمریکا نقشه می‌کشند می‌تواند مجازات شدیدی داشته باشد.سرکرده جدید طالبان تلاش خواهد کرد تا شهرت طالبان را به عنوان یک گروه شبه نظامی غیرقابل انعطاف حفظ کند. برای رسیدن به این هدف ائتلاف طالبان با القاعده مفید خواهد بود. علاوه بر این رهبر جدید طالبان نسبت به تغییر پایگاه این گروه بسیار محتاط خواهد بود چرا که اکنون بسیاری نسبت به حضور و نقش شبه نظامیان خارجی طالبان حساس هستند .

فرار از پهپادها

قطعا رهبر جدید طالبان تلاش خواهد کرد از حملات هوایی آمریکا در پاکستان که جان ملا منصور را گرفت، سردرآورد. آیا این یک حمله استثنایی بوده یا آمریکایی‌ها تصمیم گرفتند تا رهبری طالبان را در پاکستان دنبال کنند؟درک این مساله موضوع مرگ و زندگی برای جانشین ملا منصور است. او مجبور خواهد شد تا جایی که برای او امن است فعالیت کند و از پهپادها دور بماند .

متاسفانه، احتمالا آخرین مساله در روابط منطقه‌ای که سرکرده جدید طالبان به آن فکر خواهد کرد، نحوه رسیدگی به درخواست‌های گروه چهار جانبه صلح افغانستان متشکل از آمریکا، چین، پاکستان و افغانستان برای مشارکت طالبان در این مذاکرات صلح خواهد بود.

در زمان رهبری ملا منصور، طالبان با این روند به عنوان یک بازی دیپلماتیکی برخورد می‌کرد. این گروه ضمن اجتناب از شرکت در مذاکرات صلح سعی می‌کرد خود را خوب نشان دهد و از تحریک غیر ضروری قدرت‌ها جلوگیری کنند.ملامنصور قصد داشت اقدامات شبه نظامی را ادامه دهد و رویای ایجاد مجدد "امارات اسلامی" توسط نیروی سلاح و جنگ فرسایشی را دنبال کند.کشتن ملا منصور بزرگترین و آشکارترین نشانه‌ای بوده که تاکنون طالبان دریافت کرده که نشان می‌دهد جاه طلبی‌های نظامی ملامنصور بیش از حد بزرگ بوده است.

از طرفی،این احتمال وجود دارد که با کشته شدن ملا اختر منصور جریان طالبان تضعیف و تقسیم شده و گروه تروریستی داعش جایگزین طالبان شود.به گزارش فارس به نقل از پایگاه اینترنتی بصیرت،ادعای مقامات امریکایی و سپس مقامات امنیتی افغانستان مبنی بر کشته شدن ملا اختر منصور، با وجود تکذیب پاکستان و طالبان، توسط یکی از فرماندهان ارشد شبه نظامیان طالب تایید شد. البته گروه طالبان واکنش خاصی نشان نداده و مولوی مجاهد سخنگوی طالبان، خبر کشته شدن ملا اختر را پیش از این رد کرده بود، اما به نظر می رسد کشته شدن سرکرده طالبان افغانستان نزدیک به واقعیت باشد؛ به ویژه که شبکه های اجتماعی تصویری از جسد رهبر طالبان را منتشر کردند و وزارت دفاع آمریکا با انتشار بیانیه ای اعلام کرد اختر منصور در یک حمله هواپیماهای بدون سرنشین نظامیان این کشور در منطقه ای دور افتاده نزدیک مرز پاکستان و افغانستان کشته شده، است. عبدالله عبدالله رئیس اجرائی دولت افغانستان نیز اعلام کرد،ملا اختر منصور در خاک پاکستان هدف حمله قرار گرفته است.

عبدالجبار قهرمان معاون وزارت دفاع افغانستان نیز بر این نظر پافشاری می کند که کشته شدن «اسامه بن لادن» رهبر گروه طالبان و کشته شدن ملا اختر منصور در خاک پاکستان بیانگر و اثبات کننده این موضوع است که پاکستان در عقبه تمامی برنامه‌های تروریستی در منطقه قرار دارد. وی همکاری پاکستان با گروه‌های تروریستی را برای مقام‌های افغانستانی، سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای خارجی ثابت شده می داند.

در این میان این احتمال هم وجود دارد که ملا اختر منصور در درگیری سال گذشته در منزل «عبدالله سرحدی» یکی از اعضای ارشد طالبان کشته شده باشد و تاکنون مرگ او پنهان نگه داشته شده است، همچنان که مرگ ملاعمر را بیش از دو سال پنهان نگه داشتند، مرگ ملا منصور را نیز مخفی کردند تا بازیگران ذینفع بتوانند دوباره طالبان را سازماندهی کرده و از طریق گفتگو در ساختار قدرت کابل سهیم سازند، اما دستگاه های اطلاعاتی آمریکا پس از اطلاع از مرگ ملا اختر منصور، برای نمایش قدرت، حملات پهپادی خود را برجسته می کنند.

در همین زمینه «حافظ حمدالله» سناتور و یکی از رهبران ارشد «جمعیت علمای اسلام» پاکستان در گفتگو با رسانه های این کشور اعلام کرد: «ملا اختر منصور» رهبر طالبان ۱۰ ماه پیش کشته شده است. ماجرای کشته شدن وی بدست نیروهای آمریکایی در حمله هواپیمای بدون سرنشین کذب است.فارغ از همه مطالب فوق، مرگ سرکرده طالبان ، پیامدهایی بر طالبان و افغانستان خواهد داشت و این احتمال وجود دارد که با کشته شدن ملا اختر منصور جریان طالبان تضعیف و تقسیم شده و گروه تروریستی داعش جایگزین طالبان شود.قدر مسلم، کشته شدن سرکردگان گروه های تروریستی نظیر بن لادن، ملا عمر، ملا اختر منصور و ...، نیز در بهبود وضعیت امنیتی افغانستان تاثیر چندانی نخواهد داشت.

واقعیت این است که آمریکا و متحدان غربی و برخی کشورهای منطقه ای به شرطی به دنبال امنیت افغانستان هستند که منافع و مصلحت های سیاسی آنان برآورده شود و به نوعی افغانستان، تحت نفوذ آنان باشد. در واقع استراتژی متفاوت و متعارض بازیگران و عدم صداقت امریکا در مبارزه با طالبان، مماشات دولت کابل و زیاده خواهی پاکستانی ها، موجب شده است تا گروه‌هایی همانند طالبان به دنبال بازخیزی بوده و در نتیجه امنیت و ثبات افغانستان به متغیرهای بیرونی و سپس درونی وابسته باشد.

بدون حمایت های پنهان و آشکار برخی از بازیگران موثر از گروه های تروریستی و خرابکار، تداوم بقا و خیزش گروه‌های شورشی امکان پذیر نیست. البته دولت اشرف غنی و حتی دولت حامد کرزی، به دلیل نوعی همدلی با طالبان، سیاست مدارا و مصالحه را با طالبان در پیش گرفتند که همین امر نیز طالبان ها را به نوعی مشروعیت داده است و اکنون وضعیت بجایی رسیده است که بیشتر جریان های سیاسی نیز تنها راه صلح و امنیت در افغانستان را مذاکره سیاسی با طالبان عنوان می کنند. در حالی که در صورت صلح با طالبان، گروه های تروریستی دیگر با اسامی نظیر داعش و شبکه حقانی جایگزین آن ها خواهند شد و این به دلیل حضور امریکا و غرب در افغانستان است.

پیامدهای مرگ ملا اختر منصور

۱- افزایش اختلافات بر سر رهبری طالبان: بعد از اعلام رسمی مرگ ملا اختر، دوباره اختلاف بر سر رهبری طالبان و افزایش درگیری های درون گروهی افزایش یافت. با اعلام مرگ ملا منصور، ادعای رهبری از سوی ملارسول، ملایعقوب و عبدالمنان از یک سو و شبکه حقانی و ... از سوی دیگر تشدید شد.

۲- چنددستگی و انشعاب مجدد در گروه طالبان: با کشته شدن ملا منصور احتمال انشعاب دوباره در درون طالبان قابل پیش بینی است، به ویژه که طرفداران ملا رسول، ملااختر را عامل آی.اس.آی (سرویس جاسوسی پاکستان)، دانسته و رهبری وی را قبول نداشتند. با انشقاق و دودستگی طالبان، زمینه برای فعالیت گروه های رقیب همچون داعش که به تازگی وارد افغانستان شده اند، فراهم خواهد شد.

۳-تعلیق مذاکرات صلح با طالبان و تداوم بحران ناامنی در افغانستان: همزمان با نهایی شدن توافق نامه صلح بین دولت کابل و حزب اسلامی حکمتیار، اعلام کشته شدن ملااختر منصور بار دیگر روند مذاکرات با طالبان را با دشواری و پیچیدگی روبرو می سازد. طولانی شدن یا تعلیق مذاکرات صلح با طالبان نیز، تامین امنیت و ثبات را پیچیده تر خواهد کرد.

۴-تقویت و قدرت‌گیری داعش در افغانستان: درگیری طالبان با طالبان و همچنین طالبان با داعش طی ماه‌های گذشته، موجب تضعیف طالبان افغان شده است و با اعلام کشته شدن ملا منصور، زمینه تقویت و قدرت‌یابی داعش افزایش خواهد یافت و این احتمال که داعش از بدنه طالبان شاخه ملااختر منصور یارگیری کند، بسیار زیاد است، به ویژه که چند دستگی در طالبان محتمل می‌باشد.

در پایان باید گفت به نظر می رسد امریکا برای ادامه اشغال افغانستان، به گروه های تروریستی از جمله داعش نیازمند است و با اعلام مرگ ملا اختر منصور، امریکا مدعی حذف طالبان خواهد شد. همچنان که پس از عملیات علیه بن‌لادن در ابیت آباد پاکستان، مدعی حذف القاعده از افغانستان شده بود. آن چه مسلم است این که انعقاد قرارداد امنیتی کابل ـ واشنگتن، نه تنها به ثبات و امنیت افغانستان کمک نکرده است، بلکه سیاست‌های مبهم و چندگانه غربی ها در افغانستان همچنان تداوم داشته و به نظر می رسد کشورهای غربی و برخی کشورهای منطقه، برای رسیدن به مقاصد شوم خود، به دنبال تقویت افراط گرایان تکفیری بوده و بیش از گذشته می‌خواهند گروه‌های تروریستی را حمایت و تقویت کنند.

ادامه دارد

دستور رئیس قوه قضائیه برای ساخت ساختمان حوزه ثبتی تهران

سرویس خبر: رئیس قوه قضائیه در بازدید از حوزه ثبتی شرق تهران (پیروزی) دستور ساخت و گسترش فضای فیزیکی ساختمان جدید این حوزه ثبتی را صادر کرد.

آیت‌الله آملی لاریجانی در دومین روز سفر استانی خود به استان تهران و بازدید از واحدهای قضایی این استان به حوزه ثبتی شرق تهران رفت و پس از مشاهده کمبودها و فضای فیزیکی محدود ساختمان این حوزه ثبتی باساخت ساختمان جدید این حوزه موافقت کرد.

*** بهبود فضای کار**

رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور در مراسم بازدیدرئیس قوه قضائیه از اداره ثبت شرق تهران گفت: این سازمان بین مجموعه دستگاه‌های اجرایی، در بهبود فضای کار پیشتاز است.

احمد تویسرکانی با بیان این که حوزه ثبت سند، صدور اسناد مالکیت و ثبت مالکیت‌ها از لحاظ امنیتی بسیار حائز اهمیت است، افزود: پارسال ۱۳میلیون سند مالکیت جدید صادر شد که یک سند معارض بین آنها وجود نداشت.

او ادامه داد: امروز با ثبت الکترونیک، مشکل جعل اسناد رفع و راه ارتکاب جرائم بسته شده است.

وی افزود:درسال گذشته ۸۶ درصد خدمت ثبتی را از طریق سیستم‌های الکترونیک انجام دادیم.

تویسرکانی گفت: در سیستم الکترونیک اگر سندی جعل شده باشد، امکان مراجعه ندارد و در اولین مراجعه جعل آن مشخص می‌شود.

*** صدور ۶۸۵ هزار سند مالکیت**

مدیرکل ثبت استان تهران هم گفت: از ۳ میلیون سند مالکیت صادر شده در سال ۶۴ در کل کشور ۶۸۵ هزار فقره در تهران صادر شده است.

محمدصادق سعادتیان در حاشیه بازدید رئیس قوه قضائیه از اداره‌کل ثبت شرق استان تهران با بیان این که اولین سند کاداستری در تهران و در سال ۸۵ صادر شده است، افزود: امروز صددرصد پروسه صدور سند در تهران الکترونیکی شده است.

مدیرکل ثبت استان تهران ادامه داد: در گذشته صدور سند مالکیت ۴۵ روز زمان می‌برد، اما الان به طور میانگین ۱۰ روز زمان می‌برد.

همچنین معاون فرهنگی قوه قضائیه دیروز با حضور در گلزار شهدای بهشت رقیه(س) دماوند نسبت به مقام والای شهدای این شهرستان ادای احترام کرد ودرجلسه‌ای با حضور کارکنان و مسؤلان دادگستری شهرستان دماوند شرکت کردوبه بررسی مشکلات آنان پرداخت.

حجت الاسلام والمسلمین احمدی میانجی معاون قوه قضائیه و رئیس مرکز امور شوراهای حل اختلاف کشور و هیات همراه هم از دادگستری و شورای حل اختلاف شهرستان پردیس دیدن کردند.

سراج: سالانه ۶۳۰۰ میلیارد ریال فرار مالیاتی در کشور داریم



سرویس خبر: رئیس سازمان بازرسی کل کشور با اشاره به این که ۶۳۰۰ میلیارد ریال سالانه فرار مالیاتی در کشور وجود دارد، گفت: دولت فقط ازکارمندان و کارگران درپایان هرماه مالیات می گیرد در حالی‌که افرادی از این مالیات به شیوه های مختلف فرار می کنند.

ناصر سراج دیروز در دومین نشست شورای اداری شهرستان ری، با اشاره به یک پرونده مفتوح در سازمان بازرسی کل کشور، افزود: در این پرونده فردی که ۲۰۰ شرکت صوری ثبت کرده است ، ۵۰۰۰ میلیارد ریال فرار مالیاتی دارد در حالی‌که تاکنون فقط ۲۰ شرکت وی مورد بررسی قرار گرفته و ۱۸۰ شرکت هنوز تعیین وضع و میزان بدهی مالیاتی نشده است.

رئیس سازمان بازرسی کل کشور با بیان این که شهرستان ری به عنوان جنوبی ترین نقطه استان تهران بیشترین صدمه را از آلودگی هوای پایتخت می خورد، افزود: ۱۰ وزارتخانه، نهاد و سازمان در رابطه با آلودگی هوای تهران کوتاهی کرده اند که گزارش آن برای ارائه به روسای سه قوه آماده شده است. به گزارش ایرنا، در این پرونده ۲۰ مشکل این سازمان ها و نهادها جمع بندی و احصا شده که برای رفع آن باید اقدام جدی و فوری کرد.

او افزود: آیت الله آملی لاریجانی دستور موکد داده است با هر سازمانی که به فرامین صادر شده در رابطه با رفع مشکل آلودگی هوا توجه نکرده و کوتاهی کند، به شدت برخورد قانونی شود. سراج گفت: عوارض ناشی از آلودگی هوا و آب های آلوده که حاشیه شهر تهران از جمله شهرستان ری را به شدت می آزارد، منجر به بیماری های مختلف شده و هزینه های جانبی برای دولت و کشور ایجاد می کند.

وی گفت: مشکلات حاشیه تهران که سرریز مشکلات تهران به این مناطق ختم می شود، از جمله مهاجرت های بی رویه و حاشیه نشینی منجر به بروز مشکلات امنیتی و اجتماعی می شود و امکانات انتظامی شهرهای حاشیه در قالب موارد پاسخگوی مشکلات نیست. سراج با تاکید بر اجرای قوانین که از حقوق شهرستان ری حمایت می کند گفت: دستور داده ام قوانینی که در حوزه اختیارات سازمان بازرسی کل کشوربه نفع شهرستان ری است و متروکه مانده است با قاطعیت به نفع مردم شهرستان ری اجرا شود.

سراج افزود: قاچاق کالا در کشور بیداد می کند اما برخی استانداران مخصوصا در استان های مرزی به دلیل بخشی نگری و تفکرات جزیره ای و توجیهاتی که ارائه می کنند برخورد جدی با این مقوله ندارند.

وی همچنین بر رفع مشکلات قضایی، اجتماعی و انتظامی شهرستان ری تاکید کرد و افزود: در رابطه با مسائل و نیازهای این شهرستان حتما پیگیری های لازم را در محدوده قوانین موضوعه انجام داده و گزارش آن را به فرمانداری شهرستان ری ارائه می کنم. رئیس سازمان بازرسی کل کشور در راس یک هیات قضایی به نمایندگی از آیت الله آملی لاریجانی در قالب دیدارهای استانی با حضور در دادگستری شهرستان ری به بررسی مسائل و نیازهای این شهرستان پرداخت و پس از آن در دومین نشست شورای اداری شهرستان ری که با حضور فرماندار، ائمه جمعه، شهرداران، بخشداران و روسای ادارات شهرستان ری برگزار شد شرکت کرد.

صالحی: اروپا متقاضی خرید ۲۰ تن آب سنگین ایران شد

سرویس شهرستانها: رئیس سازمان انرژی اتمی با بیان این که ایران سالانه توان تولید۲۰ تن آب سنگین را دارد، افزود: کشورهای اروپایی متقاضی۲۰ تن آب سنگین از ایران هستند.

دکترعلی‌اکبر صالحی دیروز در مراسم آغاز عملیات اجرایی ساختمان‌های پشتیبانی پروژه ایزوتوپ‌های پایدار در مجتمع شهید علی محمدی به تشریح فعالیت‌های صنعت هسته‌ای کشور پرداخت و اظهار داشت: قرار است ۳۲ تن آب سنگین به آمریکا بفروشیم که بعد از مساله توقیف ۲میلیارد دلار ایران مقداری شرایط را سخت کردیم و اول باید پول را واریز کنند، علاوه بر این در حال مذاکره با روس‌ها برای فروش ۴۰ تن آب سنگین هستیم.

وی ادامه داد: کشورهای اروپایی برای خرید ۲۰ تن آب سنگین اعلام نیاز کرده‌اند ضمن این که ما سالانه توان تولید ۲۰ تن آب سنگین را داریم و برای این کالای استراتژیک مشتری هم داریم و نباید فراموش کرد که تعداد کشورهای تولیدکننده آب سنگین بسیار اندک است.

رئیس سازمان انرژی اتمی یادآور شد: ۷۳ درصد از کشور اکتشاف هوایی شده است.

*** فعالیت‌های جدید در فردو**

صالحی افزود: پروژه‌هایی که در این مرکز کلنگ‌زنی یا به بهره‌برداری می‌رسند، نشان از نشاط فعالیت‌های فردو دارد، برخلاف اظهارات برخی که می‌گفتند کارها کُند یا متوقف می‌شود.

وی گفت: فعالیت‌های جدیدی در فردو پیش‌بینی کرده‌ایم از جمله تولید ایزوتوپ‌های پایدار که مقدمات آن فراهم شده است. رئیس سازمان انرژی اتمی ادامه داد: خیلی از کارهای علمی این پروژه با همکاری روس‌ها انجام شده و قرار است در قالب این پروژه تغییراتی در ماشین‌های سانتریفیوژهای IR۱ ایجاد شود تا بتوانند ایزوتوپ‌های پایدار تولید کنند. صالحی اظهارامیدواری کرد در آینده نه چندان دور بخش علمی این پروژه به پایان برسد.

*** طراحی رآکتور تحقیقاتی**

رئیس سازمان انرژی اتمی با بیان این که کشورهای بسیار اندکی تولیدکننده ایزوتوپ‌های پایدار هستند، افزود: علاوه بر این قیمت‌های ایزوتوپ‌های پایدار بسیار بالاست و هزاران دلار ارزش این کالا است و ورود در این عرصه برای ما بسیار ارزشمند است.

وی با بیان این که طراحی رآکتور تحقیقاتی آب سنگین اراک به خوبی پیش می‌رود، اضافه کرد: طراحی مفهومی مجدد این رآکتور تمام شده و با ادغام شرکت‌های قدیمی، شرکت جدیدی تاسیس کرده‌ایم که حدود ۸۰۰ مهندس در آن مشغول به کار هستند. صالحی ادامه داد: همچنین چین، آمریکا و ایران کارگروهی برای مدرن‌سازی رآکتور اراک تشکیل داده‌اند و این امر هم به خوبی پیش می‌رود و امیدواریم طبق برنامه‌ریزی - که نسبت به آن جلوتر هستیم - طی ۵ سال آینده شاهد راه‌اندازی رآکتور مدرن اراک باشیم.

***قرارداد ساخت ۲ رآکتور**

صالحی ادامه داد: قرارداد ساخت ۲ رآکتور تولید برق با روس‌ها منعقد شده است. قرار بود سال گذشته کلنگ‌زنی شود که به دلیل مسایل کارشناسی به نتیجه لازم برسیم.

رئیس پلیس آگاهی ناجا: دزدان خشن‌تر شده‌اند



سرویس حوادث: رئیس پلیس آگاهی ناجا با بیان این که سارقان خشن شده اندو از سلاح استفاده می‌کنند،خودرو پراید را رکوردار سرقت درکشور اعلام کردو گفت: ۳۱درصد مقتولان توسط بستگان به قتل می‌رسندو قتل‌های ناموسی رتبه اول جنایت در کشور را به خود اختصاص داده است.

سردار محمد رضا مقیمی درنشست خبری افزود: پارسال ۲۶ درصد از کشف قتل‌ها مربوط به قتل‌های معوقه بوده که رشد ۱۸ درصدی را در این زمینه داشته‌ایم.

رئیس پلیس آگاهی ناجا اضافه کرد: در پنج سال گذشته هر سال تعداد قتل کمتری داشتیم؛ نرخ قتل در سال ۹۳، ۲/۵درصد بوده که در سال ۹۴ به ۲/۴ درصد رسیده است ومیزان قتل کمتر نشانه افزایش فرهنگ مردم و آگاهی آنها از هشدارهای موجود در این زمینه است. وی به فعالیت‌های قرارگاه مبارزه با سرقت اشاره کرد و افزود: سال گذشته سرقت ۵ درصد کاهش داشته است. وی با تاکید بر این که برای کاهش سرقت باید دیگر دستگاه‌ها و مسئولان هم کمک کنند، گفت: متاسفانه در موضوع سرقت خودرو ۹۰ درصد سرقت‌ها مربوط به خودروهای داخلی است و در این بین تنها این یک مدل خودرو ۷۰ درصد سرقت‌ها را به خود اختصاص داده است، این یعنی اگر تنها این یک مدل خودرو نسبت به ایمن سازی وسیله خود اقدام کند سرقت خودرو کاهش چشمگیری می‌یابد. وی افزود: استفاده از دوربین‌های مداربسته و تجهیزات کنسولی نیزعامل مهمی است که متاسفانه حتی برخی از شرکت‌ها و بانک‌ها نیز به آن توجه کافی ندارند.

سردارمقیمی با بیان این که باید از ظرفیت نگهبان محله و پلیس پیشگیری نیز برای تأمین امنیت استفاده کرد، درباره این که چطور می‌توان چنین خدماتی را از پلیس دریافت کرد، گفت: این افراد با مراجعه به مجموعه ناجا می‌توانند خدمات موردنظرشان را دریافت کنند.

*** شناسایی «دست‌دوم فروش‌ها»**

وی از اجرای طرح عملیاتی پلیس آگاهی برای شناسایی «دست‌دوم فروش‌ها و تعمیرگاه‌ها» خبر داد و گفت: ما به دنبال این هستیم که استفاده از بیمه کالا برای تجهیزات داخل خودرو توسعه یابد در این شرایط به عنوان مثال اگر ضبط خودرویی مورد سرقت قرار بگیرد بیمه به جای پرداخت پول وسیله مسروقه را جایگزین خواهد کرد. سردار مقیمی با اشاره به آمارهای حوزه جعل و کلاهبرداری اظهار داشت: پارسال نسبت به سال ۹۳ وقوع کلاهبرداری ۱۴ درصد افزایش یافته که البته میزان کشفیات پلیس نیز ۹/۷ درصد افزایش داشته است. مقیمی میزان «کشف به وقوع» در سال ۹۴ نسبت به ۹۳ را دارای کاهشی ۳/۵ درصدی اعلام کرد .

کارمند بانک، قربانی بدهکارش شد

سرویس حوادث: مردی که به واسطه بدهیش، کارمندبانکی را که طلبکارش بود به قتل رسانده بود، با ردیابی پلیس آگاهی تهران بزرگ بازداشت شد.

سردارمحمدیان رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ با اعلام این خبر اضافه کرد: مردی ۲ خرداد جاری با مراجعه به کلانتری ۱۳۶ فرجام اعلام کرد که دخترش به نام «زهرا. ح» (متولد ۱۳۶۶) طبق روال هر روز کاری برای رفتن به محل کارش از خانه خارج شده اما پس از پایان ساعت کاری خود دیگر به منزل بازنگشته و تلفن همراهش نیز خاموش است. به دستور قاضی کشیک دادسرای ناحیه ۲۷ تهران، پرونده فقدانی به پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران بزرگ ارسال شد و پدر زهرا به کارآگاهان گفت: دخترم کارمند یکی از شعبه‌های بانکی در خیابان شریعتی است و طبق روال هر روز باید ساعت ۱۶ به خانه برمی‌گشت اما از او خبری نداریم و تلفن همراهش نیز خاموش است.

رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ اضافه کرد: پس از تحقیق از رئیس شعبه و همکاران زهرا مشخص شد که او ساعت ۱۱ یکم خرداد با گرفتن مرخصی از محل کارش خارج شده و پس از آن هیچ تماسی با همکاران یا اعضای خانواده‌اش نداشته است. در ادامه معلوم شد که زهرا چندی پیش بخشی از پس‌اندازش به مبلغ ۱۵۰ میلیون ریال را فروردین امسال به پیشنهاد یکی از مشتریان بانک به نام «غفورالدین» (متولد ۱۳۵۷) در اختیار این شخص گذاشته و قرار بوده تا وی این مبلغ را به همراه سود حاصل از کارکرد سرمایه‌گذاری ظرف ۲ ماه به وی پرداخت کند که تاکنون اقدامی در این خصوص از سوی غفورالدین انجام نشده بود.

سردار محمدیان با اشاره به این‌که همزمان با دستگیری غفورالدین، جسد زهرا در بیابان‌های اطراف شهریار (نزدیکی محل سکونت غفورالدین) کشف شد و در بررسی نظریه پزشکی قانونی علت مرگ، شکستگی شدید قسمت پشت سر ناشی از اصابت جسم سخت اعلام شده بود، افزود: این فرد دربازجویی گفت در یک نزاع و درگیری زهرا را به عقب هل دادم که بر اثر آن وی از ناحیه پشت سر به زمین خورد و فوت کرد و جسدش را با خودرو دوستم به بیابان‌های اطراف شهریار بردم.

این متهم به قتل با صدور قرار قانونی در بازداشت به سر می‌برد.

احضار مسئولان شهرداری منطقه۱۵ به دادسرای امور جنایی

سرویس حوادث: سرپرست دادسرای امور جنایی تهران از احضار چند نفر از مسئولان شهرداری منطقه ۱۵ در پرونده فوت یک کودک خردسال در بوستان کوهسار درشهرک رضویه تهران خبر داد.

محمد شهریاری گفت: شهردار ناحیه ۴ منطقه ۱۵، مسئول خدمات شهری ناحیه ۴ منطقه ۱۵، پیمانکار و مسئول پارک را به دادسرا احضار کردیم و تحقیقات از آن‌ها انجام شده است.

او اضافه کرد: در رابطه با این اتفاق هم دادستان به عنوان مدعی العموم از لحاظ جنبه عمومی جرم ورود پیدا کرده مبنی بر این که پارک باید امن و وسایل ایمنی برای کودکان فراهم باشد تا فاجعه‌ای رخ ندهد و هم خانواده متوفی از لحاظ جنبه خصوصی شکایت کرده اند.

وی افزود: در حال بررسی این موضوع هستیم که آیا دستگاه مکش و آبشار محافظ نداشته یا قصوری در این زمینه بوده است.

بقیه مسایل از جمله این که آیا پدر و مادر در این رابطه قصور داشته‌اند نیاز به بررسی بیشتری دارد.

***بازسازی صحنه فوت کودک**

بازپرس شعبه ۶ دادسرای امور جنایی از کشف بقایای جسد کودک پنج ساله در بازسازی صحنه فوت این کودک دراین آبنما خبر داد و گفت:مدیر شرکت نگهدارنده بوستان کوهسار در منطقه ۱۵ به دادسرااحضار شده است.

محسن مدیر روستا افزود:مدیر عامل این شرکت باید پاسخگو باشد که چرا اهمال کرده و در شرایطی که ناظر پارک به شرکت اعلام کرده است که دریچه آبنما مفقود شده، جایگزینی برای آن در نظر گرفته نشده است.

بازپرس پرونده کودک فوت شده در آبنمای بوستان کوهسار باتأکید بر این که بیشترین کم کاری در پرونده مرگ کودک پنج ساله متوجه پیمانکار پارک است، اضافه کرد: نماینده شهرداری تذکرات خود را به پیمانکار و شرکت نگهدارنده ابلاغ کرده اما توجهی به این تذکرات نشده است

وی درباره وضع حوضچه آبنما اظهار داشت: کف حوضچه شیبدار است و لوله‌ای به قطر ۳تا ۴ متر از زیر آن عبور می‌کند به همین خاطر اگر فرد بزرگسالی هم در این آبنما می‌افتاد، احتمال مرگش وجود داشت.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی : ertebat@ettelaat.com

چند نکته درخور توجه خوانندگان گرامی

توجه خوانندگان محترم را در ارتباط با پیام‌های تلفنی به نکات زیر جلب می کنیم:
- * موضوع پیام ها جنبه های خصوصی، حقوقی و یا قضایی نداشته باشد.
- * پیام‌ها مختصر و دقیق باشد و از تکرار آن‌ها خودداری شود.
- * خوانندگان محترم شهرستانی در پیام‌هایشان، نام شهرستان مربوطه را بیان فرمایند .
- * چاپ پیام‌ها بر اساس نوبت است.

با تشکر- سرویس ارتباطات مردمی

احمدی‌نژاد ثروت ایران را بر باد داد

یکی از نمایندگان مجلس، آقای احمدی‌نژاد - رئیس جمهوری سابق - را از پاک دست‌ترین افراد معرفی کرده است. به نظر من ایشان ثروت ایران را بر باد داد. خودش از آن استفاده نکرد ولی کاش خودش آن را برمی‌داشت که اکنون می‌توانستند آن را از او پس بگیرند.

تلفن به خط ارتباطی

این‌طور سنگ روی سنگ بند نمی‌شود

آقای جنتی وزیر محترم ارشاد قول داده است موضوع لغو غیرقانونی کنسرت‌ها در مشهد را پیگیری کند، از ایشان تشکر می‌کنیم و از آقای خانی می‌خواهیم یادداشتی در این زمینه بنویسند، چرا که با این کار سنگ روی سنگ بند نمی‌شود و دولت جنبه حاکمیتی خود را از دست می‌دهد.

شهروندی از تهران

تشکر از آقای قاسم‌زاده

از یادداشت بسیار زیبای آقای قاسم‌زاده با عنوان «موسیقی مهربانی» لذت بردم خیلی خوب و شیوا نوشته بودند، خواستم از امام جمعه محترم مشهد بپرسم به کدام دلیل برگزاری کنسرت در مشهد را حرام می‌دانند؟ کجا پیامبر بزرگ اسلام(ص) با هنر مخالفت فرموده‌اند؟

شهروندی از مشهد

جمعیت چه ربطی به غیرت دارد؟

بزرگواری فرموده‌اند ما غیرت کاهش جمعیت را داشتیم ولی غیرت ازدیاد جمعیت را نداریم. کاهش یا افزایش جمعیت چه ربطی به غیرت دارد؟ اگر جوانان شغل و امنیت شغلی داشته باشند هم ازدواج می‌کنند و هم بچه‌دار می‌شوند، ظاهراً شما از وضع بیکاری و مشکلات معیشتی مردم خبر ندارید.

یک پدر بازنشسته

برای معلولان چه کرده‌اید؟

متأسفانه سالمندان و معلولان کشور از حداقل‌هایی مثل استفاده از اتوبوس یا مترو و حتی عبور امن از خیابان‌ها محروم هستند و با همه تبلیغاتی که در برخی مناسبت‌ها می‌شود بسیاری از آنها مجبورند کنج خانه بنشینند و آه را با ناله سودا کنند. راستی وزارت تعاون و سازمان بهزیستی برای آنها چه کرده است؟

تماس با خط ارتباطی

بهانه تخریب هاشمی!

ظاهراً عده‌ای فقط کارشان این است که بهانه‌ای پیدا کنند و به آقای هاشمی رفسنجانی تهاجم کنند! حالا دختر ایشان یک ملاقات نادرست داشته است به ایشان چه مربوط است که از اطراف و اکناف پروژهٔ تخریب وی را کلید زده‌اند.

شهروندی از تهران

دردسر پارک دوبل خودروها در مقابل ایستگاه مترو

برخی از افرادی که با خودروهای شخصی اقدام به مسافرکشی در مقابل ایستگاه‌های مترو می‌کنند خودروهایشان را به صورت دوبل پارک می‌کنند که این عمل باعث ایجاد ترافیک سنگین در آن مناطق می‌شود. از مسئولان درخواست رسیدگی به این موضوع را دارم.

امید خامسی

وجود ضروری باربرها در فرودگاه امام خمینی(ره)

در فرودگاه امام خمینی(ره)، باربرها را جمع‌آوری کرده‌اند. چرا به فکر افراد سالمند که توانایی حمل چمدان‌ها را ندارند نیستند؟! از مسئولان درخواست رسیدگی دارم.

شهروندی از تهران

شورای رقابت جلو افزایش نرخ سیمان را بگیرد

اخیراً صحبت‌هایی از افزایش ۱۵ درصدی نرخ سیمان در کشور مطرح است. از شورای رقابت درخواست می‌کنم قاطعانه به این موضوع ورود کند و جلو افزایش نرخ آن را بگیرد چون افزایش نرخ سیمان، تورم‌زا است و رکود صنعت ساختمان و بیکاری را به دنبال دارد. به نظر من مشکل اصلی صنعت سیمان، نرخ آن نیست بلکه ضعف مدیریتی در بسیاری از شرکت‌های سیمانی از جمله شرکت‌های سیمانی وابسته به سازمان تأمین اجتماعی است که قیمت سهامشان در یک سال گذشته، سقوط آزاد داشته است.

علیرضا احمدی از تهران

درخواست از استاندار لرستان برای عزل مدیران ناکارآمد استان

به نظر من تعلل در عزل مدیران ناکارآمد در استان لرستان باعث بدبینی مردم از نظام شده است. از استاندار محترم لرستان درخواست می‌کنم آنان را عزل کند تا مردم به او اطمینان کامل کنند. عزل مدیران ناکارآمد سبب توسعه و پیشرفت و حل مشکلات اقتصادی، اجتماعی استان می‌شود.

اکبر بزرگمهر- خبرنگار هفته‌نامهٔ نوید لرستان در خرم‌آباد

واگذاری دبیرستان دولتی به دارندگان مجوز غیرانتفاعی

در آموزش و پرورش منطقه ۱۹ اطلاعیه‌ای نصب شده است مبنی بر اینکه نیمی از دبیرستان سعیدی به دارندگان تأسیس دبیرستان غیرانتفاعی واگذار می‌شود می‌خواستم از مسئولان بپرسم آیا واگذاری دبیرستان دولتی به دارندگان مجوز غیرانتفاعی قانونی است یا خیر؟

خواننده اطلاعات

لزوم اصلاح قانون تجارت

متأسفانه برخی از شرکت‌های بورسی و سهامی عام که به دلیل سوء مدیریت دچار زیاندهی شده‌اند یا به هر دلیلی دوست ندارند سهامدار منتقد و پرسشگر در جلسات مجامع آن‌ها حضور داشته باشد به‌طور غیرقانونی، از ورود سهامداران به جلسه مجمع خودداری می‌کنند. با توجه به اینکه قانون تجارت بسیار قدیمی و تقریباً منسوخ است از مجلس دهم درخواست می‌کنم یکی از اولویت‌هایش را اصلاح قانون تجارت و تعیین مجازات حبس برای مدیرانی قرار دهد که از ورود سهامداران جزء به جلسات مجامع جلوگیری می‌کنند.

تلفن به خط ارتباطی

کار اساسی در باشگاه استقلال

با اینکه من پرسپولیسی هستم ولی از کار احساسی باشگاه استقلال برای اینکه می‌خواهند آقای مظلومی را از کنار بگذارند انتقاد می‌کنم. وی فردی بی‌حاشیه و شایسته است و نباید به خاطر یک شکست عزل شود.

یک ورزش‌دوست پرسپولیسی

مشکل بزرگ شهر آفتاب

نمایشگاه کتاب در شهر آفتاب خیلی بزرگ است و مثلاً از ایستگاه مترو تا غرفه‌های لوازم دیجیتال حدود ۲۰ دقیقه پیاده‌روی دارد. آیا بهتر نیست مثل نمایشگاه‌های بزرگ جهانی وسایلی برای رفت و آمد در آنجا بگذارند؟ در یکی از نمایشگاه‌های اروپایی از تله‌کابین استفاده می‌کردند و خیلی هم مفید و کارآمد بود.

یک هموطن

اول جذب سرمایه‌گذاران داخلی

مقاله‌ای چاپ کرده بودید که چگونه سرمایه‌گذاران خارجی را جذب کنیم؟ به نظر من تا زمانی که سرمایه‌گذاران داخلی رغبت چندانی به کار در ایران ندارند و خیلی‌ها سرمایه‌هایشان را به دوبی و آنتالیا و مالزی برده‌اند جذب سرمایه‌گذاران خارجی مشکل‌تر خواهد بود.

یک ایرانی

از بهائیت بنویسید

از روزنامه اطلاعات می‌خواهم سلسله مقالاتی راجع به فرقه بهائیت از طرف تاریخدانان بی‌طرف به چاپ برساند و خساراتی که این فرقه متوجه کشور کرده است را برآورد سازد.

خواننده قدیمی روزنامه اطلاعات

بازار پر رونق دارو!

آخرین تغییرات قیمت سهام را اگر در صفحه ۸ روزنامه چهارشنبه ۲۹ اردیبهشت بخوانید قیمت اکثر سهم‌ها زیر ۱۰۰ تومان است ولی سهام شرکت‌های دارویی از هزار تومان تا ۲۸۰۰ تومان است، با این اوصاف چرا متولیان دارو مرتباً می‌گویند که دارو ارزان است و باید گران شود؟

شهروندی از تهران

تشکر از شهرداری منطقه ۷

ما گاهی از برخی ادارات انتقاد می‌کنیم ولی وقتی کار خوبی می‌بینیم نباید از تقدیر و تشکر کوتاهی کنیم.

بنده در شهرداری منطقه ۷ کاری داشتم که مسئول تکریم ارباب‌رجوع به خوبی و مهربانی به کارم رسیدگی کرد، می‌خواستم به این وسیله از ایشان و شهرداری این منطقه تشکر کنم.

محقق از تهران

بقیه در صفحه ۹

اخبار کوتاه ورزشی

رستمی با دو حرکت مدال طلای یک ضرب را گرفت

کیانوش رستمی در پایان حرکت یک ضرب دسته ۸۵ کیلوگرم مدال طلا را به دست آورد و مدال برنزهم به ایوب موسوی رسید.

به گزارش ایسنا، در نخستین روز از مسابقات وزنه برداری جام فجر که گزینشی المپیک محسوب می شود،دیروز وزنه برداران دسته ۸۵ کیلوگرم به رقابت پرداختند.از ایران دو وزنه بردار در این رقابتها حضور داشت. رستمی با رکورد ۱۷۵ کیلوگرم در یک ضرب مدال طلا را به دست آورد و ایوب موسوی با ۱۶۶کیلوگرم مدال برنز گرفت.حرکت یک ضرب کیانوش رستمی آخرین وزنه برداری بود که بر روی تخته مسابقات آمد. او ۱۷۰ کیلوگرم را در اولین حرکت بالای سر برد. برای حرکت دوم ۵ کیلوگرم وزنه را افزایش داد که ۲ کیلوگرم از رکوردش در مسابقات جهانی آمریکا بیشتر بود، نماینده ایران این وزنه را هم مهار کرد و مدال طلای یک ضرب را به دست آورد. او از انجام حرکت سوم انصراف داد.ایوب موسوی در نخستین حرکت خود وزنه ۱۶۰ کیلوگرم را بالای سر برد. با این وزنه دو کیلوگرم بیشتر از مسابقات قهرمانی آسیا ۲۰۱۶ وزنه زد. او در دومین حرکت هم ۱۶۶ کیلوگرم را به ثبت رساند. موسوی برای آخرین حرکت ۱۶۸ کیلوگرم را انداخت و به مدال برنز یک ضرب رسید.

کیانوش رکورد دوضرب و مجموع جهان را هم شکست

همچنین کیانوش رستمی در ادامه مسابقات، ۲ کیلوگرم رکورد دوضرب و یک کیلوگرم رکورد مجموع جهان را ارتقا داد و برای حریفان خود در المپیک خط و نشان کشید.کیانوش رستمی در مسابقات وزنه برداری جام فجر که گزینشی المپیک محسوب می شود، موفق به رکورد شکنی در حرکت دوضرب در دسته ۸۵ کیلوگرم شد.رستمی پس از مهار وزنه ۲۱۰ کیلوگرم ، برای دومین حرکت ۲۲۰ کیلوگرم را درخواست کرد تا ۲ کیلوگرم رکورد دوضرب جهان را ارتقا دهد و توانست آن را مهار کند.او با بلند کردن این وزنه، رکورد مجموع جهان که ۳۹۴ کیلوگرم بود راهم یک کیلوگرم ارتقا داد.رکورد دوضرب جهان ۲۱۸ کیلوگرم بود که یانگ ژانگ از چین در سال ۱۹۹۸ این رکورد را به ثبت رسانده بود.

تمرین تیم ملی فوتبال درهتل

نخستین جلسه تمرین تیم ملی فوتبال ایران در مقدونیه برگزار شد و بازیکنان در هتل محل اقامت خود تمرین کردند.

به گزارش سایت رسمی فدراسیون فوتبال، بازیکنان تیم ملی فوتبال ایران صبح دیروز پس از استراحت شبانه و صرف صبحانه در هتل محل اقامت خود تمرین کردند.تمرین صبح دیروز بهمدت ۴۵ دقیقه برگزار شد و بازیکنان زیر نظر کادر فنی تمرین کردند. این تمرین با استفاده از توپ‌های اسفنجی، رل و تشک انجام گرفت و بازیکنان با این تمرین آماده تمرینات تاکتیکی تا بازی با مقدونیه شدند.بازیکنان همچنین بعد از برگزاری این جلسه تمرینی در نشست فنی شرکت کردند. در تمرین و جلسه دیروز تمام ۲۳ بازیکن حاضر در اردو شرکت داشتند.تیم های ایران و مقدونیه از ساعت ۱۹فردا به وقت محلی به مصاف هم می روند.تیم ملی فوتبال ایران خود را برای حضور شایسته در رقابت های انتخابی جام جهانی روسیه آماده می کند.

مقدونیه در رده ۱۴۱ فیفا

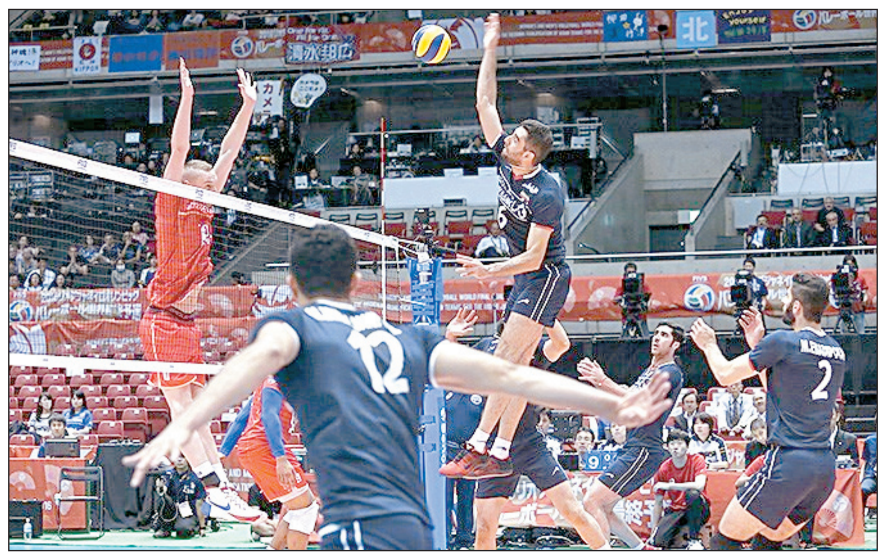
اگرچه تیم ملی فوتبال مقدونیه در جدیدترین رده بندی فیفا در جایگاه ۱۴۱ قرار گرفته است ولی سابقه بازی تیم های ملی فوتبال مقدونیه با تیم ملی کشورمان نشان می دهد که تیم مذکور در سال ۲۰۰۵ در چارچوب مسابقات چهارجانبه در تهران با حضور تیم های پاراگوئه و توگو موفق شد تیم ملی کشورمان را با نتیجه ۲ بر ۱ شکست دهد.تیم ملی فوتبال مقدونیه همچنین در سال ۲۰۰۹ توانست در ورزشگاه آزادی تهران در مقابل تیم ملی کشورمان به نتیجه مساوی ۱-۱ دست یابد.

ویسی و برانکو بهترین‌های سال و لیگ شدند

مراسم انتخاب بهترین مربیان سال فوتبال ایران دیروز برگزار و سرمربی تیم فوتبال پرسپولیس به عنوان سرمربی برتر لیگ انتخاب شد.

به گزارش مهر، در این مراسم نفراتی چون علی پروین، عبدالله ویسی، محمدرضا مهاجری، مجید جلالی، بهمن فروتن، حمید درخشـان، بیژن ذوالفقارنسب، علیرضا اسدی، محمد ناظم الشریعه، وحید شمسایی و غیره حضور داشتند.در این مراسم ابتدا از مربیان برتر در رده پایه، بانوان و بزرگسالان هر استان تقدیر شد که محمدرضا مهاجری به عنوان مربی برتر استان خراسان رضوی انتخاب شد.همچنین فرشاد پیوس و محمد مومنی به عنوان مربیان برتر لیگ دو، علی اصغر کلانتری سرمربی تیم فجر سپاسی به عنوان مربی تاثیر گذار لیگ یک و پرویز مظلومی به عنوان مربی تاثیر گذار لیگ برتر انتخاب شدند.در این مراسم به انتخاب کانون مربیان فوتبال ایران، عبدالله ویسی به عنوان برترین مربی سال، برانکوایوانکوویچ به عنوان برترین مربی لیگ برتر، علیرضا مرزبان به عنوان برترین مربی لیگ یک، محمد ناظم الشریعه به عنوان مربی ویژه سال و وحید شمسایی به عنوان مربی برتر فوتسال ایران انتخاب شدند.

عبور از دیوار کوتاه ژاپنی‌های سرسخت



سرویس ورزشی:اگر چه باخت مقابل فرانسه به عنوان تاکتیکی‌ترین تیم دنیا قابل پیش‌بینی بود اما اکنون اکثر کارشناسان معتقدند لوزانو باید تیم خود را از نظر روحی و روانی جمع و جور کند تا بازی حساس امروز مقابل میزبان را ببرد.

سالن مترو پلیتن امروز پذیرای حدود۶ هزار هوادار چشم بادامی خواهد بود، اما تیم ملی ایران خیلی با تجربه‌تر از آن است که اسیر جو سالن و تشویق‌های بی‌امان ژاپنی‌ها شوند.

واقعیت این است که بازیکنان ما هم از نظر جسـمی و بدنی و هم از نظر تاکتیکی یک سروگردان بالاتر از ژاپنی‌ها هستند. ژاپن والیبال را شـبیه فرانسه بازی می‌کند؛ کار گروهی متنوع و متغیر خسـتگی ناپذیر و پرتلاش به ویژه که در خانه و در مقابل هوادارانش می‌خواهد تا امتیاز آخر بجنگد.

شـیمیزو در قطر پاسور به عنوان یک بازیکن چپ دست نقش محوری و کلیدی را ایفا می‌کند، اما او و سایر همبازیانش همواره در بند دفاع موسوی‌گیر کرده و گرفتار شده‌اند.

ژاپنی‌هـا روی تور ضعف دارند، چـرا که میانگین قد آنها ۶ سـانتی‌متر از قد ملی‌پوشان ایران کوتاهتر است.

در هر حال برد امروز ما مقابل ژاپن به عنوان یک حریف مدعی آسـیایی راه صعود ما را به برزیل هموارتر می‌کند، گر چه بعد از برد مقابل تیم کشور آفتاب تابان باید به فکر عبور از دیوار بلند چین باشیم، اما کارشناسان معتقدند که برد ژاپن در خانه مهمتر از چین است.

ژاپن در این مسابقات تقریبا با همان ترکیبی که در جام جهانی ۲۰۱۵ به میدان رفته بود شـرکت کرده است.

عمده ترین تغییر در این تیم اضافه شدن تاکاکی تومیماتسو در پست مدافع میانی است. به گفته اغلب کارشناسان کونیهیرو شیمیزو پشـت خط زن و یوکی ایشیکاوا دریافت کننده این تیم بیشترین بار حملات سـامورایی‌ها را برعهده دارند.

مهمترین ویژگی بازی ژاپنی‌ها جنگندگی ایـن تیم و تلاش زیاد در توپ گیری اسـت و به نوعی می‌توان گفـت که آنها در زمین ۶ لیبرو دارند!

نقطه ضعف ژاپنی ها هم در دفاع روی تور اسـت. فوکاتسو پاسـور این تیم کوتاه قد است و زمانی که در منطقه جلوی زمین قرار می گیرد این فرصت را به مهاجمین حریف می دهد که از روی دست او اسپک بزنند.

یاناگیدا و ایشاکاوا دو دریافت کننده این تیم هم نسبتاً کوتاه قد و در دفاع روی تور ضعیف هستند در مقابل تیم ایران با داشتن بازیکنان همچون محمد موسـوی، عادل غلامی و حتی آرمین تشـکری و مصطفی شریفات در بخش دفاع شرایط بسیار خوبی دارد.

ژاپنی‌ها تلاش می‌کنند بااستفاده از قدرت خـود در توپ گیری، ضعف در دفاع روی تور را جبران کنند. با توجه به اینکه ژاپنی‌ها در مسـابقات جام‌جهانی بازی ۲ بر صفر برده را با شکسـت ۳ بر ۲ واگذار کردند، حالا به دنبال جبران و انتقام‌گیری در میدانی شـاید حساس‌تر از جام‌جهانی هستند.

ایران و ژاپـن صرف نظر از مسـابقات آسـیا، در دیدارهای جهانی و زیرمجموعه فدراسیون بین المللی والیبال تاکنون یازده بار مقابل یکدیگر صف آرایی کرده اند که سـهم ایران هشت پیروزی و سهم ژاپن هم سه برد بوده است. نکته آنکه در این پیکارهای جهانی؛ ایران از سال ۲۰۱۰ و با سه سرمربی پیشین خود (حسین معدنی، خولیو ولاسکو، اسلوبودان کواچ) تاکنون به ژاپن نباخته است.

نتایج دیدارهای جهانی ایران با ژاپن از آغاز تاکنون به شـرح زیر است:

۲۰۰۴ (انتخابی المپیک): ایران (۳) – ژاپن (۲)
۲۰۰۸ (انتخابی المپیک): ایران (یک) – ژاپن (۳)
۲۰۰۹ (انتخابـی قهرمانی جهان): ایران (یک) – ژاپن (۳)
۲۰۰۹ (قهرمانان قاره ها): ایران (۲) – ژاپن (۳)
۲۰۱۰ (قهرمانی جهان): ایران (۳) – ژاپن (یک)
۲۰۱۱ (جام جهانی): ایران (۳) –ژاپن (یک)
۲۰۱۲ (انتخابی المپیک): ایران (۳) – ژاپن (صفر)
۲۰۱۲ (انتخابی لیگ جهانی): ایران (۳) – ژاپن (صفر)
۲۰۱۲ (انتخابی لیگ جهانی): ایران (۳) – ژاپن (صفر)
۲۰۱۳ (قهرمانان قاره ها): ایران (۳) – ژاپن (صفر)
۲۰۱۵ (جام جهانی): ایران (۳) –ژاپن (۲)

نخستین شکست شاگردان لوزانو

تیم ملی والیبـال ایران که دو دیـدار ابتدایی در رقابت های انتخابی المپیـک ۲۰۱۶ ریو را با پیروزی پشت سرگذاشته بود، در سـومین دیدار برابر تیم قدرتمند فرانسه قهرمان لیگ جهانی شکست خورد.

تیم ایران بازی را خوب شروع کرد. اگرچه سرویس های لروکس دریافت کننده های تیم کشورمان را تحت تاثیر قرار داد.

فرانسه با امتیازگیری انگاپت و روژیه، کار را برای شاگردان لوزانو دشوار کرد. با وجود تغییراتی که لوزانو در امتیازات پایانی انجام داد تحولی در بازی ایران ایجاد نشـد و فرانسـه بر بازی مسلط بود و این ست را ۲۵ بر ۲۰ به سود خود پایان داد.

دریافت کننده‌ها تحت تاثیر حریف

در سـت دوم تغییری را در ارنج ایران شاهد نبودیم. در امتیازات اول این ست بازیکنان کشورمان چندین بار توپ های برگشتی را از دست دادند و در مقابل فرانسوی ها کشورمان بودند.

جدول رده بندی والیبال انتخابی المپیک - ۲۰۱۶

ردیف	تیم	امتیاز	بازی	برد	باخت
۱	لهستان	۷	۳	۳	صفر
۲	فرانسه	۷	۳	۲	۱
۳	چین	۶	۳	۲	۱
۴	ایران	۵	۳	۲	۱
۵	کانادا	۴	۳	۱	۲
۶	استرالیا	۴	۳	۱	۲
۷	ژاپن	۳	۳	۱	۲
۸	ونزوئلا	صفر	۳	صفر	۳

تیم فرانسـه بـه ترتیب با امتیازات ۲۵ بر ۲۰، ۲۵ بر ۱۸ و ۲۵ بر ۲۲ برتری خود را ثبت کرد.

رائول لوزانـو در غیاب امیر غفور از شهرام محمودی در پست پشت خط زن استفاده کرد. سعید معروف، سیدمحمد موسوی، عادل غلامی، مجتبی میرزاجانپور، میلاد عبادی‌پور و فرهاد ظریف (لیبرو) دیگر بازیکنان حاضر در ترکیب تیم

با سـرویس های سهمگین خود دریافت کننده‌های ایران را تحت فشار قرار دادند و دفاع های خوبی روی تور و انتهای زمین داشتند.

ودر نهایت این سـت هم با برتری ۲۵ بر ۱۸ فرانسـه خاتمه یافت.

تلاش نافرجام در ست سوم

با شروع ست سوم وضعیت دو تیم تغییری نکرد و تنها مرندی در ترکیب ایـران باقی ماند. ایران دو امتیاز اول را بدسـت آورد اما فرانسه خیلی زود جبران کرد و ۵ بر ۴ پیش افتاد. شاگردان لوزانو که در دو ست اول توپ های برگشتی زیادی را از دست داده بودند این بار اعتماد به نفس بیشتری داشتند و با امتیازگیری خوبی که از این توپ ها داشتند وقت نخست را ۸ بر ۶ پیش افتادند.

سـرانجام فرانسـه با دفاع عالی در انتهـای زمین بازی را در امتیاز ۱۶ برابر کردپس از آن چند اشتباه غیرمنتظره از سوی بازیکنان کشورمان سـر زد تا فرانسه ست سوم راهم ۲۵ بر ۲۲ از آن خود کند و در مجموع ۳ بر صفر پیروز شود.

لوزانـو: باید بـرای ژاپن آماده باشیم

سرمربی تیم ملی والیبال ایران پس از شکست مقابل فرانسه گفت: حریف در تمام فاکتورها بهتر از ما کار کرد و برد.

به گزارش ایسنا، رائول لوزانو سـرمربی تیم ملی ایران پس از شکست از فرانسـه، گفت: بازی سختی بود. ما دریافت های خوبی در این دیدار نداشتیم. فرانسه در تمام فاکتورها از تیم ما بهتر بود. آن ها در سرویس، دریافت و حمله خیلی خوب کار کردند.

این دلیلی است که سه بر صفر پیروز شدند. ما باید برای بازی با ژاپن آماده شویم. هدف ما کسب سهمیه المپیک است.

«امیر غفور» به بازی با ژاپن می رسد

پشت خط زن تیم ملی طبق اعلام سرمربی تیم والیبال ایران به بازی با ژاپن خواهد رسید.

امیر غفـور در بازی تیم ملی والیبال با فرانسه در انتخابی المپیک در زمین حضور نداشـت و طبق اعلام سایت جهانی یکی از دلایل باخت سه بر صفر ایران مقابل تیم اروپایی به همین علت بود.

«رائول لوزانـو» در باره امیر غفور گفت: این بازیکن از ناحیه پای چپ دچار تـورم بود و ما ترجیح دادیم در این بازی به وی استراحت دهیم. البته او برای بازی امروز آماده است.

برتری چین برابر ونزوئلا

تیم ملی والیبال چین با برتری برابر ونزوئلا و با کسب سه امتیاز این مسـابقه جایگاه خود را در جدول رقابت‌های والیبال انتخابی المپیک بهبود بخشید.

والیبالیست‌های چین در بازی برابر ونزوئلا با نتیجه سه بر صفر و با نتایـج ۲۵ – ۱۸، ۲۵ – ۱۶ و ۲۵ – ۱۵ حریف خود را از پیش‌رو برداشتند و به دومین برد خود در این رقابت‌ها رسیدند.

چین بازی اول را سه بر یک به فرانسه واگذار کرد، ولی در دومین بازی موفق شد ژاپن میزبان را سه بر صفر شکست دهد.با کسب شش امتیاز چینی‌ها خـود را در حد و اندازه‌های یک مدعی برای گرفتن سهمیه المپیک نشان دادند.

شکست استرالیا مقابل کانادا

استرالیا دومین شکست خود را در رقابت‌هـای والیبال انتخابی المپیک متحمل شد.

در سومین روز از رقابت‌های والیبال انتخابـی المپیک تیم ملی والیبال اسـترالیا یکی از حریفان آسیایی ایران در راه کسب سهمیه به مصاف کانادا رفت.

تیم ملی والیبال کانادا که در دو بازی گذشته خود برابر لهستان و ایران ۳ بر ۲ شکست خورده بود این بار موفق شد، استرالیا را با این نتیجه شکست دهد و نخستین پیروزی خود در این رقابت‌ها را کسب کند.

کانادا ست اول این دیدار را ۱۹ – ۲۵ به نفع خود پایان رساند، اما ست‌های دوم و سوم را ۲۶ – ۲۴ و ۲۵ – ۲۰ به استرالیا واگذار کرد.

شـاگردان هاگ در تیم ملی والیبال کانادا سـت‌های چهارم و پنجم را با نتایـج ۲۷ – ۲۹ و ۱۱ – ۱۵ به نفع خود به پایان رساندند تا دومین شکست استرالیا در این بازی‌ها را رقم بزنند.تیم ملی کانادا با این پیروزی چهار امتیازی شـد و به رده چهـارم جدول رده‌بندی صعود کرد.

تیم ملی والیبال استرالیا هم که پیش از این ونزوئلا را شکست داده بود و سه امتیاز داشت یک امتیاز در این رقابت گرفت تا این تیم هم چهار امتیازی شود.

میزبان بازهم باخت

تیم‌های ملی والیبال لهستان و ژاپن در آخرین بازی روز چهارم رقابت هـای انتخابی المپیک به مصاف هم رفتند که این مسابقه با نتیجه ۳ بر صفر به سود شاگردان آنتیگا خاتمه پیـدا کرد.تیم ملی لهستان در این مسابقه در سه ست متوالی و بـا امتیازهای ۲۵ بر ۲۲، ۲۵ بر ۱۶، ۲۵ بر ۲۳ ژاپن، میزبان مسـابقات را از پیش رو برداشت و سـومین پیروزی متوالی خود در این دوره از رقابت‌ها را کسب کرد. به این ترتیب دومین شکست ژاپنی‌ها در این دوره از مسابقات رقم خورد.

برنامـه بازی‌هـای امروز به شرح زیر است:

ونزوئلا – کانادا ۵:۴۰
فرانسه – استرالیا ۸:۲۵
چین – لهستان ۱۱:۱۰
ژاپن – ایران ۱۴:۴۵

جهان فوتبال

آرژانتین تهدید به کناره گیری از کوپا آمه‌ریکا کرد



رئیس فدراسیون آرژانتین تهدید کرد در صورتی که دخالت‌های دولت در امور فدراسیون ادامه داشته باشد، در کوپا آمه‌ریکا شرکت نخواهد کرد.

به گزارش روزنامـه ووله، رقابت‌های کوپا آمه‌ریکا از چندی دیگر در کشور آمریکا برگزار می‌شود و آرژانتین به عنوان یکی از مدعیان جدی قهرمانی باید در اولین بازی به مصاف شیلی، قهرمان دوره قبل برود.در روزهای گذشته، دولت آرژانتین دخالت‌های واضحی در فوتبال این کشور داشته و انتخابات ریاسـت فدراسیون فوتبال آرژانتین را به تعویق انداخته است. این انتخابات قرار بود مدت‌ها قبل برگزار شود ولی به دلیل موضوعات پیش آمده درباره حق پخش تلویزیونی، دولت آرژانتین فعلا انتخابات را لغو کرد. به این ترتیب رییس فدراسیون فوتبال آرژانتین، طی بیانیه‌ای اعلام کرد برنمی‌تابیم که دولت به این واضحی در امور فوتبال دخالت کند و مسائل را به هم بریزد و آمادگی تیم ملی فوتبال را قبل از شروع کوپا زیر سوال ببرد. به همین خاطر در صورتی که دولت این اقداماتش را کنترل نکند، از رقابت‌های کوپا آمه‌ریکا کناره‌گیری می‌کنیم و در این رقابت ها حضور نخواهیم داشت.

اعلام فهرست نهایی آلمان برای یورو ۲۰۱۶

فهرست نهایی تیم آلمان برای رقابت‌های یورو ۲۰۱۶ اعلام شد که در آن نام مارکو رویس به خاطر آسیب دیدگی به چشم نمی خورد.

به گزارش ایسنا، رقابت‌های یورو ۲۰۱۶ یازده روز دیگر در فرانسه آغاز می‌شود که در آن ۲۴ تیم برتر اروپا برابر هم به میدان می‌روند.

به گزارش سـاکرنت، مارکو رویس که جام جهانی ۲۰۱۴ برزیل را به خاطر آسـیب دیدگی از دست داده بود، اکنون هم با آسیب دیدگی از ناحیه کشاله ران دست و پنجه نرم می‌کند و نمی‌تواند به همراه سایر اعضای تیم ملی فوتبال آلمان به فرانسه سفر کند.

یواخیم لوو، سرمربی تیم ملی فوتبال آلمان فهرست ۲۳ بازیکن دعوت شده به تیم ملی فوتبال آلمان را به شرح زیر اعلام کرد:

دروازه‌بان‌ها: مانوئل نویر، برند لنو، مارک آندره تراشتگن

مدافعان: ژروم بواتنگ، امره جان، خوناس هکتور، بندیکت هودس، متس هوملس، شکودران مصطفی، آنتونیو رودریگر

هافبک‌ها: سامی خدیرا، باستین شواین‌اشتایگر، مسوت اوزیل، آندره شورله، تونی کروس، ماریو گوتسه، ژولیان دراکسلر، لروی سانه، ژولیان ویگل، جوشا کیمیش

مهاجمان: توماس مولر، ماریو گومس، لوکاس پودولسکی

پیروزی دشوار فرانسه مقابل کامرون



تیم ملی فوتبال فرانسـه در دیداری تدارکاتی برابر کامرون به سختی پیروز شد.

تیم های ملی فوتبال فرانسه و کامرون در دیداری تدارکاتی به مصاف یکدیگر رفتند که شـاگردان دیدیه دشان به سختی حریف آفریقایی خود را ۳ بر ۲ شکست دادند.در این بازی بلیز ماتوئیدی (۲۰)، اولیویه ژیرو (۴۱) و دمیتری پایه (۹۰) زننده گل های تیم فرانسه بودند. در تیم کامرون هم ویسنته ابوبکر (۲۲) و اریک چوپو موتینگ (۸۸) گلزنی کردند.

در یکی دیگر از دیدارهای برگزار شـده تیم سوئد به مصاف اسلوونی رفت که این بازی بدون گل مساوی خاتمه یافت.

به مناسبت سالگرد ارتحال امام خمینی(ره)

آیا نسل امروز امام خمینی را می‌شناسد؟

بقیه از صفحه ۳

حکومتی به شدت تهدید می‌کند. زیرا تحلیل مواضع امامی که تنها دارای صفت شجاعت و هوش بالای سیاسی است با تحلیل عملکرد امامی که علاوه بر شجاعت، به صفت حکمت، عفت، تقوا، ورع، قرآن پژوهی، اجتهاد فقهی و عرفان نظری و عملی متصف است طبیعتاً متفاوت خواهد بود. نسل جوان ما اگر نداند که امام خمینی(ره) قبل از آنکه انقلابی و مبارز باشد بهترین سالهای جوانی و بیشترین ایام عمر خود را صرف مطالعه و تحقیق در شیوه‌های خودسازی و مبارزه با نفس و تحمل ریاضت‌های شـرعی برای وصول به درجات عالی اخلاقی و فتح قله‌های کمالات معنوی کرده، و اگر نسل امروز نداند که امام(ره) قبل از آنکه قدرت شـاه و آمریکا را در هم بشکند، آمریکای نفس خود را سرکوب و مطیع عقل و ایمان کرده است، در این صورت چه بسا یک جوان انقلابی و عاشـق امام(ره) در اثر برداشت سطحی و شعارگونه از شخصیت امام(ره)، مسیر خطرناکی را بپیماید و ارزشهای عالی انسانی و اخلاقی را که بالاترین هدف امام بود قربانی شور و هیجان انقلابی کند.

نقطه انحراف از همین جا آغاز می‌شـود که یک بعد از ابعاد شخصیتی امام(ره) را الگوی زندگی سیاسـی و اجتماعی خود قرار دهیم و ابعاد مهمتر و اصلیتر که همان تعهد انسانی، اخلاق فاضله، انس با قرآن و تقید به احکام شرعی است را فراموش کنیم. آیا از این بزرگتر ظلمی به امام متصور است؟ بدون تردید خمینی فقیه و خمینی عارف و خمینی فیلسوف و خمینی آموزگار اخلاق را منحصر کردن در خمینی انقلابی، بزرگترین جفا به این مرد الهی است. و تبعات آن بی‌هویت نمودن انقلاب و خالی کردن آن از پشتوانه‌های حکمت، دانش و پاکی است. بازشناسی شخصیت والای امام و آشنایی با ابعاد اندیشه‌ای ایشان در زمینه معارف قرآنی، علوم عقلی و نقلی، اجتهاد پویا، عرفان و اخلاق از ضروری‌ترین اموری است که مراکز علمی و فرهنگی کشور بویژه حوزه و دانشگاه و نهادهایی چون آموزش و پرورش و بسیج باید بدان اهتمام ورزند.

نتیجه نگاه تنگ‌نظرانه به شخصیت حضرت امام(ره) و بزرگنمایی ابعاد سیاسی ایشان که غالباً در برخی رسانه‌های عمومی با اهداف خاص صورت می‌گیرد، گرچه در کوتاه مدت منافعی را در بر دارد اما در دراز مدت آثار منفی و مخرب خود را بر جای خواهد نهاد. فاصله گرفتن از امهات علمی و عقلی انقلاب به تدریج درخت بالنده جمهوری اسلامی را که ریشه در اندیشه‌های علمی و قرآنی امام دارد می‌خشکاند. و اگر انگیزه‌های محتوایی و درون‌زا از جامعه‌ای گرفته شد آفات بزرگی چون یأس و ناامیدی از کارآیی اسلام در حل عقده‌هـای فکری و رفع تنگناهای زندگی و به عبارتی دیگر، آفت بی‌هویتی دینی و ملی جامعه را فرا خواهد گرفت. فراموش نکنیم هویت امام خمینی(ره) خواستگاه انقلاب اسلامی چیزی جز تجلی معارف عمیق دینی و عقلی و تحقق آرمان‌های بلند انسانی نیست.

مثلث سازندگی (۲۲)

بقیه از صفحه ۳

این خصلت‌های زشت مانند موریانه درخت سعادت و آسایش جامعه را از درون می‌خورد و بر سیاست، اقتصاد و سلامت جامعه اثر سوء می‌گذارد. عقل ما و دین ما می‌گوید اسراف جایز نیست، حرام است ولی ما اسراف می‌کنیم. در آب، در برق و سایر اقلام مصرفی و غذایی؛ گاهی مصرف ما با جمعیت ۸۰ میلیونی، با مصرف کشور چین با ۱۵۰۰ میلیون نفر جمعیت برابری می‌کند!!! در حالی که در اطراف و جوانب ما شکم‌های گرسنه فراوانند. ما به خاطر فرهنگ غلط غذای اضافه می‌پزیم و زیادی آن‌را در زباله‌دان می‌ریزیم. آقای قالیباف شـهردار تهران می‌گفت: هر شب شش هزاروعده غذا به گرسنگان کارتن خواب زیر پل‌ها و کنار پارک ها می‌دهیم. این در حالی است که هر شب و روز دهها هزار مانده غذا، در رستوران ها، هتل‌ها و تالارهای پذیرایی به بهانه این که دست خورده است، دور ریخته می‌شود! این روش زندگی، جامعه ما را به ناشکری و فقر مبتلا می‌سازد که فرمودند: «الاسراف یورث الفقر»

اینهـا و دهها نمونه دیگر از این موضوعات و موارد، باعث رنج روحی و آزار جامعه ما شده است که باید برای حل اینها چاره‌جویی شود. اما بسیاری از مسئولان و تریبون‌داران به این مسائل توجه ندارند و سرگرم دعواهای سیاسی خود هستند. ما در برابر شیطان بزرگ ایستاده‌ایم، اما در برابر شیطان بزرگتر که هواهای نفسانی، جاه‌طلبی، پول‌پرستی، نفاق و خودبزرگ‌بینی است، شکست خورده‌ایم.

در پی آن نیستم که مشکلات و دردهای جامعه را بشمارم که نمی‌خواهم دوستان را تلخکام و دشمنان را شادمان سازم. آنچه اندکی بود از بسیار عرض شد که ملموس همگان است. با پنهان کردن درد ناخوشی درمان نمی‌شود.

گر پنـد تلخ می‌دهمت ترش رو مباش
تلخی به یاد آر که خاصیت دواسـت

مسئولان و مدیران آگاه و دلسوز در اندیشه فردای جامعه خود هستند، اما مدیران و مسئولان کوته‌نظر و فرصت طلب در اندیشه امروز خود!

بیایید همگان در اندیشه امروز و فردای خود و جامعه خود باشیم اما چگونه؟

ادامه دارد...

انتقاد شورای شهر از اجرا نشدن برنامه کاهش مخاطرات در پایتخت

سرویس سیاسـی – اجتماعی: اعضای شورای شهر تهران از اجرانشدن برنامه‌های لازم در پایتخت برای کاهش مخاطرات انتقاد کردند.

دیروز در جریان جلسه علنی شورا، رئیس سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور با ارائه گزارشی، درباره مخاطرات زمین پایتخت هشدار داد که در پایان اظهارات وی، شماری از اعضا از عملکرد شهرداری در این حوزه انتقاد کردند.

مهندس محمدتقی کره‌ای با بیان این که از سال ۶۳ تلاش شده است که گسل‌های زلزله شهر تهران شناخته شود، افزود: با این حال به نظر می‌رسد تعداد گسل‌ها بیشتر از میزان شناسایی شده باشد.

وی با بیان این که نقشه لغزش‌های زمینی تهران احصا شده است، تاکید کرد: پیرامون تهران محلاتی وجود دارد که دقیقا روی زمین لغزش‌ها بنا شده‌اند و هر کجا شـما دیدید سنگ‌های ریز و درشت روی یکدیگر انباشته شده‌اند، مطمئن باشید که پدیده بهمن سنگی رخ داده است که می‌توان به عنوان مثال محل ساخت بیمارستان محک را نام برد که دقیقا بر روی پدیده بهمن سنگی ساخته شده است.

کره‌ای با انتقاد از شیوه ساخت و ساز در تهران گفت: نحوه شهرسازی در تهران به گونه‌ای است که دره‌های بزرگ را قطع می‌کند و در زمان سیلاب، آب از کانال‌هایی که طراحی شـده است عبور نخواهد کرد و برای تهران خطرات جبران‌ناپذیری در پیش خواهد داشت.

وی با بیان این که نباید بر روی رودده‌ها بزرگراه ساخت، افزود: بزرگراه امام علی(ع) بر روی رودده سـاخته شده است که پیشنهاد می‌شود سیستم هشدار بالادستی قوی ایجاد شود تا بتوانیم هنگام وقوع حادثه مسیرهای بعدی را مسدود کنیم.

کره ای با بیان این که اگر هنگام وقوع سیلاب، رودخانه کن طغیان کند به معدن خلیج و حتی فرودگاه مهرآباد خسارت وارد می‌کند، تاکید کرد: نشست زمین در شرایط فعلی باید بسیار مورد توجه قرار گیرد. اکنون تهران در مقایسه با کشورهای جهان، رکوردار نشست زمین با نشست سالانه ۳۶ سانتی متر است.

رئیس سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی کشور همچنین با بیان این که ۹۷ درصد شهرهای ایران در معرض خطر زلزله قرار دارند، تاکید کرد: همه شهرهای کشور در معرض سـیلاب و زلزله قرار دارند و ۳۰۰ دشت هم در معرض نشسـت زمین قرار دارد. ایران از بین ۱۰ کشور پرخطر، در رتبه سوم قرار دارد و این در حالی است که ۱۰ درصد جمعیت کشورمان در معرض خطر زمین‌شناسی قرار دارند.

بنا به این گزارش، احمد مسجدجامعی عضو کمیسیون سلامت شورای شهر در واکنش به گزارش رئیس سازمان زمین‌شناسی کشور با اشاره به آمارها و گزارش‌های متناقضی که از سوی سازمان‌ها و مسئولان ذیربط درباره وضع تهران پس از زلزله احتمالی ارائه می‌شود، گفت: از کمیسیون عمران درخواست می‌شود مطالعات انجام‌شده درباره میزان خطرپذیری تهران هنگام وقوع حادثه را تکمیل کند.

وی با بیان این که براساس قانون شهرداری موظف است نسبت به کاهش خطرپذیری بناها، پل‌ها و غیره اقدام کند، تاکید کرد: نمی‌توانیم به تنهایی همه کارها را انجام دهیم و لازم است از سـایر دستگاه‌ها هم درباره مقاوم‌سازی بناهای تهران کمک بگیریم. وی افزود: براساس ماده ۷۲ تا ۷۴ برنامه پنج ساله شهرداری، گسترش سیستم‌های پیشگیری و مقاوم‌سازی پل‌ها، ابنیه و غیره باید انجام می‌گرفت که در این زمینه عقب هستیم و باید این موضوع پیگیری شود.

رحمت‌الله حافظی رئیس کمیسیون سـلامت شورای هم از لزوم ایجاد کارگروهی برای بررسی وضع خطرپذیری شهر تهران خبر داد. وی با بیان این که همه رودده‌ها با ساخت و ساز مسدود شده‌اند، افزود: باید مردم از تخلفات باخبر شوند و برای رفع آن مطالبه‌گری کنند و مدیریت شهری باید تاوان خطای خود را قبول کند.حافظی گفت: درباره ممنوعیت و نحوه ساخت ساختمان بر روی گسل‌ها ضوابط مشخصی داشتیم، اما متاسفانه این ضوابط نادیده گرفته شده و اجرا نشده است. حریم گسل‌ها را فروختند و تاراج قرار کردند، لذا باید کارگروهی برای خروج از این بن‌بست ایجاد شود تا راهکارهای عملی اتخاذ شود که کمیسیون سلامت آمادگی کافی برای ایجاد این کارگروه دارد.

محمد سالاری، رئیس کمیسیون شهرسازی و معماری شورای اسلامی شهر تهران هم با بیان این که برج میلاد به عنوان نماد شهر تهران در مجاورت یکی از گسل‌های بسیار مهم ساخته شده است، افزود: معتقدم تا زمانی که مردم نگران نباشند، مسئولان هم نگران نمی‌شوند و مشکلات رفع نمی‌شود.این گزارش‌ها بارها در جلسات کارگروه‌های تخصصی ارائه شده است ولی تا زمانی که نظارت اجتماعی شکل نگیرد، مشکلات هم حل نمی‌شود.

وی گفت: با توجه به گزارش ارائه شـده، همه پروژه‌های بزرگ مقیاس شهرتهران روی گسل‌های بزرگ قرار گرفته‌اند و این واقعا جای نگرانی دارد. حال سئوال اینجاست مگر شـهر تهران طرح جامع ندارد و برای طرح جامع متخصصان گزارش نداده‌اند؟ مگر متخصصان طرح جامع را مطالعه نکرده‌اند؟ مهندسان مشاور که قطعا در حوزه موضوعات مربوط به گسل‌ها و... بوده‌اند ، باید جوابگو باشند.

رئیس جمهوری: پیروان اقوام و مذاهب هیچ امتیازی نسبت به هم ندارند

بقیه از صفحه ۲

وی بـا تأکید بر این که بهره‌وری علمی و فناورانـه از منابع آب به ویژه در بخش کشاورزی در اولویت برنامه‌هاست و باید در بهره‌برداری درست از منابع آبی سرمایه‌گذاری کنیم، گفت: گسترش کشاورزی و احیاء دریاچه‌ها، نیاز به اعمال آبیاری نوین در کشاورزی دارد.

رئیس‌جمهوری در بخش دیگری از سخنان خود ،احیای بانک‌های کشور را از راه‌حل‌های رفع مشکلات اقتصادی بیان کرد و افزود: بانک‌ها اگر قدرتمند و توانمند نباشند، نمی‌توانند موجب تحول در اقتصاد شوند که در این زمینه هماهنگی بیشتر با مجلس برای وضع قوانین جدید، ضرورت دارد.

روحانی واگذاری طرح‌های نیمه‌تمام در استان‌ها به بخش غیردولتی را مورد تأکید قرار داد و گفت: مسئولان باید برای تکمیل پروژه‌های نیمه تمام تلاش کنند تا تحولی به نفع مردم و اقتصاد کشور رخ دهد .

رئیس دولت یازدهم با اشـاره به تأکیدات مقام معظم رهبری مبنی بر اجرای سیاسـت‌های کلی اقتصاد مقاومتی در کشـور، افزود: دولت با اعتقاد کامل به این سیاست‌ها به عنوان راه رسیدن به رشد و توسعه می‌نگرد و خوشبختانه در این زمینه وحدت فکری میان مسئولان وجود دارد .

جلسه توسعه و سرمایه‌گذاری آذربایجان غربی

رئیس جمهوری،در جلسه توسعه و سرمایه‌گذاری استان آذربایجان‌غربی هم وظیفه دولت را آماده‌کردن شرایط برای فعالیت بخش خصوصی در عرصه داخلی و خارجی برشمرد و از کارآفرینان خواست برای بهره‌گیری از فرصت‌های جدید به میدان بیایند . روحانی اظهارداشت:حل مشکلات آیین‌نامه‌ها، قوانین و مقررات وظیفه دولت اسـت اما سرمایه‌گذاری در پروژه‌ها و طرح‌های کشور بر عهده بخش خصوصی و فعالان اقتصادی است و دولت حرکت خود را با کمک و نظر فعالان اقتصادی تسریع و تصحیح می‌کند . روحانی با اشاره به بودجه محدود۲۵۰ هزار میلیارد تومانی دولت برای امسال، گفت: بنابراین باید بخش خصوصی به میدان بیاید و البته صندوق توسعه هم در حد توان خود کمک خواهد کرد.

وی تأکید کرد: همه مشـکلات اقتصادی بعد از برجام ۱۰۰درصد حل نشده است، اما در همین مدت و پس از ۴ ماه از اجرای برجام، حرکت‌های خوبی در کشور شکل گرفته اسـت.رئیس‌جمهوری تأکید کرد: سیاست داخلی است که راه را برای سیاست خارجی، فرهنگ و اقتصاد باز می‌کند و انتخابات توسعه سیاسی است، چرا که احزاب، جناح‌ها، گروه‌ها، مردم و تشکل‌های مختلف کاندیدا شده‌اند، نظر داده‌اند و پای صندوق‌های رأی حاضر می‌شوند .

روحانی با بیان این که در انتخابات اخیر هر فراز و نشیبی که پیش آمد، هیچ فعال سیاسی، انتخابات را تحریم نکرد، گفت: همگان متوجه شدند که راه‌حل صندوق است و اگر کسی برای اصلاح امور، راهی به جز صندوق را به پیش بگیرد، اشتباه می‌کند و باید حواسمان به صندوق‌های رأی باشد و برجام هم در سایه همین صندوق آراء شکل گرفت.وی تصریح کرد: باید رقابت سالم و اخلاقی و صندوق آراء در کشور حاکم شود. رئیس جمهوری با تأکید بر این که امروز شرایطی مهیا شده است که همه به آینده امیدوار هستند، گفت: راه دومی وجود ندارد و تنها راه، منحصر به رقابت سالم سیاسی و صندوق آراست.

روحانی با تأکید بر این که اراده ملی تمامی مشکلات را حل می‌کند، ادامه داد: دولت و مجلس دهم در کنار هم برای رفع مشـکلات مردم و ایجاد اشتغال و رفاه، تلاش خواهند کرد .

زمینه برای تحولی بزرگ در آذربایجان غربی

رئیس‌جمهوری در پایان سـفر دو روزه به اسـتان آذربایجان‌غربی در جمع خبرنگاران، با اشـاره به امکانات و توانمندی‌های گسترده استان و همجواری آن با سه کشور منطقه، تصریح کرد: افتتاح و عملیات اجرایی ۳۶۹ طرح و پروژه در استان آذربایجان‌غربی، زمینه را برای آبادانی و تحولی بزرگ در این استان مهیا کرد.

وی افزود: در این سفر ۴۹ طرح با اعتبار ۹۴۹ میلیارد تومان مدنظر قرار دادیم که تمامی این طرح‌ها امسال و سال آینده عملیاتی می‌شود.

رئیس‌جمهوری درباره مساله صادرات، اظهار داشت: اساس برنامه دولت بر مبنای تشویق صادرات بوده است. یکی از دستاوردهای بسیار مهم دولت یازدهم که برای نخستین بار در ۶۰ سال گذشته در کشور حاصل شد، این بود که صادرات غیرنفتی ما بر واردات پیشی گرفت. امسال هم این‌چنین خواهد شد، چنان که در دو ماه نخست امسال این چنین بوده است.

روحانی دربـاره برنامه‌های دولت برای ایجاد رونق و کاهش فقر و بیکاری، تصریح کرد: امسال حدود ۱۶ هزار میلیارد تومان تسهیلات بانکی برای راه‌اندازی و فعالسازی حدود ۷۰۰۰ واحد در نظر گرفته شده است و در پایان سال آمار خوبی را به مردم ارائه خواهیم داد.

رئیـس دولت یازدهم با تاکید بر این که بدون یک حرکت بزرگ حل معضل بیکاری دشوار است، گفت: سالانه حدود یک میلیون نفر وارد بازار کار می‌شوند. ۴ تا ۵ میلیون نفر هم از قبل بیکار داشتیم و باید سالانه بیش از یک میلیون اشتغال ایجاد کنیم. در مدت ۱۰ سال گذشته اشتغال خالص ما خیلی پایین و نزدیک صفر بوده است .

روحانی اظهارداشت: اشتغال خالص را باید به یک میلیون شغل در سال برسانیم. یکی از راهکارهای ایجاد اشتغال، تقویت صنعت گردشگری است. امیدواریم در این استان و سایر مناطق کشور در این زمینه پیشرفت‌های لازم به دست آید.

فانی: ۱۰۰ هزار کلاس درس با مشارکت خیران ساخته شد

وزیر آموزش وپرورش در هجدهمین جشـنواره خیرین مدرسه ساز استان تهران گفت: از مجموع ۵۰۰ هزار کلاس درس در کشور ۱۰۰ هزار مورد آن توسط خیران مدرسه ساز ساخته شده است.

به گزارش ایرنا، علی اصغر فانی افزود: در مدارس خیرساز کشور بیش از دو و نیم میلیون دانش آموز مشغول به تحصیل هستند .

وی مدرسـه سازی، مدرسه یاری و مدرسه داری را شعار آموزش و پرورش در جمع خیران مدرسه ساز عنوان کرد و افزود: امروز علاوه بر خیران مدرسه ساز، بسیاری از خیران در اداره، تجهیز و پرداخت هزینه های جاری مدارس به آموزش و پرورش کمک می کنند.وزیر آموزش و پرورش با بیان اینکه حدود یک سوم فضای آموزشی کشور استاندارد نیست، افزود:این مدارس مقابل زلزله هایی کوچک با مقیاس پنج ریشتر مقاوم نیستند و تخریب می شوند.وی تاکید کرد: ما نیاز به جهاد مدرسه سازی برای مقاوم سازی فضای آموزشی داریم که زمینه های این جهاد را خیران و دولت می توانند فراهم کنند.محمد رضا حافظی، رئیس مجمع خیرین مدرسه ساز هم با بیان اینکه ۶۰۰ هزار خیر مدرسه ساز در کشور داریم، گفت: ۳۵ درصد مدارس کشور توسط خیرین ساخته شده اند.

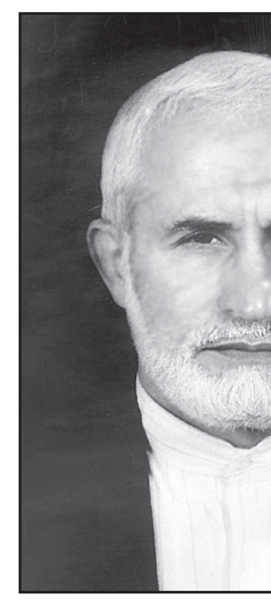
معاون اول رئیس جمهوری هم در این جشنواره گفت: باید دولت و مردمی که قدرت مالی دارند به سرعت در یک مدت زمان محدود ۳۰درصد از مدارسی که استحکام مناسب ندارند را مقاوم سازی کنند.

به گزارش مهر، اسحاق جهانگیری افزود: آموزش و پرورش بزرگترین دستگاه است و همه خانواده های ایرانی از دورترین نقاط کشور تا پایتخت را تحت تاثیر قرار می دهد.وی ادامه داد: نیازمندی های آموزش و پرورش زیاد است و قانون اساسی به گونه ای تنظیم شده است که امکان سوادآموزی برای همه در هر نقطه از کشور وجود داشته باشد و با محدودیتی رو به رو نباشند.معاون اول رئیس جمهوری تصریح کرد: آموزش و پرورش نیازمند ابزارهای جدید و مادی است چرا که مدارس باید متناسب با به کارگرفتن فنون جدید و مدرن اداره شود.جهانگیری تصریح کرد: باید روال سنتی که در مدارس وجود دارد تبدیل به ابزار مدرن شود و به جای گچ و تخته سیاه از کلاس های مجهز به رایانه و ابزارهای جدید استفاده شود. وی بیان کرد: اداره آموزش و پرورش از لحاظ کمی و کیفی دشوار است و ما نیازمند مشارکت مردم در همه بخش ها هستیم.

در این مراسم از تعدادی خیرین مدرسه ساز و همچنین محمدعلی نجفی به عنوان وزیر سابق وزارت آموزش و پرورش تقدیر شد.

ترحیم

من المومنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه منهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر و ما بدلوا تبدیلا.



با نهایت تاثر عروج ملکوتی مجاهد نستوه و عالم متقی **جناب آقای مهندس حاج محمد کاظم سیفیان** از طلایه‌داران نهضت حضرت امام خمینی(ره) را به اطلاع عموم مردم شریف می‌رساند.

مجلس ترحیم در روز چهارشنبه ۹۵/۳/۱۲ از ساعت ۱۱ الی ۱۲:۳۰ در مسجد دانشگاه تهران.

و همچنین مجلس ترحیم دیگری در روز چهارشنبه ۹۵/۳/۱۲ از ساعت ۱۵:۳۰ الی ۱۷ در مسجد دانشگاه امام صادق(ع).

و مجلس هفت آن مرحوم روز جمعه ۹۵/۳/۱۴ از ساعت ۱۹ الی ۲۰:۳۰ در محل حسینیه شماره ۲ جماران منعقد می‌گردد.

شرکت عموم مردم عزیز موجب تسلای بازماندگان و شادی روح آن مرحوم می‌باشد.

از طرف خانواده‌های سیفیان و محسنی

با نهایت تأثر و تألم در گذشت مادری مهربان و معلمی دلسوز زنده‌یاد **بانو طلیعه روشن قیاس همسر مرحوم دکتر ابوالقاسم مینائی** را به اطلاع می‌رساند. به همین مناسبت مراسم ترحیمی روز پنجشنبه ۹۵/۳/۱۳ از ساعت ۱۴/۳۰ الی ۱۶ در مسجدالنبی(ص) واقع در خیابان کارگر شمالی، روبروی کوی دانشگاه برگزار می‌گردد.

حضور شما سروران گرامی موجب شادی روح آن مرحومه و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.

خانواده‌های: روشن‌قیاس، مینائی، حاجیان، کرامتی، زمانی، کاظمی، نکوروح، زندی، مخفی، امینی، فلاحی و سایر وابستگان

مرگ چنین خواجه نه کاری ست خرد

طبیب و حکیم خردمند و فرزانه، **دکتر ضیاء بوترابی** به جاودانگی پیوست. او عارفی راستین و اندیشمند و شاعری فروتن بود و در سراپای وجود نازنینش هنری نهفته بود. از این فقدان جانکاه به همسر و فرزندان عزیزش و همه اقوام و دوستان عزادار تسلیت می‌گوئیم. مراسم یادبود آن بزرگ روز جمعه ۹۵/۳/۱۴ ساعت ۱۶ الی ۱۷/۳۰ در مسجد جامع امیرالمؤمنین واقع در بزرگراه اشرفی اصفهانی، بلوار مرزداران، خ ایثار برگزار خواهد شد.

انسیه و دکتر احمد جلیلی

بازگشت همه به سوی اوست

با کمال تأسف و تأثر درگذشت مرحومه مغفوره **حاجیه خانم فرشچیان (عراقچی) همسر مرحوم آقای حاج محمدعلی فرشچیان** را به اطلاع همکاران، دوستان و آشنایان می‌رساند. مراسم تشییع روز پنجشنبه ۱۳۹۵/۳/۱۳ رأس ساعت ۸/۳۰ صبح از منزل آن مرحومه واقع در خیابان ولی‌عصر-خیابان فرشته (فیاضی) خیابان بوسنی هرزه گووین کوچه هفدهم پلاک ۵ برگزار می گردد.

مراسم ختم روز جمعه ۱۳۹۵/۳/۱۴ در منزل آن مرحومه از ساعت ۱۷ الی ۱۹ منعقد می گردد. حضور سروران گرامی موجب شادی روح آن مرحومه و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.

اتحادیه صادرکنندگان خشکبار ایران

یادبود

۱۲ خرداد ششمین سال غروب زندگی برادر عزیزمان مرحوم **دکتر علی‌اکبر اناری** می‌باشد.

دریغ گذشت زمان نتوانسته است دل پردردمان را تسکین دهد و خاطراتش همیشه در ذهن ما باقیست.

روحش شاد و یادش گرامی

همسر، فرزندان و برادر

به نام خدا

چهلمین روز کوچ ابدی خواهر عزیزمان **سرکار خانم دکتر نسرین نور آذر** را گرامی می‌داریم.

به احترام روح بزرگ او و یک عمر خدمات صادقانه‌اش به نیازمندان، هزینه مراسم به کودکان عزیزمان در بیمارستان حضرت علی اصغر(ع) تهران تقدیم گردید.

یاد مهربانی‌هایش همیشه با ما است.

علی نور آذر - شادان پروند

یک سال از عروج ناباورانه‌ات گذشت...



چو خورشیدم رخ از دیده نهان کرد
سوی شاه خراسان دل روان کرد
نماز عشق را در کربلا خواند
وضویش را درون جمکران کرد

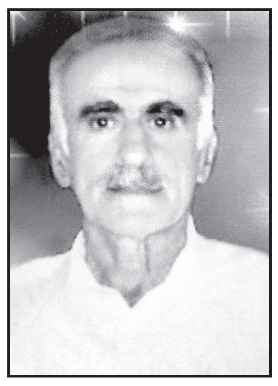
ضمن قدردانی از بذل عنایت و الطاف همه سروران گرامی که در یک سال گذشته به هر نحو ممکن با ما تشریک مساعی نمودند، به اطلاع عزیزان می‌رساند مراسم اولین سالگرد عبد صالح خدا و معلم اخلاق زنده یاد **حاج سید عبدالحسین موسوی** در روز جمعه مورخ ۹۵/۳/۱۴ از ساعت ۹/۳۰ الی ۱۱ صبح در مسجد حضرت مهدی (عج) برازجان برگزار می گردد.

ضمناً مجلس زنانه همزمان در حسینیه همجوار مسجد منعقد می‌باشد.

خانواده‌های موسوی و سایر منسوبین

دوسال گذشت

رفتی کجا که به دل جا گرفته‌ای
دل جای توست گر چه دل از ما گرفته‌ای
ای روشنایی دیده ببین اشک روشنم
تصمیم اگر به دیدن دریا گرفته‌ای





مهربان بود و با محبت، هنوز باور نداریم که او دیگر در کنار ما نیست. این دو سال برای ما همانند قرنی گذشت و ما هنوز جای خالی او را احساس می کنیم. هیچ چیز حتی گذر زمان هم غم فراقش را تسکین نبخشیده و در تمام لحظات، نبودنش را همیشه و همه جا با حس حضورش و عطر وجودش زندگی کردیم.

در دومین سالگرد **دوشیزه تهمینه اسلامی میاندهی** و یازدهمین سال کوچ پدرش **(غفور اسلامی میاندهی)** یاد و خاطره همیشه زنده آنان را گرامی می‌داریم.

ضمناً کلیه هزینه‌های مراسم صرف امور خیریه می گردد.

روحشان شاد.

از طرف مادر، برادران و خواهران داغدار

تسلیت

جناب آقای دکتر سلطانی‌فر
معاونت محترم ریاست جمهوری و ریاست سازمان میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت والده گرامیتان را تسلیت عرض نموده، برای آن مرحومه علو درجات و برای جنابعالی و سایر بازماندگان صبر جمیل آرزومندم.

اسدا... عسگراولادی
هیأت مدیره اتاق بازرگانی و صنایع ایران و چین

خانواده محترم سیفیان و محسنی

درگذشت مرحوم **مهندس سیفیان** را تسلیت عرض نموده و برای کلیه بازماندگان صبر و شکیبایی آرزومندم.

اسدا... عسگراولادی

با کمال تأسف و تأثر درگذشت همکلاسی عزیز و همکار گرامی **- جناب آقای دکتر ضیاءالله بوترابی -** را به همسر و فرزندان - فامیل محترم و جامعه پزشکی تسلیت عرض نموده و خود را در این غم بزرگ شریک می‌دانم.

دکتر فرزین برزویه

جناب آقای مهندس طباطبائی
مدیر محترم پروژه سد باباحیدر

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت مادر بزرگوارتان را خدمت شما و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و از درگاه خداوند متعال برای آن مرحومه طلب رحمت و برای بازماندگان صبر و شکیبائی مسئلت داریم.

مدیریت و کارکنان
مهندسین مشاور آب و توسعه پایدار

همکار گرامی جناب آقای محمد نوری

چهلمین روز درگذشت فرزند دلبندتان هادی عزیز را به شما و خانواده آن مرحوم تسلیت عرض می‌نمائیم.

همکار شما شمس علی برارزاده و خانواده

جناب آقای دکتر سیامک فائز

مصیبت وارده را خدمت شما و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و خود را در غم شما شریک می‌دانم.

دکتر غلامعلی عکاشه

درگذشت دوست و همکار عزیز **دکتر فریدون تقی‌زاده مطلق** را به بازماندگان و دوستانش تسلیت می گوییم.

فارغ‌التحصیلان سال ۴۷ دانشگاه تهران

درگذشت دوست و همکار عزیز، **دکتر ضیاء بوترابی** را به بازماندگان و دوستانش تسلیت می گوییم.

فارغ‌التحصیلان سال ۴۷ دانشگاه تهران

«خانواده محترم مرحوم دکتر جبار فائز»

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت **«جناب آقای دکتر فائز»** از بنیانگذاران پزشکی نوین در استان هرمزگان را به شما عزیزان تسلیت عرض نموده و از خداوند منان برای آن مرحوم علو درجات و برای شما عزیزان صبر و سلامتی آرزو داریم.

«دکتر حسین فاطمی و بانو»

جناب آقای دکتر سیامک فائز

با نهایت تأسف ضایعه از دست دادن پدر گرامی‌تان را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض می نمائیم.

انجمن ارولوژی ایران

سرکار خانم نسرین بوترابی (تحصیلی)

ضایعه درگذشت **روانشاد دکتر ضیاءالله بوترابی** را به حضور شما و عزیزان تینا و آوا و خانواده‌های معظم تحصیلی، آورزمانی، مفخمی، لقایی، زابلی و رودباری تسلیت عرض می نماییم.

امراله، ویولت، آناهیتا، ماندانا بوترابی، دکتر وحید مجتهدزاده

جناب آقای مهندس بهروز نیک اختر

درگذشت پدر گرامی تان را تسلیت عرض نموده و بقای عمر جنابعالی و سایر بازماندگان را مسالت می نماییم.

«مهندسین مشاور سازواره نو»

هوالباقی
جناب آقای دکتر نادر الیاسی

درگذشت مادر گرامیتان را به شما تسلیت عرض نموده بقای عمر بازماندگان را از خداوند متعال خواستاریم.

از طرف: دکتر مبصری - دکتر ضیاپور - دکتر الموتی - دکتر محمدی نسب - دکتر مخلوق - دکتر صبوری و پرسنل اتاق عمل بیمارستان کسری کرج

سرکار خانم سپیده و سعیده مولایی

مصیبت وارده را به شما و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و برای آن مرحومه علو درجات و برای بازماندگان صبر مسئلت داریم.

هیئت مدیره
و کلیه همکاران شما در تهران برکلی

انا لله و انا الیه راجعون

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت همکار ارجمندمان **دکتر یوسف مختاری** را به خانواده محترم آن مرحوم تسلیت عرض نموده، از خداوند متعال برای آن مرحوم شادی روح و برای بازماندگان صبر و سلامتی مسئلت می‌نمائیم.

هیئت مدیره، پزشکان و پرسنل بیمارستان مهر

خانواده محترم مرحوم دکتر یوسف مختاری

با اندوه فراوان مصیبت وارده را صمیمانه تسلیت عرض نموده، از خداوند متعال برای آن خانواده محترم صبر و بردباری و برای آن شادروان شادی روح مسئلت می‌نمائیم.

دکتر فاطمه سلطان‌زاده
دکتر سهراب بنی سلیمان شیبانی

خانواده محترم مرحوم دکتر یوسف مختاری

با اندوه فراوان مصیبت وارده را صمیمانه تسلیت عرض نموده، از ایزدمنان برای آن تازه درگذشته شادی روح و برای بازماندگان صبر و سلامتی مسئلت می نمائیم.

دکتر احمد صدیقی و بانو

دوست و همکار ارجمند
جناب آقای مهندس حسین هوشنگی

مصیبت وارده را به جنابعالی، سرکار خانم و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و از خداوند متعال صبر و شکیبایی برای همگی مسئلت داریم.

یاران شما: احمد دربانی، فریبرز زارع پارسی، سید عباس شاهمرادی زواره، مهران محمدی شمیرانی، قنبری‌فر، سلطانی، مطلق

«هوالباقی»
خاندان محترم فاتح

درگذشت مادر گرامیتان مرحومه مغفوره **بانو درخشنده صراف یزد** را تسلیت عرض نموده و بقای عمر بازماندگان را از درگاه خداوند متعال خواهانیم.

محمدرضا روحی - مهناز ارجمند کرمانی

«هوالباقی»
خاندان محترم فاتح

درگذشت مادر گرامی‌تان مرحومه مغفوره **بانو درخشنده صراف یزد** را تسلیت عرض نموده و بقای عمر بازماندگان را از درگاه خداوند متعال خواهانیم.

ناصر اقبال‌زاده

سرکار خانم فرح زاهدی

با اندوه فراوان درگذشت پدر گرامیتان را صمیمانه تسلیت عرض نموده، از خداوند متعال برای بازماندگان صبر و سلامتی و برای آن فقید سعید شادی روح مسئلت می‌نمائیم.

دکتر منوچهر تک‌منش و بانو

جنابان آقایان حاج محمدرضا و حاج احمد آقا فرشچیان

با کمال تأسف و تأثر درگذشت مرحومه مغفوره **حاجیه خانم فرشچیان (عراقچی)** مادر بزرگوارتان را صمیمانه تسلیت عرض نموده از درگاه خداوند متعال غفران و رحمت الهی برای آن فقیده سعیده و برای آن جنابان و خانواده‌های محترم فرشچیان، عراقچی و حاج کاظمیان سلامتی، طول عمر، صبر و شکیبایی مسئلت داریم.

اتحادیه صادرکنندگان خشکبار ایران

آگهی تغییرات شرکت قند ارومیه سهامی عام
به شماره ثبت ۱۶۹۸۳۰ و شناسه ملی ۱۰۲۲۰۰۰۷۹۴۱

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۴/۰۸/۲۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای حسن زنجانی بشماره ملی ۲۹۷۱۶۷۰۴۶۵ بسمت رئیس هیأت مدیره آقای مهدی زنجانی میاندوآب بشماره ملی ۲۹۷۱۷۳۳۱۶۵ بسمت نایب رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل آقای غلامرضا اخباریه بشماره ملی ۴۴۳۱۳۲۸۰۶۸ بسمت عضو هیأت مدیره آقای رامیز زنجانی بشماره ملی ۱۳۶۰۰۲۴۶۱۱ بسمت عضو هیأت مدیره خانم ایران حضرتی بشماره ملی ۲۹۷۱۴۷۹۸۴۶ بسمت عضو هیأت مدیره کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک - سفته - بروات - قراردادها و عقود اسلامی با امضاء ثابت رئیس هیأت مدیره یا مدیرعامل باتفاق یکی از اعضاء هیأت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر است و سایر اوراق عادی و مراسلات اداری با امضاء مدیرعامل بتنهایی همراه با مهر شرکت معتبر خواهد بود. با ثبت این مستند تصمیمات تعیین دارندگان حق امضاء، تغییر نماینده شخص حقوقی هیئت مدیره، انتخاب و تعیین سمت هیئت مدیره انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران
۱۷۹۱۰۷_۰۷۸۷۴۷۴/م‌الف

****

آگهی تغییرات شرکت سرمایه‌گذاری ساختمانی نظام مهندسی ایران سهامی عام
به شماره ثبت ۲۳۴۲۵۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۷۵۲۰۸۲

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۴/۱/۳۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: روزنامه اطلاعات به عنوان روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های شرکت انتخاب گردید. موسسه حسابرسی فراگیر اصول به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۳۲۳۶۱۵ به عنوان بازرس اصلی، موسسه حسابرسی پارس به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۳۰۱۷۷۰ به عنوان بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب گردیدند. سیدقوام‌الدین شاهرخی به شماره ملی ۴۰۷۰۵۷۰۴۳۸ و سازمان نظام مهندسی استان مازندران به شناسه ملی ۱۴۰۰۰۲۶۱۳۹۷ شرکت محکم سازه سپنتا به شناسه ملی ۱۰۲۶۰۵۷۴۶۴۰ و شرکت مهندسی آریاساز مدائن به شناسه ملی ۱۰۲۶۰۴۴۱۹۸۷ جعفر جعفری به شماره ملی ۴۵۹۰۴۳۷۹۹۶ به عنوان اعضای اصلی هیئت‌مدیره و ابراهیم فرخ‌نژاد به شماره ملی ۰۰۶۵۶۹۶۶۴۶ و محسن صادقی امینی به شماره ملی ۱۲۸۵۹۶۵۶۵۵ به عنوان اعضای علی‌البدل هیئت‌مدیره برای مدت ۲ سال انتخاب گردیدند. با ثبت این مستند تصمیمات انتخاب مدیران، انتخاب روزنامه کثیرالانتشار، تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی، انتخاب بازرس انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس میباشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران
۱۸۰۳۷۷_۰۴۸۹۲۶۲/م‌الف

آگهی تغییرات
شرکت موتورسیکلت ایران ایران تریل سهامی خاص
به شماره ثبت ۷۹۳۷۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۲۴۱۸۸۸

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۴/۷/۱۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: عملکرد مدیر تصفیه در سال ۱۳۹۳ موردتصویب قرار گرفت. دوره تصفیه شرکت به مدت دو سال دیگر تمدید گردید. محبعلی حسنی برسری به شماره ملی ۵۹۴۹۸۶۲۹۲۹ به عنوان مدیر تصفیه برای مدت ۲ سال انتخاب گردیدند. با ثبت این مستند تصمیمات تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی تصفیه، تمدید مدت تصدی مدیر/ مدیران/ هیئت تصفیه، تمدید مدت تصفیه انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس میباشد.

سازمان ثبت اسنادو املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران
۱۸۰۳۷۶_۰۸۸۹۷۹۷/م‌الف

****

آگهی تغییرات
شرکت ساختمانی و شهرسازی واوان سهامی خاص
به شماره ثبت ۲۵۶۹۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۷۱۱۶۱۴

به استناد صورتجلسه هیئت‌مدیره مورخ ۱۳۹۳/۱۱/۲۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای علی حسن‌زاده به شماره ملی ۰۰۵۱۲۲۴۳۰۵ به عنوان نماینده جدید گروه مالی ملت به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۸۰۱۹۴۲ جایگزین آقای اصغر نادری به کدملی ۱۰۱۰۲۸۰۱۹۴۲ به سمت نایب رییس هیأت‌مدیره انتخاب گردیدند. با ثبت این مستند تصمیمات تغییر نماینده شخص حقوقی هیئت‌مدیره انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس میباشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران
۱۸۰۳۷۵_۰۸۹۳۱۵۶/م‌الف

****

آگهی تغییرات شرکت کاربرد الکترونیک در صنایع سهامی خاص به شماره ثبت ۵۳۹۶۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۹۹۰۸۹۳

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۴/۰۸/۲۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: مریم میرزایی به شماره ملی ۰۰۷۳۴۹۹۶۲۵ به سمت مدیرعامل رمضانعلی میرزایی به شماره ملی ۴۶۰۹۵۹۷۰۳۹ به سمت رئیس هیئت مدیره علی عمو حیدری به شماره ملی ۰۰۶۹۵۲۰۲۳۲ به سمت نائب رئیس هیئت مدیره برای مدت دو سال انتخاب گردیدند. کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک، سفته، بروات، قراردادها و عقود اسلامی با امضاء مدیرعامل و رئیس هیئت مدیره متفقاً همراه با مهر شرکت دارای اعتبار می‌باشد. با ثبت این مستند تصمیمات تمدید مدت تصدی مدیر/ مدیران/هیئت تصفیه، تعیین وضعیت حق امضاء انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران
۱۷۹۱۰۴_۰۷۸۱۲۴۷/م‌الف

آگهی تغییرات شرکت قند ارومیه سهامی عام
به شماره ثبت ۱۶۹۸۳۰ و شناسه ملی ۱۰۲۲۰۰۰۷۹۴۱

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۴/۰۸/۲۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: افراد زیر برای مدت دو سال بسمت اعضاء هیئت مدیره انتخاب گردیدند. شرکت توسعه صنایع شهد آذربایجان(سهامی خاص) بشناسه ملی ۱۰۱۰۲۵۳۱۵۱۴ شرکت شهد(سهامی عام) بشناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۳۴۷۸۶ آقای حسن زنجانی بشماره ملی ۲۹۷۱۶۷۰۴۶۵ آقای مهدی زنجانی میاندواب بشماره ملی ۲۹۷۱۷۳۳۱۶۵ آقای غلامرضا اخباریه بشماره ملی ۴۴۳۱۳۲۸۰۶۸ موسسه امین تدبیر بصیر بشناسه ملی ۱۰۱۰۳۵۱۲۶۸۰ به سمت بازرس اصلی و مؤسسه حسابرسی متین خردمند بشناسه ملی ۱۰۲۶۰۱۶۸۵۶۵ بسمت بازرس علی‌البدل برای مدت یکسال انتخاب شدند. ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۹۴/۰۴/۳۱ بتصویب رسید. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات به منظور درج و نشر آگهی‌های شرکت تعیین گردید. با ثبت این مستند تصمیمات انتخاب روزنامه کثیرالانتشار، انتخاب بازرس، تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی، انتخاب مدیران انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران
۱۷۹۱۰۶_۰۷۸۷۹۹۷/م‌الف

****

آگهی تغییرات شرکت تأمین مسکن نوین سهامی عام
به شماره ثبت ۱۸۹۸۶۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۳۱۸۵۶۱

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۴/۹/۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: موسسه حسابرسی نماگر حساب به شناسه ملی ۱۰۳۲۰۳۴۸۰۲۶ به عنوان بازرس اصلی و موسسه حسابرسی احراز ارقام به شناسه ملی ۱۰۳۲۰۲۹۴۷۴۹ به عنوان بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین شد. ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۹۴/۶/۳۱ به تصویب رسید. با ثبت این مستند تصمیمات انتخاب بازرس، انتخاب روزنامه کثیرالانتشار، انتخاب هیئت نظار، تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس میباشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران
۱۸۰۳۷۴_۰۸۸۸۵۸۵/م‌الف

آگهی تغییرات
شرکت لوازم خانگی سراسری ایران سهامی خاص
به شماره ثبت ۱۰۰۶۲۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۴۴۵۹۵۸

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۴/۸/۱۸ و اجازه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۴/۲/۳۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: سرمایه شرکت از مبلغ ۴۹۰۰۰۰۰۰۰ ریال به مبلغ ۸۹۲۴۲۵۰۰۰۰ ریال منقسم به ۳۶۹۷ سهم ۲۵۰۰۰۰۰ ریالی با نام که تماما از محل تجدید ارزیابی و آورده‌های نقدی به مبلغ ۲۳۲۴۳۲۵۰۰۰۰ ریال طی گواهی بانکی شماره ۲۱۶۷/۳۶۲ مورخ ۱۳۹۴/۹/۳ بانک مسکن شعبه چهارراه جمهوری اسلامی تامین گردیده افزایش یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید و ذیل ثبت از لحاظ افزایش سرمایه در تاریخ فوق‌الذکر تکمیل امضا گردیده است. با ثبت این مستند تصمیمات افزایش سرمایه بنا به تفویض اختیار به هیئت مدیره انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران
۱۸۰۴۲۱ـ ۹۵۸۷۸۳/م الف

****

آگهی تغییرات شرکت فراتر از دانش سهامی خاص
به شماره ثبت ۱۶۵۲۳۷ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۰۷۸۰۶۳

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۴/۹/۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای پرویز آقا صادقی با کدملی شماره ۲۵۱۱۱۷۷۲۳۴ آقای حمیدرضا گرانمایه ارومیه با کدملی ۰۰۴۵۵۰۹۷۰۰ خانم آزیتا هوشیار راد با کدملی ۰۰۴۵۶۱۶۶۳۹ به عنوان اعضای هیئت مدیره برای مدت دو سال انتخاب گردیدند. آقای شادمان احمدیان به شماره ملی ۴۹۴۹۷۵۰۵۴۲ به عنوان بازرس اصلی و آقای احسان احمدیان به شماره ملی ۰۰۷۸۴۴۳۳۷۷ به عنوان بازرس علی‌البدل برای یک سال مالی انتخاب گردید. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین شد. با ثبت این مستند تصمیمات انتخاب بازرس، انتخاب روزنامه کثیرالانتشار، انتخاب مدیران انتخاب شده توسط متقاضی درسوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران
۱۸۰۴۱۷ ـ ۰۹۵۷۱۵۳/م الف

آگهی تغییرات شرکت صبا تامین پارسیان سهامی خاص
به شماره ثبت ۲۷۸۱۳۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۱۵۰۰۲۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۴/۴/۲۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین شد. موسسه حسابرسی ایران مشهود به شماره ثبت ۷۰۷۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۳۲۲۹۷۳ به عنوان بازرس اصلی و آقای شهریار قاسمی‌نژاد دارای شماره ملی ۲۶۹۰۵۶۲۵۸۸ به عنوان بازرس علی‌البدل شرکت برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۹۳ به تصویب رسید. با ثبت این مستند تصمیمات تصویب ترازنامه و صورت‌های مالی، انتخاب روزنامه کثیرالانتشار، انتخاب بازرس انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران
۱۸۰۴۱۶ ـ۰۹۵۶۰۴۶/م الف

****

آگهی تغییرات موسسه زبان رایا ویس
به شماره ثبت ۲۵۶۰۸ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۲۳۳۷۶۰

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۴/۸/۳ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای احمد عربیان لاریمی به شماره ملی ۵۸۲۹۳۶۲۹۶۱ به موجب سند صلح شماره ۱۵۳۷۰ مورخ ۹۴/۹/۱۰ دفتر اسناد رسمی شماره ۹۴۱ تهران ۶۰۰۰۰ ریال از سهم الشرکه خود را به آقای مجید عزتی لاریمی به شماره ملی ۵۸۲۹۸۱۱۰۷۳ به مبلغ ۲۰۰۰۰ ریال و خانم محبوبه رستمی به شماره ملی ۰۰۶۰۲۱۲۱۷۹ به مبلغ ۲۰۰۰۰ ریال و خانم فاطمه حاجیان به شماره ملی ۲۱۶۱۸۲۹۳۹۴ به مبلغ ۲۰۰۰۰ ریال واگذار نمود. اسامی شرکاء بعد از نقل و انتقال: آقای احمد عربیان لاریمی به شماره ملی ۵۸۲۹۳۶۲۹۶۱ دارنده ۱۹۲۰۰۰۰ ریال آقای مجید عزتی لاریمی به شماره ملی ۵۸۲۹۸۱۱۰۷۳ دارنده ۲۰۰۰۰ ریال خانم فاطمه حاجیان به شماره ملی ۲۱۶۱۸۲۹۳۹۴ دارنده ۲۰۰۰۰ ریال خانم محبوبه رستمی به شماره ملی ۰۰۶۰۲۱۲۱۷۹ دارنده ۲۰۰۰۰ حبیت عزتی لاریمی به شماره ملی ۵۸۲۹۶۵۰۱۶۹ دارنده ۲۰۰۰۰ ریال با ثبت این مستند تصمیمات نقل و انتقال سهم الشرکه انتخاب شده توسط متقاضی در سوابق الکترونیک شخصیت حقوقی مرقوم ثبت و در پایگاه آگهی‌های سازمان ثبت قابل دسترس می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران
۱۸۰۴۲۵ ـ ۰۹۳۰۸۵۵/م الف

صاحب امتیاز: شرکت ایرانچاپ (مؤسسه اطلاعات)
مدیر مسئول: سیدمحمود دعائی
سر دبیر: علیرضا خانی
نشانی: تهران - بلوار میرداماد - خیابان نفت‌جنوبی - ساختمان اطلاعات - کد پستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱ (تهران)
پست تصویری تحریریه ۲۲۲۵۸۰۲۲
تلفن: ۲۹۹۹۹
نمابر آگهی ها ۲۱ و ۲۲۲۵۸۰۱۹
تلفن پذیرش آگهی ها ۱۸-۲۲۲۵۸۰۱۴
نشانی اینترنت: http://www.ettelaat.com
پست الکترونیکی: ettelaat@ettelaat.com

اطلاعات

سال نودم

تقویم اطلاعات

چهارشنبه ۱۲ خرداد ۱۳۹۵
۲۵ شعبان ۱۴۳۷ ـ یکم ژوئن ۲۰۱۶

ظهر شرعی	۱۳ و ۰۲ دقیقه
غروب آفتاب	۲۰ و ۱۵ دقیقه
اذان مغرب	۲۰ و ۳۶ دقیقه
نیمه شب شرعی (پایان وقت ادای نماز عشا)	۰۰ و ۱۰ دقیقه
اذان صبح (فردا)	۴ و ۰۵ دقیقه
طلوع آفتاب (فردا)	۵ و ۴۹ دقیقه

قدردانی رئیس شورای نیروهای مردمی عراق از حمایت های رهبر معظم انقلاب

سرویس خارجی: رئیس شورای نیروهای مردمی عراق «حشدالشعبی» از حمایت های رهبر معظم انقلاب اسلامی ایران از مردم عراق قدردانی کرد.

«ابومهدی المهندس» با اشاره به اینکه جنگ علیه داعش برای عراقی‌ها، یک جنگ دفاعی و در دفاع از مال و جان و ناموس است، از حمایت‌های رهبر معظم انقــلاب از مردم عراق تقدیر و تاکید کرد، داعش نمونه‌ای از دخالت‌های عربستان و کشورهای عرب حـــوزه خلیج فارس در عراق اســـت. وی اضافه کرد، رهبر معظم انقلاب همواره حامی روند سیاسی و پشتیبان مردم عراق از همه طیف ها اعم از شیعه، سني و مسیحی بوده اند. وی در پاسخ به آنچه آن را «صداهای ناهنجـــار علیه عملیـــات فرزندان عراق در فلوجه» تعبیر کرد، گفت: این شهر شـــش ماه پس از سقوط موصل به دســـت داعش افتاد و به کانون برنامه‌ریزی داعش برای حمله به غیرنظامیان تبدیل شد. وی با بیان اینکه داعش فلوجه را عملا از مردم عراق ربود و به یکی از پایگاه‌های مهم و اساسی تروریسم در منطقه تبدیل کرد، گفت: فلوجـــه منبع و کانون ۸۰ درصد حملات تروریستی اعم از انفجارها و عملیات‌های انتحاری در بغداد بود.

از سویی، «هادی العامری» دبیر کل ســـازمان بدر عراق تاکید کرد، اگر حمایتهای جمهوری اســـلامی ایران نبود خبری از ما نبود و امروز تروریســـم داعش دست روی همه کشورهای عرب خلیج فارس گذاشته بود. العامری اضافه کرد، آن دسته از رسانه‌هایی که وجهه نیروهای بسیج مردمی را خراب می کنند قصد دارند فتنه افکنی طائفه‌ای کنند. از طرفی، «رائد شوکت جودت» رئیس پلیس فدرال عراق اعلام کرد، بیش از ۲۸ منطقه از زمان آغاز عملیات آزادسازی فلوجه آزاد و راه‌های امدادرسانی به داعش بسته و حلقه محاصره آن تنگ‌تر شده است. جودت افزود، بسیاری از افراد داعش روحیه شکست خورده‌ای دارند و اطلاعات ما نشـــان می‌دهد که اعضای داعش دیگر نمی‌توانند برخورد تندی با شـــهروندان داشته باشند چون کنترل نیروهای خود را از دست داده‌اند.

از سویی، فرماندهی عملیات مشـــترک عراق از کشته شدن یکی از معاونان ارشـــد ابوبکر البغدادی سرکرده داعش، وزیر جنگ و شماری از سرکردگان این گروه تروریستی در حمله هوایی به منطقه القائم در غرب استان الانبار خبر داد. وی اعلام کرد، در پی این حمله شـــماری از تروریست ها از جمله وزیر جنگ، والی ســـابق ولایت فرات، مسئول اطلاعات و امنیت و یکی از معاونان ارشد البغدادی که مسئولیت بسیاری از عملیات های تروریستی از جمله حمله انتحاری هیت را بر عهده داشت، کشته شـــدند. به گفته وی، سرکرده گردان تبوک در ســـوریه و عراق از دیگر کشته شدگان این حمله بود. این فرمانده همچنین اعلام کرد، در حمله هوایی به مقر موسوم به دیوان مالی داعش که بیش از شش میلیارد دینار در آن وجود داشت، هفت تروریست کشته شدند و بخش زیادی از اموال آنان به آتش کشیده شد.

در چنین شرایطی، جنگنده‌های ســـوخوی متعلق به نیروی هوایی ارتش عراق با انجام حملات هوایی، چهار پایگاه داعش در فلوجه را منهدم کردند و شماری از عناصر انتحاری را از پـــای در آوردند. «عبدالوهاب الســـاعدی»، فرمانده عملیات آزاد سازی فلوجه هم اعلام کرد، نیروهای عراقی حمله داعش به منطقه النعیمیه را خنثی کردنـــد. در این عملیات دستکم ۷۵ تروریســـت داعش در جنوب شـــهر فلوجه کشته شدند. از دیگر سو، نیروهای پیشمرگه در محور «خازر» در شـــرق موصل، با ناکام گذاشتن حمله تروریست‌های داعش، ۴۰ تن از آنها را کشـــتند. خبر دیگر اینکه، نماینده کمیسیون عالی مهاجران سازمان ملل در عراق با وخیم توصیف کردن اوضاع فلوجه، گفت که نیروهـــای امنیتی با وجود اقدامات داعش تلاش می‌کنند تا از وقوع حمـــام خون جلوگیری کنند. «برونو گدو» افزود، کسانی که فرار می‌کنند اگر داعش آنها را دستگیر کند، اعدام می‌شوند و آنهایی هم که موفق به فرار می‌شـــوند دچار آسیب‌های روحی عمیقی شده‌اند.

در خبـــری دیگـــر، روزنامه ایندیپندنت در گزارشی با اشاره به انتشـــار گزارش کمیته چیلکات در مورد دخالت نظامـــی انگلیس در جنگ عراق در سال ۲۰۰۳ میلادی، از احتمال شکایت خانواده قربانیان این جنگ علیه «تونی بلر» نخست وزیر پیشین انگلیس برپایه یافته های این گزارش خبر داد.



استقرار واحدهای موشکی حشد الشعبی در فلوجه

نیروهای حشد الشعبی در ماموریتی ویژه، واحدهای موشک های کورنت خود را در اطراف مناطق «المعلمین» و «العسکری» در شمال فلوجه مستقر کردند تا به دیگر نیروهای عراقی کمک کنند. شماری از تک تیراندازهای وابسته به نیروهای حشد الشعبی نیز با استقرار در فلوجه، خودروهای بمب گذاری شده داعش را منهدم می کنند.

روزنامه رأی الیوم: ۴ دیپلمات ایرانی در زندان‌های اسرائیل زنده هستند

ســـرویس خارجی: به گزارش گروه بین‌الملل خبرگزاری فارس، روزنامه رأی الیوم، در گزارشی به نقل از منابع اطلاعاتی نوشت که به گفته یک زندانی تازه آزاد شده یونانی، هر چهار دیپلمات ایرانی ربوده شده در لبنان، در حال حاضر در زندان های رژیم صهیونیستی زنده هستند.

به نوشـــته رأی الیوم «محسن موسوی»، «احمد متوسلیان»، «کاظم اخوان» و «تقی رستگار مقدم» به دستور «ایلی حبیقه» و «سمیر جعجع» ربوده شدند و در سال ۱۹۸۶ و پس از تبادل اسرا بین حزب‌الله و اسرائیل، حزب «کتائب لبنانیه» (بخشـــی از حزب فالانژ) این چهار دیپلمات را به همراه برخی دیگر از زندانیان تحویل اســـرائیل داد.این روزنامه ادامه می‌دهد: برخی از آزاد شدگان سابق در زندان‌های اسرائیل نیز گفته‌اند که چهار اسیر ایرانی را در یکی از زندان‌های اسرائیل دیده‌اند.«یاسین جمیل» نویسنده این گزارش، می‌افزاید: طبق یک گزارش امنیتی دقیق، یک زندانی یونانی که از زندان اسرائیل آزاد شده و به کشورش باز گشته به سفارت ایران در آتن اطلاع داده اســـت که چهار دیپلمات ایرانی در زندان‌های اسرائیل زنده هستند.

بر اساس این گزارش، همچنین شهید فلسطینی «احمد حبیب الله ابوهشام» رئیس جمعیت «دوســـتان زندانی» (کسی که به پدر معنوی اسرای در بند اسرائیل شـــهرت یافت) پس از بازدید از زندانیان دربند صهیونیست‌ها، دیپلمات‌های ایرانی را نیز دیده و پس از آن به خبرنگاران گفته بود که احمد متوســـلیان و دوستانش در زندان «عتلیت» محبوس هســـتند.رای الیوم ادامه می‌دهد: پس از آن، اســـرائیل در یک تصادف رانندگی عمدی نزدیک شهرک «کفر مندا» در شمال فلسطین ابوهشام را هدف قرار داد و او در ۱۵ می ۲۰۰۲ و در سالروز اشغال فلسطین موسوم به روز نکبت بر اثر خونریزی داخلی به شهادت رسید.

در خبری دیگر از لبنان منابع امنیتی لبنان طرح داعش برای کشتار در دو نقطه لبنان را ناکام گذاشتند؛ طرحی که هدفش ایجاد بی‌ثباتی و اغتشاش گسترده در لبنان بود. اطلاعاتی که فاش شده، نشان می‌دهد که داعش قصد داشت در لبنان مرتکب دو کشتار بزرگ شود. منابع امنیتی در لبنان می گویند، طبق طرح داعش، اولین کشتار قرار بود در یکی از خیابان‌های شلوغ باشد و دومین کشتار نیز در حومه جنوبی بیروت (منطقه شیعه‌نشین ضاحیه). گفته می شود تحقیقات رسمی در این باره هنوز تمام نشده است.

تظاهرات گسترده یهودیان مخالف رژیم صهیونیستی در کانادا

سرویس خارجی: یهودیان مخالف رژیم صهیونیستی وابسته به گروه «ناتوری کارتا» در شهر تورنتو در کانادا تظاهرات کردند؛ تظاهراتی که همزمان با برپایی مراسم حمایتی سالیانه از این رژیم در تورنتو برگزار شد.

نخست‌وزیر کانادا به مناسبت این مراسم سالانه، اظهاراتی در باب دوستی این کشور با رژیم صهیونیستی ایراد و بر تداوم حمایت‌ها از تل‌آویو تاکید کرد. اما همزمان با این، یهودیان مخالف این رژیم در کانادا نیز دســـت به تظاهرات اعتراضی زدند.تظاهرکنندگان یهودی مخالف رژیم صهیونیستی شعارهایی علیه موجودیت رژیم صهیونیستی سر دادند.بر روی پلاکاردهای معترضان نوشته شده بود: «یهودیان برای ۶۸ سال موجودیت اسرائیل سوگواری می‌کنند. گفتنی است ناتوری کارتا نام یک اقلیت یهودی ارتدوکس حریدی ضد صهیونیسم است که در سال ۱۹۳۵ ایجاد شد. از این گروه با نام سازمان اتحاد یهودیان ضدصهیونیسم هم یاد می‌شود؛ گروهی که خواستار نابودی دولت اسرائیل است.

خبر دیگر اینکه نتایج موسسه نظرسنجی «آی پی اس او اس» انگلیس نشان می‌دهد ۴۰ درصد از مردم انگلستان تحریم اسرائیل را تایید می‌کنند. نتایج یک نظرسنجی از میان ۱۱۰۰ بزرگسال در انگلستان و همین تعداد در آمریکا نشان می‌دهد ۴۰ درصد از مردم انگلستان و ۳۰ درصد از مردم آمریکا از تحریم اسرائیل حمایت می‌کنند. همچنین در پاسخ به پرسش دیگری، ۳۳ درصد از مردم انگلستان و ۱۹ درصد از مردم آمریکا گفته‌اند که ضداسرائیل هستند. در چنین شرایطی رئیس پارلمان عربی تحریم تولیدات شهرک نشینان صهیونیستی را خواستار شـــد. احمد بن محمد الجروان، از جهان خواست محصولات تولید شده در سرزمین‌های اشغالی را تحریم کنند.

در تحولی دیگر بنیامین نتانیاهو نخست وزیر رژیم صهیونیستی به طرح صلح با فلسطین که کشورهای عربی آن را ۱۴ سال قبل ارائه کردند، تمایل نشان داد. نخست وزیر رژیم صهیونیستی با تکرار مواضعی که سال گذشته نیز مطرح کرده بود، گفت: طرح صلح عربی شامل عناصر مثبتی است که می‌تواند به احیای مذاکرات با فلسطینی‌ها کمک کند. وی افزود: ما تمایل داریم با کشورهای عربی بر سر بازنگری این طرح گفتگو کنیم تا توافق حول راهکار دو دولتی برای دو ملت را شامل شود. آویگدور لیبرمن، وزیر جدید جنگ رژیم صهیونیستی هم گفت از راهکار دو دولتی برای پایان دادن به تنش با فلسطینی‌ها حمایت می‌کند. این درحالی است که وزارت امور خارجه فلسطین در بیانیه‌ای اعلام کرد انتصاب آویگدور لیبرمن به عنوان وزیر جنگ رژیم صهیونیستی بیانگر کودتای نرم و سیطره جناح راستگرای افراطی بر بدنه حکومت این رژیم است.

گروگانگیری در قندوز افغانستان با ۲۰ کشته

ســـرویس خارجی: منابع افغان از گروگانگیری طالبان در برخی از راههای این کشور خبر داده و اعلام کردند، گروه طالبان با مسدود کردن جاده قندوز - تخار ، سه اتوبوس مسافربری و چند خودروی عبوری را متوقف کرد و ۱۸۵ تن از مسافران را ربود. به گفته این منابع، ۱۵۰ تن از مسافران در ساعات اولیه اسارت آزاد شدند اما تروریست ها ۲۰ تن از مسافران را کشتند و درحال محاکمه ۱۵ مسافر باقیمانده هستند.

طالبان در پایگاه های رسمی اطلاع رسانی خود هنوز واکنشی نسبت به این آدم ربایی نشان نداده است. ربودن مسافران در این سطح وسیع حدود ۱۰ روز پس از مرگ ملا «اختر محمد منصور» سرکرده طالبان رخ می دهد. این گروه بعد از کشته شدن وی، نسبت به حمله های انتحاری و گسترش عملیات در استان های مختلف افغانستان هشدار داده بود.در همین حال، مقامات محلی ولایت هلمند در جنوب افغانستان با اشاره به ادامه درگیری‌ها میان نیروهای امنیتی و نظامی افغان با طالبان از کشته شدن ۶۰ نیروی پلیس در دو شهرستان این ولایت خبر دادند. در این راستا، شورای امنیت ملی افغانستان به ریاست اشرف غنی، رئیس جمهوری این کشور استراتژی مبارزه با تروریست های داعش را تصویب کرد و برای جلوگیری از نفوذ گســـترده گروه تروریستی داعش دستور به نابودی کامل این گروه داد.

سی ان ان: عدم حضور ایران در مراسم حج آسیب جدی به اقتصاد عربستان می زند

سرویس خارجی: شبکه خبری «سی.ان.ان » در تحلیلی پیرامون آخرین تنش‌های ایران و عربستان نوشت، عدم حضور زائران ایران در مناسک حج به اقتصاد عربستان سعودی آسیب وارد می کند زیرا عربستان سعودی از مسیر جهانگردی مذهبی حدود ۱۸ میلیارد دلار در سال درآمد دارد و ایرانیان یکی از بزرگترین گروه‌های زائران را با جمعیتی حدود ۶۰ هزار نفر تشـــکیل می‌دهند .در چنین شرایطی مقامات دربارسعودی به رسانه های عربستان، قطر و اماراتی وابسته به خود دستورداده اند تا چهار محور ضد ایرانی را در تحلیـــل ها و گزارش های خود در خصوص رخدادهای به وجود آمده در مراسم حج امسال در دستور کار قرار دهند که شامل این موارد است:

الف) در تحلیل ها و گزارش ها باید جمهوری اسلامی ایران به عنوان مقصر اصلی عدم برگزاری حج امسال برای ایرانیان قلمداد و معرفی شود!

ب) هیچ یک از رســـانه‌ها حق بیان شروط آل‌سعود در خصوص عدم حمل قرآن‌های با ترجمه فارسی توسط زوار ایرانی، عدم نصب پرچم ایران بر جایگاه زوار ایرانی، عدم حضور پزشکان ایرانی در منا و عرفات و غیره را ندارند.

ج) لازم اســـت در تحلیل ها و گزارش‌های رسانه‌ای بر روی سیاسی کردن مقوله حج از سوی ایران مانور ویژه‌ای داده شود.

د) رســـانه‌ها حق ندارند کمترین اشاره ای بر تاکید جمهوری اسلامی ایران مبنی بر حفظ عزت زوار ایرانی در عربستان داشته باشند.

برخی منابع آگاه تاکید کردند، مقامات دربار سعودی به رسانه ها اخطار داده اند که هرگونه خبر یا تحلیلی خارج از چارچوب عنوان شده، منجر به برخوردهای شدید با آنها خواهد شد.

در خبری دیگر پایگاه اینترنتی ولتر نت اعلام کرد، عربســـتان در حال ســـاخت ساختمان یک سفارتخانه بزرگ در تل‌آویو است و بدین ترتیب سفارت آل سعود در سرزمین‌های اشغالی به زودی دایر می شود. گفته می شـــود ساختمان سفارت عربستان در تل آویو یکی از مهمترین و بزرگترین سفارتخانه های کشورهای خارجی در سرزمین های اشغالی خواهد بود.

*** کویت**

دادگاهی در کویت هفت نفر شـــامل سه نفر از اعضای خاندان ســـلطنتی این کشور را به جرم اهانت به امیر این کشور به زندان محکوم کرد.سه عضو خاندان سلطنتی و دو نفر دیگر به پنج سال، نفر ششم به یک ســـال و هفتمین فرد نیز به طور غیابی به ۱۰ ســـال زندان محکوم شدند.محکوم شـــدگان در میان ۱۳ فردی بودند که به استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای توهین به امیر کویت و انتشار اخباری علیه قضات این کشور متهم شدند. در میان محکوم شدگان این پرونده نام شیخ خلیفه علی الصباح سردبیر روزنامه و تلویزیون الوطن نیز به چشم می خورد .

*** اردن**

بزرگترین حزب مخالف اردن دراعتراض به سیاست های دولت، دفتر خود را بست. « محمد عواد الزیود» دبیرکل حزب جبهه عمل اســـلامی در این بـــاره گفت: این اقدام در راســـتای اعلام اعتراض ما نســـبت به کاهش سطح آزادی های عمومی وعدم رعایت احترام دولت برای احزاب به عنوان دست مایه اصلی حیات سیاسی اردن است. از سوی دیگر، رسانه صهیونیستی جروزالم پست نوشت، نخست‌وزیر جدید اردن دوست ضد ایرانی جدید اسرائیل است.این رسانه با اشاره به انتصاب نخست وزیر جدید اردن، ضمن اشاره به سوابق و حمایت مقام اردنی در مذاکره با اســـرائیل نوشت، «هانی الملقی» از مخالفان برجسته ایران است که در مقابل تلاش‌های جمهوری اسلامی در خاورمیانه عمل می کند.

روسیه درباره نقض حاکمیت سوریه، به ترکیه هشدار داد

ســـرویس خارجی: روسیه به شـــدت نسبت به تبعات حضور نیروهای ویژه ترکیه در خاک سوریه هشـــدار داد.وزارت خارجه روسیه اعلام کرد که نیروهای ویژه ترکیه اگر پا به خاک سوریه بگذارند، تمامیت ارضی این کشور را نقض خواهند کرد.

در این راســـتا احمد آراک، از اعضای رهبری مجلس دموکراتیک ســـوریه که بخشـــی از نیروهای دموکراتیک این کشـــور و حزب اتحاد دموکراتیک کردهای سوریه است گفت، نیروهای مسلح ترکیه برای حمله به منطقه أعزاز در سوریه آماده می‌شـــوند. آراک در این باره توضیح داد: روز گذشته ارتش ترکیه حملات موشکی شـــدیدی را به مواضع نیروهای دموکراتیک سوریه انجام داد و دو روز پیش نیز ارتش این کشـــور وارد روستای حمام در منطقه عفرین شد. ما آماده واکنش به این حملات هســـتیم. از سویی گزارش‌های خبری در ترکیه حاکی از آن است که دولت آنکارا برج‌های مراقبتی در مرزهایش با سوریه ایجاد خواهد کرد تـــا مانع از حملات به مرزهایش شود. روزنامه ینی شفق نزدیک به دولت ترکیه نوشت: این برج‌های مراقبتی هوشمند مجهز به دوربین‌هـــای حرارتی و تجهیزات نظامی هستند.

در این حال جنگنده‌های ارتش روســـیه مواضع تکفیریها در استان «ادلب» سوریه را بمباران کردند که به دنبـــال آن ۳۷ عنصر تکفیری به هلاکت رسیده و ۸۰ تَن دیگر زخمی شدند. رسانه های عربی اعلام کردند پس از این حملات، آن دسته از عناصر تکفیری که زخمی شده بودند، برای مداوا به سمت اراضی ترکیه منتقل شـــدند. از طرفی نیروهای ارتش سوریه و مقاومت حزب‌الله توانستند با از پای در آوردن ۳۴ تروریســـت داعشی، پیشـــروی محسوسی به سمت میدان گازی «الشاعر» در شرق استان حمص داشته باشند. نیروهای ارتش سوریه و مقاومت در عملیاتی توانستند روســـتای «حویسیس» را آزاد کرده و ۳۴ تروریست داعشی را از پای در آورند. همچنین نیروهای سوری توانستند در ادامه پیشروی‌ها در حومه این روســـتا، یک کارگاه ســـاخت مواد انفجاری را که از آن علیه مواضع نیروهای ســـوری در مراکز حمص و جنوب شرق استان حما استفاده می‌شد، کشف کنند. با این عملیات موفق ارتش ســـوریه یک گام دیگر به میدان نفتی الشاعر نزدیک شد و پاکسازی مناطق شمالی فرودگاه «T4» آسان‌تر می‌شود.

درچنین‌شرایطی‌تروریست‌های داعش یک افسر سابق نیروی هوایی پرتغال به نام «ماریو نونِس» را که به مبارزان کُرد سوریه پیوسته بود پس از به گروگان گرفتن اعدام کردند. خانواده نونس این خبر را تأیید کرده و گفته‌اند که وی در مرز سوریه - عراق کشته شده است و با همکاری نیروهای کرد تـــلاش می کنند که جسد پسرشان را یافته و به پرتغال بازگردانند. این درحالی است که وزیر خارجه عربستان بر ادامه کمک‌های نظامی کشورش به شورشیان سوریه تاکید کرد. عـــادل الجبیر ادعا کرد ما برای حل مســـالمت‌آمیز بحران سوریه براســـاس بیانیه ژنو- ۱ و قطعنامه ۲۲۵۴ شـــورای امنیت و همچنین اجرای آتش‌بس و ورود کمک‌های بشردوســـتانه به تمامی مناطق سوریه تلاش کردیم.

در این حال مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا بهبود وضعیت ســـوریه را منوط به حمایت های بین‌المللی دانست. فدریکا موگرینی» اظهار داشـــت: امیدواریم مذاکرات ژنو ازسر گرفته شود زیرا وضعیت در سوریه بسیار پیچیده است. وی افزود: امیدواریم طرفهای درگیر در ســـوریه به آتش بس پایبند بوده و ورود کمک‌های انســـانی به مناطق مختلف سوریه را هموار کنند. وی همچنین گفت: اتحادیه اروپا سعی دارد انتقال سیاسی قدرت در سوریه محقق شـــود، زیرا این تنها راه حل بحران است.

از ســـویی به دنبال استعفای محمد علوش مذاکره کننده ارشد هیات مخالفان سوریه در مذاکرات ژنو، مخالفان اعـــلام کردند طی روزهای آینده هیـــات جدیدی را برای شرکت در مذاکرات تشکیل خواهند داد. گفته می شود مخالفان سوری می‌خواهند پست‌های اصلی در هیاتشان را به دو دیپلمات جدا شده از نظام سوریه بدهند که مهارت لازم برای پیشبرد مذاکرات را داشته باشند.

کوتاه از سراسر جهان

کاخ سفید به دلایل امنیتی تعطیل شد

فارس: رسانه‌های آمریکایی گزارش دادند کاخ سفید به دلایل نامعلوم امنیتی، یک بار دیگر به حال تعطیل درآمد. کاخ سفید، در حادثه‌ای که بار دیگر نواقص سرویس امنیت مخفی آمریکا را در مدار توجه قرار می‌دهد یک بار دیگر تعطیل شد. گزارش‌های اولیه می گویند تعطیلی کاخ سفید به دلایل نامعلوم امنیتی رخ داده است. این سومین بار در طول کمتر از دو هفته گذشته است که این ساختمان تعطیل می‌شود. جمعه هفته گذشته نیز مأموران سرویس امنیتی کاخ سفید به مردی که به ظاهراً مسلح بود شلیک کرده و وی را از ناحیه سینه زخمی کردند. یک روز بعد، کاخ سفید، بار دیگر به دلایل نامعلوم تعطیل شد. عملکرد سرویس امنیت مخفی آمریکا که مسئولیت تأمین امنیت رئیس‌جمهوری و خانواده‌اش را بر عهده دارد در سال‌های گذشته با انتقادهای شدید مواجه بوده است.

اشتاین‌مایر: نابودی اقتصاد روسیه کمکی به امنیت اروپا نمی کند



فارس: وزیر خارجه آلمان ضمن حمایت از کاهش تحریم‌های روسیه گفت که افزایش تحریم‌ها و نابودی اقتصاد روســـیه کمکی به امنیت اروپا نخواهـــد کرد. «فرانک والتر اشتاین‌مایر» از تمایل تغییر موضع کشورش در برابر روسیه و گرایش به مذاکره با مسکو خبر داد. وی گفت که از کاهش تحریم‌ها علیه روســـیه حمایت می‌کند و خواستار افزایش مبادلات با مسکو است.

کلاهبرداری یک میلیارد دلاری از بودجه اتحادیه اروپا

ایسنا: اطلاعات مربوط به بازرسان اتحادیه اروپا نشان می‌دهد که حدود یک میلیارد دلار از بودجه این اتحادیه ســـال گذشته میلادی به دلیل تقلب و کلاهبرداری به هدر رفته و بیشترین تقلب در این بودجه نیز توسط کلاهبرداران در رومانی، بلغارستان و مجارستان صورت گرفته است. دفتر مبارزه با کلاهبرداری اروپا در گزارش سالانه خود دریافته که ۸۸۸ میلیون یورو (۹۸۹ میلیون دلار) در سال ۲۰۱۵ به حساب طلبکاران متقلب واریز شده است.

بیش از ۴۵ میلیون تن در جهان گرفتار بردگی نوین

ایســـنا: یک گزارش جدید فاش ساخت که بیش از ۴۵ میلیون تن در سراسر جهان گرفتار بردگی نوین هستند؛ این تعداد یک سوم بیشتر از رقمی است که پیش از این اعلام شده بود. این افراد معمولا هدف قاچاق قرار گرفته و به عنوان روســـپی، خدمتکار، افراد بدهکار و کارگران کارخانه‌ها و مزارع قربانی استثمار می‌شوند. این گزارش تحت عنوان "شاخص بردگی در جهان در سال ۲۰۱۶" نشان داد که در هر گوشه جهان بردگی نوین وجود دارد اما آسیا بدترین وضعیت را دارد. کره شمالی در این راستا بدترین وضعیت را دارد به نحوی که ۴/۳۷ درصد از جمعیت این کشور بردگی می کنند.

دیکتاتور سابق چاد به حبس ابد محکوم شد



ایسنا: حسین حبری، دیکتاتور سابق چاد در دادگاهی در ســـنگال به جرم جنایت علیه بشریت به حبس ابد محکوم شد. به گزارش خبرگزاری دانشـــجویان ایران (ایسنا)، قاضی دادگاه حســـین حبری ۷۴ ســـاله را در مورد تجاوز و صدور فرمان قتـــل ۴۰ هزار تن در سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۰ مجرم شناخت. پس از صدور حکم در دادگاه، قربانیان و خانواده‌های آنها فریاد خوشحالی سر دادند و همدیگر را در آغوش گرفتند. حبری برای درخواست تجدیدنظر ۱۵ روز فرصت دارد.

اعتصاب سراسری مدارس، فرودگاه‌ها و دفاتر دولتی در بلژیک

فارس: شاغلان بخش‌های خدمات شهری، دفاتر دولتی، فرودگاه‌ها و مراکز آموزشی بلژیک در اعتراض به دولت راستگرای این کشور اعتصاب ۲۴ ساعته‌ای را آغاز کردند. بلژیک دیروز را با اختلال‌های فزاینده در سطح مدارس، سامانه های حمل و نقل شهری، فرودگاه‌ها و دفاتر دولتی آغاز کرد و کارمندان و کارگران بخش‌های یاد شده در اقدامی هماهنگ به اعتصاب مشترک کارگران خطوط راه آهن و زندانبانان این کشور پیوستند.

واشنگتن‌پست: خروج از اتحادیه اروپا، موجودیت انگلیس را به خطر می‌اندازد

فارس: روزنامه واشنگتن‌پست در گزارشی با هشدار درباره شوک به اقتصاد جهانی، از هم گسیختگی ائتلاف غربی و تغییر نخست‌وزیر انگلیس در صورت خروج آن از اتحادیه اروپا، از خرد شدن انگلستان سخن گفت. واشنگتن پست در یادداشتی نوشت: رای انگلیس برای خروج از اتحادیه اروپا، می‌تواند پادشـــاهی بریتانیا را شکسته و خرد کند. در این گزارش با اشاره به همه پرسی ســـال ۲۰۱۴ درباره استقلال اسکاتلند از بریتانیا که به ناکامی حامیان استقلال انجامید اشاره و تاکید شده در صورت رای به جدایی انگلیس از اتحادیه اروپا، دوباره پرونده استقلال اسکاتلند باز خواهد شد.

سفر کری به پکن همزمان با تشدید تنش چین - آمریکا



تســـنیم: وزارت خارجه آمریکا اعلام کرد که جان کری وزیر خارجه این کشـــور برای گفتگو با مقام‌های ارشد چینی به پکن ســـفر خواهد کرد و با مقام های چین درباره موضوعات مختلفی رایزنی و گفتگو می کند. سفر جان کری در شرایطی انجام خواهد شد که تنش ها بین واشنگتن و پکن بر سر اقدامات چین در دریای چین جنوبی به شـــدت بالا گرفته اســـت. جان کری طی روزهای ۵ تا ۷ ژوئن (۱۶ تا ۱۸ خرداد) به چین سفر خواهد کرد.

داعش ۱۰۰ جوان عراقی را به دلیل بلند نکردن ریش، بازداشت کرد!

ابنا: گروه تروریستی داعش ۱۰۰ جوان عراقی در شهر فلوجه را به دلیل بلند نکردن ریش بازداشت کرد. یکی از بزرگان شهر فلوجه در این باره اعلام کرد: عناصر گروه داعش در یک حمله گسترده به بازار «النزیزه» در مرکز فلوجه و بازار «الجدید» در غرب این شهر، اقدام به بازداشت این جوانان کردند. وی افزود: عناصر داعش این جوانان را با خودروهای خود به مکانی ناشناس منتقل کردند.

مسکو: طرح های مدیترانه‌ای ناتو را خنثی می کنیم

سرویس خارجی: نماینده روسیه در ناتو در حاشیه نشست ورشو اعلام کرد که روســـیه با ابزارهای لازم اجرای طرح های مدیترانه ای ناتو را خنثی می کند. «الکساندر گروشنکو» اظهار داشت: ائتلاف ناتو سعی دارد خود را به حوزه مدیترانه نزدیک کرده و به این روش به رویارویی با روسیه بپردازد، اما ما قصد داریم طرح آن را خنثی کنیم.گروشنکو با انتقاد از رفتار دوگانه ناتو در قبال روسیه افزود: ناتو با وجود درخواست‌های مکرر برای مذاکره سیاسی، بر استراتژی خود مبنی بر محاصره و مقابله با مسکو ادامه می‌دهد.نماینده روسیه در ناتو همچنین اظهار داشت: ناتو سعی در پیشبرد طرح‌های مقابله‌ای خود در دریای سیاه دارد.گفتنی است مناسبات مسکو و ناتو در سال ۲۰۱۴ به دنبال اختلاف نظر بر سر بحران اوکراین به سردی گرائید. ناتو در راستای آنچه مهار روسیه می نامد به مرزهای این کشور نزدیک شده و در قالب برنامه گسترش ناتو به شرق، مسکو را تهدید می کند.

عفو بین الملل: حکم زندان شیخ سلمان توسط آل خلیفه نقض آزادی بشر است

ســـرویس خارجی: سازمان عفو بین الملل حکم صادره درباره افزایش مدت زندان شـــیخ سلمان را نقض آزادی ودارای انگیزه های سیاسی دانست.

«جیمز لینـــش» معاون مدیر منطقه خاورمیانه وشمال آفریقای ســـازمان عفو بین الملل گفت: پر واضح است محکومیت شیخ سلمان با انگیزه های سیاســـی وبا هدف رساندن این پیام به دیگران است که درخواست های قانونی ومسالمت آمیز بدون مجازات باقی نخواهد ماند.وی افزود، شیخ سلمان زندانی عقیده است وواساســـا نباید مورد محاکمه قرار بگیرد وباید بدون هیچ شرطی فورا آزاد شود.لینش تاکید کرد، با وجود سه سیاستمدار مخالف برجسته در پشت میله های زندان، رژیم آل خلیفه اجازه انتقاد به کسی نمی دهد وهرکس اقدام به این کار کند خود را به خطر انداخته است.

از سوی دیگر، دبیرکل جمعیت الوفاق بحرین در اولین واکنش پس از صدور حکمـــش ضمن ابراز احســـاس آرامش و رضایت خود از حکم صـــادره تاکید کرد، آنچه برایش اهمیت دارد این اســـت که مردم کشورش در آسایش باشند. وی همچنین گفت: حکم آزادی من در اختیار انسان‌ها نبوده بلکه تنها در اختیار خدا است. اگر اراده خداوند آزادی‌ام بود، امشب در خانه‌ام بودم.

خبری دیگر حاکیست، دادگاه استیناف بحرین احکام اعدام صادر شده برای ســـه فعال مدنی در این کشـــور را تائید کرد.دادگاه مزبور همچنین احکام حبس ابد برای شش نفر دیگـــر را تائید کرد . اتهام این شش نفرحمله به نیروهای امنیتی در بحرین بوده است .

در چنین شـــرایطی هزاران بحرینی به دنبـــال صدور حکم ۹ ســـال حبس برای شیخ علی ســـلمان، دبیرکل جمعیت الوفاق بحرین، بزرگترین جمعیت مخالف شیعه این کشور، با وجود استقرار تعداد زیادی نیروی امنیتی در تمامی مناطق، در اعتراض به این حکم، دســـت به تظاهرات و اعتراضات مسالمت‌آمیز زدند.



تظاهرات مردم بحرین در محکومیت حکم حبس شیخ سلمان

نتانیاهو: سازش میان اسرائیل و ترکیه بسیار نزدیک است

سرویس خارجی: نخست وزیر اســـرائیل در دیدار با هیاتی از کنگره آمریکا اعلام کرد، سازش میان این رژیم با ترکیه بسیار نزدیک است.

بنیامین نتانیاهو درباره احتمال بازگشت روابط میان ترکیه و اسرائیل به ۱۰ سال پیش گفت: پس از سازش نباید انتظار داشت که مناسبات همانند دوران گذشته شود اما عادی سازی روابط میان آنکارا و تل آویو می تواند منافع بسیاری برای هر دو طرف به همراه داشته باشد.از دیگر سو، معاون نخست وزیر ترکیه نیز اظهار داشت، مقامات این کشور و رژیم صهیونیستی نشست‌های بیشتری برای عادی ســـازی روابط برگزار کرده اند و از سه شرط آنکارا برای احیای این روابط، دو شرط برآورده شده است. «نومان کورتولموش» در ادامه گفت: مساله برداشته شـــدن محاصره نوار غزه از سوی اسرائیل برای عادی سازی روابط ما مهم است.

خبری دیگر حاکیست، «خالد مشـــعل» رئیس دفتر سیاسی حماس در تماسی تلفنی، نخست‌وزیری و ریاست «بینالی ییلدریم» بر حزب حاکم ترکیه را به وی تبریـــک گفت.اما در تحولات میدانی و درگیریهای ارتش ترکیه با پ ک ک، جنگنده های این کشـــور پایگاه های پ.ک.ک در چهار منطقه در استان «هاکاری» در جنوب شرق ترکیه را بمباران کردند. منابع نظامی ترکیه از انهدام چهار پایگاه پ.ک.ک در این منطقه خبر دادند.این در حالیست که وقوع انفجاری در شهر «سیلوپی» در جنوب شرقی ترکیه، چهار کشته و ۱۹ زخمی برجای گذاشت. از سوی دیگر، رئیس جمهوری ترکیه برای نخستین بار، روسیه را به تامین تسلیحات ضد هوایی و موشک انداز برای شبه نظامیان پ.ک.ک متهم کرد. از دیگرسو، وزیر خارجه روســـیه ضمن غیرقابل قبول خواندن فعالیت‌های ترکیه ، از این کشور خواست نیروهایش را از عراق خارج کند.

ارتش یمن با موشک بالستیک «نجران» عربستان را هدف قرار داد

سرویس خارجی: یک منبع نظامی یمنی اعلام کرد، ارتش و کمیته های مردمی این کشور در واکنش به ادامه حملات سعودی‌ها، یک موشک بالستیک به سمت شهر «نجران» در جنوب عربستان شلیک کردند.دراین حال، برخی منابع عربستانی ادعا کردند که این موشک را پیش از اصابت منهدم کرده‌اند. از سوی دیگر، هواپیماهای جنگی عربستان در چندین نوبت، اردوگاه «العمالقه» واقع در شهر «حرف سفیان» استان عمران و «وادی الضیق» در شهر «صرواح» استان مارب را هدف قرار دادند. در تحولات سیاسی و تلاشها برای برقراری صلح در یمن نیز، فرستاده سازمان ملل با هیات‌های یمنی درباره عقب نشینی از شهرها و تحویل سلاح‌های ســـنگین، گفتگو کرد . وی همچنین روند مذاکرات صلح یمن در کویت را مثبت ارزیابی کرد.از طرفی، «اسماعیل ولد الشـــیخ» از طرف‌های مذکره‌کننده یمنی درخواست کرد برای جلوگیری از پیچیده‌تر شدن اوضاع، از برخی خواسته‌های خود کوتاه بیایند. وی همچنین با اشاره به موارد نقض آتش بس دراین کشور گفت: مهمترین خواسته مردم یمن برقراری امنیت در کشورشان است.

از ســـوی دیگر، «مهدی المشاط» عضو هیات ملی یمن در گفتگوهای صلح کویت گفت: تشدید حملات عربستان و مزدورانش طی روزهای اخیر و نقض مکرر آتش بس با هدف اعمال فشار بیشتر بر هیات مذاکره کننده یمن در کویت است.المشاط ادامه داد، تشدید تجاوزهای عربستان به یمن به معنای بازگشت جنگ است.در خبری دیگر، یک منبع آگاه به شبکه «المیادین» گفت: توافقی احتمالی میان طرف های یمنی صورت خواهد گرفت که بر اساس آن « منصور هادی» رئیس‌جمهور فراری یمن برای ۴۵ روز بدون اختیارات در منصب خود باقی بماند و «علی محسن احمر» معاون وی کنار گذاشته شود.

حمله هواداران کلینتون به مراسم سخنرانی «سندرز» نامزد دموکرات آمریکا



نیروهای امنیتی آمریکا اخلالگران را از مراسم سخنرانی سندرز خارج کردند

ســـرویس خارجی: تجمع انتخاباتی «برنی سندرز» در «اوکلند» کالیفرنیا، با حمله هواداران هیلاری کلینتون، رقیب همحزبی او مختل شد.

شـــبکه تلویزیونی سی.ان.ان گزارش داد، حمله معترضان هنگام سخنرانی «برنی ســـندرز» نامزد انتخابات ریاســـت جمهوری در تجمع انتخاباتی «اوکلند» کالیفرنیا، باعث شد برنامه تبلیغاتی وی مختل شود. این حمله به دستگیری دست کم چهار تن انجامید. بر اساس این گـــزارش، معترضان که احتمالا از هواداران کلینتون، رقیب همحزبی سندرز بودند، چند بار به سکوی محل سخنرانی سندرز هجوم بردند و مامـــوران امنیتی و محافظان در اطراف وی حلقـــه زدند و مانع نزدیک شـــدن افراد معترض به او شدند. سخنگوی سندرز درباره این حادثه گفت: نیروهای حفاظتی به خوبی و حرفه‌ای برخورد کردند و مشکلی برای سندرز پیش نیامد و اخلالگران را از مراســـم خارج کردنـــد. در واکنش به این حمله، سندرز گفت: به این راحتی مرعوب نمی شویم.

در خبری دیگر، «اســـتیون هاوکینگ»، فیزیکدان شهیر انگلیسی، در مصاحبـــه‌ای محبوبیت دونالد ترامپ را غیر قابل فهم دانست. وی گفت: محبوبیت ترامپ عوام‌فریب، نامزد جمهوریخواه فراتر از درک من است و نمی‌توانم آن را توضیح دهم. از ســـویی، رئیس سابق سیا در مصاحبه‌ای دونالد ترامپ را به دلیل سخنان جنجالی‌اش مورد انتقاد قرار داد و گفت: این جمهوریخواه آمریکایی بـــا رویکرد خودش به داعشی‌ها کمک می‌کند. از طرفی، در نظرسنجی صورت گرفته توسط آسوشیتدپرس و مرکز تحقیقات اموزعمومی NORC مشـــخص شد، ۷۰ درصد آمریکایی‌ها از روند برگزاری انتخابات احساس ناامیدی، درماندگی و حتی عصبانیت می کنند. این احساس ناامیدی در هر دو حزب دموکرات و جمهوریخواه یکسان است. همچنین یک چهارم از افراد شرکت کننده نسبت به این مساله که انتخابات ریاست جمهوری آمریکا به صورت دقیق شمارش شود، به سختی اعتماد دارند.

ناکامی کره شمالی در شلیک موشک بالستیک

سرویس خارجی: کره جنوبی از شلیک ناموفق یک فروند موشک بالستیک از نوع «موسودان» توسط کره شمالی خبر داد.رسانه های منطقه به ویژه یونهاپ اخیرا اعلام کرده بودند که کره شمالی برای یک آزمایش موشکی خود را آماده می کند. کره شمالی در حالی یک فروند موشک بالستیک میان برد از نوع موسودان را شلیک کرد که نیروهای ارتش ژاپن از جمله نیروی دریایی با کشتی ها و ناوهای ردیاب خود برای این شلیک در آماده باش به سر می بردند. ستاد کل ارتش کره جنوبی در بیانیه ای از شکست کره شمالی در شلیک این موشک که در سواحل شرقی انجام داده است، خبر داد.ستاد کل ارتش کره جنوبی همچنین افزود، ارتش این کشور در حال آماده باش کامل به سر می برد و برای هر احتمالی خود را آماده کرده است. بُرد موشک موسودان حدود ۲۵۰۰ تا ۴۰۰۰ کیلومتر است که در صورت موفقیت می‌تواند به کره جنوبی و ژاپن برسد.

حمله تروریستی به خودرو اتباع چین در کراچی پاکستان

ســـرویس خارجی: خودرو حامل مهندســـان چینی در شهر کراچی پاکستان با استفاده از مواد منفجره، مورد حمله قرار گرفت و یکی از سرنشینان این خودرو مجروح شد .

گزارش های اولیه پلیس کراچی حاکی است که این حادثه براثر انفجار یک کیلو مواد منفجره حاوی ساچمه های فلزی در مسیر عبور این خودرو رخ داد. همچنین گفته می شود که اتباع چینی بطور مشخص هدف این حمله بوده اند. شخص یا گروه خاصی تاکنون مسئولیت این حمله را برعهده نگرفته است. گزارش رسانه های پاکستان حاکی است، در محل انفجار نامه‌ای منتسب به یک گروه میهن پرست پیدا شـــده که محتوای آن، انتقاد شدید از کنترل بیگانگان بر منابع ملی در ایالت سند است. خبر دیگر اینکه، سفیر پاکستان در هند،گفتگو را یگانه راه رفع اختلاف ها بین هند و پاکستان دانست و تاکید کرد، جنگ راه حل مناسبی برای پایان دادن به اختلاف ها بین دو کشور نیست . «عبدل باسط» ابراز امیدواری کرد که تحقیقات در خصوص حمله به پایگاه هوایی پتانکت هند هرچه سریعتر به پایان برسد.

شهر نفت خیز «بن جواد» لیبی از اشغال داعش آزاد شد

سرویس خارجی: نیروهای محافظ تاسیسات نفتی لیبی از آزادسازی شهر نفت خیز بن جواد واقع در شرق بندر سرت که تحت اشغال گروه تروریستی داعش بود خبر دادند.علی الحســـی سخنگوی این نیرو گفت: چهار تن از نیروهای محافظ تاسیسات نفتی در درگیری های شـــدید این شهر ساحلی با داعش کشته و ۱۶ نفر دیگر زخمی شدند.الحسی افزود، ما حمله را با هدف پاکســـازی و آزادسازی منطقه مرکزی از دست داعش و تضمین قرار گرفتن این منطقه زیر چتر وزارت دفاع و شورای ریاست جمهوری، آغاز کردیم. نیروی محافظ تاسیســـات نفتی لیبی پشـــتیبانی خود را از دولت وحدت ملی که تحت حمایت سازمان ملل قرار دارد اعلام کرده اســـت.پیش از تصرف این شهر به دست نیروهای دولت، تروریست های داعش سرهای بریده شده را در بن جواد در معرض دید مردم گذاشتند. به گزارش روزنامه دیلی میل انگلیس، تروریست‌های داعش خودروهای زرهی خود را که در آنها سرهای بریده شـــده بوده در این شهر به حرکت درآورده و شعار الله اکبر سر دادند.

*** مصر**

براثر انفجار بمب در شمال سینا و در نزدیکی نیروهای نظامی ارتش مصر، شـــش نظامی کشته شدند.خبر دیگر اینکه، ۱۶ تروریست در منطقه سینا توسط نیروهای ارتش مصر به هلاکت رسیدند. به گفته منابع امنیتی مصر، در عملیات نیروهای نظامی مصر علیه تروریست ها ۲۴ بمب کارگذاشته شده در مسیر عبور خنثی شد. ۱۹ منزل و ۱۶ مخفیگاه که از سوی افراد مسلح به عنوان پایگاه عملیاتی استفاده می شد نیز ویران شد؛ منابع امنیتی مصر همچنین گفتند که تعدادی از انبارهای ســـلاح و مهمات تروریست ها نیز کشـــف و منهدم شد.در تحولی دیگر، رئیس انجمن روزنامه نگاران مصر به اتهام پناه دادن به دو خبرنگار که تحت تعقیب دســـتگاه قضا بودند و همچنین ترویج شایعات، توسط پلیس بازداشت شد.

ویژهٔ فرهنگ، تاریخ و تمدن ایران و جهان

فرهنگی ۲۶۶

چهارشنبه ۱۲ خرداد ۱۳۹۵ / ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات / سال نودم – شماره ۲۶۴۵۳

آموزه



فلسفی داند اما به دلیل. دلیل پایدار نباشد. تا باشد گرم باشد. چون بگذرد گرمی و خوشی او نماند

مولانا



قلم‌انداز

کریم فیضی

به کجا چنین شتابان

آنچه گفتیم آبی است که تقریبا به همه جا رسوخ کرده است. کمتر کسی از گزند این آسیب در امان مانده است. از بزرگ تا کوچک در این صومعه به عبادت ایستاده اند و متاسفانه باید درد مندانه اذعان کرد که: از آسمان فاجعه می‌بارد بر سر زندگی ایرانی و انسان ایرانی و فرهنگ ایرانی و ایرانیت.

فـــرق فاحش و درازدامنـــی وجود دارد بین «امر اقتصادی» و «امر مالی». ممکن است چیزی نفع مالی داشته باشـــد اما نفع اقتصادی نداشته باشد و اقتصادی‌نباشد.

آیا این ملاحظات تا چه حد در اقتصاد ما لحاظ می شـــود و اصلا انسانهای حریص بر مال و عاشق افزودن و زیاد کردن، می‌دانند که بسیاری از کارهایی که انجام می‌دهند مالی هست و اصلا اقتصادی نیست؟ اقتصاد در هیچ کجای دنیا صرفاً افزایش پول نیست. مقوله «کیفیت»، « آرامش»، «امنیت» و «آینده» هم جزو اقتصاداست.

به طور منطقی و تجربه‌هایی که در قرن بیستم هزاران بار در جای جای جهان آزموده شد ، افزایش پول بیش از هر چیز به افزایش هزینه‌های عمومی زندگی منتهی می شود و پول محتاج پول های بعدی است و این اقتصادی نیست ، چرا که به طور خواسته و ناخواسته همه ابعاد فعال و غیر فعال و خاموش جامعه را درگیر افزایش‌های مستمر و مرتب می‌کند که این امر با دلیل و بی دلیل موجب هیجانهای قیمتی می‌شود.

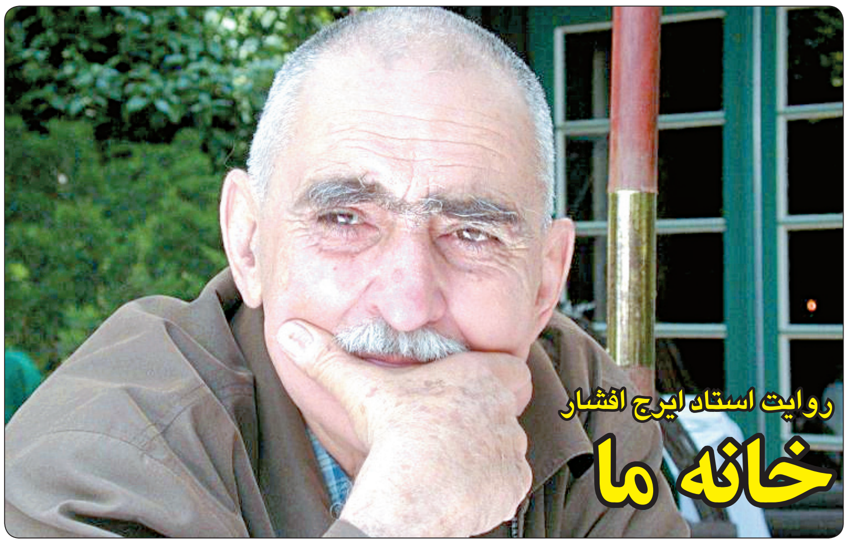
از ســـوی دیگر به خاطر ارتبـــاط ارگانیک و تنگاتنگ بخشهای گوناگون یک جامعه، همه جا و همه اضلاع آن را به طور غیر عادی و نامتعارف درگیر می‌کند و نوسان زده می سازد.

این اتفاق سالهاست و دهه‌ها که در اقتصاد ایران روی می دهد و مهمان ناخوانده و ناخواسته زندگی ایرانی است، با تاریخی که پشت سر گذاشته و خوف انقطاع در آن می رود.

افزایش سالانه هزینه‌ها که گاهی به دوبار و سه بار هم می‌رسد و تحمل دردناک تورمی دو رقمی در سال، از عوارض همین مسئله است که ثروت عمومی و مهمتر از آن ثروت انسانی و ثروت اخلاقی و اعتماد عمومی را قویاً دچار استهلاک و ای بسا اضمحلال می‌سازد.

در نتیجه کلیت زندگی را در جایی از عدد و رقم و در گوشه ای از پول رو به نزول و سقوط ـ چندان که افتد و دانی ـ و صفحه ای از ماشین حساب های قدیم و جدید ســـرگردان و آواره می‌سازد و بدیهی است همه چیز تابعی از همین آوارگی خواهد بود از آموزش تا بهداشت. از دینداری تا اخلاق ورزی. از ازدواج تا طلاق و از نوع لباس پوشـــیدن تا نوع غذا خوردن و ... به مســـائلی مبتلا می شود که خروجی آن کاهش کیفیت و افزایش بخش‌های هزینه ای و متعلقات آن است.

به سهولت می توان در این چرخه معیوب یک دور باطل بی پایان را با لعیان دید که هر لحظه بر شتاب شتابناک آن افزوده می شود و ارمغانش سرگیجه است و سردردهای هر روزه پیدا و پنهان. این سرطان از هر سرطانی بدتر است که یکسوی آن زندگی است و سوی دیگر آن نابود شدن خاموش و بی سرو صدای فرهنگ و تمدن و انسانیت.



روایت استاد ایرج افشار

خانه ما

خانه‌ای که من در آنجا زاده شـــدم و روزگار کودکیم در آن گذشت، باغی بود پوشیده از درختان میوه (سیادرخت) و کاج‌های بلند کهن‌سال. این باغ در ضلع شمال‌غربی چهارراهی بود که یک سوی آن راهی بود که به ســـر در سنگی می‌رسید و از سوی دیگر به چهارراه آقا شـــیخ هادی، یعنی در تقاطع خیابان پهلوی خیابان قنات (معروف به فرمانفرما) بود. روبروی باغ ما بخشی از تملکات وسیع عبدالحسین میرزا فرمانفرما بود که عاقبت کاخ مرمر شد.

باغ ما پیش از این که به پدرم برسد، از آن عموی او محمدتقی افشار بود و پیش از آن ملک میرزا عیسی وزیر. و از وزیر به عموی پدرم منتقل شده بود، ظاهراً بدین مناسبت که آقا محمد تقی در یزد متصدی امور تیول وزیر مذکور بود. از تصادف روزگار مقداری از نامه‌های عمومی پدرم به میرزا عیسی و سیدمحمد انتظام‌السطنه به دستم رســـید. از آن موقعی که آقا محمدتقی در یزد آن‌ها را اداره می‌کرده است، شاید این ملک ضمن محاسباتی که میانشان بوده‌است به ملکیت عمو قباله شده است. به هر تقدیر بعدها آقامحمد تقی آنجا را به برادر خود، حاجی محمدصادق، می‌دهد یا می‌فروشد و از او به پدر من می‌رسد.

بالای باغ ســـاختمانی دو طبقه بود با پله‌های دوطرفه که به خروجی مهمانخانه منتهی می‌شد و روبروی آن حوضی مدور بود. این ساختمان را حاج رحیم اتحادیه که طرف تجارتی جدم بود، به خواهش جدم در باغ ساخته بوده است.

کلید باغ پیش ازین که پدر من در آن مستقر شود در اختیار حاج‌زین‌العابدین یزدی بود. او نگاهبانی آنجا را بر عهده داشت. خانه خودش نزدیک به باغ در حوالی مقبره حاجی شیخ هادی عابران می‌شد. یادم نمی‌رود هر وقت منوچهر صانعی را می‌دیدم از آن انجیرها یاد می‌کرد، به یادم می‌آورد که در ایام طفولیت خود را از دیوار باغ ما بالا می‌کشید و انجیر می‌کند. او فرزند معمارباشی بود و خانه آنها در خیابانی بود که منتهی به خیابان شیخ آذر می‌شد. مدتی هم مدرسه بودیم. منوچهر صانعی بعدها به تجارت پرداخت و با حسن خدیوی (پیشکار امور علی‌اکبر داور) کار می‌کرد. بعدتر دست از تجارت کشید و به آجودانی شاه منصوب شد و بالاخره به‌طور عجیبی و فجیعی او را در تهران کشتند. او و همسرش را خدایش بیامرزاد.

پدرم از وقتی که در تهران استقرار یافت و مالک و صاحب‌اختیار باغ شده بود برای آنکه با حقوق رسمی دولتی زندگیش نمی‌گذشت به فکر امرار معاش از راه ایجاد مستغلات افتاد و جز خانه‌ای که در کوچه ایرج (خیابان قوام‌السلطنه) و کوچه سیمرغ (نزدیک سه راه شاه) خرید در قسمت‌هایی از باغ مسکونی ســـاختمان‌هایی کرد و برای آنکه خانه‌های احداثی به خیابان راه داشته باشند کوچه مانند درخت‌داری احداث کرد و مدخل آن را با در و نرده آهنی زیبایی محدود ساخت و کوچه را به نام دربند دکتر افشار موسوم کرد. این خانه‌ها چون جدیدساز و در محله خوب بود، غالباً مستاجران خارجی داشت. یادم است موقعی که سفیر ژاپون در یکی از آنها منزل کرده بود، ژاپونی در آن دوران تک و توک در ایران بود و چون چشمانشان و هیکلشان فرق داشت با خودمان، هوسی به دیدن آنها داشتم. دو فرزند کوچک هم داشت ولی اجازه به آنها داده نمی‌شد که با ما بازی کنند. وقتی به کوچه آورده می‌شدند غالباً اسباب‌بازی زیبا و رنگارنگ ساخت ژاپون در دست داشتند و ما به حسرت به آنها نگاه می‌کردیم. مستأجر دیگری که یادم هست مرد متشخص آلمانی بود به‌نام دالمن. گاهی شوکولا به ما تعارف می‌کرد. از قضای روزگار این شخص پس از اختتام جنگ جهانی دوم از آلمان نامه‌ای به پدر من نوشـــت و وضع سخت زندگی و بی‌غذایی خود را شرح داده و طلب مواد خوردنی کرده بود. پدرم در آن وقت سفر بود. من نامه را بردم و به مرحوم علی‌پاشا صالح که کمی با زبان آلمانی آشنا بود نشان دادم. از مستأجرهای دیگر که به یاد دارم یدالله خان عضدی پســـر امیر اعظم و داماد وثوق‌الدوله بود و یکی هم جهانشاه خان صالح بود و پسرش اصغر تقریبا همسن من و همبازی دوران کودکی من بود. بســـیار فرز و شیطان بود. حاجی چند تا گاو داشت که در باغچه‌ای واقع در اواخر امیریه نگاهداری می کرد و از فروش شیر و ماست و کره آنها زندگی خوبی داشت. خانه‌اش در چهارراه آقاشیخ نادر بود و سرشناس محله بود و با اغلب رجال محله آمد و شد داشت و مخصوصاً با خاندان نجم‌آبادی محشور بود. روزگاری که من از آن صحبت می‌کنم از دم باغ ما تا حوالی خیابان شاه چندین باغ و خانه بزرگ بود. چسبیده به باغ ما و در شمال آن باغ عزت‌الله خان بیات (داماد دکتر مصدق) بود. پسرش مجید همسن و سال من بود و در خیابان همبازی بودیم. روبروی ما به سمت مشرق کوچه فازن فلوت بود و پدرزن نخستین علی‌اکبر داور در آنجا سکنی داشت. در اول خیابان حشمت الدوله بعضی از خانه‌ها از مستغلات دکتر محمد مصدق بود

ادامه در صفحات ۴و۵

گفتگو

گفتگو با امین‌الله حسین

موسیقی ایران

آیا موســـیقی سنتی ما توان آن را دارد که به گسترش وسیع تن دردهد؟

نمونه‌ایی بدهم، به موسیقی اسپانیا نگاه کنید، موسیقی فولکوریک آن، که زیبا بود، به اهتمام موسیقی دانانش گسترش یافت و شهرتی جهانی یافت. نمونه دیگر موسیقی روسهاست. موسیقی ملی این جماعت در سال‌های ۷۰ ـ ۱۹۶۰ غنی بود و بی‌واسطه با موسیقی اروپایی.

«کلینکا» به این موسیقی جنبه علمی داد و چنان شد که موسیقی روس بر اروپا تأثیر نهاد. موسورسکی و برودین که هیچ کدام موسیقیدان حرفه‌ای نبودند موسیقی روس را تعالی بخشیدند ورمسکی کورساکف با راهنمایی‌اش آن‌ها را یاری بخشید. ببینید راه حل خاصی برای گسترش موسیقی ایرانی جز خلاقیت وجود ندارد. راه حل این نیست که شاگرد به اروپا بفرستیم و یا این که در لاک خود پنهان شویم، باید از همه چیز برای متجلی کردن این موسیقی استفاده کرد.

کسی که در راه موسیقی می‌کوشد باید موسیقی ملی را خوب بشناسد تکنیک راحتی از غربی‌ها یاد بگیرد، بداند که در چه دوره‌ای و برای چه کسانی کار می‌کند. اما زنهار که نباید تقلید کرد. می‌خواهید از غرب تقلید کنید؟ غرب سالهاست که از نظر فرهنگی دچار رکود و انحطاط شده است.

دنیا با صنعتی شدن، با درگیر ماشین شدن، روح خود را از دست داده است. صبح، در فراسوی دیوارهای سیمانی، نه صدای پرنده‌ای تو را از خواب برمی‌انگیزد نه در چشم‌انداز تو درختی و شـــکوفه‌ای است از خواب می‌پری به درون ماشـــین، مـــی‌روی ... خیابان‌ها و اداره‌ها، همه جا ماشین و شب در صدای پرخوف ماشـــین‌ها به خوابی ناآرام در می‌غلتی. این چه زندگیست؟ من که نمی‌توانم تحمل کنم.

خوشـــبختانه در ایـــران به چنین غرقابی نیافتاده‌ایم، پس سعی کنیم اصالت احساسات خود را حفظ کنیم. تفکر ایرانی و اوقات فراغت خود را عزیز بداریم. ریشه درخت قومیت خود را که فرهنگ باشد در زمینی استوارتر مجال گسترش دهیم. اینجا مقصودم نه آن ریشه‌ای است که فردوسی اشاره کرده است آنجا که می‌گوید: درختی که تلخ اســـت وی را سرشت... تا آخر می‌خواند.

ریشه کج ثمره تلخ ببار می‌آورد. من پیشنهاد میکنم، زنهار می‌دهم: که تقلید نکنیـــد! درخت بیگانه را در اینجا نکارید! گلبوته‌های خود را عزیز بدارید، همین شعر و موسیقی و نقاشی خودمان را بشناسیم قدرش را بدانیم و به آن بالندگی دهیم.

عده‌ای معتقدند که موسیقی ما بیشتر مناسب تکنوازی است نه همنوازی، شما چه عقیده‌ای دارید؟

موسیقی اصلاً از تکنوازی شروع شده، بدیهی است که می‌توان از آن مرحله به همنوازی رسید. موسیقی فولکلوریک ظرفیت وارياسیون دارد، امکانات بیشتری برای دگرگونی دارد، این بســـتگی به استعداد سازنده دارد که از آن چگونه به‌نحو مطلوبی استفاده کند. البته موسیقی محلی از موسیقی سنتی دستاموزتر است.اما یک هنرمند خلاق می‌تواند در معماری باشکوه موسیقی‌اش، از همه این اجزاء و عوامل تشکیل دهنده استفاده کند. به سنفونی آریابنگرید، من اینکار را کرده‌ام.

آیا با اشتکهاوزن موافقید؟ (این سؤال در پی بحثی راجع به موسیقی مدرن اروپاییش کشیده می‌شود استاد اندکی به تردید در پرسشگر می‌نگرد، شاید می‌خواهد از پاسخ دادن طفره برود اما لبخندی خط تردید را از لبانش می‌شـــوید ـ رندانه‌می گوید)

می‌خواهید مـــرا در تله بیندازید، به عنوان موافق یا مخالف صحبت کنم. نه من اینکار را نخواهم کرد، دستکم به اســـتدلال و بحث در این زمینه تن در نخواهم داد، اما اگر اصرار داشته باشید سلیقه‌ام را خواهم گفت شما می‌توانید با آن موافق باشید یا مخالف.

موسیقی اشـــتکهاوزن؟ بنده این را موسیقی به‌شمار نمی‌آورم، موسیقی با احساسات درونی ما باید رابطه برقرار کند، این ارتباط را نمی‌شود به‌صورت مصنوعی به‌وجود آورد. البته من نمی‌گویم که موسیقیدانان معاصر برگردند و مثل موزار آهنگ بسازند، نه، اما چیزی بسازید که با روحیه بشر سازگار باشد.

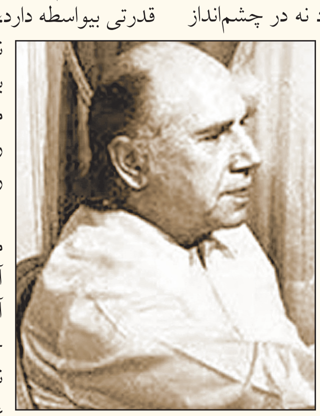
فکر نمی‌کنید که موسیقی اشتکهاوزن روحیه زمان مارا القاء می‌کند استاد می‌گوید: روحیه زمان؟

من این روحیه را حس نمی‌کنم، این ســـرود صدها مرا عذاب می‌دهد، البته این عقیده منست، من ارائه طریق نمی‌کنم ممکن است کسانی پیدا شوند که بخواهند عذاب بکشند و با این آثار گوش دهند، مختارند.

عالم‌اصوات

سخن به موسیقی فیلم کشیده می‌شود. امین‌الله حسین توضیح می‌دهد: من برای فیلم‌های بسیاری موسیقی ساخته‌ام، اما همیشه برداشت مستقل خود را داشته‌ام روش من این است که با خواندن ســـناریو سعی می‌کنم حالات قهرمانان فیلم و جریان‌های عاطفی قصه با موسیقی خود بیان کنم. گاه موسیقی من باعث شـــده که بسیاری از دیالگ‌ها حذف شود چرا که موسیقی به تنهایی برای بیان آن حالت کافی بوده است. موسیقیِ فیلم باید با تصویر آن سازگار باشد برای همین است که غالباً با کارگردان بحث می‌کنیم و به نتایجی مشـــترک می‌رسیم. وقتی سخن از هنرهای گوناگون به‌میان می‌آید امین‌الله حسین می‌گوید:

موسیقی چیزی ذاتی است، از درون انسان زاده می‌شود و بیشتر از همه هنرها انسانی است انسانی بدین معنی که مستقیم و بی‌واسطه از ذهن و قلب انسان زاده می‌شود. اعتقاد من این است که عالم صوت و صدا برای تأثیر نهادن بر روی دیگران قدرتی بیواسطه دارد، شـــما در موسیقی نیاز به ابزار زیادی ندارید شعر و موسیقی شما را فرا می‌گیرد. به‌سوی مرغان گریزپای اصوات پیش می‌روید، هر حرکت نابجایی آن پرندگان را می‌رماند. پس شما نه با جسم بلکه با روح خود به‌سوی آنها می‌روید.



پر از شوق اما آرام و سبکبال درست مثل خود آن مرغان، بعد با آن گریزپاها، با آن صداهای زنده در غیب، با آن اصوات آسمانی دمساز می‌شوید و آنها را دستاموز خود می‌کنید. این رفتار چندان ســـاده نیست، شما باید لطیف‌ترین موجودات عالم را، اصوات ناپیـــدا را، در خدمت معماری خلاقه هنر خود بگمارید. اگر صداقت داشته باشید صدای شـــما تأثیر خواهد کرد. در این عالم معنی نمی‌شود حقه‌بازی کرد، صنعت بکاربرد ـ اینجا همه روح باید بود و لطافت رفتار ما برای چه به دنیا آمده‌ایم؟

آمده‌ایم که فایده‌ای داشـــته باشیم برای خودمان و برای دیگران. وگرنه شبیه مریخی‌های خواهیم بود (می‌خندد) راستی مریخ‌ها بی‌فایده‌اند؟ در پاسخ این پرسش که شعر ایران در کار شما چه تأثیری نهاده می‌گوید: فرهنگ ایرانی تا حد زیادی مدیون شعرای آنست، شاعران ایرانی در مقایسه با شعرای سایر کشورها بزرگتر و اندیشمندترند.

این شعر است که روح ایران را پایدار ساخته است. شعر در کار من موثر بوده است.من شعر حافظ و سعدی و مولوی را می‌خوانم بارها با یادآوری شعر فردوسی برخود لرزیده‌ام. اشاره‌ام به تراژدی رستم و سهراب است. رستم این پسرکش که داستانش آنگونه پر احساس بیان شده است. می‌دانید که من بر اساس یک شعر سعدی ای کاروان آهسته‌ران کارام جانم می‌رود ـ قطع‌ایی ســـاخته‌ام آن جاودانگی که در شعر ایران هست در موسیقی من نیز ردپایی دارد.

یک منتقد فرانسوی نوشت وقتی من به کنسرت آندره حسین می‌روم با شنیدن موسیقی انگار به یک بی‌زمانی می‌رسم، این یک موسیقی‌یی است که از زمان فراتر می‌روید. من این حالت را در شعر ایرانی یافته‌ام در، عرفان ایران.

برگرفته از روزنامه اطلاعات ۱۳۵۵

گفتگوی مرحوم زاون‌با استاد خسرو سینایی /۳

بازی در سینما



معماری یه دوره لیسانس داشت و یه دوره فوق لیسانس من همه امتحان‌های دوره لیسانس را گذروندم یک امتحان مونده بود. هندسه ترسیمی بود.

سال چهارمی که توی دانشکده معماری بودم گفت تو رفتـــی حفظ کردی دوباره باید بیایی امتحان بدهی. و این اولین ردی من در زندگی بود همزمان با این طیاب و همین دکتر حریری معماری را شروع کرده بودند که یادمه امتحان ریاضیات معماری را من و طیاب با هم نشســـته بودیم و به هم می‌رسوندیم این بود که طیاب خیلی زود تصمیم‌گرفت تغییر رشته بدهد و برود در آکادمی فیلم. طیاب به من گفتش که من یه نقشی دارم تو بیا بازی کن.

برام هیچ وقت تیپی نبودم که عاشق هنرپیشه‌ها باشم و عکسشون را بزنم به دیوار. اورل فیلین را یادمه خیلی دوست داشتم، بچه که بود اورل فیلین به نظر من از همه بازیگرهایی که من تو سینما می‌شناختم شمشیرباز بهتری بود و یادمه بچه که بودم جلوی این آینه‌ای که خونه دخترم هست با یه دونه شمشیر چوبی شمشیربازی می‌کردم سینما خیلی جدی نبود برای اون زمان خیلی بیشتر به تئاتر و ادبیات و شعر توجه داشتم به هر حال طیاب گفت بیا این دو تا نقش را برای من بازی کن. من دو تا فیلم برای طیاب بازی کردم پشت صحنه من را جذب کرد.

از ماجرای معماری آن‌قدر عصبانی شدم که گفتم می‌رم رشته سینما امتحان می‌دهم برای این که خُبِ من که با شعر و ادبیات سرو کار داشتم با موسیقی سرو کار داشتم با نقاشی سروکَار داشتم در مرداد سال ۱۳۴۲ من توی همین گالری هنر جدید یه شب شعری گذاشتم که نادر نادرپور آمد افتتاح کرد رضا براهنی اون زمان خیلی جوون بود و مجله آرش را در می‌آوردند و به من گفتش که تو برگشتی اتریش برای ما شعر بفرست ما توی مجله آرش چاپ می‌کنیم.

***

اون موقع سینمای اتریش چه وضعی داشت؟ اون موقع وینانه شروع شده بود؟

وینانه هنوز شروع نشده بود. نه، هنوز از این خبرها نبود اتریش یه کشوری بود که خیلی آدم‌های بزرگ سینما از اون‌جا ریشه گرفته بودند منتهی کشور فقیری بود، معلم من کلم ولته بود که فیلم بتهوون را ســـاخته بود یا دون ژوئن را معلم فیلمبرداری‌مان ویلی سوم بود که از فیلمبردارهای گنده‌ی اوفا بود و بعد یه کتابش را برای من فرستاد و بیچاره از روی دکورهای گنده‌ای که اوفا اون وقت‌ها می‌ساخت افتاده بود روی صندلی چرخ‌دار می‌آمد. معلم‌های اســـتخوان‌داری بودند سینمای اتریش خیلی جدی بود منتهی اگه کسی می‌خواست فراتر بره باید می‌رفت یه کشور دیگه‌ای برای این که خود اتریش تولید به اون شکل نداشت.

یک چیز جالب یادم آمد، سهراب و منصور مهدوی و ۴ نفر دیگر به دانشکده ما آمدند این‌ها را به صورت مستمع آزاد پذیرفتند که تا شش ماه اگر توانستند خودشان را به سطح کلاس برسانند و رسماً سینما را ادامه دهند. مهدوی یک سال بعد قبول شد سهراب چون آلمانیش هم خوب نبود به عنوان مستمع آزاد قبول شد یعنی یکی از چهار نفری که پذیرفتند سر کلاس بیایند، ولی اون چهار نفر به عنوان مستمع آزاد پذیرفته شدند سهراب بعد از چند ماهی که آمد ناراحت بود و ناخوش شد و نیامد دیگه بعد هم شنیدم رفت فرانسه.

فرخ‌نژاد: سهراب چند سال از شما کوچکتر بود؟

سهراب، سه سال. سهراب متولد ۱۳۲۳ بود من آخر ۱۳۱۹ بودم.

فرخ‌نژاد: در ایران همدیگه را نمی‌شناختید؟

سینایی: نه نمی‌شناختیم، اونجا با هم آشنا شدیم. ما وارد آکادمی شدیم و یک دنیای تازه‌ای شکل گرفت من خیلی موفق بودم وقتی که تموم می‌کردیم من تنها دانشجویی شدم که رشته‌ی کارگردانی را با دو درجه ممتاز تموم کردم. اون آقای پرفسور وینکل بائر رئیس سمینار آکوردون کنسرواتور وین: گفت: تو چرا نمی‌آیی رسماً دانشجوی کنسرواتوار بشی؟ من یک دوره‌ی دو ساله را هم برای تدریس آکوردون دیدم که بتونم تدریس کنم سال آخری که وین بودم شاگرد هم داشتم و علاوه بر اون با گروه کوینتت آکوردون کنسرواتوار در نقاط مختلف اتریش کنسرت داشتیم و بالاخره رسید به جایی که آخرین کنسرت سلو، ۶ نوامبر ۱۹۶۵ در سالن موتزارت کنسرت‌هاووس وین داشتم.

اسم فیلم و نقش شما تو اون چی بود؟

فیلم اسمش هست خودکشی و خیلی بامزه است، نقش جوان عاشقی که آخر سر خودکشی می‌کند.

فرخ‌نژاد: شما هنوز دانشجوی سینما نبودید؟

نه هنوز نبودم وقتی اون فیلم را بازی کردم دانشجوی سینما نبودم.

فرخ‌نژاد: یعنی معماری را نیمه تموم گذاشته بودید؟

نه، نه ســـال‌های آخر معماری بود یعنی سال‌های آخری بود که قرار بود من معماری را ول کنم این هم زمان شـــد با این که طیاب به من گفت بیا این فیلمه را بازی کن.

ادامه دارد

یاد

حمیدفیضی

گفتگو با مهدی آگاه

قنات در فرهنگ ایران



آقای آگاه! شما از قنات به عنوان یکی از پایه‌های معیشتی و فرهنگی ایرانیان نام برده‌اید. علاقمندم برای شروع گفتگو این بحث بیش تر باز شود.

در طول زمان، دو دیدگاه راجع به تاثیرپذیر بودن فرهنگ و تمدن، از شیوه‌ی معیشت و زیست بوم در جوامع انسانی مطرح بوده است. از یک سو دیدگاه ابن‌خلدون را در سده‌ی چهاردهم میلادی داریم. وی توسعه‌ی تمدن و چگونگی فرهنگ هر جمعیت انسانی را در درجه‌ی اول متاثر از زیست بوم و جغرافی آن قوم می‌داند. مثلا این که چرا بعضی از تحولات متصل به تمدن در بعضی جاها اتفاق افتاد و چرا در بعضی از جاها دیرتر اتفاق افتاد یا نیافتاد، را تأثیر زیست بوم، جغرافیا و تاثیرگذاری جوامع هم جوار می‌داند.

دیدگاه دوم دیدگاه مارکسیستی است که تحول در ابزار تولید و شیوه‌ی تأمین معیشت را زیربنای تحولات فرهنگی و درجه‌ی رشد تمدن می‌داند.

دیدگاه ابن خلدون با چرخش کانون علم از بلاد اسلامی به رنسانس اروپایی به تدریج به بوته فراموشی سپرده شد. در دو قرن اخیر چنانچه فرهنگ و تمدن در بستر تاریخ بررسی شده باشد معمولا ابزار مطالعه خواسته یا ناخواسته متاثر از مارکس بوده است.

از اواسط دهه‌ی سی قرن بیستم، آن قطعیت گرایی مارکسیستی توسط عده‌ی روزافزونی از اندیشمندان غربی زیر سؤال رفت. پژوهش‌های این اندیشمندان ایشان را به مقدمه‌ی ابن‌خلدون و تاثیرگذاری محیط بر فرهنگ و اثر متقابل فرهنگ بر محیط رهنمون شد. در سال‌های اخیر تحلیل‌گران بر تاثیرگذاری هر دو گروه از عوامل بر نوع تمدن و فرهنگ جامعه تأکید دارند.

به عنوان مثال در سرزمین‌های مسطح، جغرافیا اجازه استفاده از نیروی آب برای سایش گندم و تولید آرد را نمی‌دهد. یعنی آسیاب آبی که جز ابزار تولید و معیشت می‌باشد، نمی‌تواند در چنین زیست بومی ابداع گردد. به عبارت دیگر دیدگاه ابن خلدون نسبت به دیدگاه مارکس در چنین زیست بومی ارجعیت دارد. یکی از ریشه‌های تفاوت فرهنگی بین مردمان فلات مرکزی ایران و صحراهای مرکزی شبه جزیره عربستان را می‌توان در آسیاب‌های آبی جستجو کرد.

ولی فرضا چنانچه زیست بومی اجازه‌ی استفاده از نیروی آب و باد را بدهد، قطعا نسبت به زیست بومی که در آن تنها انرژی انسان و چهارپایان پایه‌ی تولید است، بسترساز جامعه‌ی پیشرفته‌تری از نظر فرهنگی ـ هنری و سطح تمدن خواهد بود. علت امر آن است که هرگاه گندم را بتوانید بیش‌تر و ارزانتر آسیاب کنید، افراد بیش‌تری برای فعالیت‌های غیرتولیدی از جمله پرداختن به کارهای هنری آزاد خواهند شد. از هر کدام از این دو دیدگاه که بنگریم نقش قنات در توسعه‌ی فرهنگی تعیین کننده است.

این قنات چگونه ایجاد شده؟

اولین قنات‌ها در ایران احداث شده‌اند. حدس زده می‌شود که ایرانی‌ها در حفر تونل‌ها برای استفاده از معادن، به آب زیرزمینی مرحمی دید که می‌شد با دادن شیب ملایم، این آب را از معدن استحصال معدن را ممکن ساخت.

گروهی دیگر بر این باورند که اندیشه‌ی سازه قنات از گسترش بعضی چشمه‌های کوهستانی به وجود آمده است.

طبیعی است که اولین قنات‌ها در مناطق کاملا خشک و صحرایی بوجود نیامده باشند. زیرا در این مناطق طول رشته‌ی قنات چندین فرسنگ بوده و احداث آن، ده‌ها سال به طول می‌انجامیده است. چنین سرمایه‌گذاری انسانی در خور توجهی در جوامع با جمعیت اندک و با تولید غله‌ی در حد نیاز تولیدکننده، نمی‌توانست شکل بگیرد. می‌توان نتیجه گرفت که نخستین قنات‌های مناطق کویری در زیست بوم‌هایی ایجاد شده است که چشمه‌های کوهستانی در تمام فصول سال روستایی کویری با تولید نسبتا وسیع را آبیاری می‌کرده است.

بر این اساس اولین قنات یزد که ابتدا آب جاری در آن جا وجود نداشت، چگونه شکل گرفت؟

من قاصرم از این که عظمت مدیریت چنین پروژه‌ای را تصور کنم. اولین کسانی که خواستند در



جلگه یزد اقامتگاهی ایجاد کنند چگونه بدون آب در یزد مستقر شدند؟ استحصال آب در منطقه یزد یک کار چندین ده ساله است از چاه می‌توانید در حد خوردن و ایجاد یک باغچه کوچک سبزی آب بکشید، اما نمی‌توانید تمام انرژی غذایی‌تان را تأمین کنید. لازمه‌اش قنات بوده است با فرض آن که علم قنات را هم از جای دیگری آورده باشند، این اقامتگاه را به گونه‌ای تأمین مواد غذایی و آب می‌کردند که مردمش بتوانند ده‌ها سال به کار ایجاد قنات بپردازند. سؤال شما مثل مسأله تقدم مرغ و تخم مرغ با یکدیگر است. همین که اولین قنات احداث شده باشد، ایجاد قنات‌های بعدی را می‌توان به سادگی در ذهن خود بازسازی کنیم. خلاصه می‌خواهم بگویم که تبعات فرهنگی و تمدنی ایجاد قنات در مناطق کویری بسیار گسترده بوده و خود این ابزار اصلی تولید کشاورزی متاثر از مسأله جغرافیایی و زیست بومی است.

*** پس از این جغرافی بود که احداث قنات را برای زندگی در فلات مرکزی ایران، الزامی کرد. آیا قنات توانست به نوبه‌ی خودش بر فرهنگ جامعه تأثیر گذارد؟**

پاسخ علمی و مستند دادن به این پرسش مستلزم پژوهش و کنکاش از جانب دانشمندان با تخصص‌های گوناگون است در این گفتگو برای آن که باب جدل گشوده شود برداشت‌های خام خود را عرضه‌می‌کنم.

پاسخ من مثبت است. نخست به نکته‌ای می‌خواهم اشاره کنم که در بین روشنفکران ایران (شاید به استثنای شادروان ابراهیم باستانی پاریزی) مغفول مانده است. در آستانه‌ی تحولات علمی و صنعتی اروپا، در فلات ایران از حدود ۵۰ هزار رشته قنات برای آبیاری کشاورزی استفاده می‌شد. سازه‌های این قنوات شامل بیش از ۳۰۰ هزار کیلومتر کانال افقی زیرزمینی و ۳۰۰ هزار کیلومتر چاه عمودی بود.

اکثر مورخین جمعیت ایران را در آغاز صنعتی شدن اروپا، حدود ۱۲ تا ۱۵ میلیون نفر برآورد کرده‌اند. با این دو فرض متوجه می‌شویم که سرانه‌ی سرمایه‌گذاری صورت گرفته در قنوات، شبکه‌ی آبیاری، تسطیح اراضی، ابنیه‌ی مسکونی و عمومی و راه‌های اتصال روستاهای پراکنده در فلات خشک ایران، رقمی بسیار در خور توجه بوده است. تنها سهم سرمایه‌گذاری در ابنیه‌ی عمومی شامل مساجد، مدارس، کاروانسراها، بازارها، گرمابه‌های عمومی، آب انبارها و یخچال‌ها خود رقم قابل توجهی بود که همگی به دست شهروندان و در چارچوب وظیفه‌ی اجتماعی احداث شده بود.

یکی از معیارهایی که با آن جوامع بشری، از نظر سطح تمدن سنجیده می‌شوند، انباشت سرمایه‌ی سرانه در آن جامعه است. تصور بنده این است که چنانچه سرمایه‌گذاری سرانه‌ی فوق در ایران در آغاز صنعتی شدن اروپا با آن جوامع، مقایسه شود سرمایه‌گذاری سرانه در ایران در سطحی بالاتر از اکثر جوامع اروپایی قرار گیرد. یعنی با این معیار تا همین اواخر، ایران از سطح بالاتری از تمدن نسبت به جوامع اروپایی برخوردار بود.

ویژگی‌هایی در فرهنگ و تمدن سه هزار ساله‌ی ایرانیان وجود دارد که در بین سایر اقوام مشاهده نمی‌شود. نابجا نیست اگر این طور تصور کنیم که این ویژگی‌های تاریخی باید به عوامل جغرافیایی و شیوه‌های تولید در این سرزمین برگردد. در این سه هزار سال، معیشت در ایران بر چند پایه استوار بوده است:

۱ـ زراعت متکی به قنوات که در فلات مرکزی ایران بیش‌ترین سهم را دارد. به لحاظ عمدتا کویری بودن، این مناطق محدودیت شدید دسترسی به سوخت را نیز داشتند. خصوصیت تاثیرگذار دیگر اقلیمی این مناطق تفاوت فاحش حرارت در طی شب و روز و در فصول سال است. برای مثال این تفاوت درکرمان در شبانه روز به بیش از ۳۰ درجه سانتیگراد و در طول سال، به بیش از ۷۰ درجه سانتیگراد می‌رسید. سکونت با رفاه در این اقلیم نیازمند کوششی مضاعف است.

۲ـ زراعت متکی به رودخانه‌ها که بیش‌تر در پیرامون فلات ایران و در اراضی پست‌تر رایج بوده است.

۳ـ زراعت دیم توأم با دامداری که عمدتاً در کوهپایه‌های مرزی فلات ایران قرار دارد و عشایر کوچ‌نشین در حد فاصل بین مناطق دوگانه‌ی فوق، سالانه دوبار با مرارت به ییلاق و قشلاق مبادرت می‌کنند. معیشت در این زیست بوم جز از طریق انتقال عشیره و صدها هزار دام بین چراگاه های گرمسیری و ارتفاعات پر از برف میسر نبود. در این زیست بوم قطعاً مردمی پایدار می ماندند که توانایی جسمی فوق‌العاده‌ای از پیر و جوان داشته باشند.

۴ـ شهرهای بزرگ که در نقاط تقاطع راه‌های مواصلاتی ایجاد شده و عمدتا اصناف تولیدی را در محله‌های پیرامون بازار مرکزی در خود جای داده است. بخاطر بُعد مسافت در ایران، این شهرها محل بارانداز و خرید و فروش کالاهای بازرگانی بوده که از سرزمین‌های دور با قافله‌های شتر توسط ساربانان جابجا می گشته است. آن چه فرهنگ و تمدن ایران را می‌سازد کنش و واکنشی است که بین اقوام ساکن این زیست بوم ایجاد شده است.

همگی ما نسبت به ویژگی‌های رفتاری هر یک از جوامع فوق، پیش‌داوری‌هایی در ذهن خود داریم. مثلا از دیرباز در بین ایرانیان جوامع گروه یک، مردمی حسابگر، صبور، با تدبیر ولی‌ترسو قلمداد شده‌اند از حکایات عبید زاکانی درباره‌ی ترسو بودن مردم نواحی کاشان و بیزاری از جنگ در میان ایشان تا داستان‌های نبرد دو روستایی اصفهانی از دو سوی مادی (نهر آب) که اگر من در آن سو بودم، چها که نمی‌کردم، حکایت‌ها نقل می‌شود. چون اصالتاً یزدی هستم، می‌توانم به عنوان تصدیق، داستان‌های متعددی در میزان «دلاوری» مردم یزد، بازگو کنم. می‌گویند گربه‌ای فیش کرد، یزدی جا خورد و از جایش پرید. گفتند گربه فیش فیش می‌کند، چرا ترسیدی؟ گفت: «من خواز گربه نمترسم. فقط احتیاط مکنم.» در داستانی دیگر، اواخر قاجار در کرمان شورش می‌شود. حاکم کرمان از یزد کمک می‌خواهد. یزدی‌ها حدود ۸۰۰ـ۷۰۰ تفنگ‌چی و مهمات، سرهم‌بندی می کنند و به طرف کرمان می آیند. به کوهبنان که می‌رسند. بیست نفری تیرانداز از عشایر شورشی کرمان را می‌بینند که به طرفشان تیر می‌اندازند برد تفنگ شورشی‌ها اندکی بیشتر از تفنگ یزدی‌ها بوده است.

فرمانده یزدی کمی اوضاع را بررسی می‌کند و به یزد بر می‌گردد و گزارشی به تهران می‌فرستد که حاکم کرمان از ما درخواست کمک نظامی کرد، ما به کمک شتافتیم. اولی خوشبختانه بدون هیچ‌گونه تلفاتی با تمام قوا از میدان جنگ به سلامت به یزد برگشتیم

گروه دوم که عمدتاً شامل ساکنان نواحی حاشیه‌ی خزر و ساکنان خوزستان است در بین گروه‌های دیگر معروف به داشتن خصلت‌هایی نظیر سادگی، زودباوری، کاهلی و خوش‌گذرانی است. شاید انتصاب این خصلت‌ها به ایشان از سوی یزدی‌هایی صورت گرفته باشد که نسبت به دسترسی راحت و بی‌حد ایشان به آب جاری شیرین احساس حسرت‌می‌کنند.

گروه سوم یعنی عشایر راه، سایر گروه‌ها افرادی قوی، جنگاور که احساساتی، زودخشم، سست‌دین، دیرگرمابه، ولی غیور و پرطاقت می شناسند.

گروه چهارم هم ساکنان شهرهایی نظیر دزفول، شوشتر، یزد، کرمان، کاشان، اصفهان، تبریز و... می‌باشند. ساکنان این شهرها را نساجان، آهنگران، کفاشان، زرگران، مسگران، کلاهدوزان، لحاف‌دوزان، بازاریان و بازرگانان کثیرالسفر تشکیل می‌دادند. سایر گروه‌ها خصلت‌های ناپسند نظیر دروغ‌گویی، آز، دورویی، پنهان کاری، تقلب و کم‌فروشی را ویژگی گروه چهارم می دانستند. حال آن که برای مشورت حتما لازم می دیدند که از تدبیر، آینده‌نگری و شناخت‌شان از جهان خارج بهره برند. امروزه معمولاً این صفات نزد گروه‌های چپ به خصلت‌های بخش خصوصی تعبیر می‌شود.

این چهار گروه برای حدود سه هزار سال است که در همین سرزمین زندگی کرده و مجموعا علیرغم تفاوت‌های معیشتی و شیوه‌ی تولید، خود را ایرانی می‌شناسند. تفاوت‌های فاحش میان خصلت‌های فردی نزد این چهار گروه مانع از آن نبوده که در این سه هزار سال، پیوستگی زبانی و فرهنگی خود را علیرغم شکست‌های مکرر از اقوام دیگر، حفظ نمایند.

ادامه دارد

روایت استاد ایرج افشار

خانه ما

ادامه از صفحه اول

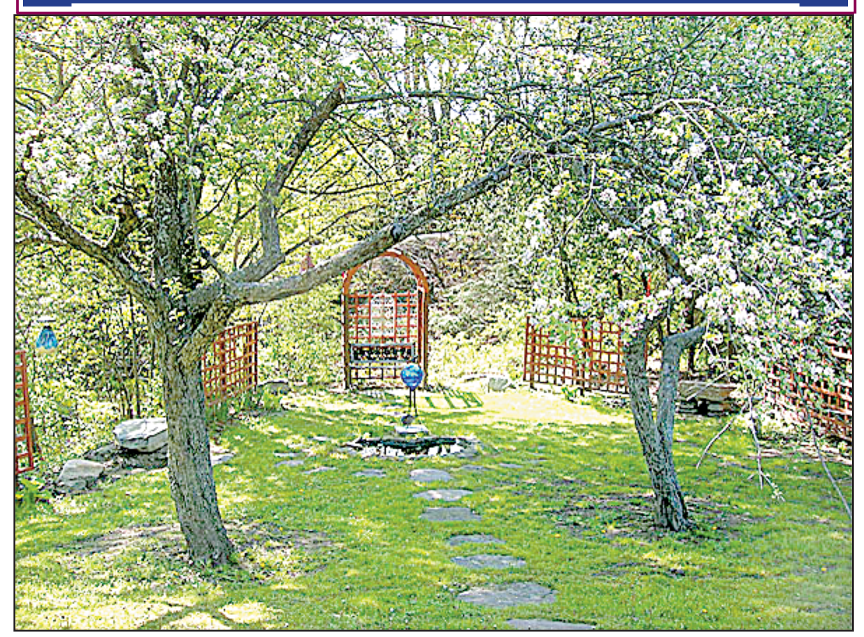
و در شمال همین مستغلات باغ بزرگ و ساختمان مجلل دکتر محمد مصدق قرار داشت. همان باغی که پس از شهریور ۱۳۲۰ به اجازه فرهنگی وکس یعنی محل تبلیغات شوروی درآمد و روزهای پرشوری را جوانهای آن روزگار در آنجا گذرانیدند. خانه علی‌پاشا صالح چسبیده بدان بود. در سمت مشرق خیابان، کمی بالاتر از کوچه بیمارستان وزیری، خانه بزرگ دکتر یوسف بزرگمهر (علیم‌السلطنه) بود، یعنی پدر منوچهر بزرگمهر و هشت نه فرزند دیگر. از میان آنها جمشید کمی از من بزرگتر بود و مقداری از سالهای تحصیلی را با هم گذراندیم و با خواهرش میهن بانو (که بعدها همسر دکتر عیسی سپهبدی شد) در کتابخانه دانشکده حقوق همکار شدم. خواهر دیگرشان همسر استادم دکتر محسن صبا بود.

باغ ما یکسره از درختان میوه پوشیده بود. در آن روزگاران مرسوم نبود که درخت تزئینی (جز چند تا شمشاد و گل سرخ و گل چایی)بکارند و زمین ثمرآور را به گیاه بی‌ثمر هدر بدهند. سیب و گلابی و انگور وزردآلو و هلو و آلبالو و خرمالو هر یک به فصل خود می‌رسید و چون زیاد بود سینی می‌کردند و پدرم برای دوستان می‌فرستاد. مزه انجیر ممتاز آنجا هنوز زیر دندانم است. درختهای انجیر را در باغهای قدیم کنار دیوارهای سمت مغرب می‌کاشتند که آفتابگیر و از سوز زمستان در پناه باشد. انجیرهای باغ ما سر از دیوار چینه‌ای برون کرده بودند و مقداری از آنها را دست‌چین می‌کردند.

بنا به نوشته‌ای که پست قرآنی متعلق به خانواده هست، من تا پنج پشت خود را بیش نمی‌شناسم. پدرم محمود بود و او فرزند محمد صادق و او فرزند احمد و او فرزند کربلائی عاشور افشار. کربلایی عاشور را نمی‌دانم چه کاره بوده است. آنچه احتمال می‌دهم می‌باید از اخلاف افشارهایی باشد که در دوران صفویه درکرمان و یزد مناصب دولتی داشته‌اند. اما فرزند او، حاجی احمد افشار، مسلم است که در یزد به تجارت اشتغال داشت و صاحب ثروتی بود که در زمان جنگ هرات حاکم وقت یزد از او تنخواهی طلب می‌کند و بنا به گفته محمدجعفر خورموجی در کتاب «حقایق الاخبار ناصـــری» از حاجی مبلغ یکصدهزار تومان گرفته می‌شود و حاجی به تظلم راهی تهران می‌شود و به حضور ناصرالدین شـــاه بار می‌یابد و موفق به پس گرفتن آن وجه می‌شود. تفصیل قضیه را در کتاب مذکور باید دید و پدرم هم در مقدمه «گفتارهای ادبی» از تألیفات خود بدان موضوع پرداخته است. حاجی احمد دو عیال داشته است که یکی کاشانی بود و او را در بازگشت از سفر تهران، در چند ماهی که نزد طرف تجارتی خود در کاشان مانده بود، به عقد و ازدواج در آورده بود و محمدصادق و محمدتقی از او متولد می‌شوند. فرزندان دیگر، از همسر نخستین او بوده‌اند. همه فرزندان حاجی احمد و اخلاف آنها مگر یکی (حاجی احمد که به تحصیل علوم دینی پرداخت) همه راه بازرگانی پیش گرفته بودند.

پدر بزرگم حاج محمدصادق بود. او از همسر کاشانی حاج احمد فرزند ارشد بود و تجارت می‌کرد و در میدان تجار یزد ازمقدمان بود. نمونه‌ای از فکر عمومی و اعتبار محلی او سخنانی است که در مجلس حکومت، به مناسبت اجرای انتخابات دوره اول ایراد کرده و در روزنامه صوراســـرافیل چاپ شده است. حاجی محمدصادق در دوره جنگ بین‌المللی اول اسمش جزو «لیست سیاه» بود. این مطلب از نامه‌ای که... انگلیسی به حاجی رحیم اتحادیه نوشته است و خانم منصوره اتحادیه آن را به من داده است مستفاد می‌شود. خاندان پدری به کارهای عمرانی علاقه‌مندی داشته‌اند. در مســـجد فرط یزد که از مساجد بسیار قدیمی اســـت، دیدم که در آنجا وقف افشار است. آب انبار و کاروانسرا و بازار افشار نیز از ساخته‌های آنهاست. اخیراً هم بیمارستان بزرگ شهر یزد را حاجی محمدصادق (دوم)، فرزند حاجی محمدجواد بنیاد نهاد. کتابخانه عطاالله افشار هم از خیرات دیگر آنان است.

پدرم متولد ۱۳۱۳ قمری بود. نمی‌دانست چه روزی متولد شده است. چندی در یزد درس خوانده بود و نزد میرزا حسن مشاق بافقی که خوش خط زمانه خود در یزد بود، مشق خط کرده بود. نسبتاً خط خوشی پیدا کرده بود یعنی خط خوانای محکمی داشت. پس از آن او را به هندوستان می‌فرستند. سه سال در آنجا درس خوانده بود. بعد به ایران باز می‌گردد و به مدرسه علوم سیاسی وارد می‌شود. معلمان او عبدالعظیم قریب، رجبعلی منصورالملک، باقر مهذب الدوله کاظمی و... بوده‌اند. منصور الملک و مهذب الدوله از شاگردان پیشین همان مدرسه بوده‌اند جزوات درسی آنجا به خط پدرم باقی است و همه را به کتابخانه دانشکده حقوق و علوم سیاسی بخشیدیم که اینک در مجموعه خطی‌های آنجا موجود اســـت سال اول را به پایان می‌رساند سپس پدر او را به سوئیس می‌فرستد. در لوزان دوره متوســـطه را می‌گذراند و در سال ۱۹۲۰ میلادی به اخذ درجه دکتری در علوم اجتماعی (رشته سیاسی) نایل می‌شود. رساله‌اش سیاست اروپا در ایران نام داشت و حدود چهل سال از مراجع کسانی بود که در زمینه تاریخ دیپلماسی ایران تحقیق می‌کردند. پس از بازگشت با مادرم (نصرت برازنده همدانی) ازدواج کرد که پدر و عمویش از تجار یزد بودند. نه فرزند پیدا کرد. نام همه را از نام‌های ایرانی گذاشت. چون تهران را محل اقامت اختیار کرد به نشر مجله «آینده» پرداخت. داوطلب وکالت از تهران و یزد شد و توفیق نیافت. در مدرسه‌های علوم سیاسی، نظام و دارالفنون تدریس می‌کرد. در مدرسه علوم سیاسی درس تاریخ دیپلماسی می‌داد. به دعوت داور مدرسه عالی تجارت را تأسیس کرد و بعد به دعوت همو مستشاری استیناف را پذیرفت ولی بر سر تغییر قضاوت میانشان اختلاف افتاد. پس به دعوت تقی‌زاده به وزارت مالیه منتقل شد و ریاست ادارهٔ اقتصادی و حقوقی به او داده شد. در آنجا هم ظاهراً به مناسبت اشاره‌ای که خود کرده است با تقی‌زاده اختلاف پیدا می‌کند. جزئیات را نمی‌دانم و نگفته است آنچه اشاره است این است:



پس از اینکه داور وزیر مالیه می‌شود باز خود را به وزارت عدلیه منتقل می‌کند و در آنجا به مستشاری دیوان کشـــور برگزیده می‌شود. اما پس از شهریور ۱۳۲۰، ظاهراً با مجید آهی که وزیر دادگستری شده بود اختلاف پیدا کرد و به سمت مشاورت به وزارت فرهنگ رفت تا اینکه چندی معاون آن وزارتخانه شد و بر سر نطقی که دربارهٔ آزادی زنان ایراد کرد، ناگزیر به کناره‌گیری شد. پس از آن تقاضای انتظار خدمت کرد و کاری در دستگاه‌های دولتی قبول نکرد. این چند تجربه نشان می‌دهد که نمی‌توانست مطابق ترتیبات اداری ایران سر سازگاری داشته باشد.

مجلهٔ «آینده» در همان سال اول شهرت بسیار یافت. زیرا تا آن وقت هیچ نشریهٔ جدی بر آن اسلوب به مباحث سیاسی و اجتماعی و انتقادی نپرداخته بود. خریداران اغلب از رجال و افراد متشخص بودند. دفتر نام مشترکین آن باقی است و من آنها را به کتابخانه دانشگاه تهران واگذار کردم.

اما مادرم فرزنـــد آقامیرزا نصرالله همدانی بود. پدرانش به تجارت حنا و مازاداری اشتغال داشتند و چون به خرید و فروش چرم به همدان طرف معامله بودند به همدانی شهرت گرفتند. مادرم سیزده ساله بود که به عقـــد پدرم درآمد و از یزد به تهران آورده شد. پدرم به او تکلیف کرده بود که به تکمیل سواد و حسن خط بپردازد. همه روزه می‌بایست مقداری مشق بنویسد و مقداری فرانسه بخواند. خطش پیشرفت می‌کند. نمونهٔ نوشـــتهٔ او کتابی تألیف محمدامین رسول‌زاده است که پدرم خواسته بود از روی نسخه‌ای نوشته شود. این‌گونه کارها و تفننها را از وقتی که فرزند می‌زاید ترک می‌کند. نه فرزند آورد که یکی دختری به نام پروین در کودکی به حوض بزرگ خانه درغلطید و درگذشت. فرزندان دیگرش، جز خودم، عبارتند از نادر، مهدخت، مهربانو، فرنگیس، ساسان، خسرو، قباد. پدرم پشت قرآن خطی جهیزیهٔ مادرم زاده شدن مرا شانزدهم مهر ۱۳۰۴ نوشته است.

بخش خانوادگی را نمی‌توان گذاشت و گذشت مگر اینکه از خاله‌ام بی‌بی‌فاطمه خانم یاد کنم زیرا نسبت به ما مهربانی خاص داشت. چون فرزند پیدا نکرد، مهر مادری نهـــادی‌اش را صرف بر ما کرد. سالهایی که در یزد اقامت داشت بار خانه‌اش که از شیرینی‌های ممتاز و برگه‌های خوش طعم ده بالا و نان خشـــک خانگی و اناردان و رب انار غول‌آباد و کشمش بسیار عالی مروست مملو بود، هرچند یکبار می‌رسید و تا چندی آجیل جیب ما به هنگام مدرسه رفتن می‌شد.

آن دیگر که باید از او یاد کنم، ننه رقیه عرب بود. از مجو مرد میبد بود. دایهٔ مادر و خاله‌ام بود. بیست و هشت سال من با او زیستم، در ۱۳۲۸ درگذشت. قصه‌گو و لالایی‌خوان و خوش‌زبان بود. تا می‌توانست خلاف دســـتورهای اخلاقی و غذایی پدرمان رفتار می‌کرد. در پنهان پسله با ما آنطور می‌بود که خودش می‌خواست و ما آن را می‌پسندیدیم و از سر مهربانی می‌دانستیم.

پدرم در سال ۱۳۱۵ مجبور به ترک خانهٔ بزرگ، نزدیک سرسنگی، در خیابان پهلوی شد. زیرا باغ پهلو به پهلوی باغی بود که رضاشـــاه برای سکنای یکی از همســـران خود خریده بود و بعضی از ایام را در آنجا می‌گذرانید. برای اینکه از خانهٔ مجاور، که باغ ما بود، کسی به باغ شاه نرود و خطر احتمالیش پیش نیاید پدرم را واداشتند خانهٔ مسکونی را به کلانتری محل اجاره بدهد. پس ناچار شدیم که از اینجا به باغ فردوس شمیران که در همان اوقات پدرم خریده بود برویم. تابستان بود و دشواری نداشت، اما نمی‌دانم چه شد که پدرم تصمیم گرفت همانجا بماند و نخواست که به یکی دیگر از مســـتغلات خود در شهر منتقل شود.

باغ فـــردوس باغی بزرگ بـــود که مرحوم دوست‌محمدخان معیرالممالک برای اوقات تابستانی و گذران ییلاقی به وجـــود آورده بود. در حقیقت مزرعه‌ای بود شامل بر قنات مخصوص خود و پنج استخر وسیع، یکی در قسمت شمالی ساختمان و چهار تا در تخته‌های جنوبی و چند حوض کوچک در جوانب ساختمان. درختان چنار قطور نزدیک مظهر قنات گویای قدمت مزرعه است که پیش از معیر بر جای بوده است. باغ فردوس از یک سمت به محمدیه و از سویی به زعفرانیه و از جانب جنوب به باغ‌های عزالدوله سالور محدود می‌شد. در اوراق بازمانده از عزالدوله و عین‌السلطنه (پدر و پسر) مدارکی مربوط به باغ فردوس دیدم و دکتر منوچهر ستوده در کتاب خود به نام «جغرافیای شمیران» وصفی تاریخی ازین باغ برگفته است.

ساختمان آن مجلل و مزین به گچکاری‌های خوب و دارای تالارهای مفرح بزرگ با چشم‌انداز دل‌انگیز بود. ایـــن آبادی بعد از آن محمدولی خان تنکابنی، سپهسالار اعظم بود و در قبال بدهی‌هایش از بابت مالیات به دولت تعلق گرفت. یعنی خالصه شد و دولت در زمان وزارت مالیهٔ علی اکبر داور که اجازهٔ فروش خالصات را گرفت، باغ فردوس را هم به گروهی از کارمندان وزارت مالیه و عدلیه (که داور در هر دو جا خدمت کرده بود) به اقساط چند ساله فروخت.

پدر من هم که آن زمان عضو وزارت مالیه بود، توانست قسمتی را بخرد و آن قسمت بود که اندرون بزرگ آن تشـــکیلات در آن واقع بود. بنایی که سه طرفش ایوان بود. هر ضلع بنا حدود بیست و پنج بود. در وسط آن ساختمان حوض‌خانه‌ای گردی بود و اطراف آن هشت اطاق بزرگ بود و درختهای چنار کهنسال جای جای باغ سر به آسمان افراشته بود. نام ساختمان اندرونی را جایی خواندم که اشک بهشت بود و اکنون به یاد نمـــی‌آورم که کجا خواندم. باغ فردوس در روزگار معیر از تفرجگاه‌های شاهزادگان و اعیان و رجال مملکت بود. ناصرالدین‌شاه هم گاهی به آنجا سر می‌زده است. ساختمان بزرگ را دولت به وزارت فرهنگ داد و نخستین دبیرستان تجریش به نام «شاپور» در آن بنای مجلل تأسیس شد.

گفتگو

مصاحبه با زنده یاد ابوالحسن نجفی/۳

بازگشتن همان و ماندن همان!

*** سفر فرانســـه چقدر طول کشید و سفر بعدی‌تان کی بود؟**

تقریباً یک ســـال و نیم طول کشید. به ایران بازگشتم و یک سالی بیکار و بلاتکلیف بودم. فقط با مجله ســـخن همکاری می‌کردم و در جلسات شـــبانه آن که هفته‌ای دو بار با حضور جمعی از نویســـندگان و همکاران مجله تشکیل می‌شد شرکت فعالانه داشـــتم. بعد توانستم، با سفارش دکتر خانلری که آن زمان وزیر فرهنگ شده بود، از انستیتوی فرانسه بورس بگیرم و دوباره عازم فرانسه شوم.

این بار دیگر مستقیماً در رشته زبان‌شناسی شروع به تحصیل کردم و در عین حال در کلاس آواشناسی (فونتیک) هم نام‌نویسی کردم و در پایان ســـال تحصیل در این هر دو رشته موفق به اخذ سرتیفیکا شدم.

در سال تحصیلی بعد، در «مدرسه مطالعات عالی» وابسته به سوربن در کلاس‌های تکمیلی زبان شناسی که استادش همان آنده مارتینه بود و نیز در درس‌های «نقد ادبی» رولان بارت شرکت کردم.



سپس برای موضوع رساله دکتری‌ام نزد مارتینه رفتم. مارتینه در همان جلســـه اول از من پرســـید که به کدام قسمت زبان‌شناسی علاقه‌مند هســـتم. صرف یا نحو یا آواشناسی؟ من گفتم که می‌خواهم رساله‌ام را در زمینه نحو بنویســـم و او پیشـــنهاد کرد که به بررسی حروف اضافه در متون معاصر زبان فرانسه بپردازم. در همان جلســـه رمان بچه‌های کوچک قرن را که به تازگی خوانده بود و خوشش آمده بود به من داد و از من خواست که حروف اضافه آن را استخراج کنم.

این کتاب که بعداً آن را به فارســـی ترجمه کردم به زبان گفتاری نوشـــته شده بود و مملو از اصطلاحات عامیانه بود. کتاب را خواندم و حروف اضافه‌اش را استخراج کردم، اما به نظرم آمد که آن کتاب خیلی کوچک است و باید مواد بیشتری از منابع دیگر استخراج کنم. این شد که یکی دو متن دیگر را نیز از این حیث بررسی کردم و حاصل کار را پیش مارتینه بردم.

وقتی مارتینه کارم را دید خوشـــش آمد و گفت بهتر است رسما کار رساله‌ام را شروع کنم و موضوع رساله‌ام را هم «ساخت‌های حروف اضافه در زبان فرانسه» تعیین کرد.

در همان جلســـه کتاب‌های دیگری را هم به من معرفی کرد، من جملـــه آثاری از تنی‌یر (Tesniere)، دیگـــر زبان شناســـی معروف فرانسوی، که اول بار اسمش را از همو شنیدم. من بر اساس نظریه مارتینه شروع به بررسی حروف اضافه در جملات فرانسه کردم و اتفاقاً به نکات جالبی در زمینه طبقه‌بندی افعال برحسب حروف اضافه آنها دست یافتم.

پس از مدتی دوباره حاصل کار را به او نشان دادم و او گفـــت که کار برایش تازگی دارد و مرا تشویق کرد که به تحقیقاتم ادامه دهم. کم‌کم طرح رساله‌ام را نوشتم و فصل اول آن را هم تمام کردم. پس از گذراندن امتحان شـــفاهی دکترا نزد یکی دیگر از استادان سوربن، از نظر تقویم دانشگاهی مدت کوتاهی فرصت داشتم که رساله‌ام را به ثبت برسانم.

در این زمان مدت بورســـم به سر آمده بود. موضوع را با مارتینه در میان گذاشـــتم و او هم با گشاده‌رویی به یکی از مراکزی که بورس می‌دادند نامه‌ای نوشـــت و از من به عنوان شاگرد ممتاز خویش یاد کرد و خواست که بورسی به من تعلق بگیرد.

هنوز کپی عکس‌برداری شده آن نامه را دارم. اما خانلری دیگر وزیر نبود و اقدام مارتینه نتیجه‌ای نداد و من هم نتوانستم کاری را تا آخر آوریل تمام کنم. ناچار می‌بایســـت برای دفاع از رساله تا ماه سپتامبر صبر کنم.

شـــاید اگر آدم فعال‌تر و زرنگ‌تری به جای من بود دست از تلاش برنمی‌داشت و دنبال کار را می‌گرفت و به نتیجه می‌رسید، اما من هیچ‌گاه چنین روحیه‌ای را در خـــودم ندیده‌ام. در همان اوان، تصادفاً شاهرخ مسکوب را در پاریس دیدم. او برای گذراندن بورس شش‌ماهه‌ای به فرانسه آمده بود و حالا دیگر داشت کم‌کم وسایلش را جمع می‌کرد که برگردد به ایران.

مســـکوب اتومبیلی خریده بود و قصد داشت با همان اتومبیل از فرانسه به ایران بـــرود. او به من پیشنهاد کرد که همراه او به ایران برگردم و در آنجا کار رســـاله‌ام را تمام کنم و ماه سپتامبر برای دفاع بازگردم. من هم پس از قدری دودلی عاقبت قبول کردم و دونفری از فرانســـه با اتومبیل او به ایران بازگشتیم. اما بازگشتن همان و ماندن همان!

*** یعنی دیگر برنگشتید؟**

خیر! و این مربوط می‌شود به سال ۱۳۴۴.

*** چرا برنگشـــتید؟ خودتان نخواستید یا مشکلاتی پیش آمد؟**

راستش اول فکر می‌کردم چون تمام فیش‌ها و مآخذم همراهم هست، می‌توانم کارم را در ایران تمام کنم. اما بعد که به ایران آمدم دیگر تمرکزم از بین رفت و گرفتار کارهای دیگر شدم و به هر حال نتوانستم دنبال آن کار را بگیرم. مثلاً ترجمه بچه‌های کوچک قرن را که در پاریس تقریباً تمام کرده بودم، در همان چند ماه اول ورودم به ایران آماده کردم و تحویل انتشارات نیل دادم.

ایـــن اولین کاری بود که بـــه نیل می‌دادم. ایـــن را هم بگویم که اگـــر در زمان ترجمه آن کتاب در فرانسه نمی‌بودم، هرگز از عهده ترجمه اصطلاحات عامیانه و زبان آرگوی آن بر نمی‌آمدم. معنای این اصطلاحات را در هیچ فرهنگ لغتی نمی‌شد پیدا کرد، و من کراراً به خود فرانسوی‌ها رجوع می‌کردم و معنای اصطلاحات کتاب را از آنها می‌پرسیدم. حتی آنها هم به آسانی نمی‌توانستند مشکلات مراحل کنند.

*** آن زمان انتشارات نیل دست کی بود؟**

دست آقای آل رسول و بعضی دیگر از شرکا. او مجدداً مدیرعامل انتشارات نیل شده بود، اما پس از چندی از آنجا کناره گرفت و خودش انتشارات زمان را راه انداخت.

ادامه دارد

داستان

نوشتن درباره کودکی

چشم بد

آرش تبریزی

صدای گریه و شیون پروین و راحله می‌رود بالا. آقای پناهی ســـعی می‌کند همه را آرام کند. می‌گوید: چیزی نیســـت بابا. اســـدخان زنده‌اس. چند روز تو بیمارستان می‌مونه و برمی‌گرده سر خونه و زندگی‌اش. مادرم با شیون می‌پرسد: چرا بهم نمی‌گید چی شده؟ اسد کجا بوده؟ چه بلایی سرش اومده؟ تو بیمارستان چی کار می‌کنه؟ پناهی می‌گوید: راستش من خودم هم نمی‌دونم. آقای امیری تو جریانه. مادرم پرسید: کجاست این امیری؟ و جواب می‌شنود: در بیمارستان پیگیر پروندهٔ پزشکی است.

تا آقای امیری پریشـــان و پراکنده از بیمارستان برگردد، زنان و مردان فامیل و حتی همسایه‌ها در خانه‌مان جمع می‌شوند. هنوز کسی نمی‌داند چه اتفاقی افتاده است. عمویم نگران و مضطرب از امیری می‌پرسد: چه اتفاقی افتاده؟ موضوع چیست و چه بلایی سر برادرم آمده است؟ جواب می‌دهد که: اسدخان در صحرا، کنار خیابان پیدا شده. زیر برف‌ها مونده بوده. یه ناشناس که داشته با ماشین از اونجا رد می‌شده، می‌بینه که زخمیه و داره جون می‌ده، می‌ذارتش تو ماشین میاره به بیمارستان ولی می‌ترسه که گرفتار بشه، جلوی بیمارستان می‌ذاره و میره. چند نفر از مراجعه کننده‌های اونجا می‌بینش گزارش میدن و اسدخان منتقل می‌شه به داخل بیمارستان و خوشبختانه به موقع تحت درمان قرار میگیره.

سکوت بر خانه حاکم می‌شود. چند نفر از زنها، از جمله مادرم و عمه‌ام گریه می‌کنند. عمه‌ام تازه فهمیده که موضوع جدی است. عمویم می‌گوید: یعنی برادرم تصادف کرده؟ آقای امیری می‌گوید: بله، یه چیزی مثل تصادف. نگران نباشین، جای نگرانی نیست. من اونجا بودم، خطر رفع شده.

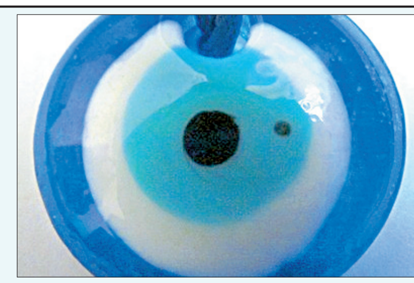
مادرم می‌پرسد: شما خودتون اسدو دیدن؟ زنده بود؟ دکترها چی میگن؟ جواب‌های امیری قانعش نمی‌کند. شال و کلاه می‌کند که: الا ولله منو باید ببرین بیمارستان. امیری و پناهی به ناگزیر قبول می‌کنند و مادرم همراه آن دو و عمویم به بیمارستان می‌رود. در بیمارستان اطلاعات زیادی در اختیار مادرم نمی‌گذارند. دکتر معالج می‌گوید که: خون زیادی از مریض رفته است. امید بهبودی زیاد نیست و همه چیز بعد از عمل معلوم میشود چون گلوی مریض با چیزی شبیه چاقو شکافته شده است.

جای شک باقی نمی‌ماند که حادثه طبیعی نیست و پدرم مورد سوءقصد قرار گرفته است. عجیب این بود که پول‌های پدرم در جیب کتش دست نخورده باقی مانده بود و چیزی از وسایلی که همراه داشت، ربوده نشده بود ولی سلامتی‌اش ربوده شده بود و با افتادن کنار خیابان و چندین ساعت خونریزی شدید روی برف، معلوم نبود که آیا دیگربار به آغوش زندگی برخواهد گشت یا نه؟

وجدان یک معلم

با شرایطی که پیش آمده بود، همه چیز به هم ریخته بود. خانه با حضور همه روزه مادرم در بیمارستان نظم و نسق خود را از دست داد و دیگر کسی نبود که مراقب اوضاع باشد. مادرم هر روز صبح به بیمارستان می‌رود و عصر برمی‌گردد. چون حال پدرم هنوز خوب نشده و به حالت عادی برنگشته، هرشب یکی از فامیل‌های نزدیک نیز در بیمارستان می‌ماند، به عنوان همراه. کارهای خانه را پروین و راحله انجام می‌دهند و مراقبت از فاطمه و زهرا نیز به عهدهٔ من است. خرید نان و چیزهای دیگر هم با من است. انجام دادن تکلیف‌های درسی برایم مشکل شده است. بیماری پدر و پریشانی مادر و خواهرانم تمرکزم را به هم ریخته است. غالباً در کلاس نمی‌توانم به آنچه آقای یزدانی می‌گوید گـــوش بدهم. آقای یزدانی معلم سخت‌گیری است و در بداخلاقی در مدرسه معروف شده است. کتک زدنهایش زبانزد است و بد و بیراه زیاد می‌زند. برای حل تمرینات ریاضی مرا به پای تخته خواند. دفترم آماده نیست و نتوانسته‌ام تمرینات را بنویسم. جلوی جمع دانش‌آموزها می‌خواباند زیرگوشم و تحقیرم می‌کند. این موضوع چندبار دیگر تکرار می‌شود و بعد از چندین نمرهٔ ضعیف، اعلام می‌کند که باید پدرم به مدرسه برود.

چون از یزدانی خوشم نمی‌آید، نمی‌گویم که پدرم مریض است و بستری است. هفته بعد به این دلیل که پدرم به مدرسه نرفته است، از کلاس اخراجم می‌کند و می‌سپارد دست معاون. معاون وقتی مرا از دست یزدانی تحویل می‌گیرد، جلوی او می‌زند توی سرم و می‌گوید: چرا آقارو اینقدر اذیت می‌کنید شما؟ نمی‌دانم منظورش از «شما» کیست. چند روز در همهٔ ساعت‌های مدرسه، بیرون از کلاس می‌مانم، چون یزدانی اجازه حضور در کلاس نمی‌دهد. می‌گوید: تا پدرت نیاد، حق نداری در کلاس شرکت کنی. زیر بار نمی‌روم تا صحبت از اخراج از مدرســـه پیش می‌آید. این بار می‌ترسم ولی نمی‌دانم چگونه باید بگویم که شرایط خانه و زندگی‌مان در چه حالی است!



دو ماه اســـت که پدرم در بیمارستان بستری است. در این مدت او را یکبار هم ندیده‌ام. هر روز چند نفر از آشنایان به عیادتش می‌روند و برمی‌گردند چیزهایی تعریف می‌کنند. می‌گویند: کسی را نمی‌شناسد. چیزی را به خاطر ندارد و از دو قدمی مرگ برگشته است. زنهای فامیل به مادرم می‌گویند: خدا به بچه‌هات رحم کرده وگرنه کسی که این بلا سرش بیاد زنده نمی‌مونه. چند نفر هم خودم را نشان می‌دهند و می‌گویند: خدا به روی پسرت نگاه کرد تا یتیم بزرگ نشه. از قرار معلوم خطر از پدرم رفع شده ولی هنوز به حالت عادی برنگشته. عمل جراحی زیر گلو موفقیت آمیز بوده است. برای اولین بار کلمهٔ «بخیه» را می‌شنوم. از مادرم می‌پرسم: بخیه چیه. می‌گوید: دوختن یه جای بدن به یه جای دیگر است. می‌روم توی فکر که کجای بدن پدرم را به کجایش دوخته‌اند؟

تصور درستی از بیماری و ناراحتی پدرم ندارم. فقط می‌دانم که بستری است و در بیمارستان. غیر از آن چیزی نمی‌دانم. از هرکس چیزی می‌شنوم. عده‌ای می‌گویند: کمبود خون دارد و هرماه چند کیسه خون می‌زنند. کیسه که می‌گویند پلاستیک‌های سفیدی را مجسم می‌کنم که تویش نان و میوه می‌گذارند. گروهی می‌گویند فکش آسیب دیده است. پسر عمویم یحیی می‌گوید: دندانهای خان‌عمو در دهانش خرد شـــده است. عمه‌ام می‌گوید: گوشتی در تن برادرم نمانده. در این میان زن عمویم حرف‌های عجیب‌تری می‌زند. می‌گوید: پدرت را چشم‌زده‌اند. چشم دیدن ثروتش را نداشتند، با نظر بد خانه خرابش کردند. خدا خانه خرابشان کند. مرتب از مادرم می‌خواهد اسفند دود کند. مـــادرم هم گاهی به حرفش گوش می‌دهد و خانه از دود اســـفند و بوی آن پر می‌شود، گاهی هم سکوت می‌کند تا زن عمو آنقدر حرف خودش را تکرار کند، تا خسته شود.

ادامه دارد

روایت استاد ایرج افشار

خانه ما

ادامه از صفحه اول

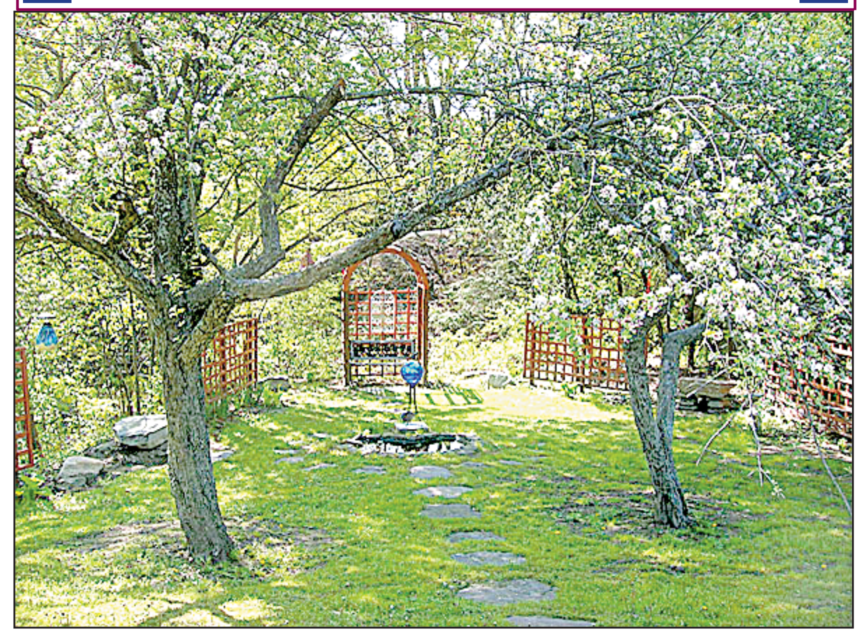
و در شمال همین مستغلات باغ بزرگ و ساختمان مجلل دکتر محمد مصدق قرار داشت. همان باغی که پس از شهریور ۱۳۲۰ به اجازه فرهنگی وکس یعنی محل تبلیغات شوروی درآمد و روزهای پرشوری را جوانهای آن روزگار در آنجا گذرانیدند. خانه علی‌پاشا صالح چسبیده بدان بود. در سمت مشرق خیابان، کمی بالاتر از کوچه بیمارستان وزیری، خانه بزرگ دکتر یوسف بزرگمهر (علیم‌السلطنه) بود، یعنی پدر منوچهر بزرگمهر و هشت نه فرزند دیگر. از میان آنها جمشید کمی از من بزرگتر بود و مقداری از سالهای تحصیلی را با هم گذراندیم و با خواهرش میهن بانو (که بعدها همسر دکتر عیسی سپهبدی شد) در کتابخانه دانشکده حقوق همکار شدم. خواهر دیگرشان همسر استادم دکتر محسن صبا بود.

باغ ما یکسره از درختان میوه پوشیده بود. در آن روزگاران مرسوم نبود که درخت تزئینی (جز چند تا شمشاد و گل سرخ و گل چایی)بکارند و زمین ثمرآور را به گیاه بی‌ثمر هدر بدهند. سیب و گلابی و انگور وزردآلو و هلو و آلبالو و خرمالو هر یک به فصل خود می‌رسید و چون زیاد بود سینی می‌کردند و پدرم برای دوستان می‌فرستاد. مزه انجیر ممتاز آنجا هنوز زیر دندانم است. درختهای انجیر را در باغهای قدیم کنار دیوارهای سمت مغرب می‌کاشتند که آفتابگیر و از سوز زمستان در پناه باشد. انجیرهای باغ ما سر از دیوار چینه‌ای برون کرده بودند و مقداری از آنها را دست‌چین می‌کردند.

بنا به نوشته‌ای که پست قرآنی متعلق به خانواده هست، من تا پنج پشت خود را بیش نمی‌شناسم. پدرم محمود بود و او فرزند محمد صادق و او فرزند احمد و او فرزند کربلائی عاشور افشار. کربلایی عاشور را نمی‌دانم چه کاره بوده است. آنچه احتمال می‌دهم می‌باید از اخلاف افشارهایی باشد که در دوران صفویه درکرمان و یزد مناصب دولتی داشته‌اند. اما فرزند او، حاجی احمد افشار، مسلم است که در یزد به تجارت اشتغال داشت و صاحب ثروتی بود که در زمان جنگ هرات حاکم وقت یزد از او تنخواهی طلب می‌کند و بنا به گفته محمدجعفر خورموجی در کتاب «حقایق الاخبار ناصری» از حاجی مبلغ یکصدهزار تومان گرفته می‌شود و حاجی به تظلم راهی تهران می‌شود و به حضور ناصرالدین شاه بار می‌یابد و موفق به پس گرفتن آن وجه می‌شود. تفصیل قضیه را در کتاب مذکور باید دید و پدرم هم در مقدمه «گفتارهای ادبی» از تألیفات خود بدان موضوع پرداخته است. حاجی احمد دو عیال داشته است که یکی کاشانی بود و او را در بازگشت از سفر تهران، در چند ماهی که نزد طرف تجارتی خود در کاشان مانده بود، به عقد و ازدواج در آورده بود و محمدصادق و محمدتقی از او متولد می‌شوند. فرزندان دیگر، از همسر نخستین او بوده‌اند. همه فرزندان حاجی احمد و اخلاف آنها مگر یکی (حاجی احمد که به تحصیل علوم دینی پرداخت) همه راه بازرگانی پیش گرفته بودند.

پدر بزرگم حاج محمدصادق بود. او از همسر کاشانی حاج احمد فرزند ارشد بود و تجارت می‌کرد و در میدان تجار یزد ازمقدمان بود. نمونه‌ای از فکر عمومی و اعتبار محلی او سخنانی است که در مجلس حکومت، به مناسبت اجرای انتخابات دوره اول ایراد کرده و در روزنامه صوراسرافیل چاپ شده است. حاجی محمدصادق در دوره جنگ بین‌المللی اول اسمش جزو «لیست سیاه» بود. این مطلب از نامه‌ای که... انگلیسی به حاجی رحیم اتحادیه نوشته است و خانم منصوره اتحادیه آن را به من داده است مستفاد می‌شود. خاندان پدری به کارهای عمرانی علاقه‌مندی داشته‌اند. در مسجد فرط یزد که از مساجد بسیار قدیمی است، دیدم که در آنجا وقف افشار است. آب انبار و کاروانسرا و بازار افشار نیز از ساخته‌های آنهاست. اخیراً هم بیمارستان بزرگ شهر یزد را حاجی محمدصادق (دوم)، فرزند حاجی محمدجواد بنیاد نهاد. کتابخانه عطاالله افشار هم از خیرات دیگر آنان است.

پدرم متولد ۱۳۱۳ قمری بود. نمی‌دانست چه روزی متولد شده است. چندی در یزد درس خوانده بود و نزد میرزا حسن مشاق بافقی که خوش خط زمانه خود در یزد بود، مشق خط کرده بود. نسبتاً خط خوشی پیدا کرده بود یعنی خط خوانای محکمی داشت. پس از آن او را به هندوستان می‌فرستند. سه سال در آنجا درس خوانده بود. بعد به ایران باز می‌گردد و به مدرسه علوم سیاسی وارد می‌شود. معلمان او عبدالعظیم قریب، رجبعلی منصور الملک، باقر مهذب الدوله کاظمی و... بوده‌اند. منصور الملک و مهذب الدوله از شاگردان پیشین همان مدرسه بوده‌اند جزوات درسی آنجا به خط پدرم باقی است و همه را به کتابخانه دانشکده حقوق و علوم سیاسی بخشیدم که اینک در مجموعه خطی‌های آنجا موجود است سال اول را به پایان می‌رساند سپس پدر او را به سوئیس می‌فرستد. در لوزان دوره متوسطه را می‌گذراند و در سال ۱۹۲۰ میلادی به اخذ درجه دکتری در علوم اجتماعی (رشته سیاسی) نایل می‌شود. رساله‌اش سیاست اروپا در ایران نام داشت و حدود چهل سال از مراجع کسانی بود که در زمینه تاریخ دیپلماسی ایران تحقیق می‌کردند. پس از بازگشت با مادرم (نصرت برازنده همدانی) ازدواج کرد که پدر و عمویش از تجار یزد بودند. نه فرزند پیدا کرد. نام همه را از نام‌های ایرانی گذاشت. چون



تهران را محل اقامت اختیار کرد به نشر مجله «آینده» پرداخت. داوطلب وکالت از تهران و یزد شد و توفیق نیافت. در مدرسه‌های علوم سیاسی، نظام و دارالفنون تدریس می‌کرد. در مدرسه علوم سیاسی درس تاریخ دیپلماسی می‌داد. به دعوت داور مدرسه عالی تجارت را تأسیس کرد و بعد به دعوت همو مستشاری استیناف را پذیرفت ولی بر سر تغییر قضاوت میانشان اختلاف افتاد. پس به دعوت تقی‌زاده به وزارت مالیه منتقل شد و ریاست ادارهٔ اقتصادی و حقوقی به او داده شد. در آنجا هم ظاهراً به مناسبت اشاره‌ای که خود کرده است با تقی‌زاده اختلاف پیدا می‌کند. جزئیات را نمی‌دانم و نگفته است آنچه اشاره است این است:

پس از اینکه داور وزیر مالیه می‌شود باز خود را به وزارت عدلیه منتقل می‌کند و در آنجا به مستشاری دیوان کشور برگزیده می‌شود. اما پس از شهریور ۱۳۲۰، ظاهراً با مجید آهی که وزیر دادگستری شده بود اختلاف پیدا کرد و به سمت مشاورت به وزارت فرهنگ رفت تا اینکه چندی معاون آن وزارتخانه شد و بر سر نطقی که دربارهٔ آزادی زنان ایراد کرد، ناگزیر به کناره‌گیری شد. پس از آن تقاضای انتظار خدمت کرد و کاری در دستگاه‌های دولتی قبول نکرد. این چند تجربه نشان می‌دهد که نمی‌توانست مطابق ترتیبات اداری ایران سر سازگاری داشته باشد.

مجلهٔ «آینده» در همان سال اول شهرت بسیار یافت. زیرا تا آن وقت هیچ نشریهٔ جدی بر آن اسلوب به مباحث سیاسی و اجتماعی و انتقادی نپرداخته بود. خریداران اغلب از رجال و افراد متشخص بودند. دفتر نام مشترکین آن باقی است و من آنها را به کتابخانه دانشگاه تهران واگذار کردم.

اما مادرم فرزند آقامیرزا نصرالله همدانی بود. پدرانش به تجارت حنا و مازاداری اشتغال داشتند و چون به خرید و فروش چرم به همدان طرف معامله بودند به همدانی شهرت گرفتند. مادرم سیزده ساله بود که به عقد پدرم درآمد و از یزد به تهران آورده شد. پدرم به او تکلیف کرده بود که به تکمیل سواد و حسن خط بپردازد. همه روزه می‌بایست مقداری مشق بنویسد و مقداری فرانسه بخواند. خطش پیشرفت می‌کند. نمونهٔ نوشتهٔ او کتابی تألیف محمدامین رسول‌زاده است که پدرم خواسته بود از روی نسخه‌ای نوشته شود. این گونه کارها و تفننها را از وقتی که فرزند می‌زاید ترک می‌کند. نه فرزند آورد که یکی دختری به نام پروین در کودکی به حوض بزرگ خانه درغلطید و درگذشت. فرزندان دیگرش، جز خودم، عبارتند از نادر، مهدخت، مهربانو، فرنگیس، ساسان، خسرو، قباد. پدرم پشت قرآن خطی جهیزیهٔ مادرم زاده شدن مرا شانزدهم مهر ۱۳۰۴ نوشته است.

بخش خانوادگی را نمی‌توان گذاشت و گذشت مگر اینکه از خاله‌ام بی‌بی‌فاطمه خانم یاد کنم زیرا نسبت به ما مهربانی خاص داشت. چون فرزند پیدا نکرد، مهر مادری نهادی‌اش را صرف بر ما کرد. سالهایی که در یزد اقامت داشت بار خانه‌اش که از شیرینی‌های ممتاز و برگه‌های خوش طعم ده بالا و نان خشک خانگی و اناردان و رب انار غول‌آباد و کشمش بسیار عالی مروست مملو بود، هرچند یکبار می‌رسید و تا چندی آجیل جیب ما به هنگام مدرسه رفتن می‌شد.

آن دیگر که باید از او یاد کنم، ننه رقیه عرب بود. از مجو مرد میبد بود. دایهٔ مادر و خاله‌ام بود. بیست و هشت سال من با او زیستم، در ۱۳۲۸ درگذشت. قصه‌گو و لالایی‌خوان و خوش‌زبان بود. تا می‌توانست خلاف دستورهای اخلاقی و غذایی پدرمان رفتار می‌کرد. در پنهان پسله با ما آنطور می‌بود که خودش می‌خواست و ما آن را می‌پسندیدیم و از سر مهربانی می‌دانستیم.

پدرم در سال ۱۳۱۵ مجبور به ترک خانهٔ بزرگ، نزدیک سرسنگی، در خیابان پهلوی شد. زیرا باغ پهلو به پهلوی باغی بود که رضاشاه برای سکنای یکی از همسران خود خریده بود و بعضی از ایام را در آنجا می‌گذرانید. برای اینکه از خانهٔ مجاور، که باغ ما بود، کسی به باغ شاه نرود و خطر احتمالیش پیش نیاید پدرم را واداشتند خانهٔ مسکونی را به کلانتری محل اجاره بدهد. پس ناچار شدیم که از اینجا به باغ فردوس شمیران که در همان اوقات پدرم خریده بود برویم. تابستان بود و دشواری نداشت، اما نمی‌دانم چه شد که پدرم تصمیم گرفت همانجا بماند و نخواست که به یکی دیگر از مستغلات خود در شهر منتقل شود.

باغ فردوس باغی بزرگ بود که مرحوم دوست‌محمدخان معیرالممالک برای اوقات تابستانی و گذران ییلاقی به وجود آورده بود. در حقیقت مزرعه‌ای بود شامل بر قنات مخصوص خود و پنج استخر وسیع، یکی در قسمت شمالی ساختمان و چهار تا در تخته‌های جنوبی و چند حوض کوچک در جوانب ساختمان. درختان چنار قطور نزدیک مظهر قنات گویای قدمت مزرعه است که پیش از معیر بر جای بوده است. باغ فردوس از یک سمت به محمدیه و از سویی به زعفرانیه و از جانب جنوب به باغ‌های عزالدوله سالور محدود می‌شد. در اوراق بازمانده از عزالدوله و عین‌السلطنه (پدر و پسر) مدارکی مربوط به باغ فردوس دیدم و دکتر منوچهر ستوده در کتاب خود به نام «جغرافیای شمیران» وصفی تاریخی ازین باغ برگفته است.

ساختمان آن مجلل و مزین به گچکاری‌های خوب و دارای تالارهای مفرح بزرگ با چشم‌انداز دل‌انگیز بود. این آبادی بعد از آن محمدولی خان تنکابنی، سپهسالار اعظم بود و در قبال بدهی‌هایش از بابت مالیات به دولت تعلق گرفت. یعنی خالصه شد و دولت در زمان وزارت مالیهٔ علی اکبر داور که اجازهٔ فروش خالصات را گرفت، باغ فردوس را هم به گروهی از کارمندان وزارت مالیه و عدلیه (که داور در هر دو جا خدمت کرده بود) به اقساط چند ساله فروخت.

پدر من هم که آن زمان عضو وزارت مالیه بود، توانست قسمتی را بخرد و آن قسمت بود که اندرون بزرگ آن تشکیلات در آن واقع بود. بنایی که سه طرفش ایوان بود. هر ضلع بنا حدود بیست و پنج بود. در وسط آن ساختمان حوض‌خانه‌ای گردی بود و اطراف آن هشت اطاق بزرگ بود و درختهای چنار کهنسال جای جای باغ سر به آسمان افراشته بود. نام ساختمان اندرونی را جایی خوانده‌ام که اشک بهشت بود و اکنون به یاد نمی‌آورم که کجا خواندم. باغ فردوس در روزگار معیر از تفرجگاه‌های شاهزادگان و اعیان و رجال مملکت بود. ناصرالدین‌شاه هم گاهی به آنجا سر می‌زده است. ساختمان بزرگ را دولت به وزارت فرهنگ داد و نخستین دبیرستان تجریش به نام «شاپور» در آن بنای مجلل تأسیس شد.

داستان

نوشتن درباره کودکی

چشم بد

آرش تبریزی

صدای گریه و شیون پروین و راحله می‌رود بالا. آقای پناهی سعی می‌کند همه را آرام کند. می‌گوید: چیزی نیست بابا. اسدخان زنده‌اس. چند روز تو بیمارستان می‌مونه و برمی‌گرده سر خونه و زندگی‌اش. مادرم با شیون می‌پرسد: چرا بهم نمی‌گید چی شده؟ اسد کجا بوده؟ چه بلایی سرش اومده؟ تو بیمارستان چی کار می‌کنه؟ پناهی می‌گوید: راستش من خودم هم نمی‌دونم. آقای امیری تو جریانه. مادرم پرسید: کجاست این امیری؟ و جواب می‌شنود: در بیمارستان پیگیر پروندهٔ پزشکی است.

تا آقای امیری پریشان و پراکنده از بیمارستان برگردد، زنان و مردان فامیل و حتی همسایه‌ها در خانه‌مان جمع می‌شوند. هنوز کسی نمی‌داند چه اتفاقی افتاده است. عمویم نگران و مضطرب از امیری می‌پرسد: چه اتفاقی افتاده؟ موضوع چیست و چه بلایی سر برادرم آمده است؟ جواب می‌دهد که: اسدخان در صحرا، کنار خیابان پیدا شده. زیر برف‌ها مونده بوده. یه ناشناس که داشته با ماشین از اونجا رد می‌شده، می‌بینه که زخمیه و داره جون می‌ده، می‌ذارتش تو ماشین میاره به بیمارستان ولی می‌ترسه که گرفتار بشه، جلوی بیمارستان می‌ذاره و میره. چند نفر از مراجعه کننده‌های اونجا می‌بینش گزارش میدن و اسدخان منتقل می‌شه به داخل بیمارستان و خوشبختانه به موقع تحت درمان قرار میگیره.

سکوت بر خانه حاکم می‌شود. چند نفر از زنها، از جمله مادرم و عمه‌ام گریه می‌کنند. عمه‌ام تازه فهمیده که موضوع جدی است. عمویم می‌گوید: یعنی برادرم تصادف کرده؟ آقای امیری می‌گوید: بله، یه چیزی مثل تصادف. نگران نباشین، جای نگرانی نیست. من اونجا بودم، خطر رفع شده.

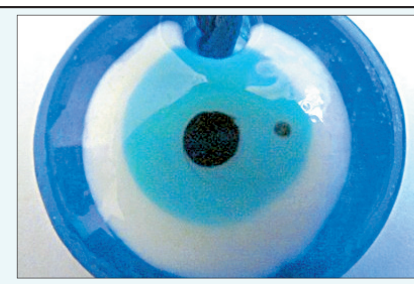
مادرم می‌پرسد: شما خودتون اسدو دیدن؟ زنده بود؟ دکترها چی میگن؟ جواب‌های امیری قانعش نمی‌کند. شال و کلاه می‌کند که: الا ولله منو باید ببرین بیمارستان. امیری و پناهی به ناگزیر قبول می‌کنند و مادرم همراه آن دو و عمویم به بیمارستان می‌رود. در بیمارستان اطلاعات زیادی در اختیار مادرم نمی‌گذارند. دکتر معالج می‌گوید که: خون زیادی از مریض رفته است. امید بهبودی زیاد نیست و همه چیز بعد از عمل معلوم میشود چون گلوی مریض با چیزی شبیه چاقو شکافته شده است.

جای شک باقی نمی‌ماند که حادثه طبیعی نیست و پدرم مورد سوءقصد قرار گرفته است. عجیب این بود که پول‌های پدرم در جیب کتش دست نخورده باقی مانده بود و چیزی از وسایلی که همراه داشت، ربوده نشده بود ولی سلامتی‌اش ربوده شده بود و با افتادن کنار خیابان و چندین ساعت خونریزی شدید روی برف، معلوم نبود که آیا دیگربار به آغوش زندگی برخواهد گشت یا نه؟

وجدان یک معلم

با شرایطی که پیش آمده بود، همه چیز به هم ریخته بود. خانه با حضور همه روزه مادرم در بیمارستان نظم و نسق خود را از دست داد و دیگر کسی نبود که مراقب اوضاع باشد. مادرم هر روز صبح به بیمارستان می‌رود و عصر برمی‌گردد. چون حال پدرم هنوز خوب نشده و به حالت عادی برنگشته، هرشب یکی از فامیل‌های نزدیک نیز در بیمارستان می‌ماند، به عنوان همراه. کارهای خانه را پروین و راحله انجام می‌دهند و مراقبت از فاطمه و زهرا نیز به عهدهٔ من است. خرید نان و چیزهای دیگر هم با من است. انجام دادن تکلیف‌های درسی برایم مشکل شده است. بیماری پدر و پریشانی مادر و خواهرانم تمرکزم را به هم ریخته است. غالباً در کلاس نمی‌توانم به آنچه آقای یزدانی می‌گوید گوش بدهم. آقای یزدانی معلم سختگیری است و در بداخلاقی در مدرسه معروف شده است. کتک زدنهایش زبانزد است و بد و بیراه زیاد می‌زند. برای حل تمرینات ریاضی مرا به پای تخته خواند. دفترم آماده نیست و نتوانسته‌ام تمرینات را بنویسم. جلوی جمع دانش‌آموزها می‌خواباند زیرگوشم و تحقیرم می‌کند. این موضوع چندبار دیگر تکرار می‌شود و بعد از چندین نمرهٔ ضعیف، اعلام می‌کند که باید پدرم به مدرسه برود.

چون از یزدانی خوشم نمی‌آید، نمی‌گویم که پدرم مریض است و بستری است. هفته بعد به این دلیل که پدرم به مدرسه نرفته است، از کلاس اخراجم می‌کند و می‌سپارد دست معاون. معاون وقتی مرا از دست یزدانی تحویل می‌گیرد، جلوی او می‌زند توی سرم و می‌گوید: چرا آقارو اینقدر اذیت می‌کنید شما؟ نمی‌دانم منظورش از «شما» کیست. چند روز در همهٔ ساعت‌های مدرسه، بیرون از کلاس می‌مانم، چون یزدانی اجازه حضور در کلاس نمی‌دهد. می‌گوید: تا پدرت نیاد، حق نداری در کلاس شرکت کنی. زیر بار نمی‌روم تا صحبت از اخراج



از مدرسه پیش می‌آید. این بار می‌ترسم ولی نمی‌دانم چگونه باید بگویم که شرایط خانه و زندگی‌مان در چه حالی است!

دو ماه است که پدرم در بیمارستان بستری است. در این مدت او را یکبار هم ندیده‌ام. هر روز چند نفر از آشنایان به عیادتش می‌روند و برمی‌گردند چیزهایی تعریف می‌کنند. می‌گویند: کسی را نمی‌شناسد. چیزی را به خاطر ندارد و از دو قدمی مرگ برگشته است. زنهای فامیل به مادرم می‌گویند: خدا به بچه‌هات رحم کرده وگرنه کسی که این بلا سرش بیاد زنده نمی‌مونه. چند نفر هم خودم را نشان می‌دهند و می‌گویند: خدا به روی پسرت نگاه کرد تا یتیم بزرگ نشه. از قرار معلوم خطر از پدرم رفع شده ولی هنوز به حالت عادی برنگشته. عمل جراحی زیر گلو موفقیت آمیز بوده است. برای اولین بار کلمهٔ «بخیه» را می‌شنوم. از مادرم می‌پرسم: بخیه چیه. می‌گوید: دوختن یه جای بدن به یه جای دیگر است. می‌روم توی فکر که کجای بدن پدرم را به کجایش دوخته‌اند؟

تصور درستی از بیماری و ناراحتی پدرم ندارم. فقط می‌دانم که بستری است و در بیمارستان. غیر از آن چیزی نمی‌دانم. از هرکس چیزی می‌شنوم. عده‌ای می‌گویند: کمبود خون دارد و هرماه چند کیسه خون می‌زنند. کیسه که می‌گویند پلاستیک‌های سفیدی را مجسم می‌کنم که تویش نان و میوه می‌گذارند. گروهی می‌گویند فکش آسیب دیده است. پسر عمویم یحیی می‌گوید: دندانهای خان‌عمو در دهانش خرد شده است. عمه‌ام می‌گوید: گوشتی در تن برادرم نمانده. در این میان زن عمویم حرف‌های عجیب‌تری می‌زند. می‌گوید: پدرت را چشم‌زده‌اند. چشم دیدن ثروتش را نداشتند، با نظر بد خانه خرابش کردند. خدا خانه خرابشان کند. مرتب از مادرم می‌خواهد اسفند دود کند. مادرم هم گاهی به حرفش گوش می‌دهد و خانه از دود اسفند و بوی آن پر می‌شود، گاهی هم سکوت می‌کند تا زن عمو آنقدر حرف خودش را تکرار کند، تا خسته شود.

ادامه دارد

گفتگو

مصاحبه با زنده یاد ابوالحسن نجفی/۳

بازگشتن همان و ماندن همان!

*** سفر فرانسه چقدر طول کشید و سفر بعدی‌تان کی بود؟**

تقریباً یک سال و نیم طول کشید. به ایران بازگشتم و یک سالی بیکار و بلاتکلیف بودم. فقط با مجله سخن همکاری می‌کردم و در جلسات شبانه آن که هفته‌ای دو بار با حضور جمعی از نویسندگان و همکاران مجله تشکیل می‌شد شرکت فعالانه داشتم. بعد توانستم، با سفارش دکتر خانلری که آن زمان وزیر فرهنگ شده بود، از انستیتوی فرانسه بورس بگیرم و دوباره عازم فرانسه شوم.

این بار دیگر مستقیماً در رشته زبان‌شناسی شروع به تحصیل کردم و در عین حال در کلاس آواشناسی (فونتیک) هم نام‌نویسی کردم و در پایان سال تحصیل در این هر دو رشته موفق به اخذ سرتیفیکا شدم.

در سال تحصیلی بعد، در «مدرسه مطالعات عالی» وابسته به سوربن در کلاس‌های تکمیلی زبان شناسی که استادش همان آنده مارتینه بود و نیز در درس‌های «نقد ادبی» رولان بارت شرکت کردم. سپس برای موضوع رساله دکتری‌ام نزد مارتینه رفتم. مارتینه در همان جلسه اول از من پرسید که به کدام قسمت زبان‌شناسی علاقه‌مند هستم. صرف یا نحو یا آواشناسی؟ من گفتم که می‌خواهم رساله‌ام را در زمینه نحو بنویسم و او پیشنهاد کرد که به بررسی حروف اضافه در متون معاصر زبان فرانسه بپردازم. در همان جلسه رمان بچه‌های کوچک قرن را که به تازگی خوانده بود و خوشش آمده بود به من داد و از من خواست که حروف اضافه آن را استخراج کنم.

این کتاب که بعداً آن را به فارسی ترجمه کردم به زبان گفتاری نوشته شده بود و مملو از اصطلاحات عامیانه بود. کتاب را خواندم و حروف اضافه‌اش را استخراج کردم، اما به نظرم آمد که آن کتاب خیلی کوچک است و باید مواد بیشتری از منابع دیگر استخراج کنم. این شد که یکی دو متن دیگر را نیز از این حیث بررسی کردم و حاصل کار را پیش مارتینه بردم.

وقتی مارتینه کارم را دید خوشش آمد و گفت بهتر است رسما کار رساله‌ام را شروع کنم و موضوع رساله‌ام را هم «ساخت‌های حروف اضافه در زبان فرانسه» تعیین کرد.

در همان جلسه کتاب‌های دیگری را هم به من معرفی کرد، من جمله آثاری از تنی‌یر (Tesniere)، دیگر زبان شناسی معروف فرانسوی، که اول بار اسمش را از همو شنیدم. من بر اساس نظریه مارتینه شروع به بررسی حروف اضافه در جملات فرانسه کردم و اتفاقاً به نکات جالبی در زمینه طبقه‌بندی افعال برحسب حروف اضافه آنها دست یافتم.

پس از مدتی دوباره حاصل کار را به او نشان دادم و او گفت که کار برایش تازگی دارد و مرا تشویق کرد که به تحقیقاتم ادامه دهم. کم‌کم طرح رساله‌ام را نوشتم و فصل اول آن را هم تمام کردم. پس از گذراندن امتحان شفاهی دکترا نزد یکی دیگر از استادان سوربن، از نظر تقویم دانشگاهی مدت کوتاهی فرصت داشتم که رساله‌ام را به ثبت برسانم.

در این زمان مدت بورسم به سر آمده بود. موضوع را با مارتینه در میان گذاشتم و او هم با گشاده‌رویی به یکی از مراکزی که بورس می‌دادند نامه‌ای نوشت و از من به عنوان شاگرد ممتاز خویش یاد کرد و خواست که بورسی به من تعلق بگیرد.

هنوز کپی عکس‌برداری شده آن نامه را دارم. اما خانلری دیگر وزیر نبود و اقدام مارتینه نتیجه‌ای نداد و من هم نتوانستم کاری را تا آخر آوریل تمام کنم. ناچار می‌بایست برای دفاع از رساله تا ماه سپتامبر صبر کنم.

شاید اگر آدم فعال‌تر و زرنگ‌تری به جای من بود دست از تلاش برنمی‌داشت و دنبال کار را می‌گرفت و به نتیجه می‌رسید، اما من هیچ‌گاه چنین روحیه‌ای را در خودم ندیده‌ام. در همان اوان، تصادفاً شاهرخ مسکوب را در پاریس دیدم. او برای گذراندن بورس شش‌ماهه‌ای به فرانسه آمده بود و حالا دیگر داشت کم‌کم وسایلش را جمع می‌کرد که برگردد به ایران.



مسکوب اتومبیلی خریده بود و قصد داشت با همان اتومبیل از فرانسه به ایران برود. او به من پیشنهاد کرد که همراه او به ایران برگردم و در آنجا کار رساله‌ام را تمام کنم و ماه سپتامبر برای دفاع بازگردم. من هم پس از قدری دودلی عاقبت قبول کردم و دونفری از فرانسه با اتومبیل او به ایران بازگشتیم. اما بازگشتن همان و ماندن همان!

*** یعنی دیگر برنگشتید؟**

خیر! و این مربوط می‌شود به سال ۱۳۴۴.

*** چرا برنگشتید؟ خودتان نخواستید یا مشکلاتی پیش آمد؟**

راستش اول فکر می‌کردم چون تمام فیش‌ها و مآخذم همراهم هست، می‌توانم کارم را در ایران تمام کنم. اما بعد که به ایران آمدم دیگر تمرکزم از بین رفت و گرفتار کارهای دیگر شدم و به هر حال نتوانستم دنبال آن کار را بگیرم. مثلاً ترجمه بچه‌های کوچک قرن را که در پاریس تقریباً تمام کرده بودم، در همان چند ماه اول ورودم به ایران آماده کردم و تحویل انتشارات نیل دادم.

این اولین کاری بود که به نیل می‌دادم. این را هم بگویم که اگر در زمان ترجمه آن کتاب در فرانسه نمی‌بودم، هرگز از عهده ترجمه اصطلاحات عامیانه و زبان آرگوی آن بر نمی‌آمدم. معنای این اصطلاحات را در هیچ فرهنگ لغتی نمی‌شد پیدا کرد، و من کراراً به خود فرانسوی‌ها رجوع می‌کردم و معنای اصطلاحات کتاب را از آنها می‌پرسیدم. حتی آنها هم به آسانی نمی‌توانستند مشکلات مراحل کنند.

*** آن زمان انتشارات نیل دست کی بود؟**

دست آقای آل رسول و بعضی دیگر از شرکا. او مجدداً مدیرعامل انتشارات نیل شده بود، اما پس از چندی از آنجا کناره گرفت و خودش انتشارات زمان را راه انداخت.

ادامه دارد

پژوهش

مقاله ای از دکتر حسن ابریشمی / پایانی

رستنی‌های تاریخ طبری



در جنگ و ستیزهای قبایل عرب با یکدیگر علاوه بر خانه‌ها و مواضع سکونت، نخل‌های آنان نیز در خطر نابودی بوده است، و حتی زعمای قبایل در رجزخوانی‌ها و بگومگوهای مناقشـــه‌آمیز خـــود درختان خرمای یکدیگر را نیز تهدید و قطع می‌کرده‌اند. از باب نمونه طبری در وقایع سال ۵۱ ضمن نقل وقایع به همین نکته اشـــاره‌ای دارد: «... زیاد گفت:ای ابومیثا، به خدا، یا حَجَر[از فراریان] را پیش من آر یا همهٔ نخل‌ها را قطع می‌کنم».[۱۰۶]

در روزگار پادشاهی خسروانوشیروان سرشماری جمعیت انجام شده و آماری از مساحت باغ‌های میوه و کشتزارها به دست آمده است. به نوشتهٔ طبری: در اواخر ســـلطنت قباد مقرر شد تا «زمین را از دشت و کوه مســـاحی کنند تا خراج آن معین باشد...».[۱۰۷] این اقدام توسط کسرا پسر قباد (خسرو انوشیروان) عملی شد:

بگفت تا کار را به سر برند و نخل و زیتون و سرها را شماره کنند... و بگفت تا در مساحت زمین و شمار «نخل» و «زیتون» و تعداد سر[جمعیت] بنگرند و چندان که صلاح رعیت و رفاه معاش آنها اقتضا کند خراج مقرر دارند و... بر قُوت انسان و بهائم که «گندم» و «جو» و «برنج» و «تاک» و «سبزی» و «نخل» و «زیتون» باشد خراج نهند و از هر جریب تاکستان هشت درم، و از هر جریب سبزی کاری هفت درم، و از هر چهار «نخل پارسی» یک درم، و از هر شش «نخل معمولی» یک درم، و از هر شش درخت زیتون نیز یک درم بگیرند...[۱۰۸]

طبری از گفتار ابوبکر (خلیفهٔ اول) خطاب به پیکارجویان نقل کرده و از جمله گفته است: «طفل خردسال و پیرفرتوت را نکشید، نخل نبرید و نسوزید، درخت میوه را نبرید...»[۱۰۹]

سرو، خلنج، نخل ماتم

بیش از پرداختن به این مبحث، یادآور می‌شود که ایرانیان از بدو تاریخ به لحاظ خشکی مفرطی که بر اقلیم سرزمین آنها، به‌ویژه بر بیابان‌های بیکران آن، حاکم بوده به درخت و به‌ویژه درختان همیشه سبز، چون سرو، موُرد، گز و نخل توجه خاصی داشته‌اند، به خصوص درخت سرو کاشمر که دست کاشت زردشت بوده و به دستور متوکل قطع شده است، این هیچمدان در مقاله‌ای تحت عنوان «سرو در فرهنگ ایرانی و نقش‌های هخامنشی» به پیشینهٔ این درخت و دلیل قطع آن توسط عامل متوکل پرداخته است.[۱۱۰] عمده دلیل آن اجتماعات عظیم ایرانیان در سایهٔ پهناور این درخت بوده است. در همین زمینه دربارهٔ شرح احوال و زندگی متوکل به تحقیق پرداخته و دریافت است که وی از مواضع تجمع ایرانیان هراسناک بوده است. از باب نمونه به نوشتهٔ طبری، متوکل در سال ۲۳۶ دســـتور داد تا مرقد امام حسین (ع) را از بنیاد ویران کنند، به نوشتهٔ طبری:«متوکل به گفت تا قبر حسین‌بن‌علی را ویران کنند، و منزل‌ها و خانه‌های اطـــراف آن را نیز در هم کوبند و خیش بزنند و بذر بپاشند، و مردم را از رفتن به نزد آن ممنوع دارند».[۱۱۱] در پی آن مقاله‌ای تحقیقی تألیف کرده که تحت عنوان «چهارشنبه‌سوری منشأ از شبانگاه قتل متوکل دارد» منتشر شده است.[۱۱۲] در آن مقاله به تحقیق پیرامون بی‌دادگری‌های این خلیفه، و دشمنی او با آل ابوطالب و دوستداران آنان، و پیامدهای آن، پرداخته و ثابت کرده است که اولاً شب چهارشنبه سوم شوال ۲۴۷، موقع قتل متوکل منشأ «جشن چهارشنبه‌سوری» است، ثانیا «نخل ماتم» عظیمی که در شهرهای کرانه‌های کویری ایران در روز عاشورا به حرکت در می‌آورند. درواقع همان «خلنج» است که طبری به برپا کردن آن در وقایع سال ۲۳۷ اشاره کرده و نمونهٔ آن در شهر یزد با عنوان «نخل ماتم» برجاست. حرکت دادن این نماد و نمود چوبین در روز عاشورا تداعی کنندهٔ درآمیختن سوگ سرو با سوگواری سرور آزادگان است. درواقع «نخل ماتم» که در روز عاشورا با پارچهٔ سبز پوشانده و با شاخه‌های سرو و کاج تزئین می‌شود، دقیقاً تصویری از درخت سرو را در ذهن متبادر می‌کند، همان سان که تصاویر ســـرو ابرقو و نخل ماتم یزد (مندرج در پایان مقالهٔ حاضر) نیز تجلی بخش این شباهت است.

در اینجا با نقل مختصری از اوصاف «سرو کاشمر» و چگونگی قطع آن به فرمان متوکل و حمل تنه و شاخه‌های آن با قطاری از شتر به طول چند کیلومتر، و متصل کردن اجزای آن، و برپا کردن اسکلتی چوبین به شکل سرو در جعفریه بغداد، می‌پردازد و در پایان مقالهٔ حاضر با نقل جمله‌ای عجیب از تاریخ طبری در این باره، به تحلیلی آن پرداخته که بخشی از کتاب در دست تألیف این هیچمدان با عنوان چهارشنبه‌سوری است.

در منابع ایرانی داستان کاشت درخت مینوی یا بهشتی «سرو» توسط زردشت در کاشمر مشهور بوده، و برخی از مورخان و نویسندگان ایرانی بعد از اسلام در آثار عربی و فارسی خود اوصافی از جلال و شکوه این درخت بی‌نظیر در جهان را ـ که جماعات انبوهی از ایرانیان اعم از زردشتی و مسلمان در سایهٔ پهناور این درخت قداست‌آمیز گرد می‌آمدند و نذورات، ولیمه و تنقلات توزیع می‌کردند ـ نقل کرده‌اند. این سرو بی‌همتای همیشه سبز تا روزگار خلیفهٔ ضدایرانی و اجتماعات، یعنی متوکل عباسی با لنده و استوار برپا بود. درختی با چنان شکوه و عظمتی که در عالم مشابه آن وصف نشـــده است، چنان که ثعالبی نیشابوری ضمن نقل اوصافی از سرو کاشمر به چگونگی قطع آن به دستور متوکل اشاره کرده است: «در بلندی، و پهنا، و راستی و سرسبزی کسی مانند آن ندیده بود... متوکل خواست آن را ببیند... به طاهر بن عبدالله نوشت و فرمان داد که سرو را ببرند... چون درخت را بریدند سوگ و اندوه بر مردم گران آمد و فغان و شیون به آسمان رسید...».[۱۱۳] زکریا قزوینی اوصاف زیادی از آزاد سرو خراســـان دارد: «از نظر هیبت و زیبایی و راستی و بلندبالایی در دنیا بی‌همتا بود».[۱۱۴]

به روایت ابوالحسن بیهقی: «در سایهٔ آن درخت زیاده از ده هزار گوسفند قرار گرفتی...» و «... استداره [گردی] ساقِ این درخت چنان که در کتب آورده‌اند، مساحت بیسَت و هفت تازیانه بوده است»؛ برطبق روایت بیهقی با حساب دقیق قطر ساق یا تنهٔ سرو بیشتر از ده متر و پیرامون آن سی و دو متر بوده است. برابر نوشـــتهٔ همو، متوکل دستور داد سروکاشمر را ببرند، و شـــاخه‌های آن را به بغداد برند، تا نجاران تنه و شـــاخه آن را، بر روی هم و به شـــکل سرو اصلی، استوار سازند، تا او عظمت سرو کاشمر را به چشم ببیند. ابوطبیب (امیر طاهر بن عبدالله)، به فرمان متوکل، مأمور بریدن سرو کاشمر شد، اره‌ای مستدیر (دورزنندهٔ) عظیم و اســـباب قطع آن را تدارک دید، مدت‌ها قطع سرو کاشمر طول کشید: «چون بیوفتاد، در آن حدود زمین بلرزید و کاریزها و بناها خلل بسیار کرد. و نماز شام انواع و اصناف مرغان بیامدند، چندان که آسمان پوشیده گشت، و به انواع اصوات خویش نوحه و زاری کردند... پانصد هزار درم صرف افتاد در وجوه تا اصل آن درخت از کشمر به جعفریه[: کاخ متوکل در نزدیک بغداد] بردند، و شاخه‌ها و فروع آن بر هزار و سیصد اشتر نهادند... و آن بر یک منزلی جعفریه به ماند تا عهدی نزدیک...»[۱۱۵] حکیم زجاجی در شرحی منظوم اوصافی بیش از پیشینیان از عظمت سرو کاشمر و نیز چگونگی قطع آن به فرمان متوکل نقل کرده است، درختی که: «دو فرسنگ در سایهٔ آن بود / در آن سایه خورشید پنهان بود»، و به گفته او بر شش هزار شتر تنه و شاخه‌های آن را به بغداد بردند: «شتر بودند در زیر آن شش هزار / چنان تا به سامره بردند بار».[۱۱۶]

شرح و اوصاف غم‌انگیز چگونگی قطع آزاد سرو خراسان توسط معدودی از نویسندگان و مورخان قدیم نقل شده اما همواره مایهٔ نفرین و لعن بر متوکل طی دوازده قرن گذشته بوده است، به گفتهٔ روانشاد



سعید نفیسی در مقالهٔ «سروی که از پا درآمد» در سال ۱۳۳۳:همهٔ تاریخ‌نویسانی که این واقعه را نقل کرده‌اند با بیان بسیار مؤثر حسرت‌انگیز از آن سخن رانده‌اند. این لحنِ سوزناکِ شورانگیز می‌رساند که ایرانیان از این کار زَشت تا چِه اندازه رنجیده خاطر شداند و این واقعه را چه‌سان از کارهای زشت بیگانگانی، که بر ایران مسلط شده‌اند، می‌دانسته‌اند. این حسرت و تأثر تنها از آن جهت نیست که مردی ستمگر و خونخوار، خلیفه‌ای بیگانهٔ مستولی بر ایران، این درخت را که جنبهٔ تقدس و تبرک داشته بدین گونه از پای درآورده اســـت، بلکه تا اندازه‌ای هم بدان جهت است که ایرانیان، در آن روزهای درخشندگی تاریخ ایرانیان، درخت افکندنِ بیهوده را کاری زشت می‌دانسته‌اند... این مثل معروفَ فارسی بهترین معرف عقاید نیاکان ماست: «درخت افکن بود کم زندگانی».

با وجود این ایرانیان هوشـــمند در آن روزگار چنان تمهیدی اندیشیده و عملی کرده‌اند که آثار آن دو جنایت متوکل، یعنی ویران کردن مرقد سرور آزادگان در صحرای غاضریه(کربلا) و قطع آزاد سرو خراسان در کاشمر، همواره پایدار بماند. دانشمندان ایرانی و خارجی، طی حدود دو قرن اخیر، مطالبی دربارهٔ سرو کاشمر، با استناد به منابع تاریخی و متون کهن عربی و فارسی، نوشته‌اند، ولی آنان متوجه نکته‌ای بسیار مهم دربارهٔ تاریخ قطع درخت ســـرو کاشمر (که طبری مورخ بزرگ ایرانی در متن عربی وقایع دوران متوکل گنجانده است) نشده‌اند.

براساس همین نکته، با اطمینان می‌توان گفت که ۱۳۰۰ یا ۶۰۰۰ اشتر حامل قطعات تنهٔ تناورِ در هم شکسته، و انبوهِ ساقه‌ها و شاخه‌های اصلی و فَرعی، سرو کاشمر به بغداد رسیده، و ماکت عظیم، یا درواقع مجسمه، چیزی همانند و تقریباً هم‌اندازهٔ همان درخت، یعنی سرو کاشمر، برای دیدن متوکل برپا شده است. بی‌تردید این رویداد در سال ۲۳۷ بوده که مستندات و شواهد آن موجود است. مستند تاریخی آن عبارت جمله‌ای رمزی، کاملاً مستقل از دیَگر وقایع سال ۲۳۷، که طبری نقـــل کرده، و از حذف و هدمهای عوامل خلیفگان بعدی مصون مانده و تاکنون کسی به مفهوم راز پنهان آن پی نبرده است. طبری ضمن نقل وقایع سال ۲۳۷ از جمله نوشته است (تاریخ طبری، ج ۱۴، ص ۶۰۳۹، ۶۰۴۰):

در این سال هشت روز مانده از ربیع‌الاخر محمد بن عبدالله طاهر[برادر طاهر بن عبدالله طاهر ملقب به ابوطیِّب، همان که به فرمان متوکل درخت سرو کاشمر را قطع کرد و به بغداد فرستاد] از خراسان بیامد و بر نگهبانی و اعمال سواد و نیابت امیر مؤمنان[خلیفه متوکل] در مدینه‌السلام گماشته شد آنگاه سوی بغداد شد. در این سال متوکل، محمد بن احمد داودی را از مظالم[: عدالت خانه‌ها] برداشت و محمد بن یعقوب معروف به ابوالربیع را بر آن گماشت و... در این سال در ماه جمادی‌الاخر «خلنجی» را به معرض[دید] مردم به پا داشتند. در این سال ابن اکثم، حیان بن بشر را به قضای سمت شرقی گماشت... در این سال به روز فطر متوکل دستور داد تا پیکر احمد بن نصر خزاعی را[از دار اعدام] فرود آرند و به اولیای وی بدهند.

اکنون باید به کشف رمز رازی پنهان در عبارات جملهٔ طبری، ممتاز شـــده باَ حروف سیاه، در وقایع مزبور پرداخت، با این پرســـش کـــه: در واقعهٔ ماه جمادی‌الاخر سال ۲۳۷، به شرح فوق که طبری نقل کرده، لغت» خلنج» به چه معناست؟ بدان لحاظ که «خلنج» مُعرَّبِ واژهٔ فارسی «خَدنگ» و آن درختی تناور و همیشهَ سبز همتا و همانندِ درخت سرو است، طبری به منظور مصون ماندن نوَشته‌اش از حذف یا انهدام، توســـط عُمّال متعصِّب خلیفگان بعدی این کلمه را برای اسکلت یا ماکتِ تجسُّم‌بخش همان درخت سرو به کار برده است، که از قطعات عظیم تنه و شاخه‌های سرو کاشمر، مشابه آن درخت برپا کرده‌اند. اشارهٔ هوشیارانهٔ طبری باعث شده است که تا بحال کسی متوجه مفهوم سرِّ مکتوم این جمله نشود، چون نفرین‌های علیه متوَکلِ از قطعَ این درخت تناور (با وجود آگهی‌های نسل‌های بعدی از این جنایت خلیفه) استمرار پیدا می‌کرده است. به خصوص که سال قبل از قطع سرو کاشمر، متوکل در سال ۲۳۶، مرقد ســـرور آزادگان در کربلا را ویران کرده و این دو واقعهٔ غم‌انگیز با هم گره خورده است. بدان سان که آن مجسمهٔ چوبین سرو کاشمر تحت اصطلاح « نخلِ ماتم» شـــهرت پیدا کرده، و در همان هیأت و هیبتَ آزاد سرو خراســـان در بسیاری از شهرها و آبادی‌های پراکنده در مرکز و کرانه‌های کویر بزرگ خراسان «نخل ماتم» برپا شده و عظیم‌ترین آنها در شهر یزد موجود است.

آن مجسمهٔ چوبین عظیم، یعنی « نخل ماتم» را، که نمادی از سرو کاشمر دست کاشتِ زردشت است، در روزهای اول محرم َتا قبل از تاسَوعا، به شیوه‌ای خاص تزئین می‌کنند، به این ترتیب که توسط کسانی معروف به «نخلبند»، آن پیکرهٔ چوبین را آن مجسمهٔ چوبین عظیم نمادی از ســـرو کاشمر، معروف به « نخل ماتم»، با پارچه‌های سبز یا سیاه پیراهنی عظیم می‌پوشانند، و با شاخه‌های سرو و کاج آن را سبزپوش و، گاهی با آینه‌بندی، تزئین می‌کنند پیش از ظهر روز عاشورا چند صد نفر از عزاداران «یاحسین» گویان آن را به حرکت در می‌آورند. تصویری از درخت سرو تناور ابرقو، می‌تواند تا حدودی عظمت و شکوه سرو دست کاشت زردشت در کاشـــمر را نشان دهد، همچنین شکل و شـــمایلی از «خلنجی که در سال ۲۳۷ در بغداد بپا داشته‌اند» یا همان قطعات چوبین سر هم‌بندی شدهٔ پیکرهٔ بسیار عظیم سرو کاشمر را تصویر « نخل ماتم یزد» در مقیاس خیلی کوچکتر به نمایش می‌گذارد.

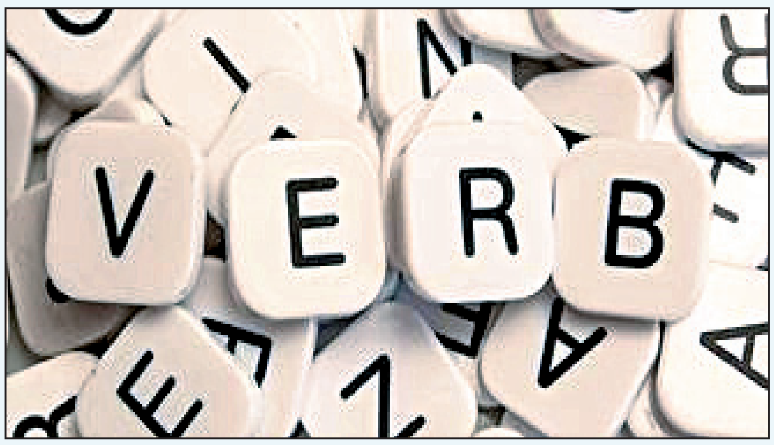
بدین سان، در عالم خیال، می‌توان قامت نخل ماتم یزد را با پیراهن سبز، یا پوششی از شاخه‌های کاج و سرو، تجسم بخشید و آن تصویر ذهنی را با تصویر سرو ابرقو مقایسه کرد. به همین ترتیب باز هم در عالم خیال تصویر یا تصوری از درخت سرو کاشمر که در عالم بی‌همتا وصف شده است و خلنجی که به نوشتهٔ طبری در بغداد در معرض عام برپا داشته‌اند در ذهن تداعی یا ترسیم کرد.

پی‌نویس‌ها:

۱۰۶. تاریخ طبری، ص ۲۸۲۴.
۱۰۷. همان، ص ۷۰۲.
۱۰۸. همان، ص ۷۰۳.
۱۰۹. همان، ص ۱۳۵۳.
۱۱۰. پژوهش‌های ایرانشناسی، جلد ۱۵، ستوده‌نامه، به کوشش ایرج افشار، تهران، بنیاد موقوفات دکتر افشار ۱۳۸۴، مقالهٔ «ســـرو در فرهنگ ایرانی و نقش‌های هخامنشی» محمدحسن ابریشمی، ص ۹-۲۹.
۱۱۱. تاریخ طبری، ص ۶۰۶۳.
۱۱۲. پژوهش‌های ایرانشناســـی، جلد ۱۷، به کوشش ایرج افشار، تهران، بنیاد موقوفات دکتر افشار، ۱۳۸۷، مقالهٔ «چهارشنبه‌سوری منشأ از شبانگاه قتل متوکل دارد» محمدحسن ابریشمی، ص ۱-۲۷.
۱۱۳. ابومنصور ثعالبی نیشابوری، ثمار القلوب فی المضاف و المنسوب، ترجمهٔ رضا انزابی‌نژاد، مشهد، دانشگاه فردوسی، ۱۳۷۶، ص ۲۷۷.
۱۱۴. زکریـــا قزوینی، آثار البلاد و اخبـــار العباد، ترجمهٔ عبدالرحمن شرفکندی، تهران، مؤسسهٔ علمی اندیشه، ۱۳۶۶، ص ۲۱۴؛ همو، همان، ترجمهٔ محمدبن عبدالرحمان، به کوشش دکتر سیدمحمد شاه مرادی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۲۳۹.
۱۱۵. تاریخ بیهق، ابوالحسن علی‌بن زید بیهقی معروف به ابن فندق، به کوشش احمد بهمنیار، تهران، ۱۳۱۷، چاپ دوم، تهران، انتشارات فروغی، بی‌تا، ص ۲۸۱-۲۸۳ به اختصار.
۱۱۶. همایون‌نامه، تاریخ منظوم حکیم زجاجی (سرودهٔ سدهٔ هفتم هجری)، به کوشش علی پیرنیا، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۳، ص ۶۶۷-۶۶۹.
۱۱۷. عکس از پرستو ابریشمی، در سمت چپ تصویر در زیر درخت سرو مؤلف ایستاده است.

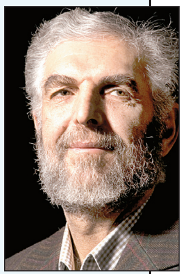
با دکتر ملاصالحی درباره گفتگوی تمدن ها

عمل گفتگو



شرح

اشکان زارع



تمدن‌ها هنگامی فروپاشیده اند که وحدت درونی وپیکروارشان با نظام‌های ارزشی که درلایه‌های درونی ترفرهنگ‌ها آشیانه دارند درهم شکسته شده وفاصله وفراق میانشان افتاده است.

باردیگربراین نکته‌انگشت تاکید می نهیم فرهنگ‌ها اساسا اعم بر تمدن‌هایند و تمدن‌ها اخص از فرهنگ‌ها. ما به هر میزان به لایه ها و زیرلایه های بنیادی تر و درونی تر و روحانی ترو معنوی تر فرهنگ ها نزدیک تر و نزدیک تر شده‌ایم به تفاهم و همدلی بیشتر دقت یافته ایم، به باور بنده، تجربه های اصیل و گوهرین عرفانی یکی از اصیل ترین وجه تجربه گفت و گو و تفاهم و همدلیدر عالم بشری ما هستند.

به هر میزان از این سرچشمه های گوهرین دورتر شده ایم و به هر میزان ریشته های اتصال معنوی و حلقه های پیوند باطنی ما با سرچشمه های گوهرین وجودی خویش گسسته تر شده و میان ما و آن سرچشمه‌ها فاصله و فراغ بیشتر افتاده به چنگ و دندان بیشتر پناه برده ایم.

فراموش نکنیم که علی رغم این واقعیت که فن آوری و مهارتهای تکنیکی و فن آورانه انسان نقش سرنوشت ساز و تعیین کننده در پاسخگویی به نیازهای فوری وحیاتی ما داشته اند لیکن وجهی از همین مهارتهای بنیادین در پاسخگویی به نیازهای حیاتی و فوری بشری ما عمیقاً حیوانی ا ند .یعنی حیوانیت ما را آشکارمیکنند.

نخستین ابزارها امتداد چنگ و دندان آدمیان بودند. الگوی شکار جانوران را بشرپیش ازتاریخ از حیات وحش بر می گیرد.درصیانت نفس وبقای گروه جانوران وحشی وحیات وحش سرمشق او هستند. اساسا» دورانی از تاریخ بشررا پژوهشگران روزگاردوران تقلید(Mimetic period)نامگذاری واطلاق کرده اند. بیش از دو و نیم میلیون سال را بشرپیش ازتاریخ چونان شکارگرازسر گذرانده است. واین چنین پیش از تاریخ بشر سپری شده است.

یعنی با چنگ ودندان وجنگ وگریزوشکارجانوران وحشی برای زنده ماندن. حتی وقتی درمعرض تهدید جدی قرارمی گرفت همنوعان خود را نیز می درید ومی خورد.

هرباروهرگاه لایه ارزش‌ها درجان اوشکسته شده بشرباردیگرچونان شکارچی پیش ازتاریخی با چنگ ودندان برصحنه ظاهرشده است. تصادفی نیست که در دورهٔ جدید نیز اینک که لایه نظام‌های ارزشی واعتقادی بیش از پیش شکسته شده ودرمعرض تهدید و فروپاشی جدی قرارگرفته است ؛ شکارچیان وحشی عالم مدرن با سلاح‌های کشتارجمعی بمیدان آمده اند و بذرخشونت برزمین فرهنگ ها، جامعه‌ها می افشانند و باقساوت وبی رحمی وسنگدلی بی سابقه با داس مرگ مزرعه‌های انسانی ما را درو می کنند ومکارانه و شیطانی وحشیانه تر از همیشه ویرانی‌ها را دامن می زنند.

بشرشکارچی پیش از تاریخ با طبیعت درآمیخته بود و جانش لبریز ازنوعی معصومیت طبیعی بود. توحش بشرعالم مدرن نه تنها معصومانه نیست که مکارانه و دقیق طراحی ومهندسی ومدیریت شده است. بهمین دلیل نیزبسیارخطرناکتر وغم انگیزتر وویرانگرترازخشونت‌ها وحشیگری‌های بشرادوارگذشته است.

متاسفانه چنین بنظرمی‌آید هنوز ابعاد مخاطره انگیز وویرانگروزنگ خطرناک وحشیگری‌ها وخشونت ورزی‌های نهادینه شده بشرعالم مدرن را پرده‌های گوش وهوش ما احساس نکرده است. بشرزمانه ما آماده است با فشاردکمه ای هرآن جهانی را بگورستانی از اجساد مبدل سازد بی آن که احساسی از وجدان ندامت یا به مفهوم هستی شناختی وبنیادی تراحساسی از گناه درجان اوبیدارشود.

بشر عالم مدرن نه گناه آگاه است ونه شرط گناه را برعمل خویش می پذیرد .گناه آگاهی واحساس تقصیر وقبول شرط گناه برعمل خویش را مدیون تجربه‌هاو سنت‌های اصیل دینی هستیم . بشرعالم مدرن علی رغم آنکه برکوهی از اطلاعات و فراورده‌های فکری ودستاوردهای علمی واکتشافات واختراعات فتی بی سابقه تکیه زده است وعلی رغم آنکه توانسته بیش از هردوره ای ظاهرا» برچالش‌های طبیعی فایق آید بیش از انسان هرعصر وعهد دیگری از غفلت واز تهی بودگی واز خویش بیگانگی واز خویش گریزی رنج می برد.

معماری آن هزارتوی دیدالی یا پیچ لاخی را می ماند که براثرزلزله‌های شدید از درون چونان آوار برخود فرود آمده وفروپاشیده است. زیرآوارزلزله‌های سنگین با هستی ونیستی خویش دست وپنجه می فشارد.

خوشا بحال خوابگردان وخفتگان که درخواب لزش‌ها وتکان‌ها را احساس نمی کنند! دریک چنین موقعیت دشواروشکننده آنهم به مقیاس جهانی آن می توان گمان زد بیدارکردن اندیشه گفتگودرذهن وفکر وخرد نظام‌های سیاسی وملت‌ها وکشورهای جهان تا چه میزان مهم وحیاتی است.

*** از فرهنگ و تمدن در نسبت با گفت و گو صحبت شد، حال به ایران باز گردیم و مفهوم فرهنگی ایران، ایران فرهنگی چیست و مرزهای آن چگونه ترسیم می شود؟**

ایران فرهنگی به این دلیل استفاده می شود که می خواهیم از جغرافیای مرزهای تنگ سیاسی دورهٔ جدید که بر ساختهٔ قدرت های فرامنطقه ای است عبور کنیم. مفهوم ایران فرهنگی در درون یک مرز جغرافیای طبیعی و حصار ودیوار مفهوم سیاسی ونژادی وقومی وقبیله ای وعشیره ای درمی گنجد. یک مفهوم ناسیونالیستی ونژادی نیزنیست.ایران و ایرانیت یک مفهوم معنوی، تاریخی و فرهنگی ورفیع ووالائیست.

بسیار فراخ تر از مفهوم ایران در یک جغرافیای سیاسی یا طبیعی یا قومی وقبیله ای وعشیره ای وطایفه ایست. فراموش نکنیم دو تحول مهم و عظیم و سرنوشت ساز جامعه و جهان بشری ما در پایان هزاره های پیش از تاریخ و سرآغاز هزارهٔ سوم که در غرب آسیا و خاورنزدیک اتفاق افتاده است نقش مردمان این سرزمین در آن اتفاقات و تحولاٍت، مهم و تعیین کننده بوده است. ایران صرفاً یک ایران سیاسی، طبیعی و فرهنگی نیست. صرفا یک ایران مدنی، تاریخی و معنوی هم نیست تاریخ ایران به عنوان یک ملت و ایرانیان به عنوان یک ملت صاحب کتاب و کلام با پیام‌های متعالی و اخلاقی وجهانی زرتشت آغاز می شود و در زمان هخامنشیان جامه تحقق بر تن می‌پوشد از آن هنگام ایرانیان به عنوان یک ملت بر صحنهٔ تاریخ جهانی حضورفعال وتعیین کننده دارند.

عقبه وپیشینه پیش از تاریخی وشهری ومدنی ومعنوی مردمان این جغرافیای باز و بی حصار که به ایرانش می شناسیم هم غنی هم تاثیر گذاردر تحولات منطقه بوده است.

با این همه تاریخ ایرانیان چونان تاریخ یک ملت، تاکید می کنم ملت ، با ظهور زرتشت وجلوس کورش ونظام سیاسی هخامنشی افتتاح می شود. ازآن پس ما چونان ملتی تا این لحظه تاریخی بر سه هزاره میراث مشترک نبوی تکیه زده ایم، میراث نبوی وحدانی عهد باستان و میراث نبوی ایران در دولت قرآن که عصر طلایی تاریخ ملت ما هم به لحاظ مدنی و معنوی و هم غنای تفکر به ویژه تفکر اشراقی بوده است.

ما قوم و قبیله و عشیره نیستیم، به رغم تنوع عظیم و غنی قومی و فرهنگی یک ملت هستیم .ملتی با یک سنت فکری عمیق واصیل حکمی واشراقی و نبوی.با روحی حماسی و ذوق و ذایقه‌ای عمیقا» عاشقانه وتغزلی وشاعرانه.چگونه این عناصربظاهر متضاد کنارهم چیده وجمع شده اند ووحدت پیذیرفته اند؟ دردرون ودرمسیریک تجربه تاریخی درازآهنگ که هم سوگناک هم حماسی هم خلاق همپرفرازوفرود هم با قبض وبسط‌های پی به پی ونفسگیرهمراه بوده است بکف آمده وجامعه تحقق برتن پوشیده است.

*** تأکید شما در این گفت و گو تا به حال بر مدار معنویت و باطن گرایی ایرانی بوده است، با توجه به نظرات شما در این خصوص تقسیم بندی شما از نفوذ ایران در حوزهٔ ایران فرهنگی چگونه است؛ آیا ایرانیان با استفاده از خرد و اندیشهٔ سیاسی خود توانستند به این حوزهٔ تمدنی دست یابند یا نفوذ باطن گرایی ایرانی و معنویت ایرانی در سیاست و البته ادبیات که بخش اعظم خرد سیاسی ایرانی را با خود حمل می کند توانست این حوزهٔ حغرافیایی عظیم را به وجود بیاورد؟**

بنده انگشت تاکید برباطن گرایی ایرانی ننهاده‌ام، لیکن براین باورم که سنت ومیراث نبوی ومعنوی وفکری واشراقی وعرفانی ونوعی خرد وحکت متعالی که ایرانیان برآن تکیه زده اند همچنان دراین سرزمین زنده است.

به موزه تاریخ نه پیوسته است. اگرچنین بود. زلزله انقلاب اسلامی درایران اتفاق نمی افتاد. خاورمیانه نبوی را هم تکان نمی داد.ازیاد نبریم که خاورمیانه سرزمینی نبویست وپیامبرخیز. وحدانیت، وحیانیت ونبوت میراث مشترک همه ملل خاورمیانه از جمله با خترزمین دردوهزاره اخیراست.

این میراث مشترک نبوی بیش از هرسرزمین دیگروتازه نفس تر از هرجای جهان اینک درایران حضور و ظهورش احساس می‌شود. تصادفی نیست که همان رفتار و ستیزی را که اعراب جامعه جاهلی ومشرک با پیامبر داشتند اینک نیز باهمان خصلت وخوی جاهلی وستیز وعناد جاهلانه علیه کانون وخاستگاه انقلاب اسلامی به میدان آمده اند. تاریخ یک آوردگاه است.

آوردگاه فکرها وعقل‌ها وفهم‌ها و وهم‌ها.

باید آمادگی لازم را برای مواجهه داشت. با اندیشه وخرد وهوشمندی وهشیارانه وتحرکات و تحولات پیرامن خویش را رصد کرد.لحظه ای از اندیشه گفتگو وآرمان تفاهم دست نشست وکناره نگرفت. البته اگرزمانی کاربه کارزارکشید برای دفاع نیزمی باید آماده بود. آمادگی محکم، استوار و نیرومندانه. فراموش نکنیم که هرجا که خرد است بی خردی هم آنجا کمین کرده است. هرگاه خدمت با همت تر به میدان آمده خیانت نیز فعال‌تر عمل کرده است.

*** با مشخص شدن مفاهیم وابسته به ایران فرهنگی و مدارهای منطق و خرد در کانون و پیرامون آن شما چه نسبتی بین ایران فرهنگی و گفت و گوی تمدن ها قائل هستید؟**

فرهنگمندی لازمه هرگفتگوای است. فرهنگ‌ها پنجره‌های گشوده برویهم اند. حتی بظاهرسرد وبسته ترینشان دروازه‌ها وپبجره.هایشان بروی هم گشوده است. درهمه فرهنگ‌ها زمینه وراه گفتگو گشوده است. زبان‌های بشری ما ازجمله مصادیق بارزوغیرقابل انکار نسبت من با دیگری است. جغرافیای این نسبت هم پرچین وشکن وتوبرتو هم فراخ ودامن گسترست. زبان‌های بشری ما پرده از ساختارمشترک وجودی ما نیز برمی گیرند. همین ساختارمشترک وجودی دروازه‌های تفاهم را درشکننده و مخاطره‌انگیز ترین موقیعت‌ها ومقاطع تاریخی بروی ما گشوده اند.

به نظر شما نقش و رابطهٔ ایران فرهنگی در پیشبرد گفتگوی تمدن ها چیست و چگونه می توان از این داشتهٔ فرهنگی در پیشبرد این اهداف استفاده کرد؟

این می تواند دراین مسیرگام‌های مهمی را برگیرد. گفتگو عمل است. درعمل می باید آنرا زیست وآزمود وتجربه کرد. جامعه ای که طرحش را درمی اندازد خودمی باید شرمشق گفتگو وگفتمان آزاد باشد. زمینه اش را فراهم آورد.بمردمانش بیاموزد که نخست سخن یکدیگربشنوندوسپس درباره آنچه شنیده اند ابرازعقیده واظهارنظر کنند.

کالای هرکسی مرغوب ترخریدارش بیشتر. قرآن شریف چنین فرمودند: « **وبشرعباد الذین یستمعون القول ویتبعون احسنه**» هیچ شکستی درزندگی کوتاه انسان غم انگیز وتاسفبارتر از این نیست که راهی را چنان کژه ورفته وتاخته باشیم که هم گوش وچشممان استعداد شنیدن وديدن را ازکف داده باشد هم زبانمان الکن وناتوان وناکام ازگفتن سخن راستی مانده باشد هم درهای خرد وبازگشت بروی مان ممهورشده باشد.

*** با توجه به مقالات شما در دفاع از گفت و گوی تمدن ها به نظر حضرتعالی چرا باید از نظریهٔ گفت و گوی تمدن ها دفاع کرد، دفاع از گفت و گوی تمدن ها دفاع از چه چیزی است و گفت و گوی تمدن ها منجر به چه پدیده ای خواهد؟**

اندیشه گفتگوی تمدن‌ها فرصت خوبی را فراهم خواهدآورد تا ارتشی عظیم ازآزادگان ووجدان‌های عدالتخواه جهان را ازکشورها و جوامع مختلف کنارهم بچینیم وجامعه جهانی را بمخاطرات هول انگیزی که پیش روست حساس وبیدارکنیم.نظام سلطه جهانی چنان همه وهیاهو وآنارشیزمی براه انداخته که صدایی شنیده نشود وهیچ ساز وسمفونی کوک نگردد. دریک چنین شرایطی یک گفتگوی اصیل که صدا وسمفونی آنرا بشریت بشنود ضروری وحیاتیست.همهمه وهیاهو ازخاموشی‌بسیارخطرناکتراست.

اتفاقا گاه درخاموشی شرافت وفضیلتی است که درسخن گفتن هم نیست. فراموش نکنیم که خاموشی هم خود یک زبان مستقل است وبا قواعد زبانی خاص خود.درقرآن شریف موارد فراوانی ووجود دارد که خاموشی شان وفضیلت عبادت وروزه جان را یافته است.

لیکن هیاهو وهمهمه چنین نیست . فراخوانده می شود تا صدای حقی شنیده نشود. پیامی رحمانی درپرده‌های گوش وهوش ما طنین نیاندازد. زخمه ونغمه ای روحانی تارهای جان مارا مرتعش نکند. نفخه ونفس و صوری وسروری ملکوتی درجان‌های افسرده ما دمیده نشود وازگورتن برنخیزیم وبه مقام رستاخیز نایل نشویم.

چهل سال پیش...

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز چهارشنبه ۱۲ خردادماه ۱۳۵۵ (برابر با ۳ جمادی‌الثانی ۱۳۹۶، ۲ ژوئن ۱۹۷۶) نقل شده است.

حرارت برای معالجه سرطان بکار گرفته میشود

بنابر نوشته مجله فرانسوی «اکسپرس» پزشکان آمریکائی و فرانسوی میکوشند که از «حرارت» علیه بیماری سرطان استفاده کنند.

دکتر «هری‌لوین» آمریکایی گفته است که با استفاده از حرارت، تاکنون ۲۱ بیمار را در مرکز پزشکی دانشگاه نیویورک در بروکلین مداوا کرده و غده‌های سرطانی را کوچک کرده است. همین پزشک گفته است: وقتی یک غده سرطانی نیم ساعت در حرارت ۴۱ درجه قرار بگیرد، بدخیمی آن کاهش می‌یابد و اینک مسئله مهم تدارک وسیله‌ای است که انسان را از این مقدار حرارت در امان نگه دارد.

پزشکان در ساعات اداری نباید ویزیت بگیرند

وزیر تندرستی و رفاه اجتماعی امروز در بخشنامه‌ای به پزشکان موسسات دولتی که در ساعات اداری برای معاینه بیمار ورق زرد دفترچه خدمات درمانی را بر می‌دارند، اخطار کرد که تحت تعقیب جزایی قرار میگیرند.

در این بخشنامه یادآوری شده که پزشکان شاغل در موسسات درمانی دولتی، و وابسته به دولت در صورتیکه بیماران بیمه شده را در ساعات اداری مورد معاینه قرار دهند، نباید از حق درمان سازمان خدمات درمانی که ماخذ آن ورقه زرد دفترچه بیمه شده است استفاده کنند. در صورتیکه پزشکی بهنگام معاینه در موسسه درمانی دولتی اقدام به برداشتن برگ زرد کند بعنوان دریافت دستمزد بدون مجوز تحت تعقیب قرار خواهد گرفت.

سفر سلطان قابوس به تهران

مسقط ـ خبرگزاری فرانسه ـ خبرگزاری قطر گزارش داد سلطان قابوس بن سعید به دعوت شاهنشاه ایران در ماه جاری بطور رسمی از ایران دیدن خواهد کرد.

خبرگزاری قطر تصریح کرد که هدف اصلی این دیدار بررسی اوضاع منطقه خلیج فارس و تضمین امنیت آن است.

فرشهای ایرانی در بیروت به غارت رفت

جنگ شدید لبنان سبب شد که مقداری از فرش های دستباف ایران که توسط چند تن از بازرگانان ایرانی به آن کشور صادر شده بود، به ایران بازگردانده شود.

در ماه‌های اخیر مقدار دیگری از فرشهای پرارزش دستباف ایران که در حدود ۷۵ تا ۸۰ میلیون تومان ارزش داشت به سه انبار مجاور گمرک بیروت بصورت امانت گذاشته شد و چون این قسمت در منطقه مسیحیان قرار دارد، حفاظت آنها بعهده چند تن از مسیحیان سپرده شد ولی بقرار اطلاع اخیراً این فرشها توسط محافظان انبارها بغارت رفته و با قیمت نازلتر از حد معمول در گوشه و کنار بیروت بفروش رسیده است.

قیمت چای تنزل میکند

مقدار قابل توجهی از چای‌های وارداتی ببازار عرضه شده و همچنین روز بروز بمقدار برداشت و عرضه چای داخلی نیز افزوده میشود و همین امر موجب شده تا نه تنها از سیر صعودی قیمت چای جلوگیری شود، بلکه پیش بینی شده است تا هفته آینده قیمت چای بخصوص چای داخله که قیمت آن در یک ماهه اخیر بعلت کمبود زمینه ترقی کرده بود مجدداً حدود کیلوئی ۵ تا ۱۰ ریال تنزل کند.

قیمت چای محصول داخله:

چای شکسته درجه یک کیلوئی ۱۶۰ ریال و درجه دو کیلوئی ۱۱۰ ریال چای قلمی درجه یک کیلوئی ۱۵۰ ریال و درجه دو کیلوئی ۱۲۵ ریال چای باروتی درجه یک کیلوئی ۱۴۰ ریال درجه دو کیلوئی ۷۰ ریال.

میزان سود بازرگانی اتومبیلهای فیات ـ اپل ـ بی.ام.و اعلام شد

گمرک ترخیص اتومبیل، سود بازرگانی و حقوق گمرکی برخی از اتومبیل‌های وارداتی ۱۹۷۶ را که طبق تصویبنامه هیات دولت ماخذ دریافت سود بازرگانی آنها ۶۰ درصد ارزش سیف تعیین شده است اعلام کرد.

سود بازرگانی حقوق گمرکی این اتومبیل ها به شرح زیر است: پژو ۵۰۴ ال ـ ۲۱۷ هزار ریال، فیات «جی ـ ال ـ اف» ۱۳۲ ـ ۱۶۰۰ ـ ۲۲۰ هزار ریال، فیات «جی ـ ال ـ اف» ۱۳۲ ـ ۱۸۰۰ ـ ۲۳۱ هزار ریال فیات «اس» ۱۳۱ ـ ۱۶۰۰ ـ ۲۱۱ هزار و پانصد ریال و...

قاب امروز



برداشت شمام – هرمزگان–مهر

پند بزرگان

مناجات

الهی اگر چه بهشت چون چشم و چراغ است
بی دیدار تو درد و داغ است.
دوزخ بیگانه را بنگاه است
و آشنا را گذرگاه است
و عارفان را نظرگاه است.

الهی اگر مرا در دوزخ کنی دعوی دار نیستم و اگر در بهشت کنی بی جمال تو خریدار نیستم.
الهی!
من به حور و قصور ننازم، اگر نفسی با تو پردازم، از آن هزار بهشت سازم.

خواجه عبدالله انصاری

امروز در تاریخ

زمانی که قبرس به قلمرو ایران اضافه شد

محاسبات تقویمی نشان می دهد که جزیره ۹ هزار کیلومتری قبرس در مدیترانه شرقی در ماه ژوئن سال ۵۴۵ پیش از میلاد به قلمرو ایران افزوده شد و این زمان در کتاب های تاریخ قرون قدیم مندرج است. این جزیره که از نظر وسعت سومین جزیره مدیترانه به‌شمار می رود تا مارس ۳۳۲ پیش از میلاد [۴ ـ ۵ ماه پس از نبرد ایسوس] هنوز در دست ایرانیان بود. نبرد ایسوس که در آن ارتش ایران از اسکندر مقدونی شکست خورد در نوامبر ۳۳۳ پیش از میلاد روی داد. ناحیه ایسوس تا ساحل مدیترانه فاصله زیاد ندارد. در دوران حکومت ایران بر قبرس، نهال و بذر بسیاری از درختان میوه منطقه مدیترانه و نیز حنا (برای تولید رنگ قرمز) از این جزیره به ایران و نهال و بذر چند نوع انگور ایران به آنجا منتقل شد. ایرانیان از معادن مس قبرس استفاده می کردند. قبرس ۱۹ دهه یک پایگاه دریایی ایران در مدیترانه بود.

اعتراض تاریخی ایران به دولت انگلستان درباره بحرین

۱۲ خرداد ۱۳۳۱ وزارت امور خارجه ایران (دولت دکتر مصدق) در یادداشتی به دولت انگلستان تاکید کرد که امضای هرگونه قرارداد این دولت (انگلستان) با بحرین ایران را، نقض تعهدات و یک «دو ـ رویی» محض می دانَد.

در این یادداشت آمده بود که دولت انگلستان طبق اسناد موجود از زمان شاه عباس به بعد، بارها پذیرفته است که مجمع الجزایر بحرین گوشه ای از قلمرو ایران است بنابراین، نباید با متمرّدین این جزایر قرارداد امضاء می کرد. نسخه ای از این یادداشت به سفارت انگلستان در تهران تسلیم شده بود.

سه دهه بعد، یکی از موارد جرم امیرعباس هویدا که در بهار سال ۱۳۵۸ به حکم قاضی شرع دادگاه انقلاب اعدام شد؛ گذشتن از حقوق ایران در قبال بحرین و تن دادن به تجزیه کشور بود.

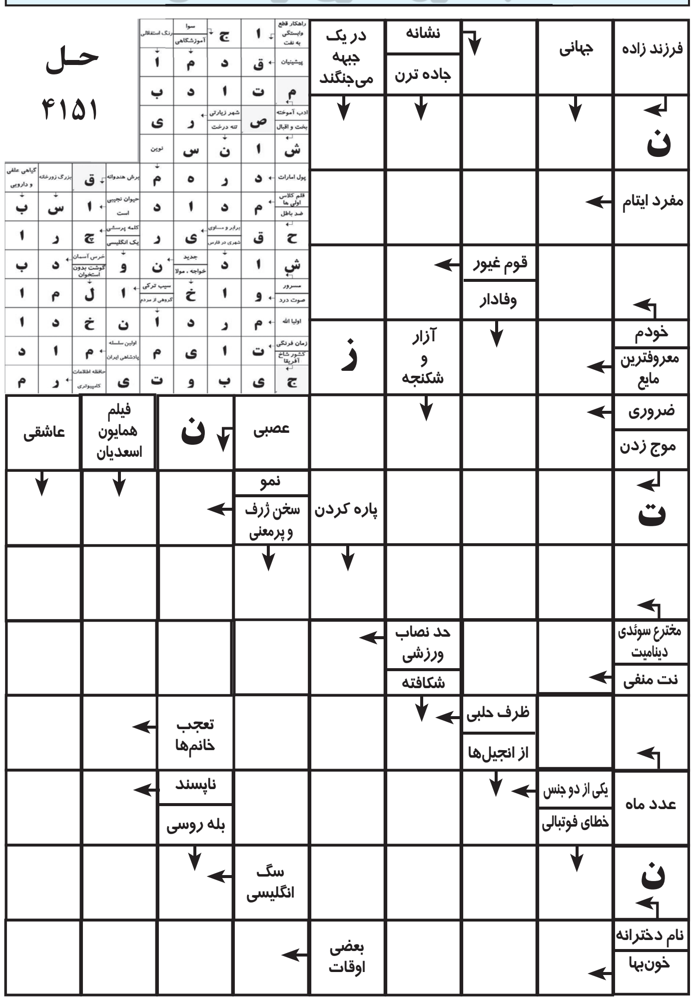
مرگ ۱۹ افسر اطلاعاتی انگلستان در یک سانحه هلی کوپتر

دوم ژوئن ۱۹۹۴ بر اثر سرنگون شدن یک هلی کوپتر که از شهر بلفاست (ایرلند شمالی) به پرواز درآمده بود ۱۹ افسر اطلاعاتی انگلستان وابسته به اینتلیجنس سرویس این کشور (سازمان ام.آی ـ۵) کشته شدند. در این حادثه شش افسر ارتش و پلیس نیز جان سپرده بودند.

www.iranianshistoryonthisday.com

۴۱۵۲ جدول شرح در متن

غلامحسین باغبان



سودوکو ۱۶۳۹

۷	۵	۲			۴			۶
	۸				۲	۳		
	۱			۸				
۲				۶	۳			۸
۴			۵	۹				۳
				۴			۳	
		۳	۶				۴	
۶			۸			۵	۲	۷

۵	۱	۲	۷	۳	۹	۶	۸	۴
۶	۸	۴	۵	۱	۲	۷	۳	۹
۷	۳	۹	۶	۸	۴	۵	۱	۲
۲	۵	۱	۹	۴	۷	۳	۶	۸
۳	۷	۶	۲	۵	۸	۹	۴	۱
۹	۴	۸	۱	۶	۳	۲	۵	۷
۸	۲	۵	۳	۹	۱	۴	۷	۶
۱	۶	۷	۴	۲	۵	۸	۹	۳
۴	۹	۳	۸	۷	۶	۱	۲	۵

حل ۱۶۳۸

ویژه نامه روزنامه اطلاعات شهرستان نایین
مدیر ویژه نامه:
محمد فرزانیان محمدی ۰۹۱۳۷۰۷۰۶۵۰
MOHAMMAD_FARZANYAN@YAHOO.COM
طراحی و صفحه آرایی:
فریبا شمس ۰۹۱۳۱۲۳۰۰۲۰
لیتوگرافی و چاپ: شرکت ایرانچاپ
(مؤسسه اطلاعات) ۰۲۱۲۹۹۹۹
نشانی: نایین، خیابان امام (ره) پاساژ گلسرخ

اطلاعات نایین



حفظ امنیت موجب پیشرفت کشور در عرصه های مختلف شده است


حجت الاسلام والمسلمین سید علی

سجادی امام جمعه نایین در خطبه های نماز در مسجد جامع این شهر با تبریک فرارسیدن نیمه شعبان روز سربازان گمنام امام زمان (عج) گفت: امروز با وجودی که بیشترین توطئه ها متوجه کشور ماست، به پشتوانه الطاف الهی، یاری امام زمان (عج) و تلاش سربازان گمنام امام زمان (عج) از امن ترین کشورها هستیم.

وی افزود: **امنیت کشور مدیون چشمان تیزبین و اشراف اطلاعاتی و مراقبت های سربازان گمنام امام زمان (عج) است که با قدردانی از تلاش شبانه روزی آنان، توفیق آنها را از خداوند خواهانیم.**

حجت الاسلام سجادی با اشاره به روز ملی جمعیت اظهار نظر کرد: جمعیت ایران رو به پیر شدن است و اگر تدبیر نکنیم، توانایی جامعه برای کار و فعالیت از بین خواهد رفت.

حجت الاسلام سجادی به دیدار اخیر اساتید، قاریان و حافظان برتر شرکت کننده در سی و سومین دوره مسابقات بین المللی قرآن کریم با رهبر معظم انقلاب اشاره کرد و گفت: رهبر فرزانه انقلاب در این دیدار وظیفه امت اسلام را مبارزه برای روشنگری بیان کردند و گفتند که **متاسفانه بعضی دولت‌های اسلامی به ملت‌های خود خیانت می کنند و با طاغوت اعظم که آمریکاست همکاری دارند و این گرفتاری امروز دنیای اسلام و منطقه ماست.**

سجادی ادامه داد: یهود سرسخت ترین دشمن مسلمانان است و هیچگاه از دشمنی با آموزه های اسلامی دست برنمی دارد.

زندگینامه آیت الله جنتی رییس جدید مجلس خبرگان رهبری



آیت الله احمد جنتی با سابقه ترین عضو فقهای شورای نگهبان است و پس از منصوب شدن از سوی حضرت امام خمینی (ره) در اسفند ۱۳۵۸ در تمام ادوار شورای نگهبان حضور داشته است.

وی فرزند هاشم متولد سوم اسفند ۱۳۰۵ در لادان از بلوک ماربین واقع در سه کیلومتری غرب اصفهان است و دارای تحصیلات اجتهاد است. از جمله سوابق کاری آیت الله جنتی می توان به عضو مجلس خبرگان رهبری، عضو شورای بازنگری قانون اساسی، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام و رئیس ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر اشاره کرد. رئیس سازمان تبلیغات اسلامی، رئیس شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، عضو شورای عالی تبلیغات خارج از کشور، عضو و رئیس شورای مرکزی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها، نماینده مقام معظم رهبری در امور بالکان، نماینده مقام معظم رهبری در اتحادیه انجمن های اسلامی دانش آموزان، امام جمعه موقت تهران، قم، اهواز و کرمانشاه، عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و قاضی دادگاه های انقلاب اسلامی اهواز و دبیر شورای نگهبان از دیگر سوابق کاری وی به شمار می رود.

جلسه برنامه ریزی بزرگداشت سالگرد ارتحال ملکوتی امام خمینی(ره) در فرمانداری نایین



حجت الاسلام والمسلمین سجادی نماینده ولی فقیه و امام جمعه نایین در جلسه برنامه‌ریزی بزرگداشت سالگرد ارتحال امام خمینی(ره) درباره مقام و سیره شخصیتی حضرت امام گفت: ایشان کسی بودند که راه انبیا را زنده رفتند و به ملت ما روحیه دادند و تفکر دینی را در جامعه متبلور کردند.

امام غرب را به چالش کشیدند و در برابر تفکرات مادی غرب ایستادگی کردند و پایه گذار نظام اسلامی در دوران بی دینی و مادیگرایی شدند.

امام جمعه نایین ابراز امیدواری کرد مراسم ارتحال امسال هم مانند سال های گذشته با شکوه برگزار شود.

سهراب مظفر نجفی فرماندار شهرستان نایین هم گفت: اگر این انقلاب رخ نمی‌داد و اگر این نهضت که پرچمدار آن خمینی کبیر بود، وجود نداشت وضع اسلام در دنیای امروز چگونه بود؟ دورانی که در آن قرار داریم متأسفانه توسط تکفیری‌ها و گروه‌های افراطی اسلام را دینی خشن معرفی کرده است، اما ما به برکت انقلاب اسلامی و رهبری امام راحل و مقام معظم رهبری و تلاش‌های دولت تدبیر و امید در عرصه دیپلماسی چهره رحمانی اسلام را به دنیا معرفی می کنیم، به گونه‌ای که سران کشورهای دنیا با احترام به کشور اسلامی ایران سفر می کنند و نوک پیکان انتقاد را به‌سوی رژیم آل سعود به دلیل افراط گری و اسلام هراسی نشانه رفته‌اند.

در باب شخصیت حضرت امام باید گفت خداوند مقرر فرمود عبد صالح خدا بیاید و در یک مقطع تاریخی ضمن بنیانگذاری نظام مقدس جمهوری اسلامی، آبروی اسلام را حفظ کند.

فرماندار شهرستان نایین خواستار حضور باصلابت مردم در مراسم سالگرد ارتحال حضرت امام شد و بر هرچه باشکوهتر برگزار شدن این مراسم تأکید کرد.

سرهنگ اکبری فرمانده ناحیه مقاومت بسیج سپاه نایین هم در این مراسم گفت: مانند سال‌های گذشته از همه توان خود در برگزاری باشکوه و اعزام عاشقان امام راحل به مرقد مطهر استفاده خواهیم کرد.

وی افزود: امسال ۸ دستگاه اتوبوس به مرقد بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران اعزام خواهد شد. در پایان جلسه کمیته‌های مربوطه موظف به برنامه‌ریزی درباره وظایف محوله شدند.

جلسه بررسی مشکلات مالیاتی بازاریان نایین برگزار شد



آقای فاطمی رئیس دارایی نایین در گفتگو با جمعی از بازاریان اصناف گفت: بر اساس اطلاعیه سازمان امور مالیاتی کشور، مودیان مالیاتی ملزم به استفاده از سامانه صندوق فروش (مکانیزه فروش) یا رایانه دارای سیستم نرم‌افزار فروشگاهی هستند که در صورت استفاده نکردن از این سامانه‌ها، از معافیت مالیاتی مقرر در قانون برای سال مربوط محروم خواهند شد.

وی افزود: طبق این طرح، قرار است هزینه‌های انجام شده بابت خرید، نصب و راه‌اندازی دستگاه سامانه صندوق فروش (POSمکانیزه فروشگاهی) یا رایانه توسط صاحبان این مشاغل (اعم از سخت‌افزار و نرم‌افزار) از درآمد مشمول مالیات مودیان مزبور در اولین سال استفاده قابل کسر شود.

در این جلسه اصناف مشکلات مالیاتی خود را مطرح کردند که آقای فاطمی توضیحات لازم را ارائه کرد.

سرطان پروستات چیست؟

سرطان پروستات از شایعترین سرطان ها در آقایان است که به علت رشد سلول های بدخیم داخل پروستات ایجاد می شود. پروستات غده کوچکی است که در ناحیه لگن مردان، زیر مثانه و جلو قسمت انتهایی روده قرار می گیرد.

عملکرد این غده، شناور کردن اسپرم هایی است که بیضه ها تولید می کنند. تشخیص و درمان سرطان پروستات ابتدای ابتلا بسیار آسان است، اما در صورت عدم تشخیص بموقع این سرطان و گسترش بیماری به سایر نقاط بدن غیر قابل درمان است و منجر به مرگ می شود.

معمولاً علت ایجاد این سرطان ناشناخته است. اما خطر ابتلا به سرطان پروستات در کسانی که سابقه ابتلا به سرطان به ویژه کلیه، مثانه، ریه، تیرویید و ملانوم را دارند، افزایش می یابد.

راه تشخیص این سرطان، یک آزمایش خون ساده برای اندازه گیری آنتی‌ژن مخصوص پروستات (PSA) است. این آزمایش خون باید در مردان بالای ۵۰ سال به صورت سالانه، صورت گیرد تا بتوان بیماری را در همان مراحل نخست شناسایی کرد.

همه آقایان ممکن است به این سرطان مبتلا شوند، اما سن ابتلا به طور معمول بالای ۵۰ سال است و با افزایش سن این احتمال افزایش می یابد. اگرچه عامل سن قابل تغییر نیست یعنی نمی توان سن را کم کرد، اما با رفتارها و شیوه زندگی سالم می توانید هم جوانتر بمانید، هم اثر افزایش سن را برای ابتلا به سرطان کاهش دهید. چند توصیه های مهم برای پیشگیری از سرطان پروستات: ۱ـ عدم مصرف غذاهای حیوانی چرب از قبیل انواع گوشت های قرمز ، پنیر و لبنیات پرچرب و ... ۲ـ مصرف میوه، سبزی (مانند خانواده کلم ها، گل کلم و ...) وغذاهای حاوی گوجه فرنگی ۳ـ پرهیز از استعمال دخانیات (به علت آن که حاوی ۴۰۰۰ ماده شیمیایی که بیماریزایی ۴۰۰ ماده و سرطانزایی ۴۰ ماده آن اثبات شده است) ۴ـ مصرف مکمل ویتامین «دی» به صورت ماهانه یک قرص ۵۰۰۰۰ واحدی ۵ـ انجام فعالیت بدنی به صورت منظم و مستمر با شدت متوسط ۵ روز در هفته و هر بار ۳۰ دقیقه

واحد سلامت خانواده و جمعیت
شبکه بهداشت و درمان نایین



همایش نسیم مهر برای کمک به خانواده زندانیان در نایین



همایش نسیم مهر به‌منظور حمایت از خانواده زندانیان با حضور مسئولان شهرستان نایین از دادگستری و اعضای انجمن حمایت از زندانیان شهرستان در فرمانداری برگزار شد.در این مراسم، ثالثی، معاون فرماندار شهرستان نایین گفت: قوانین مصوب شده است تا جمعیت زندانیان کاهش یابد، چرا که رفتن سرپرست خانواده به زندان باعث بروز آسیب‌هایی برای خانواده مجرم و زندانی می‌شود و به همین دلیل برای جلوگیری از این آسیب‌ها باید از خانواده زندانیان حمایت کرد.

خادمی رئیس دادگستری شهرستان نایین هم با تشکر از حضور اعضاء در همایش نسیم مهر گفت: **هدف این همایش بهره گیری از پتانسیل‌های ادارات و کارخانه‌ها و مؤسسات خیریه در کاهش صدمات ناشی از حبس سرپرست خانوار است.وی افزود: قوانینی در حال تصویب است که هدف اصلی آن حبس زدایی است.**

احمد قاسمی دادستان نایین هم گفت: طبق قانون شخص مرتکب جرم باید نتیجه جرم خود را ببیند و خانواده مجرم نباید دچار تبعات حبس وی شود.

وی افزود: نهادهای حمایتی در کشور زیادی وجود دارد که شاید هم پوشانی و هم افزایی در حمایت از خانواده زندانیان ندارند و باید در این زمینه به یک هم پوشانی رسید. دادستان نایین خاطر نشان کرد. باید تلاش کنیم منبع درآمدی پایداری برای خانواده زندانیان ایجاد کنیم.

مشکلات شهرک صنعتی نایین بررسی شد





با حضور مهندس بگی مدیر عامل شرکت شهرک‌های صنعتی استان اصفهان ،سهراب مظفر نجفی فرماندار شهرستان نایین ،حسین ثالثی معاون فرماندار ،بخشداران مرکزی و انارک شهرستان نایین و شماری از مسئولان اجرایی و صنعتگران شهرستان مشکلات شهرک صنعتی نایین مورد بررسی قرار گرفت.

در ابتدای جلسه فرماندار شهرستان نایین با معرفی شهرستان گفت: **نایین از قطب‌های تولید قطعات خودرو در کشور است و شهرک صنعتی نایین و نواحی صنعتی انارک و نیستانک از امکانات خوبی برخوردارند**، اما برخی کمبودها هم وجود دارد که امیدواریم با رفع آن زمینه برای سرمایه گذاری در این شهرستان فراهم شود.

مظفر نجفی ادامه داد: **آمادگی کامل داریم در تکمیل شهرک صنعتی نایین از توان همه دستگاه‌های اجرایی استفاده کنیم.**

مدیر عامل شرکت شهرک‌های صنعتی استان اصفهان هم با اشاره به مشکلات و رکود تولید در کشور برخی سیاست‌های گذشته در دولت قبل ، تحریم‌ها و کمبود نقدینگی صنایع و عدم اشتیاق به خرید را باعث ایجاد مشکل برای صنایع و تولید دانست و افزود در کنار این مشکلات ، نوع انتخاب در تولید و بازاریابی هم بر مشکلات صنایع افزود.

مهندس بگی ادامه داد: **در زمینه روشنایی کامل شهرک ، آب مصرفی صنایع و گاز پیگیری‌هایی را انجام داده‌ایم و قراردادهایی منعقد شده است که به‌زودی اجرا خواهد شد.**

وی همچنین با اشاره به خدماتی که در شهرک صنعتی نایین ارائه می شود، قیمت زمین در این شهرک را بسیار مناسب دانست که باعث تشویق سرمایه گذاران در ایجاد صنایع در این شهرک می شود. در این جلسه مواردی مطرح و مصوب شد که از طریق دستگاه‌های اجرایی در شهرستان و استان پیگیری و قول تأمین اعتبار برخی از پروژه‌ها در شهرک صنعتی از سوی مدیر عامل شرکت شهرک‌های صنعتی استان اصفهان ارائه شد.

شیوه زندگی و ناباروری

ناباروری معمولاً به عدم بارداری پس از یک سال تماس جنسی منظم و بدون پیشگیری از بارداری تعریف می شود. به طور معمول ناباروری تقریباً ۱۵ درصد از زوج ها را در طول زندگی تحت تأثیر قرار می دهد.

در زوج باروری که سن زن از ۳۰ سال کمتر باشد، در طول یک دوره قاعدگی حدود ۲۵ـ ۲۰ درصد شانس بارداری وجود دارد. به عبارت دیگر **در هر ماه از هر ۱۰۰ زوج جوان دارای تماس جنسی منظم و بدون پیشگیری از بارداری، حدود ۲۵ـ۲۰ زوج احتمال باردار شدن دارند.** تقریباً ۴۰ درصد ناباروری ها ناشی از عوامل مرتبط با زنان، مانند بسته بودن لوله ها یا نداشتن تخمک گذاری است. حدود ۴۰ دصد ناباروری‌ها هم ناشی از عوامل مردانه نظیر کاهش تعداد یا حرکت اسپرم است. در حدود ۱۵ تا ۲۰ درصد موارد علت ناباروری نامشخص است و علیرغم طبیعی بودن آزمایش ها، دلیل قطعی برای باردار نشدن وجود ندارد.

عوامل متعددی وجود دارد که باروری زوجین را تحت تأثیر قرار می دهد. **برخی از این عوامل شامل سن، سیگار، فشار روحی، وزن، ورزش سنگین، الکل، تعداد تخمک موجود در تخمدان ها، بیماری ها و شرایط زمینه ای است.**

ـ با بالا رفتن سن در زن ها، باردار شدن دشوار می شود. شایان ذکر است که سن مناسب بارداری ۱۸ تا ۳۵ سالگی است.

ـ سیگار اثر منفی زیادی بر سلامت باروری دارد. مدت زمان لازم برای باردار شدن یک خانم سیگاری دو برابر یک خانم غیر سیگاری است. سیگار احتمال سقط خود به خودی و دیگر عوارض بارداری از جمله زایمان زودرس، تأخیر رشد داخل رحمی جنین، مشکلات سلامت شیر خواران و سندروم مرگ ناگهانی شیر خوار را افزایش می دهد. سیگار کشیدن مردان و زنان (هر دو) اثر قابل توجهی روی باردار شدن خانم ها دارد. همچنین سیگار شانس موفقیت درمان های ناباروری را کاهش می دهد.

ـ وزن بر باروری موثر است. تخمک گذاری در خانم هایی که وزن خیلی زیاد یا وزن خیلی کم دارند نامنظم بوده و این افراد ممکن است با مشکل عدم تخمک گذاری روبرو شوند.

ـ معمولاً زمانی که زوجین تمایل به بارداری دارند، نیاز به رژیم غذایی خاصی ندارند، مگر این که پزشک برای باردار شدن رژیم غذایی خاصی را تجویز کند.

توصیه می شود که خانم ها استفاده از کافیین را کاهش دهند. این ماده در قهوه، چای، شکلات و شیر شکلات دیده می شود.

کافیین می تواند جذب آهن و کلسیم (که دو ماده معدنی مورد نیاز برای بارداری و لقاح هستند) را کاهش دهد.

همچنین مصرف زیاد کافیین ممکن است خطر سقط خود به خودی را افزایش دهد.

ـ ورزش نقش مهمی در سلامت عمومی دارد. چهار جلسه ورزش ۳۰ـ ۲۰ دقیقه ای متوسط در هفته می تواند وزن را در محدوده‌ی خاص نگه دارد و باروری را به حداکثر برساند.

واحد سلامت خانواده و جمعیت شبکه بهداشت و درمان نایین

مدیر کمیته امداد شهرستان نایین از اجرای طرح توشه برکت خبر داد



احمدیوسفی مدیر کمیته امداد شهرستان نایین با اشاره به نزدیک شدن ایام پایانی ماه شعبان و فرا رسیدن ماه مبارک رمضان گفت:در آستانه ماه مبارک رمضان و هچنین هفته اطعام نیازمندان و اکرام ایتان، این نهاد برنامه حمایتی ویژه‌ای برای کاهش نیاز معیشتی و کمک به ۱۵۱۵ خانوار زیر پوشش را در دستور کار خود دارد. وی افزود: اجرای طرح توشه برکت با شعار، هر خانواده اهل سخاوت تقبل حداقل هزینه یک سبد غذایی نیازمندان به نحوی که هیچ سفره‌ای در ماه مبارک رمضان خالی از مواد غذایی ضروری در افطار و سحر نباشد، با همکاری نهادها، سازمانها و دستگاه‌های اجرایی، شرکت‌ها و نیکوکاران در همه پایگاه‌های کمیته امداد، مراکز نیکوکاری، بسیج، مساجد و مصلای نماز جمعه در سطح شهرستان برگزار خواهد شد.مدیر کمیته امداد شهرستان نایین تصریح کرد: **جمع آوری کمک های مردم نیکوکار در هفته آخر ماه شعبان آغاز می‌شود و در هفته نخست ماه مبارک رمضان (۱۳۹۵/۳/۱۶ تا ۱۳۹۵/۳/۲۱) بین نیازمندان و ایتام توزیع خواهد شد.** وی با تقدیر از همراهی های همیشگی مردم سخاوتمند شهرستان با کمیته امداد ابراز امیدواری کرد با مشارکت و همکاری همه جانبه اقشار مختلف مردم، برکت ویژه ای از اجرای این طرح به نیازمندان و خانواده های تحت حمایت برسد. یوسفی اضافه کرد: به همین منظور شماره حساب ۳۲۶۵۹۱۳۰۱ نزد بانک کشاورزی شعبه مرکزی نایین و شماره حساب ۳۳۲۶۴۵۷۴۸۱ نزد بانک ملت شعبه نایین برای دریافت کمک های نقدی مردم نوعدوست وشماره تلفن های ۹_۴۶۲۶۷۴۰۷ برای پاسخگوی عزیزان در نظر گرفته شده است.

